

کیمهان^{۵۱۱}

KAYHAN.LONDON

بنیانگذار: دکتر مصطفی مصباح‌زاده

جمعه ۱۹ تا پنجشنبه ۲۵ اردیبهشت ۱۴۰۴ خورشیدی

سال چهل و یکم - شماره ۱۹۷۷



مذاکرات در سایه یک جنگ اعلام نشده

خرید سالنامه مهسا



قیمت: ۵۰ (پنجده) پوند

تعداد صفحات: ۱۴۳۶

قالب فایل: پی‌دی‌اف (PDF) | حجم فایل: ۵۳۰ مگابایت
نحوه دریافت سالنامه پس از پرداخت: از طریق ایمیل
برای خرید سالنامه به سایت **کیهان لندن** مراجعه فرمایید

خرید کتاب سقوط بهشت



قیمت: ۱۵ (پانزده) پوند

تعداد صفحات: ۷۵۲

قالب فایل: پی‌دی‌اف (PDF) | حجم فایل: ۱۳ مگابایت
نحوه دریافت کتاب پس از پرداخت: از طریق ایمیل
برای خرید سالنامه به سایت **کیهان لندن** مراجعه فرمایید



بنیانگذار:

دکتر مصطفی مصباح‌زاده

KAYHANLIFE
SPOTLIGHT ON A GLOBAL IRANIAN COMMUNITY

@KayhanLife

@kayhanlife

@KayhanLife

https://kayhanlife.com/
newsletters-subscription

کیهان شما، کیهان لندن

@KayhanLondon

@kayhanlondon

@kayhanlondon

https://t.me/kayhan_london

10 New Square-Lincoln's Inn
London WC2A 3QG

Tel: 0044 (0)20 3633 3684

e-mail:

info@kayhan.london

ads@kayhan.london

editorial@kayhan.london

www.kayhan.london

www.kayhanlife.com

سال چهل و یکم

کیهان شماره ۱۹۷۷ (۵۱۱)

۱۹ تا ۲۵ اردیبهشت ۱۴۰۴

۹ تا ۱۵ مه ۲۰۲۵



نام‌ها و عاشقانه‌ها

حکایتی شیرین از عشق و دلدادگی

نوشته: داریوش پیرنیا

به گوشش متصوره پیرنیا

لفظاً جهت: نیه کتاب "نام‌ها و عاشقانه‌ها" با انتشارات مهر ایران

شماره تلفن: ۳۰۱۲۷۹۶۷۷ و یا ۲۴۰۶۰۲۷۲۳ در شرق آمریکا تماس حاصل نمایید.

Web: www.pirnia.com

E-mail: pirnia@pirnia.com

آگهی در کیهان آگاهی می‌آورد

نشانی سایت:

www.kayhan.london

روابط عمومی:

info@kayhan.london

آگهی و تبلیغات:

ads@kayhan.london

سردبیری:

editorial@kayhan.london

کیهان لندن منتشر کرد:



کتاب «سوریه: جاله عنکبوت به قلم حامد محمدی (افسر خلبان)»

برای نخستین بار ایده‌های گسترده حضور نظامی و ناگفته‌های دخالت رژیم جمهوری اسلامی در جنگ داخلی سوریه را به صورت مستند از آغاز این جنگ تا به امروز به تصویر می‌کشد. علاقه‌مندان می‌توانند این کتاب را مستقیماً از طریق تماس با کیهان لندن ads@kayhan.london و یا انتشارات ساتراپ و سوپر هرمز در لندن و کتابفروشی‌های معتبر ایرانی در اروپا و آمریکا به نشانی‌های زیر به مبلغ معادل ۲۰ پوند شامل هزینه بسته بندی و پست خریداری کنند.

Satrap Publishing: Email: satrap@bconnect.com www.satrap.co.uk

Super Hormuz, Finchley Road, Golders Green, NW11 0AD

Ibex Publishers Bookshop, Inc. PO Box 30087, Bethesda, MD 20824-0087, USA

Ferdosi Bookshop, Box 45095, SE-104 30 Stockholm, SWEDEN

UTOPIRAN, 89 Rue du Ruisseau, 75018 Paris, FRANCE

Forough Publishing and Bookshop, Jahnstraße 24, 50676 Köln, GERMANY

کیمهان

فهرست مطالب

۴		سر مقاله - وجود چپ و راست و تضمین حقوق آنها ضرورت تحقق و / الا به بقراط
۴-۵		تیتراژ هفته - مذاکرات در سایه یک جنگ اعلام نشده /
۵		دوران رضاشاهی: زوال قدرت آخوندها (صد سال پهلوی؛ ۱۳۰۴ تا ۱۴۰۴) / فرید خلیفی
۶		شاهزاده رضا پهلوی: میراث ملی ایران قابل مذاکره نیست! /
۶-۷		معاون ترامپ: جمهوری اسلامی اجازه غنی سازی ندارد؛ شمخانی: آمریکای غنی سازی /
۷		هشدار وزیر دفاع اسرائیل به جمهوری اسلامی: باشما همان کاری را خواهیم کرد که با حماس و /
۸		مواضع سختگیرانه ترامپ: هدف مذاکرات «برچیدن کامل» برنامه هسته ای ایران است /
۹		توقیع مجدد گفتگوی جمهوری اسلامی و آمریک /
۱۰-۱۱		فاجعه «بندرر جایی»؛ به جریان افتادن طرح استیضاح وزیر راه و شهر سازی /
۱۱		ترور ریسیم هسته ای /
۱۲-۱۳		قاضی برویکر فاش می کند: آنچه نتوانستم بگویم (بخش پایانی) /
۱۴		رژیم ایران و واقع گرایی پس از آن «طوفان»؟! /
۱۵		جمهوری اسلامی یکی از زیرکترین زندان های روزنامه نگاران /
۱۶		روزنامه «تهران تایمز»؛ اروپایی ها به دنبال فروپاشی مذاکرات جمهوری اسلامی و آمریکاهستند /
۱۶-۱۷		گزینه های جانشینی مایک والتز چه کسانی هستند؟! /
۱۷		دونالد ترامپ: هر فرد یا کشوری از ایران نفت بخرد دیگر نمی تواند با آمریکای تجارت کند /
۱۸		در تهران و انومدمی کنند جمهوری اسلامی دست بالا را در مذاکره با آمریکادارد /
۱۹		آمریکای خواهان «خلع سلاح کامل هسته ای» جمهوری اسلامی است؛ در تهران می گویند «نه!» /
۲۰		اعتراض سخنگوی وزارت خارجه جمهوری اسلامی به مواضع فرانسه و آمریکاکو تکرار تهدید علیه /
۲۰-۲۱		مارکوروویو: جمهوری اسلامی باید غنی سازی و اورانیوم، ساخت موشک دوربرد و حمایت از /
۲۱		حمله موشکی حوثی ها به اسرئیل؛ یسرائیل کاتر: هر کسی به ماضی به نزد صدبرابر بیشتر /
۲۲		گفتگوی آمریکایا با جمهوری اسلامی زیر سایه تهدیدات نظامی /
۲۳		دلایل توقیع دور چهارم مذاکرات جمهوری اسلامی و آمریک /
۲۴-۲۵		فقط در جمهوری اسلامی امکان دارد: از «عادی سازی» انفجار «بندرر جایی» توسط خامنه ای تا /
۲۵		دولت ترامپ یک شبکه دیگر فروش نفت ایران به بالا نگاه های چینی را تحریم کرد /
۲۶		انفجار های زنجیر های در ایران؛ بعد از بندر عباس و فردیس کرج نوبت به محمود آباد قهر رسید /
۲۶		باز داشت چهار ایرانی در بریتانیا به اتهام توطئه برای اقدام تروریستی /
۲۷		دومین حمله هوایی اسرئیل به مواضع حوثی ها؛ کاتر: «این حمله پیام به سر اخطا پوس در ایران بود» /
۲۷		سوت قطار پهلوی (صد سال پهلوی؛ ۱۳۰۴ تا ۱۴۰۴) / فرید خلیفی
۲۸		سکوت مرگبار: خاموشی مراجع مذهبی در برابر فاجعه «بندرر جایی» /
۲۹		از حادثه تلخ بندر عباس تا رویای جمعیت میلیونی /
۲۹		آسوشیند پرس: ادعای ترامپ برای تغییر نام «خلیج فارس» /
۳۰		جمهوری اسلامی در صورت برچیدن برنامه اتمی و لغو تحریم ها به تقویت نیابتی ها خواهد پرداخت /
۳۱		ادعای «نیویورک تایمز» درباره نقش جمهوری اسلامی در آتش پس بین حوثی ها و آمریک /
۳۲		پیام رونمایی از موشک بالستیک «قاسم بصیر» در میانه مذاکره با آمریک چیست؟! /
۳۲-۳۳		موشک برانی مرگبار هندو پاکستان؛ جمهوری اسلامی ناتوان در میانجیگری بین /
۳۳		باز داشت هفت ایرانی در انگلیس به اتهام جرایم تروریستی /
۳۴-۳۵		گزارش ویژه: کارگران چگونه در بانیان خاموش بحران کمبود برق می شوند؟! /
۳۵		کارگران؛ قربانیان اصلی انفجار بندر عباس /
۳۶-۳۷		استفاده چند باره از تجهیزات پزشکی یکبار مصرف در مراکز درمانی ایران /
۳۷-۳۸		افزایش ۵۰ تا ۲۰۰ درصدی شهر به مهد کودکان و مدارس غیر دولتی /
۳۸-۳۹		هشدار نماینده مجلس شورای اسلامی درباره اثر منفی افزایش قیمت دارو بر «امنیت ملی» /
۳۹		اختلاف دو مقام ارشد نیروهای مسلح بر سر «کارآمدی تسلیحات ساخت جمهوری اسلامی» /
۴۰-۴۲		بدون «گفتگو» مفهوم «توانمندی» برای رسیدن به آزادی و دموکراسی /
۴۲-۴۳		نقش گفتگوی ملی در ترویج آلترناتیو رژیم کنونی و طرح های تحول آفرین /
۴۳		وقتی سوگواری جای اعتراض را می گیرد: انفجار «بندرر جایی» و /
۴۴		هشدار نماینده مجلس شورای اسلامی درباره اثر منفی افزایش قیمت دارو بر «امنیت ملی» /
۴۵-۴۷		تحریف تاریخ و تداوم تفرقه: نقش روایت های یکجانبه در انشقاق اپوزیسیون جمهوری اسلامی /
۴۷-۴۸		وضعیت بحرانی کمبود آب و برق؛ دستور ویژه پزشکین نه برای حل یا کاهش مشکل بلکه برای /
۴۸-۴۹		در مجمع کار دنبال هابرای انتخاب باب جدید، کاتولیک های ایران هم نماینده دارند /
۵۰-۵۱		وقوع چندین زلزله به دلیل خشکسالی شدید در ایران /
۵۱-۵۲		اجرای بخشی از «قانون حجاب و عفاف» با ارسال پیامک به زنان /
۵۲-۵۳		آغاز یک دور باطل دیگر؛ لایحه جدید «حمایت از زنان در برابر خشونت» در یک نظام سرپا خشن /
۵۴		بازگشت تورم سه رقمی به اقتصاد ایران /
۵۵		ممنوعیت خرید ملک و اتومبیل برای «اتباع غیر قانونی» افغانستان ساکن ایران /
۵۶		افزایش سرسام آور هزینه مسکن طی یک سال؛ سرگردانی مستأجران در آغاز فصل جابجایی /
۵۷		نقشه برای افزایش قیمت بنزین؛ انکار دولت و مجلس شورای اسلامی با وجود مصوبات مربوطه /
۵۸-۵۹		مهاجرت ایرانیان؛ دغدغه جمهوری اسلامی نیست اما باز درگیری بین جناحی است /
۵۹-۶۰		دولت مدعی نامشخص بودن مبدأ ارسال پیامک «حجاب» به زنان شد /
۶۰		آنچه برای دیکتاتور اهمیت دارد و آنچه ندارد! /
۶۱		توفان گردوغبار در ایران؛ مدارس شش استان تعطیل شد /
۶۲-۶۳		افزایش نارضایتی مردم به علت قطع مکرر برق؛ کاهش ساعات ادارات و تعطیلی پنجشنبه ها /
۶۳		آتش سوزی های مشکوک در مجاورت نیروگاه برق کرج؛ منابع حکومتی: «کارتن سازی بود» /
۶۴-۶۵		قادر (روایت های یک مدد کار اجتماعی در آلمان؛ سرگذشت پناهجویانی که از /
۶۶-۶۷		خبر های کوتاه /
۶۸		پشت جلد - عکس هفته / خلیج فارس PersianGulf



بازنشر
بازنشر

مذاکرات در سایه یک جنگ اعلام نشده

وجود چپ و راست و تضمین حقوق آنها ضرورت تحقق و پایداری دموکراسی‌ها

یکی از مهم‌ترین ضعف‌های اپوزیسیون ایرانی از همان زمانی که این مفهوم در تاریخ معاصر ایران شکل گرفت، برخورد‌های سلبی است. به این معنی که گذشته از مرامنامه‌های آرمانی و تقلیدی که خود گروه‌ها هم تصور روشنی از آن نداشتند، بجای اینکه با شفافیت بگویند فکرشان چیست و برای تحقق چه جامعه‌ای فعالیت می‌کنند، به آنچه پرداخته‌اند که با آن نه تنها مخالفت بلکه دشمنی تا حد حذف داشته‌اند! عین اپوزیسیون پادشاهی و پهلوی!

پس از ۵۷ اما در مورد جریان طرفدار پادشاهی و پهلوی به عنوان



اپوزیسیون که رژیم آن را «طاغوت» و «ضدانقلاب» می‌نامید، تا حد زیادی مشخص بود که چه فکر می‌کند و به دنبال چیست چرا که تاریخ و عملکرد مشخص و تجربه‌ی واقعی در ایران داشته و شاهزاده رضا پهلوی نیز با دموکراسی و حقوق بشر آن را شفاف و تکمیل می‌کرد.

از همین رو جای افسوس خواهد بود اگر برخی که خود را مدافع پادشاهی و پهلوی می‌دانند، بجای برخورد‌های اثباتی و ایجابی در درستی اندیشه و راه پهلوی‌ها که در تمام سال‌های گذشته این بخش از اپوزیسیون همین روش را دنبال می‌کرده، حالا در دام صرفا مخالفت با ایده‌ها و جریان‌اتی بیفتند که وجود و تضمین حقوق آنها برای تحقق دموکراسی در ایران ضروریست و این موضوع بارها در سخنان شاهزاده رضا پهلوی نیز تکرار شده است. همین تکرار و ثبات نه تنها سبب اعتماد جریان‌ات مختلف به وی شده، بلکه عملکرد دو پادشاه پهلوی در رشد و توسعه‌ی کشور، از برپایی نهادهای مدرن و بنای زیرساخت‌های لازم برای توسعه‌ی اقتصادی تا آزادی و حقوق زنان و اصلاحات عمیقی که تحت عنوان «انقلاب سفید» انجام شد، همگی بیانگر تحقق ادعاهایی است که در شعارها و برنامه‌های چپ و راست دربارشان داد سخن داده می‌شود! این خلیل ملکی چپگرا بوده که پس از ملاقاتش با شاه فقید در خاطراتش نوشته که وی «آرزوهای سوسیالیستی» داشت. این فرزند شاه است که با همه جریان‌ات از چپ و راست نشست و برخاست دارد و به تکرار بر مواضع دموکراتیک خود تأکید کرده و با صراحت گفته: «هر ایرانی که واقعاً دلش برای مملکت می‌سوزد، کار ندارم چپی است یا راستی و یا جمهوریخواه و... باید اولویت را درست تشخیص بدهیم... مهمی ما، نه فقط من، همه‌ی ما باید فراموشی و فرایندولوژیک فکر کنیم. من از شمای نوعی نمی‌خواهم که ایدئولوژی خاص خودت را طرد کنی، یا با گروه دیگری ائتلاف کنی و یا سازمان خودت را ترک کنی... من فقط دارم می‌گویم که... اولویت امروز آزادیست! اولویت امروز ما این است که ما باید حق حاکمیت را به مردم ایران برگردانیم و اولین مسئله و آخرین مسئله از طریق صندوق رأی مشخص می‌شود».

البته اگر افراد و جریان‌اتی، چه طرفدار جمهوری و چه مدافع پادشاهی، اساساً با دموکراسی مخالف‌اند و آن را برای ایران مناسب نمی‌دانند، بهترین کار این است که با شفافیت بیان کنند و پشت پهلوی پنهان نشوند. اما اگر هدف آنها چون شاهزاده تحقق دموکراسی در کشور است، پس باید بدانند که نه تنها فردا بلکه از همین امروز، هم دموکراسی و هم همبستگی ملی بدون چپ و راست و تنوع و تکرر و مخالف، وجود ندارد و فرهنگ گفتگو بر سر یک گفت‌وگو (دیالکتیک) (مقوله ملی) چه امروز و چه فردا با رد و انکار و تحریف و حذف «دیگری» شکل نمی‌گیرد. و البته غم‌انگیز است که هنوز و همچنان باید درباره این موضوعات ظاهراً بدیهی گفت و نوشت!



● اگرچه گفتگوها برای پایان دادن به یک جنگ اعلام نشده که از سال‌ها پیش آغاز شده ادامه دارد اما نشانه‌ای از پایان آن دیده نمی‌شود.

جنگ اعلام‌نشده‌ای که از سال‌ها پیش در خاورمیانه آغاز شده، همچنان ادامه دارد. در یکسو جمهوری اسلامی و گروه‌های نیابتی‌اش و در سوی دیگر اسرائیل و ایالات متحده آمریکا. اگرچه گفتگوها برای پایان دادن به این درگیری ادامه دارد اما نشانه‌ای از پایان آن دیده نمی‌شود. هر روز در هر دو جبهه شاهد سخنان تهدیدآمیز علیه دیگری هستیم. اسرائیل می‌گوید که اگر حملات حوثی‌ها که مسئول آن جمهوری اسلامی است ادامه پیدا کند، واکنش سختی نشان خواهد داد. انصارالله در یمن هم تکرار می‌کند که توافق با دولت دونالد ترامپ و در ارتباط با موشک‌پرانی‌های آن با واسطه عمان به دست آمده، شامل اسرائیل نمی‌شود و حملات موشکی و پهپادی علیه این کشور تا پایان محاصره غزه و آتش‌بس در این باریکه ادامه خواهند یافت. همزمان حملات هوایی اسرائیل به جنوب لبنان، در مناطق تحت نفوذ حزب‌الله نیز ادامه دارد تا مانع بازسازی نیروهای این گروه شبه‌نظامی وابسته به تهران شد.

در میان این تهدیدها گفته می‌شود که یکشنبه ۲۱ اردیبهشت دور چهارم مذاکرات بین جمهوری اسلامی و آمریکا در مسقط با میانجیگری عمان برگزار خواهد شد. این نشست که ابتدا قرار بود ۸ روز قبل در پایتخت ایتالیا برگزار شود به دلایل «لجستیک» به تعویق افتاد. با وجود اظهارات خوشبینانه بیش از حد طرفین مذاکره در رابطه با پیشرفت و مثبت بودن نشست‌های قبلی، گویا به محض اینکه در نشست آخر دو هیات وارد جزئیات شدند، اختلاف‌ها آشکار شدند. این اختلاف‌ها بر مبنای حدس و گمان رسانه‌ها، تنها در رابطه با برنامه هسته‌ای و ممنوعیت یا محدودیت غنی‌سازی اورانیوم نیست و برنامه‌های موشکی و پهپادی جمهوری اسلامی را نیز در بر می‌گیرد. موشک‌پرانی از سوی انصارالله یمن در میانه مذاکرات که توانست از سپر دفاعی چند لایه‌ای اسرائیل عبور کند و در چند صد متری فرودگاه «بن گوریون» تل آویو فرود بیاید، بدون شک در اصرار هیات آمریکائی برای گفتگو در مورد برنامه‌های موشکی جمهوری اسلامی بی‌تأثیر نبوده است. موشک پرتاب شده از سوی

تکرار تهدید ترامپ: توافق با مباران

دونالد ترامپ در آخرین گفتگوی تلویزیونی خود باز تهدید کرد که تنها با توافقی «قوی و قابل راست‌آزمایی» که «در آن عملاً این تجهیزات [سانتریفیوژها] نابود شود» دست به اقدام نظامی نخواهد زد. رئیس جمهور آمریکا می‌گوید رژیم ایران دو گزینه پیش رو دارد: «نابودی (تاسیسات هسته‌ای) یا با ملایمت یا با خشونت». مقامات جمهوری اسلامی از جمله عباس عراقی وزیر خارجه بار دیگر تأکید کردند که «حق غنی‌سازی اورانیوم قابل مذاکره نیست» و تهران بر اساس معاهده «ان‌پی‌تی» (پیمان منع

خلیج فارس از نام جعلی «خلیج عربی» استفاده شود، یکی از این اقدامات است که به درستی بلافاصله پس از مطرح شدن این احتمال با واکنش گسترده ایرانی‌ها مواجه شد. جمهوری اسلامی همواره از چنین مواردی کهال استفاده را کرده و اینبار نیز از حساسیت بجای مردم ایران نسبت به تحریف نام تاریخی و کهن خلیج فارس سوء استفاده خواهد کرد تا برای مدتی توجه افکار عمومی را از مشکلات واقعی مانند وضعیت اسفناک اقتصادی، بی برقی و بی‌آبی منحرف سازد. حتا کسانی که به دلیل این مشکلات چشم امید به مذاکرات و برداشته شدن تحریم‌های اقتصادی دوخته بودند نیز امروز نگران هستند که با گسترش این جنگ اعلام نشده، اوضاع نه تنها بهبود نیابد بلکه بدتر هم بشود. این در حالیست که برخی طرح تغییر نام خلیج فارس را از سوی ترامپ به عنوان یک کارت برای فشار به جمهوری اسلامی در مذاکرات ارزیابی می‌کنند و برخی دیگر برعکس، از آنجا که معتقدند ایران برای جمهوری اسلامی هیچ اهمیتی ندارد، این سخنان ترامپ را حتا نشانه‌ی موافقت احتمالی رژیم با آن می‌دانند حتا اگر برخی مقامات ظاهرا با آن مخالفت کنند.

اینهمه در حالیست که کم نیستند مردمی که بی‌آبی و بی‌برقی و شرایط سنگین اقتصادی به آنها تحمیل شده، در اوج بی‌اعتمادی به حکومت و ادعاهایش، معتقدند این رژیم که بیش از چهار دهه ملت و مملکت را به گروگان گرفته، تنها در پیامد ضربه‌ای سخت مجبور به ترک قدرت خواهد شد، زیرا نه تنها هیچگونه امیدی به گشایش و تغییرات تا زمانی که اینها بر سر کارند وجود ندارد بلکه موجودیت ایران و منابع و هویت تاریخی آن نیز در خطر قرار گرفته است.

حاشیه‌های پر سر و صدا

در برخی موارد مسائلی هم مطرح می‌شوند که مشکلات واقعی را می‌توانند به حاشیه برانند. امکان اینکه دونالد ترامپ در جریان سفری که گفته می‌شود به زودی به پادشاهی سعودی، امارات متحده عربی و قطر خواهد



داشت، تصمیم بگیرد که در مدارک رسمی آمریکا بجای

انصارالله ساخت جمهوری اسلامی بوده و بنا بر شواهد، کارشناسان سپاه پاسداران برای استفاده از آنها از مدت‌ها پیش در یمن حضور دارند.

موشک‌های جمهوری اسلامی دغدغه‌ای همگانی
البته تنها اسرائیل و آمریکا نگران موشک‌های ساخت

جمهوری اسلامی نیستند. موشک‌ها و پهپادهای جمهوری اسلامی یکی از دغدغه‌های کشورهای منطقه و حتا اروپا نیز هستند. استفاده روسیه از موشک‌ها و پهپادهای ساخت جمهوری اسلامی در جنگ اوکراین، مسئله‌ای نیست که اروپا بتواند به سادگی از کنار آن بگذرد. این موشک‌ها از سال‌ها پیش، پس از آنکه برخی از آنها در حمله به تأسیسات نفتی پادشاهی سعودی مورد استفاده قرار گرفتند، برای کشورهای حوزه جنوبی خلیج فارس نیز به کابوسی تبدیل شده است. کابوسی که این کشورها را وادار ساخته تا برای در امان ماندن از گزند آنها به دنبال بهبود روابط با جمهوری اسلامی باشند.

در حالی که حدس زده می‌شود فعلا گفتگوها بین تهران و واشنگتن، با وجود مشکلاتی که در مقابل دارند ادامه پیدا خواهد کرد، چند پرونده دیگر هم باز شدند که می‌توانند بر روند کنونی تأثیر داشته باشند. انفجار مشکوک در بندرعباس در محل بسیار وسیع انبار کالا و کانتینرها که چند ده کشته (تعداد رسمی جانباختگان هنوز از سوی مقامات جمهوری اسلامی اعلام نشده است) و بیش از ۱۲۰۰ زخمی و گمشده به دنبال داشت و همچنین انفجارهای دیگری در تأسیسات صنعتی و نیروگاه‌ها در شهرهای مختلف ایران نیز به گمانه‌زنی‌های بسیاری دامن زده است. برخی مسئولیت این آتش‌سوزی‌ها را به گردن مدیران بی‌لیاقت این نظام و بی‌اعتنائی آنها به مسائل ایمنی می‌اندازند، و برخی دیگر معتقدند که کشورهای خارجی در آنها نقش داشته‌اند. البته منظور از کشورهای خارجی همان اسرائیل است که در گذشته نیز اقدامات مشابهی انجام داده و در برخی موارد حتی مسئولیت آنها را نیز به عهده گرفته است. اگر این گمانه دوم واقعیت داشته باشد، تأکید است بر اینکه جنگی که هرگز بطور رسمی اعلام نشده، همچنان ادامه دارد.

دوران رضاشاهی؛ زوال قدرت آخوندها

(صد سال پهلوی؛ ۱۳۰۴ تا ۱۴۰۴)



و محبوبیت او افزوده می‌شد. همزمان بخش سنتی و مذهبی جامعه به همراه روحانیت مرتجع و مشروعه‌خواهان که می‌دیدند پیامدهای انقلاب مشروطه با روی کار آمدن پهلوی، قدرت و منافع آنها را محدود می‌کند، با مخالفت و تحریک عوام، از هیچ کوششی برای جلوگیری از حرکت قطار ایران به سوی جهان مدرن فروگذار نمی‌کردند.

دوران رضاشاهی شاهد آغاز رشد ارتش سراسری و متعارف، اصلاح و گسترش آموزش و بهداشت، نوسازی دستگاه قضائی و دادگستری و سست کردن انواع محدودیت‌های اجتماعی و ضدانسانی علیه زنان بود. همزمان با این اقدامات اصلاحی که در نوع خود یک انقلاب ساختاری به شمار می‌رفت، نفوذ و مقبولیت رضاشاه میان روشنفکران تقویت و بر پایگاه مردمی

شاهزاده رضا پهلوی در ارتباط با سوء استفاده سیاسی از نام «خلیج فارس»: میراث ملی ایران قابل مذاکره نیست!



● شاهزاده رضا پهلوی به ادعایی که توسط خبرگزاری آسوشیتدپرس به نقل از دو مقام آمریکایی که خواستند نامشان فاش شود، از قول دونالد ترامپ رئیس جمهور آمریکا منتشر شده واکنش نشان داده است.

● برخی معتقدند این موضوع می‌تواند در چارچوب اعمال فشار بر جمهوری اسلامی و به عنوان یک ابزار سیاسی در حمایت از کشورهای عربی منطقه علیه رژیم ایران ارزیابی شود. اما از سوی دیگر همانگونه که آسوشیتدپرس هم یادآوری کرده، خلیج فارس و نام آن برای ایرانیان از اهمیت تاریخی برخوردار است و چنین سخنانی اتفاقاً به سود جمهوری اسلامی تمام خواهد شد تا از احساسات میهن‌دوستی ایرانیان سوء استفاده کند.

● شاهزاده رضا پهلوی: تصمیم گزارش شده رئیس جمهور ترامپ برای تحریف تاریخ، در صورتی که درست باشد، توهینی به مردم ایران و تمدن بزرگ ما است.

● شاهزاده همچنین با توجه به امکان سوء استفاده‌ی جمهوری اسلامی از میهن‌دوستی ایرانیان، به نقش این رژیم در به وجود آمدن چنین وضعیتی که هر کشور خارجی به خود اجازه می‌دهد درباره حاکمیت ملی ایران زبان‌درازی کند، توجه داده و نوشته است که برای حمایت از خلیج فارس نه «زیر پرچم این رژیم غاصب» بلکه با برافراشتن پرچم شیروخورشید می‌بایست متحد شد: «جمهوری اسلامی بانی این بحران ملی است و ما زیر پرچم این رژیم غاصب گرد نخواهیم آمد. بلکه همه ما ایرانیان، فارغ از گرایش، باور یا دیدگاه سیاسی، می‌بایست یکبار و برای همیشه زیر پرچم شیروخورشید متحد شویم تا بار دیگر این پرچم را بر فراز ایران و خلیج همیشه فارس برافراشته سازیم.»

شاهزاده رضا پهلوی به ادعایی که توسط خبرگزاری آسوشیتدپرس به نقل از دو مقام آمریکایی که خواستند نامشان فاش شود، از قول دونالد ترامپ رئیس جمهور آمریکا منتشر شده واکنش نشان داده است.

این خبرگزاری روز چهارشنبه ۷ ماه مه (۱۷ اردیبهشت) نوشت که دونالد ترامپ قصد دارد در جریان سفرش به عربستان سعودی اعلام کند که آمریکا از این پس خلیج فارس را «خلیج عربی» یا «خلیج عربستان» خواهد نامید. تا لحظه تنظیم این گزارش ترامپ و یا مقام دیگری از دولت وی در ارتباط با این ادعا واکنشی نشان نداده‌اند. چند ماه پیش از این نیز ترامپ اعلام کرده بود که ایالات متحده از این پس «خلیج مکزیک» را «خلیج آمریکا» خواهد نامید. برخی معتقدند این موضوع می‌تواند در چارچوب اعمال فشار بر جمهوری اسلامی و به عنوان یک ابزار سیاسی در حمایت از کشورهای عربی منطقه علیه رژیم ایران ارزیابی شود. اما از سوی دیگر همانگونه که آسوشیتدپرس هم یادآوری کرده، خلیج فارس و نام آن برای ایرانیان از اهمیت تاریخی برخوردار است و چنین سخنانی اتفاقاً به سود جمهوری اسلامی تمام خواهد شد تا از احساسات میهن‌دوستی ایرانیان سوء استفاده کند.

در ارتباط با خبر آسوشیتدپرس و سوء استفاده سیاسی از موضوع خلیج فارس، شاهزاده رضا پهلوی طی پیامی که در رسانه‌های اجتماعی منتشر شد، تأکید کرد که «میراث ملی ایران قابل مذاکره نیست.»

معاون ترامپ:

جمهوری اسلامی اجازه

غنی‌سازی ندارد؛

شمخانی:

آمریکا حق غنی‌سازی

ایران را پذیرفته!

● جی‌دی ونس معاون ترامپ به عنوان مهمان کنفرانسی که مدیران اجلاس امنیتی مونیخ در شهر واشنگتن برگزار کردند گفت: «تا اینجا کار، در مسیر درستی قرار داریم، اما این روند بالاخره باید به جایی ختم شود: به کنار گذاشتن کامل برنامه تسلیحات هسته‌ای توسط رژیم ایران.»

● او تأکید کرد، «ما با استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای مخالفتی نداریم. اما اجازه دهید یک سؤال ساده پرسیم: کدام کشور در جهان دارای برنامه هسته‌ای غیرنظامی و زیرساخت غنی‌سازی است بدون آنکه به سلاح اتمی دست یافته باشد؟ پاسخ: هیچکس.»

● در ایران فشار اصلاح‌طلبان و حامیان توافق با آمریکا، به حکومت برای عقب‌نشینی در مقابل خواسته‌های ترامپ ادامه دارد. این فشار بیش از همه از سوی چهره‌های نزدیک به حسن روحانی و حزب «کارگزاران سازندگی» و باند هاشمی رفسنجانی هدایت می‌شود.

● اسحاق جهانگیری معاون دولت روحانی، گفته نباید فرصت مذاکره را از دست بدهیم. غلامحسین کرباسچی



جی‌دی ونس معاون ترامپ / عکس: رویترز

دبیرکل «سازندگی» نیز در سرمقاله روزنامه «هم‌میهن» نوشته: «مخالفان داخلی مذاکرات بسیار محدود و ضعیف هستند، همچنانکه مخالفان خارجی آن‌که نتایج‌ها و چند برانداز باشد نیز در اقلیت محض هستند.»

معاون دونالد ترامپ می‌گوید مذاکره با ایران در مسیر درست پیش می‌رود اما تأکید می‌کند که جمهوری اسلامی «اجازه غنی‌سازی ندارد.»

وی همچنین با توجه به امکان سوء استفاده‌ی جمهوری اسلامی از میهن‌دوستی ایرانیان، به نقش این رژیم در به وجود آمدن چنین وضعیتی که هر کشور خارجی به خود اجازه می‌دهد درباره حاکمیت ملی ایران زبان‌درازی کند، توجه داده و نوشته است که برای حمایت از خلیج فارس نه «زیر پرچم این رژیم غاصب» بلکه با برافراشتن پرچم شیروخورشید می‌بایست متحد شد: «جمهوری اسلامی بانی این بحران ملی است و ما زیر پرچم این رژیم غاصب گرد نخواهیم آمد. بلکه همه ما ایرانیان، فارغ از گرایش، باور یا دیدگاه سیاسی، می‌بایست یکبار و برای همیشه زیر پرچم شیروخورشید متحد شویم تا بار دیگر این پرچم را بر فراز ایران و خلیج همیشه فارس برافراشته سازیم.»

متن کامل این پیام به شرح زیر است:
«خلیج فارس فقط یک نام نیست، بلکه یک واقعیت تاریخی است. هزاران سال است که ایرانیان، اعراب و غربی‌ها این پهنه‌ی آبی میان ایران و شبه‌جزیره‌ی عربستان را با نام واقعی و یگانه‌اش، خلیج فارس، می‌شناسند. تصمیم گزارش شده رئیس جمهور ترامپ برای تحریف تاریخ، در صورتی که درست باشد، توهینی به مردم ایران و تمدن بزرگ ما است.

اما مقصر اصلی این اقدام شرم‌آور نیز کسی جز علی خامنه‌ای و رژیم ضد ایرانی‌اش نیست که کشور ما را آنچنان تضعیف کرده‌اند که قدرت‌های خارجی به خود اجازه توهین به هویت ملی ایران و تحریف تاریخ جهان را می‌دهند.

جمهوری اسلامی بانی این بحران ملی است و ما زیر پرچم این رژیم غاصب گرد نخواهیم آمد. بلکه همه ما ایرانیان، فارغ از گرایش، باور یا دیدگاه سیاسی، می‌بایست یکبار و برای همیشه زیر پرچم شیروخورشید متحد شویم تا بار دیگر این پرچم را بر فراز ایران و خلیج همیشه فارس برافراشته سازیم. خلیج فارس میراث ملی ماست و دفاع از شرافت و نام آن مسئولیتی ملی است که هر یک از ما باید به هر شکل ممکن آن را به دوش بکشیم.

پاینده باد ایران. جاوید باد خلیج فارس.»

هشدار وزیر دفاع اسرائیل به جمهوری اسلامی: با شما همان کاری را خواهیم کرد که با حماس و اسد کردیم

کاتز تهدید کرد، «ما به هیچ طرفی اجازه آسیب رساندن به اسرائیل را نمی‌دهیم و هرکس به ما آسیب برساند، آسیب شدیدی خواهد دید.»

پس از مرحله دوم حمله هوایی سنگین اسرائیل به تأسیسات حیاتی حوثی‌ها در یمن از جمله به فرودگاه صنعاء که به تلافی حمله موشکی یمنی‌ها به فرودگاه تل‌آویو صورت گرفت، دونالد ترامپ ادعا کرد «حوثی‌ها تسلیم شده‌اند و به آمریکا اعلام کرده‌اند که دیگر به کشتی‌ها حمله نخواهند کرد و آمریکا نیز از این پس حملات خود در یمن را متوقف خواهد کرد» اما ساعاتی بعد رهبران حوثی اعلام کردند توافق آتش‌بس شامل حمله موشکی به اسرائیل نخواهد شد.

در همین حال، روز چهارشنبه یک حمله پهپاد به اسرائیل صورت گرفت که توسط پدافند ارتش این کشور سرنگون شد. مشخص نیست آیا حوثی‌ها پشت این حمله بودند یا نه؛ اما برخی تحلیلگران می‌گویند توافق آتش‌بس حوثی‌ها با آمریکا شکننده است.

پیشتر برخی منابع خبری از جمله «نیویورک تایمز» و «سی‌ان‌ان» مدعی شده‌اند جمهوری اسلامی با تکیه بر شبه‌نظامیان حوثی یمن توانست با آمریکا درباره حملات دریای سرخ به توافق آتش‌بس برسد؛ اقدامی که با هدف پیشبرد مذاکرات برای دستیابی به توافقی درباره برنامه هسته‌ای تهران صورت گرفته است.

در این گزارش‌ها به نقل از ادعای دو مقام ایرانی آمده که

● **یسرائیل کاتز در «ایکس» نوشت، «اسرائیل باید بتواند به تنهایی از خود در برابر هر تهدید و هر دشمنی دفاع کند. این موضوع در گذشته در برابر چالش‌های فراوانی صادق بود و در آینده نیز چنین خواهد بود.»**

● **وزیر دفاع اسرائیل مقامات جمهوری اسلامی را خطاب قرار داد و گفت: «به رهبری [رژیم] ایران که سازمان تروریستی حوثی را تأمین مالی، تسلیح و هدایت می‌کند، هشدار می‌دهم: دوران جنگ نیابتی به پایان رسیده و محور شرّ فرو پاشیده است. شما مسئول مستقیم هستید. همانطور که با حزب‌الله در بیروت، حماس در غزه، اسد در دمشق و حوثی‌ها در یمن برخورد کردیم، با شما نیز در تهران برخورد خواهیم کرد.»**

وزیر دفاع اسرائیل در پیامی جمهوری اسلامی را تهدید کرده است که به سرنوشت، حزب‌الله، حماس و بشار اسد دچار خواهد شد.

یسرائیل کاتز ۸ ماه مه (۱۸ اردیبهشت) در «ایکس» نوشت، «اسرائیل باید بتواند به تنهایی از خود در برابر هر تهدید و هر دشمنی دفاع کند. این موضوع در گذشته در برابر چالش‌های فراوانی صادق بود و در آینده نیز چنین خواهد بود.»

او در ادامه تأکید کرد، «حوثی‌ها در صورت ادامه شلیک به سمت ما، ضربات سنگینی از اسرائیل دریافت خواهند کرد. ارتش اسرائیل برای هر مأموریتی آماده است.»



اسرائیل کاتز وزیر دفاع اسرائیل / عکس: رویترز

جمهوری اسلامی از نفوذ خود در میان حوثی‌ها (انصارالله یمن) به عنوان بخشی از تلاش‌های عمان برای برقراری توافق آتش‌بس استفاده کرده است.

تیمی بروس سخنگوی وزارت خارجه آمریکا روز چهارشنبه در نشست خبری خود هرگونه ارتباط میان آتش‌بس واشنگتن با حوثی‌ها و گفتگوهای دیپلماتیک در این زمینه با رژیم ایران را رد و تأکید کرد که «این اتفاقات تنها به صورت همزمان رخ می‌دهند.»

وزیر دفاع اسرائیل در ادامه مقامات جمهوری اسلامی را خطاب قرار داد و گفت: «به رهبری [رژیم] ایران که سازمان تروریستی حوثی را تأمین مالی، تسلیح و هدایت می‌کند، هشدار می‌دهم: دوران جنگ نیابتی به پایان رسیده و محور شرّ فرو پاشیده است. شما مسئول مستقیم هستید. همانطور که با حزب‌الله در بیروت، حماس در غزه، اسد در دمشق و حوثی‌ها در یمن برخورد کردیم، با شما نیز در تهران برخورد خواهیم کرد.»

جی.دی. ونس معاون رئیس جمهور آمریکا، روز چهارشنبه ۷ ماهه (۱۷ اردیبهشت) مهمان کنفرانسی بود که مدیران اجلاس امنیتی مونیخ در شهر واشنگتن برگزار کردند. او در این نشست گفت: «ما به دنبال توافقی هستیم که می‌تواند رژیم ایران را دوباره در اقتصاد جهانی ادغام کند؛ توافقی که برای مردم ایران بسیار مفید خواهد بود، اما در عین حال باعث توقف کامل هرگونه دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای می‌شود.»

ونس سه گزینه را مورد ارزیابی قرار داد و گفت: «همانطور که رئیس جمهور گفته، گزینه اول توافقی است که برای مردم ایران بسیار خوب است اما گزینه دوم بسیار بد است، بد برای همه و اگرچه نمی‌خواهیم به آن برسیم، اما هنوز هم بهتر از گزینه سوم، یعنی دستیابی رژیم ایران به سلاح هسته‌ای است و این دقیقاً چیزیست که دولت آمریکا به هیچ وجه آن را نمی‌پذیرد؛ بدون هیچ اما و اگر!»

ونس در ادامه مدعی شد، «تا اینجا کار، در مسیر درستی قرار داریم، اما این روند بالاخره باید به جایی ختم شود: به کنار گذاشتن کامل برنامه تسلیحات هسته‌ای توسط رژیم ایران. ما با استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای مخالفتی نداریم. اما اجازه دهید یک سؤال ساده پرسیم: کدام کشور در جهان دارای برنامه هسته‌ای غیرنظامی با زیرساخت غنی‌سازی است بدون آنکه به سلاح اتمی دست یافته باشد؟ پاسخ: هیچ‌کس! در حال حاضر، هیچ رژیمی وجود ندارد که برنامه هسته‌ای غیرنظامی داشته باشد و همزمان زیرساخت غنی‌سازی‌اش توانایی رسیدن به غلظت ۹۰ درصد یا بیشتر را داشته باشد که برای تولید ماده شکاف‌پذیر و ساخت سلاح لازم است.»

ونس در پایان تأکید کرد، «پیشنهاد ما بسیار ساده است، بله، ما با داشتن انرژی هسته‌ای غیرنظامی مشکلی نداریم. اما اجازه داشتن برنامه غنی‌سازی را نمی‌دهیم که بتواند به تولید سلاح اتمی منجر شود. این همانجایی است که ما خط قرمز می‌کشیم.»

پیش از ونس، دونالد ترامپ و مارکو رابو وزیر خارجه آمریکا نیز تأکید کرده بودند جمهوری اسلامی اجازه غنی‌سازی در ایران نخواهد داشت و می‌تواند مواد لازم را از کشورهای دیگر وارد کند. با اینهمه اما علی شمخانی مشاور علی خامنه‌ای این اظهارات واضح ونس را مصادره به مطلوب کرد و در «ایکس» نوشت: «واشنگتن بالاخره با پذیرش ارزیابی آژانس و نهادهای اطلاعاتی خود، نداشتن سلاح هسته‌ای از سوی ایران را پذیرفته، اراده دو طرف، تداوم مسیر صحیح مذاکرات است. لغو کامل تحریم‌ها و تأکید بر حق غنی‌سازی صنعتی ایران، توافق را در دسترس قرار می‌دهد.»

مارکو رابو پیشتر گفته بود «سطح غنی‌سازی، مثلاً ۳/۶۷ درصد، در اصل چندان مهم نیست، چون اگر کشوری توانایی غنی‌سازی در این سطح را داشته باشد، از نظر فنی قادر خواهد بود آن را به سطح مورد نیاز برای سلاح نیز برساند.» در ایران فشار اصلاح‌طلبان و حامیان توافقی با آمریکا، به حکومت برای عقب‌نشینی در مقابل خواسته‌های ترامپ ادامه دارد. این فشار بیش از همه از سوی چهره‌های نزدیک به حسن روحانی و حزب «کارگزاران سازندگی» و باند هاشمی رفسنجانی هدایت می‌شود.

اسحاق جهانگیری معاون اول دولت روحانی گفته نباید فرصت مذاکره را از دست بدهیم. غلامحسین کرباسچی دبیرکل حزب سازندگی نیز در سرمقاله روزنامه «هم‌میهن» نوشته است: «مخالفان داخلی مذاکرات بسیار محدود و ضعیف هستند، همچنانکه مخالفان خارجی آن که نتانیاها و چند برانداز باشد نیز در اقلیت محض هستند.»

مواضع سختگیرانه ترامپ:

هدف مذاکرات «برچیدن کامل» برنامه هسته‌ای ایران است



دونالد ترامپ رئیس جمهوری آمریکا

● دونالد ترامپ رئیس‌جمهوری آمریکا در مصاحبه با شبکه ان‌بی‌سی که روز یکشنبه ۱۴ آوریل (۴ اردیبهشت) پخش شد، برای نخستین بار بطور شفاف و صریح اعلام کرد که هدف مذاکرات با جمهوری اسلامی، «برچیدن کامل» برنامه هسته‌ای تهران است.

● مارکو روبیو پیشتر استدلال کرده بود «سطح غنی‌سازی، مثلاً ۳/۶۷ درصد، در اصل چندان مهم نیست، چون اگر کشوری توانایی غنی‌سازی در این سطح را داشته باشد، از نظر فنی قادر خواهد بود آن را به سطح مورد نیاز برای سلاح نیز برساند.» اکنون با سخنان اخیر ترامپ به نظر می‌رسد این استدلال پذیرفته شده است.

● ترامپ در بخش دیگری از این مصاحبه گفت: «نظریه جدیدی مطرح می‌شود مبنی بر اینکه ایران بتواند برنامه غیرنظامی برای تولید برق و نظایر آن داشته باشد. اما من می‌گویم آنها اینهمه نفت دارند، برنامه هسته‌ای صلح‌آمیز به چه کارشان می‌آید؟ البته می‌دانم کشورهای دیگری که نفت بسیار دارند هم دنبال چنین چیزی بوده‌اند».

● ترامپ همچنین گفت که آماده شنیدن استدلال‌ها در حمایت از داشتن برنامه هسته‌ای غیرنظامی ایران است؛ موضوعی که وزیر خارجه‌اش نیز از آن حمایت کرده و گفته بود اگر جمهوری اسلامی به اورانیوم غنی‌شده برای چنین برنامه‌ای نیاز دارد، می‌تواند آن را از کشورهایی که تحت نظارت و تأیید آژانس بین‌المللی انرژی اتمی فعالیت می‌کنند، وارد نماید.

● علی لاریجانی مشاور علی خامنه‌ای ۱۴ اردیبهشت در مصاحبه‌ای گفت: «آمریکایی‌ها حرف‌های مختلفی می‌زنند و روی یک موضع نمی‌ایستند».

دونالد ترامپ رئیس‌جمهوری آمریکا در مصاحبه با شبکه ان‌بی‌سی که روز یکشنبه ۱۴ ماه مه (۴ اردیبهشت) پخش شد، برای نخستین بار بطور شفاف و صریح اعلام کرد که هدف مذاکرات با جمهوری اسلامی، «برچیدن کامل» برنامه هسته‌ای تهران است.

او قبلاً در مورد «تعطیل» شدن برنامه‌های هسته‌ای جمهوری اسلامی صحبت کرده بود اما تا کنون با صراحت به برچیدن کامل آن اشاره نکرده بود.

این موضع سختگیرانه ترامپ، وضعیت برای جمهوری اسلامی را پیچیده‌تر خواهد کرد زیرا بعد از نخستین گفتگو در مسقط، استیو ویتکاف نماینده ترامپ تلویحی گفته بود غنی‌سازی ۳/۶۷ درصدی توسط ایران قابل قبول است اما بعداً آن را تصحیح کرد. همزمان فشار از سوی جمهوریخواهان و همچنین اسرائیل روی ترامپ به ویژه پس از دیدار با بنیامین نتانیاو نخست وزیر اسرائیل در واشنگتن زیاد شد. در آن دیدار نتانیاو موضوع «مدل لیبی» را که همان برچیده شدن کامل تمام برنامه‌های اتمی ایران است مطرح کرد.

پایگاه خبری «آکسیوس» می‌نویسد سناتورهای جمهوریخواه، رهبران مسیحی و دیگر حامیان ترامپ در روزهای اخیر از رئیس‌جمهور خواسته بودند که موضع خود را در قبال برنامه هسته‌ای ایران شفاف کند.

پس از لغو چهارمین گفتگو میان عراقچی و ویتکاف که قرار بود ۱۳ اردیبهشت‌ماه در ژنوا برگزار شود، مایک والتز از سمت خود در شورای امنیت ملی آمریکا به عنوان سفیر ایالات متحده در سازمان ملل جابجا شد. او و همچنین

هدف محدود کردن برنامه هسته‌ای ایران است یا برچیدن آن گفت: «برچیدن کامل، بله، فقط همین را می‌پذیرم». او سپس موضع خود در مورد علاقمندی به پیشرفت کشور ایران را تکرار کرد و افزود: «من می‌خواهم ایران واقعاً موفق، واقعاً عالی، واقعاً فوق‌العاده باشد. تنها چیزی که نمی‌تواند داشته باشند یک سلاح هسته‌ای است. اگر بخواهند موفق باشند، اشکالی ندارد. من می‌خواهم خیلی موفق باشند. من فقط نمی‌خواهم آنها سلاح هسته‌ای داشته باشند، چون دنیا نابود خواهد شد».

ترامپ همچنین گفت که آماده شنیدن استدلال‌ها در حمایت از داشتن برنامه هسته‌ای غیرنظامی ایران است؛ موضوعی که وزیر خارجه‌اش نیز از آن حمایت کرده و گفته بود اگر جمهوری اسلامی به اورانیوم غنی‌شده برای چنین برنامه‌ای نیاز دارد، می‌تواند آن را از کشورهایی که تحت نظارت و تأیید آژانس بین‌المللی انرژی اتمی فعالیت می‌کنند، وارد نماید.

نفت دارند، انرژی اتمی می‌خواهند چه کار؟!

ترامپ در بخش دیگری از مصاحبه‌ی اخیر خود گفته است: «نظریه جدیدی مطرح می‌شود مبنی بر اینکه ایران بتواند برنامه غیرنظامی برای تولید برق و نظایر آن داشته باشد. اما من می‌گویم آنها اینهمه نفت دارند، برنامه هسته‌ای صلح‌آمیز به چه کارشان می‌آید؟ البته می‌دانم کشورهای دیگری که نفت بسیار دارند هم دنبال چنین چیزی بوده‌اند».

رئیس‌جمهوری آمریکا افزود: «ایران منابع انرژی فوق‌العاده‌ای دارد و من دو روز پیش تحریم‌های سنگینی را علیه آنها به ویژه در حوزه نفت اعمال کردم».

دونالد ترامپ بار دیگر از سیاست‌های جو بایدن رئیس‌جمهوری پیشین آمریکا در قبال جمهوری اسلامی ایران انتقاد کرد و گفت که تهران در زمان بایدن ثروتمند شد و از این ثروت برای حمایت و تقویت گروه‌های نیابتی از جمله حماس و حزب‌الله استفاده کرد.

مارکو روبیو وزیر خارجه آمریکا از مخالفان سرسخت مذاکره و توافقی مشابه برجام با جمهوری اسلامی هستند. در تهران اما جابجایی والتز به عنوان پیام ترامپ برای معامله با جمهوری اسلامی تعبیر شد. اما روبیو اول ماه مه ۲۰۲۵ (۱۱ اردیبهشت) در مصاحبه با شبکه «فاکس نیوز» گفت جمهوری اسلامی نه تنها باید غنی‌سازی اورانیوم، ساخت موشک دوربرد و حمایت از تروریسم را متوقف کند بلکه تأسیسات نظامی آن نیز می‌بایست قابل بازرسی بوده و آمریکا هم در نظارت بر فعالیت‌های اتمی آن مشارکت داشته باشد.

او در همین مصاحبه تأکید کرد که جمهوری اسلامی ایران باید غنی‌سازی را متوقف کند و اگر برای تولید انرژی هسته‌ای جهت مقاصد صلح‌آمیز به اورانیوم غنی‌شده نیاز دارد، مانند بسیاری از کشورهای دیگر، آن را وارد نماید. روبیو همچنین استدلال کرده بود «سطح غنی‌سازی، مثلاً ۳/۶۷ درصد، در اصل چندان مهم نیست، چون اگر کشوری توانایی غنی‌سازی در این سطح را داشته باشد، از نظر فنی قادر خواهد بود آن را به سطح مورد نیاز برای سلاح نیز برساند.» اکنون با سخنان اخیر ترامپ به نظر می‌رسد این استدلال پذیرفته شده است.

پیشتر مجید تخت‌روانچی از دستیاران عراقچی گفته بود در مذاکرات با آمریکا، موضوع غنی‌سازی صفر و برنامه موشکی مطرح نشده است. حالا با اظهارات مقامات ارشد ایالات متحده، روشن نبودن خطوط قرمز آمریکا در مذاکرات مورد انتقاد مقامات تهران قرار گرفته است. در همین ارتباط، علی لاریجانی مشاور ارشد رهبر جمهوری اسلامی ۱۴ اردیبهشت در مصاحبه‌ای گفت: «آمریکایی‌ها حرف‌های مختلفی می‌زنند و روی یک موضع نمی‌ایستند». این در حالیست که «آکسیوس» تأکید کرده است که اظهارات ترامپ به اختلاف نظر در دولت وی درباره هدف مذاکرات با جمهوری اسلامی پایان می‌دهد. ترامپ در پاسخ به کریستین ولکر در ان‌بی‌سی که از او پرسید

تعویق مجدد گفتگوی جمهوری اسلامی و آمریکا؛ حملات سنگین اسرائیل به مواضع حوثی‌ها



حملات سنگین اسرائیل به یمن

روزنامه کیهان تهران به دولت پزشکیان توصیه کرده است که «بجای مذاکره در منطقه مقتدر باشید». این در حالیست که تصمیم درباره مذاکره توسط علی خامنه‌ای گرفته شده است!

کانال‌های تلگرامی نزدیک به سپاه پاسداران و در مجموع تریبون‌های تبلیغاتی حکومت از حمله موشکی حوثی‌ها به اسرائیل استقبال کرده‌اند. شبه‌نظامیان حوثی مورد حمایت جمهوری اسلامی ایران صبح روز یکشنبه ۴ مه ۲۰۲۵ (۱۴ اردیبهشت) چند فروند موشک از یمن به خاک اسرائیل پرتاب کردند. یکی از این موشک‌ها در نزدیکی فرودگاه بین‌المللی بن‌گوریون اسرائیل فرود آمد و باعث زخمی شدن چند نفر و ایجاد اختلال در برنامه پروازها شد.

در واکنش به این حملات موشکی، از عصر روز دوشنبه نیروی هوایی اسرائیل تأسیسات حیاتی حوثی‌ها در بندر الحدیده و صنعا را هدف حملات سنگین قرار داده است.

اخلال در مذاکرات

در ایران برخی افراد سیاسی نزدیک به جریان اصلاح‌طلب هشدار دادند حملات موشکی حوثی‌ها به اسرائیل مذاکرات را مختل می‌کند. در واکنش به این موضع اما مهدی قاسم‌زاده فعال سیاسی اصولگرا در «ایکس» نوشت «فقط جماعتی امروز شلیک یمنی‌ها را می‌توانند مغل مذاکرات بدانند که به دنبال تسلیم شدن در سر میز مذاکره هستند وگرنه با اندکی تفکر می‌توان فهمید وقتی طرف مقابل با حمله به یمن، به دنبال ایجاد همانی نزد افکار عمومی بود، اقدام امروز یمنی‌ها را اتفاقاً باید عامل پر شدن دست مذاکره‌کنندگان کشورمان دانست!»

بنیامین نتانیاهو نخست‌وزیر اسرائیل پیش از این حملات هشدار داده بود «به حوثی‌ها و اربابان آنها در ایران پاسخ خواهیم داد». برخی تحلیلگران می‌گویند با این حملات احتمال اقدام نظامی علیه جمهوری اسلامی به ویژه با متوقف شدن روند مذاکرات افزایش می‌یابد.

دلایل مختلفی برای علت لغو مجدد دور چهارم گفتگوهای عباس عراقچی و استیو ویتکاف مطرح شده است. یکی از آنها توقیف یک کشتی حامل تسلیحات برای حوثی‌هاست که توسط جمهوری اسلامی ایران به یمن ارسال شده بود. برخی منابع نیز گزارش دادند که آمریکا خواهان برچیده شدن کامل غنی‌سازی در ایران است. این موضوع را دونالد ترامپ در مصاحبه اخیر خود با صراحت عنوان کرد. علاوه بر اینها روزنامه «فرهیختگان» گزارش داد که ولادیمیر پوتین رئیس‌جمهوری روسیه با پیشنهاد سلطان عمان مبنی بر انتقال ذخایر هسته‌ای ایران به روسیه مخالفت کرده است. یکی از موارد اختلاف در مذاکرات و همچنین درون حکومت ایران موضوع خارج کردن اورانیوم‌های غنی‌شده و انتقال آن به کشور ثالث است. دست‌کم ۲۷۵ کیلوگرم اورانیوم با غلظت ۶۰ درصد در ایران ذخیره شده که آژانس بین‌المللی انرژی اتمی تخمین می‌زند برای ساخت شش مپم اتم کافیست. از دیگر دلایل توقف مذاکرات، شروط آمریکا برای توقف حمایت رژیم ایران از نیابتی‌ها و توقف ساخت موشک‌های دوربرد است.

بر همین اساس به نظر می‌رسد این مذاکرات وارد مراحل پیچیده‌ای شده و فشارها به حکومت ایران رو به افزایش است. در واکنش به این فشارها، جمهوری اسلامی از یک موشک دوربرد با عنوان «قاسم بصیر» رونمایی کرد و تقریباً همزمان حوثی‌ها صبح روز یکشنبه ۴ مه ۲۰۲۵ (۱۴ اردیبهشت) چندین موشک از یمن به خاک اسرائیل پرتاب کردند.

در این میان، آرون دیوید میلر مشاور ارشد سابق آمریکا در امور خاورمیانه به اظهارات دونالد ترامپ درباره رژیم ایران واکنش نشان داد و گفت که ترامپ با اظهارات متفاوت هرگز به دنبال توافق با جمهوری اسلامی نیست. او در «ایکس» نوشت، «اظهارات ترامپ درباره ایران نشان می‌دهد که او به دنبال هیچ توافق غیرشفافی نیست، بلکه خواهان پایان دادن کامل به غنی‌سازی ایران است. این یعنی اساساً هیچ توافقی در کار نخواهد بود.»

● خبرنگار «فاکس نیوز» روز دوشنبه ۱۵ اردیبهشت ۱۴۰۴ در شبکه «ایکس» خبر داد دور چهارم مذاکرات جمهوری اسلامی و آمریکا آخر این هفته هم برگزار نخواهد شد. این گفتگو قرار بود شنبه گذشته ۱۳ اردیبهشت در رُم برگزار شود اما لغو شد. همزمان اسرائیل با هماهنگی آمریکا مواضع حوثی‌ها در یمن را هدف حملات سنگین قرار داده است.

● آرون دیوید میلر مشاور ارشد سابق آمریکا در امور خاورمیانه به سخنان دونالد ترامپ درباره رژیم ایران واکنش نشان داد و گفت که ترامپ با اظهارات متفاوت هرگز به دنبال توافق با جمهوری اسلامی ایران نیست.

● مهدی قاسم زاده فعال سیاسی اصولگرا در «ایکس» نوشت «فقط جماعتی امروز شلیک یمنی‌ها را می‌توانند مغل مذاکرات بدانند که به دنبال تسلیم شدن در سر میز مذاکره هستند وگرنه با اندکی تفکر می‌توان فهمید وقتی طرف مقابل با حمله به یمن، به دنبال ایجاد همانی نزد افکار عمومی بود، اقدام امروز یمنی‌ها را اتفاقاً باید عامل پر شدن دست مذاکره‌کنندگان کشورمان دانست!»

خبرنگار «فاکس نیوز» روز دوشنبه ۱۵ اردیبهشت ۱۴۰۴ در شبکه «ایکس» خبر داد دور چهارم مذاکرات جمهوری اسلامی و آمریکا آخر این هفته هم برگزار نخواهد شد. این گفتگو قرار بود شنبه گذشته ۱۳ اردیبهشت در رُم برگزار شود اما لغو شد. همزمان اسرائیل با هماهنگی آمریکا مواضع حوثی‌ها در یمن را هدف حملات سنگین قرار داده است.

دونالد ترامپ رئیس‌جمهوری آمریکا در مصاحبه با شبکه ان‌بی‌سی گفت، هدف مذاکرات «برچیدن کامل» برنامه هسته‌ای ایران است. عباس عراقچی وزیر خارجه جمهوری اسلامی در واکنش به این موضع ترامپ عنوان کرد، ایران حق دارد از چرخه سوخت هسته‌ای برخوردار باشد اما اینبار تکرار نکرد که غنی‌سازی اورانیوم خط قرمز جمهوری اسلامی است.

فاجعه «بندر رجایی»؛ به جریان افتادن طرح استیضاح وزیر راه و شهرسازی



کافیست»

انفجار در «بندر رجایی» اگر چه به مدیریت وزارت راه و شهرسازی طی هشت ماه گذشته مرتبط است و فرزانه صادق باید درباره علت بی‌رئیس ماندن مهمترین و استراتژیک‌ترین بندر تجاری ایران توضیح دهد اما در مجموع ساختار فاسد و ناکارآمد جمهوری اسلامی محصول چهار دهه عملکرد مجموع نظام است.

به نظر می‌رسد همین ساختار فاسد مانع از ایجاد شفافیت در ورودی‌ها و خروجی‌های «بندر رجایی» شده است.

در همین رابطه حسین سلاح‌ورزی رئیس پیشین اتاق بازرگانی در شبکه «ایکس» نوشته «چه چیزی مانع نصب تجهیزات ایکس‌ری کانتری برای کنترل محموله‌های ورودی و خروجی در مبادی گمرکی بندری است؟ پیش‌تر، ما در اتاق بازرگانی برای تأمین مالی و تهیه این تجهیزات به‌منظور تسریع تشریفات گمرکی و تسهیل فرآیندها اعلام آمادگی کرده بودیم. با این حال، همچنان مشخص نیست که مانع اصلی چیست و در کجاست!»

تیمور باهنگام، کارگزار رسمی گمرک نیز در گفتگو با وبسایت اصلاح‌طلب «جماران» گفته که انفجار در بندر رجایی به دلیل رسوب گسترده کالا و فرسودگی تجهیزات بندر «کاملاً قابل پیش‌بینی» بوده است. او با اشاره به اینکه تمام تجهیزات از جمله لیفتراک‌ها دارای روغن‌ریزی بوده‌اند، تأکید کرد در بندری با چنین درآمدی نباید از تجهیزات دست‌دوم استفاده شود.

این کارگزار با اشاره به ناکارآمدی سیستم ترخیص کالا در ایران، گفت در امارات کالاهای ظرف ۴۸ ساعت ترخیص می‌شود اما در ایران، حتی کالای ضروری واحدهای تولیدی تا ۱۰۰ روز در گمرک باقی می‌ماند.

تیمور باهنگام دولت را مقصر اصلی رسوب کانتینرها دانست و گفت: «قوانین فعلی با شرایط بزرگترین بندر تجاری کشور سازگار نیست».

عبدالجلال ایری، نماینده بندر ترکمن و عضو

اسلامی خبر داده و گفته «انفعال و اهمال در سازمان بنادر، بستن سامانه ثبت نام مسکن و محروم کردن مردم از حقوق قانونی خود، عدم انجام تکالیف قانونی متناسب با قانون جوانی جمعیت، عملکرد بسیار ضعیف وزارتخانه در اجرای قوانین تنظیم‌کننده بازار مسکن، روزمرگی و وضعیت بغرنج در حوزه حمل و نقل، سردگمی و بی‌برنامگی مفرط در عزل و نصب‌های مکرر، قانونی‌شکنی‌های مکرر و عدم تسلط فنی و ناآگاهی از وقایع مهم وزارت راه و شهرسازی از جمله محورهای این طرح استیضاح به شمار می‌رود.»

عبدالوحد فیاضی، نماینده نور و محمودآباد در مجلس شورای اسلامی و از امضاکنندگان طرح استیضاح فرزانه صادق نیز گفته «سوال اول و مشخص این است که چرا باید چند ده هزار کانتینر روی هم به مدت طولانی دپو شود که حال، چنین حادثه تلخی و با این وسعت بر ما تحمیل شود؟ از این‌رو ضرورت دارد تا وزیر راه و شهرسازی و وزیر صمت به طور جدی پاسخگو باشند.»

وی افزوده که «ما حتی دقیق نمی‌دانیم که در برخی کانتینرها چه بوده است. واقعاً پرسش داریم که کار گمرک و بندر و اداره آن‌ها باید به این گونه باشد؟ بندر محل رفت و آمد و رفع و رجوع نیازها است نه اینکه کانتینرها بایبند و مدت طولانی روی هم دپو شوند. مسئولان بندر، رئیس سازمان بنادر و دریانوردی و وزیر راه و شهرسازی به طور ویژه باید پاسخگوی این حادثه بزرگ و غم‌انگیز باشند.»

این نماینده مجلس شورای اسلامی افزوده «یکی از انتقادات جدی برخی نمایندگان و استیضاح‌کنندگان به وزیر راه شهرسازی این است که چرا یک فرد غیرحرفه‌ای، غیرفنی و غیرمرتبط را بر سر ریاست سازمان بنادر و دریانوردی قرار داده‌اید؟ البته استیضاح وزیر راه و شهرسازی هشت، نه بند دیگر دارد که حادثه انفجار بندر شهید رجایی و انتقاد به انتصاب مدیر سازمان بنادر و دریانوردی، به اراده نمایندگان برای استیضاح، ضریب داد، هرچند به باور من، تنها حادثه بندر شهید رجایی برای استیضاح وزیر راه و شهرسازی

● تا کنون حدود ۵۰ نماینده مجلس شورای اسلامی طرح استیضاح فرزانه صادق وزیر راه و شهرسازی دولت پزشکیان را امضا کرده‌اند.

● «انفعال و اهمال در سازمان بنادر، بستن سامانه ثبت نام مسکن و محروم کردن مردم از حقوق قانونی خود، روزمرگی و وضعیت بغرنج در حوزه حمل و نقل، سردگمی و بی‌برنامگی مفرط در عزل و نصب‌های مکرر» از جمله محورهای طرح استیضاح فرزانه صادق هستند.

● حامیان دولت پزشکیان بدون اشاره به کم‌کاری‌های دولت، به ویژه وزارت راه و شهرسازی، نوک پیکان حمله را به سمت نمایندگان امضاکننده طرح استیضاح فرزانه صادق گرفته و معتقدند این طرح برای ضربه به دولت و سیاسی‌کاری است!

● تیمور باهنگام، کارگزار رسمی گمرک گفته که انفجار در بندر رجایی به دلیل رسوب گسترده کالا و فرسودگی تجهیزات بندر «کاملاً قابل پیش‌بینی» بوده است.

● عبدالجلال ایری نماینده بندر ترکمن: نگرانی‌هایی درباره احتمال تکرار چنین حوادثی در سایر بنادر کشور وجود دارد و نظارت جدی‌تری از سوی وزارت راه بر عملکرد بنادر ضروری است.

پس از فاجعه انفجار در «بندر رجایی» شماری از نمایندگان مجلس شورای اسلامی طرح استیضاح فرزانه صادق وزیر راه و شهرسازی را به جریان انداختند. ساعتی پس از جان باختن ده‌ها تن و مجروح شدن بیش از هزار تن در این انفجار، فرزانه صادق با حضور در منطقه و مقابل دوربین رسانه‌های داخلی مدعی «وضعیت عادی زندگی مردم» در شهر بندرعباس شد.

بر اساس گزارش‌ها تا کنون حدود ۵۰ نماینده مجلس شورای اسلامی طرح استیضاح وزیر راه و شهرسازی دولت پزشکیان را امضا کرده‌اند.

محمد منان رئیسی عضو کمیسیون عمران مجلس شورای اسلامی از ثبت این استیضاح در سامانه مجلس شورای

بازنشر

تروریسم هسته‌ای

خیراندیش (احمد احرار)

(کیهان لندن شماره ۱۱۳۷) دی ۱۳۸۵



آلکساندر لیتونیکف

خدا بخواد، بعد از آن که جامعه جهانی متقاعد شد حکومت تهران از غنی‌سازی اورانیوم هدفی جز استفاده صلح آمیز ندارد و دست از سر فقهای عظام برداشت و وعدهٔ پرزیدنت احمدی‌نژاد در مورد رسیدن به قله، تحقق یافت، ایران عزیز ما نیز به حق مسلم خود در این زمینه خواهد رسید.

آخر ناسلامتی، ابتکار حذف دشمنان از طریق سازماندهی گروه ضربت و اعزام مأمور ویژه به مناطق دوردست در تاریخ سیاسی - مذهبی جهان به نام «سیدنا» حسن صباح ثبت شده است و او بود که قرن‌ها پیش از این، کلید بهشت را به گردن «فدائیان» می‌آویخت و مأمورشان می‌کرد خود را در دوردستها به «دشمنان» برسانند و آنها را کارد بزنند.

آن وقتها وسایل ارتباط جمعی از قبیل روزنامه و رادیو وجود نداشت که ترورها را با آب و تاب گزارش کنند و هدف «سیدنا» هم تنها سر به نیست کردن دشمنان نبود. می‌خواست علاوه بر حذف فیزیکی دشمن، از این وقایع بهره‌برداری تبلیغاتی کند برای قدرت نمایی و ایجاد رعب. به همین سبب «فدائیان» دستور داشتند عملیات را در روز روشن و در جلو چشم جمعیت - هرچه بیشتر بهتر - انجام دهند تا دهان به دهان بچرخد و انعکاسی وسیع پیدا کند.

امروز اگر «سیدنا» را نداریم، صدها کارشناس برجسته و باتجربه در سازماندهی عملیات ترور از راه دور داریم که هم در دورهٔ قبل از انقلاب و هم در دورهٔ بعد از آن، مهارتشان را در شکار انسان به‌اثبات رسانیده‌اند. با وجود چنین بزرگان، و تشکیلات عظیم اطلاعاتی و ارتباطاتی و عملیاتی که تحت فرمان دارند، حیف است که روسها یا دیگران از ما جلو بیفتند و رکورددار شوند. باید سربازان گمنام امام زمان را برای اُتیه کردن تشکیلات و برنامه‌های عملیاتی، هرچه سریعتر آموزش دهیم و آماده کنیم...

به‌به، چه دنیائی... چه دنیای باصفائی... ما فرزندان آدم و حوا که پدر بزرگ و مادر بزرگ عزیزمان را به جرم عبور از خط قرمز و خوردن میوهٔ ممنوعه، لنگ بی‌تنبان از بهشت بیرون راندند و به تبعیدگاه زمین فرستادند، حالا در این تبعیدگاه یک بهشت واقعی ساخته‌ایم. در گوشه‌ای از این بهشت، مثل بهشت عدن، درختی به شکل قارچ سر از زمین برداشته است که دورش یک خط قرمز کشیده و کنارش یک تابلو نصب کرده‌اند با علامت خطر و ممنوعیت.

این درخت را درخت هسته‌ای می‌نامند.

به ما فرزندان آدم و حوا آموخته‌اند که نزدیک شدن به این درخت خطرناک و خوردن میوهٔ آن فاجعه‌آفرین است، اما خوب چه کار می‌شود کرد؟ توی رگهای ما خون همان پدر بزرگ و مادر بزرگ جریان دارد. باید امتحان کنیم و ببینیم خطرش تا چه حد است. مثلاً اگر به‌جای وسایل قدیمی مثل کارد و خنجر و اسلحهٔ آتشین از میوهٔ این درخت برای سر به نیست کردن مخالفان و مزاحمان سیاسی استفاده کنیم، چه ضرر دارد.

در دنیای اتمی قبیح است که همانند نیمه اول قرن گذشته برای ساکت کردن مزاحمانی که به آن طرف دنیا می‌گریزند و فساد می‌کنند و می‌پندارند چون در دوردستها زندگی می‌کنند جانشان در امان است، از «بخشکن» استفاده شود. روش، البته همان روش است. سپردن مأموریت به «دوستی» که می‌تواند از سد محافظت‌های امنیتی بگذرد و با «هدف» بر سر یک میز بنشینند و به‌سلامتی یکدیگر جام بزنند و تنها یکی از آنها زنده بماند.

فقط وسیله اجرایی فرق کرده است. مأمور اعزامی استالین در مکزیک، با یخ‌شکنی که بر فرق لئوتروتسکی فرود آورد، کار او را ساخت و مأمور اعزامی کرملین، برای ساکت کردن آلکساندر لیتونیکف در لندن، از «پلونیوم B» استفاده کرد. نخستین تجربه در قتل‌های سیاسی با عصارهٔ میوه درخت هسته‌ای!

هیئت اعزامی مجلس شورای اسلامی به «بندر رجایی» در گفتگو با وبسایت «عصر ایران» هشدار داده که «نگرانی‌هایی درباره احتمال تکرار چنین حوادثی در سایر بنادر کشور وجود دارد و نظارت جدی‌تری از سوی وزارت راه بر عملکرد بنادر ضروری است.»

او درباره آتش‌سوزی اخیر در این بندر گفت شیرهای آتش‌نشانی در دقایق اولیه حادثه کارایی لازم را نداشتند و همین موضوع باعث شد آتش‌سوزی به موقع مهار نشود. عبدالجلال ایری با اشاره به ضعف‌های مدیریتی و زیرساختی به ویژه در زمینه تجهیزات اطفای حریق تأکید کرد این مشکلات نقش مهمی در بروز این سانحه داشتند. با اینهمه چهره‌ها و رسانه‌های حامی دولت پزشک‌های بدون اشاره به کم‌کاری‌های دولت، به ویژه وزارت راه و شهرسازی، نوک پیکان حمله را به سمت نمایندگان امضاکننده طرح استیضاح فرزانه صادق گرفته و معتقدند این طرح برای ضربه به دولت و سیاسی‌کاری است!

فاطمه مهاجرانی سخنگوی دولت در پاسخ به پرسشی درباره دیدگاه دولت در زمینه طرح استیضاح وزیر راه در مجلس، گفته «به همان اندازه که استیضاح حق مجلس است انتظار داریم از این ابزار استفاده سیاسی نشود، همانگونه که وزارت اقتصاد وزیر خود را از دست داد. البته الان سرپرست این وزارتخانه کار را به خوبی پیش می‌برد. امیدواریم نسبت به وزارت راه، اما برخورد حرفه‌ای انجام شود.»

البته همه انتقادات درباره قبل و بعد از انفجار در «بندر رجایی» متوجه وزارت راه و شهرسازی نیست و بخشی از انتقادات به شیوه اطلاع‌رسانی مبهم و غیرشفاف در اینباره باز می‌گردد.

محمد هاشمی رفسنجانی، رئیس اسبق سازمان صداوسیما، در همین رابطه در گفتگو با وبسایت «فرارو» اعلام کرده اطلاع‌رسانی درباره انفجار در «بندر رجایی» مناسب نبوده است.

او گفته «در مورد حادثه بندرعباس، دلیل اصلی این‌که هنوز مردم اطلاع دقیقی ندارند این است که اطلاعات کافی تاکنون منتشر نشده است. مردم مدام می‌پرسند منشأ این انفجار چه بوده؟ خسارات وارد شده شامل چه مواردی بوده؟ کمک‌هایی که لازم است چه نوع کمک‌هایی هستند؟ یعنی آن‌طور که باید و شاید، هنوز اطلاعات لازم دربارهٔ این فاجعه به مردم داده نشده و اطلاع‌رسانی مناسبی صورت نگرفته است.»

اگر چه برخی صداوسیما را تنها مقصر شیوه غیر قابل اطلاع‌رسانی در اینباره می‌دانند که به نظر می‌رسد سر رشته این سیاست نیز به دولت اصلاح‌طلب مسعود پزشکیان می‌رسد!

فاطمه مهاجرانی روز چهارشنبه دهم اردیبهشت‌ماه با اشاره به دستور دولت به نهادهای استانی و اقتصادی زیرمجموعه خود مبنی بر اطلاع‌رسانی نکردن درباره انفجار بندرعباس تا روشن شدن دلایل آن، گفت که این دستور برای داشت «صدای واحد» صادر شده است!

پیشتر مریم لطفی خبرنگار روزنامه «شرق» هشتم اردیبهشت‌ماه در پستی در حساب شبکه ایکس خود، با انتقاد از ارائه نشدن اطلاعات مسئولان مرتبط با انفجار بندر رجایی، نوشته بود: «همه گفتند منع شدیم از حرف زدن و روایت گفتن. فقط مجازیم با صدا و سیما مصاحبه کنیم.»

سخنگوی دولت پزشکیان در توجیه این دستور حکومتی گفت آنچه که اتخاذ شد به معنای «انسداد خبری» نبوده، بلکه به معنای این است که «بتوانند موضوعات را به گونه‌ای مدیریت کنند».

غرب اگر فریب سیاست‌های پیچیده رژیم ایران را بخورد دچار سرگشتگی خواهد شد

بین احمدی‌نژاد و رفسنجانی، در وابستگی به مبانی انقلاب اسلامی و حفظ رژیم به هر قیمت تفاوتی وجود ندارد
باید توانایی‌های جمهوری اسلامی در استفاده از سلاح تروریسم مورد توجه قرار گیرد

(تاریخ نشر در کیهان لندن: خرداد و تیر ماه ۱۳۸۹ - شماره ۱۳۱۱ - ۱۳۱۵)



قاضی بروگیر فاش می‌کند:

**آنچه
نتوانستم
بگویم
(پایان)**

که از طرف رژیم حاکم با تشریفات و احترامات، به عنوان «قاتل بیگناه» مورد استقبال قرار گرفت، قبلاً بخشی از کتاب «در دادگاه بختیار» نوشته دوست و همکارمان پری سکندری را نقل کردیم. خاطرات قاضی بروگیر، علاوه بر تشریح واقعه و چگونگی ردیابی قاتلان و دستگیری علی وکیل‌راد، اسرار پشت پرده این جنایت را فاش می‌کند. بخش پایانی این مطلب را در این شماره می‌خوانید

ژان لویی بروگیر (Jean Luis Bruguiere) بازپرس ویژه جرائم تروریستی در دادگستری فرانسه، که چندی پیش بازنشسته شد، خاطرات خود را در برخورد با تروریستها و پرونده آنان در کتابی با عنوان «آنچه نتوانستم بگویم» Ce que je n'ai pas pu dire با همکار یک روزنامه‌نگار و نویسنده به نام ژان ماری پونتو (J.M. Pontaut) به صورت گفت و شنود تدوین و انتشار یافته است. به مناسبت بازگشت پیروزمندانه علی وکیل‌راد به تهران،

● نویسنده: پس در حقیقت این گروه یک قدرت واقعی نظامی به شمار می‌رود.

- بدون تردید، در خلیج فارس نیز به وسیله قایق‌های موتوری سبک اقداماتی بر علیه نیروی دریایی آمریکا انجام می‌دهد. تمام عملیات سپاه قدس زیر نظر سپاه پاسداران انجام می‌شود. این واحد متشکل از افراد و نظامیان نخبه می‌باشد که تمایلات مذهبی شدیدی دارند و از بقیه نیروهای نظامی و غیرنظامی کاملاً مجزا هستند. در جمهوری اسلامی سیستم مذهبی فقط دستگاهی برای کنترل ایدئولوژیک نیست. این سیستم بر دستگاه اداری و نظامی کشور نیز نظارت دارد.

● آیا این نحوه اداره امور مملکت مخصوصاً در این زمان که مسأله اقیانوس اهمیت فراوانی یافته است نگران کننده نیست؟

- به نظر من مذاکره با ایران مستلزم حداکثر وقت و مراقبت است زیرا دلیل و قرینه‌ای وجود ندارد که این سیستم دستخوش تغییر و تحول کلی شود. البته اقدامات جنایتکارانه بر علیه مخالفان خارج از کشور دیگر در دستور کار رژیم نیست. ولی بدون هیچگونه تردید پاسداران با همکاری سرویسهای اطلاعاتی و امنیتی به دستور مقامات مذهبی اقدامات بیشماري انجام می‌دهند.

در کار قتل بختیار ادیپ سوی (Edipsoy) مسؤول مرکز عملیات ترکیه که واسطه ارتباطات با گروهی بود که به طور غیرقانونی در آنجا اقامت داشتند و سند جعل می‌کردند یک گذرنامه جعلی به قیمت ۶۰۰ هزار لیره ترک برای استفاده در برنامه قتل خریداری کرده بود. در این گونه موارد ارتباط با گروهی که کارشان سازمان دادن امور خلاف قانون و ارتکاب جنایت است از اهمیت خاصی برخوردار است. این کیفیت، دو سوءقصد اسرائیلی را که در سالهای ۱۹۹۲ و ۱۹۹۴ بر علیه سفارت اسرائیل و نیز یک انجمن اسرائیلی در بوئنوس آیرس ارتکاب یافت بخاطر می‌آورد. من با نیابت قضائی دولت آرژانتین، با گایانو Gaetano قاضی آرژانتینی که مأمور رسیدگی به این سوءقصدها بود همکاری بسیاری کردم. این سوءقصد که به وسیله یک کامیون پر از مواد منفجره صورت گرفت صد نفر تلفات به بار آورد و هیچوقت کم و کیف آن روشن نشد. من به عنوان کارشناس به آرژانتین دعوت شدم که روی این پرونده با قاضی آرژانتینی همکاری کنم. این تقاضای همکاری بخصوص به خاطر اطلاعاتی بود که از مراکز و عملیات تروریستی ایران داشتیم زیرا مارک

ایران به وضوح روی این واقعه دیده می‌شد. مقامات قضائی آرژانتینی نیز همین نظر را داشتند.

● آیا این سوءقصد واقعاً مارک ایران را داشت؟
بازپرس: به احتمال زیاد. با این توضیح که تحقیق درباره



شاپور بختیار

آن به دشواری آغاز شد. در ابتدا ارتباط سازمانهای جنایتکار که احتمالاً از همدستی چند نفر پلیس نیز برخوردار بودند برای ما روشن شد. بنابراین معلوم بود که مسأله با سیاستهای داخلی کشور مزبور نیز ارتباط دارد. تحقیقات نشان داد که دست محافل لبنانی نزدیک به شیعیان آن کشور مخصوصاً در منطقه مرز سه گانه آرژانتین - برزیل - پاراگوئه در کار است. این گروههای لبنانی کم و بیش با حزب الله در ارتباطند. مقامات قضائی آرژانتین متوجه شدند که تعدادی از دیپلماتهای ایرانی نیز در این ماجرا دخالت داشته‌اند. بالاخره معلوم شد که این سوءقصد به وسیله افراد وابسته به حزب الله لبنان با دخالت ایران صورت گرفته است.

به هر تقدیر این اقدام تروریستی عامل مهمی را نشان داد که امروز جزو بدیهیات شده است ولی در سال ۱۹۹۴ هنوز تازگی داشت و آن عامل، ارتباط تنگاتنگ و رو به افزایش جنایات برنامه‌ریزی شده و سازمان یافته گروههای مافیا، قاچاقچیان مواد مخدر و تروریست‌ها می‌باشد. برای آنکه به سؤال شما درباره اتم بازگردیم من معتقدم

که در برنامه‌های رژیم ایران در این موضوع تغییری به وجود نیامده است. طرز تفکرها، زیربناها و نحوه اقدام همان است که بود. وقتی شخص خوب با رژیم ایران آشنائی پیدا می‌کند به آسانی متوجه می‌شود که این رژیم تا چه حد می‌تواند پنهان کاری کند. رژیم ایران که در حال حاضر با بحران آقی و بحران ژئوپولیتیک و سیاسی روبرو است امکان دارد دست به عملیات غیرمستقیم بزند و از طریق اقدامات تروریستی مثلاً تجهیز مجدد حزب الله و یا از طریق به بازی گرفتن القاعده - که از نظر سیاست درازمدت و یا روش عملیاتی با ایران هماهنگی ندارد و با وجود این ایرانیان روی آن نفوذ دارند - فعالیت‌های تروریستی خود را تجدید کند. به عنوان مثال روشن شد در سال ۲۰۰۱ ایران به عنوان راه نفوذ به داخل افغانستان مورد استفاده القاعده قرار گرفته و حال آنکه راه نفوذ عادی از طریق پاکستان می‌باشد.

اگر دست داشتن ایران در حادثه بوئنوس آیرس مسلم شود نشان می‌دهد که رژیم ایران می‌تواند به هر نقطه‌ای که اراده کند ضربه وارد آورد.

در همین زمینه رفتار حزب الله را در لبنان مورد توجه قرار دهید. در واقع بیروت به آتش و خون کشیده شد و شخص تصور می‌کرد که حوادث سالهای دهه ۸۰ دوباره در حال تکرار است. ناگهان حسن نصرالله رئیس حزب الله لبنان همین که دانست قدرت گروه خود را نشان داده است ناگهان فرمان توقف عملیات را صادر کرد. میشل سلیمان رئیس جمهوری لبنان شد. فرانسه از بشار الاسد رئیس جمهوری سوریه برای انجام سفر رسمی به این کشور دعوت کرد. اگر حزب الله رسماً ساخته و پرداخته ایران نباشد ارتباط نزدیکش با این کشور جای تردید ندارد. در اینجا نیز خواه ناخواه اثر و دلیل نفوذ ایران آشکار می‌شود. امروز آرامش به لبنان بازگشته است و تمام گروههای سیاسی موجود در کشور برای تشکیل یک دولت جدید با یکدیگر همکاری می‌کنند. حتی حزب الله که برنده انتخابات هم نشد تا بحران بعدی به اصول دموکراتیک احترام می‌گذارد.

● آیا شما در این طرز برداشت و رفتار، نشان از اشاره‌ای به جامعه بین‌المللی مشاهده می‌کنید؟

- بدیهی است چنانچه بحران آقی منتهی به جنگ شود باید امکانات و توانائی ایران برای توسل به استراتژی‌های غیرمستقیم و مخصوصاً استفاده از سلاح تروریسم که در آن استادی و مهارت کامل دارد مورد توجه قرار گیرد. ←

→ نمونه آن را در عراق مشاهده می‌کنیم.

● به نظر من شما خیلی از مطلب دور شدید. آیا تصور می‌کنید از زمان توطئه قتل بختیار طبیعت و ذات جمهوری اسلامی تغییری پیدا نکرده است؟

- در سال ۱۹۹۱ یعنی سال قتل بختیار، ایران تحت ریاست جمهوری رفسنجانی بود که چهره‌ای جدید از یک رژیم تجددخواه و رویگردان از افکار محافظه‌کارانه و ملیت پرستی افراطی از خود نشان می‌داد ولی در واقع همان سیاست قبلی خود را دنبال می‌کرد و آن سیاست، توجه و ارزش نهادن به قدرت منطقه‌ای خود و نظارت بر نیروهای اسلامی جهان با هدف صدور انقلاب بود. از همان سال ۱۹۹۱ قصد و نیت ایران به دستیابی به سلاح اتمی به وضوح قابل درک و دارای اولویت خاصی بوده ولی کشورهای بزرگ به آن توجه لازم را مبذول نکردند. سیاست حادثه طلب و معطوف به جلب توده مردم احمدی‌نژاد را باید در همین راستای دوام سیاست همیشگی رژیم ایران مورد توجه قرار داد. دولت جدید ایران چنین نشان می‌دهد که کاملاً در خود فرو رفته و دستخوش رقابت‌های داخلی شده است و در عین حال در جستجوی خط مشی و جهت سیاسی خود می‌باشد. این تجزیه و تحلیل پیش پا افتاده یک موقعیت دشوار را به حساب نمی‌آورد، تردید نیست که تصاحب قدرت در ایران مورد نظر گروه‌های رقیب است ولی همین گروه‌ها در مورد اصول با یکدیگر اختلافی ندارند و این اصول، اعتلای ارزشها و وصول به هدفهای انقلاب اسلامی است.

توانائی فرهنگی رژیم ایران در آن بود که سیاست درازمدت خود را پنهان کرد و این طرز تفکر را بر کرسی نشاند که رفسنجانی، انقلاب و بالاقابل اصول تند و تیز آن را رها کرده است و ملت به دنبال پیدا کردن راه دیگری است. به نظر من باور و اعتقاد زیاد به چنین طرز تفکر فریبکارانه‌ای ممکن است برای غرب موجب سرگشتگی شود. زیرا تاریخ دیروز و امروز نشان داده و می‌دهد که سیاست رهبران ایران ذاتاً و طبیعتاً پیچیده است و می‌تواند در صورت لزوم وقاحت و تواضع، درستی و نادرستی، دوستی و دشمنی را هم آهنگ سازد و درهم آمیزد. البته نباید فراموش کرد رژیم قادر است هر آن مانند وقایع سال گذشته پس از انتخابات مخدوش احمدی‌نژاد به شدت و خشونت دست بزند.

علیرغم ظواهر امر، بین احمدی‌نژاد و رفسنجانی لاف‌ل در زمینه مسائل بنیانی یعنی سیاست خارجی و حفظ رژیم اختلاف زیادی وجود ندارد.

رفسنجانی کاملاً در بطن انقلاب قرار دارد. وی به تمام راز و رمزهای جمهوری اسلامی آشناست و خود بر بسیاری از دستگاه‌های مؤثر رژیم ریاست داد تا حدی که می‌توان گفت تمام زیربنای هرمی شکل جمهوری اسلامی و بخصوص کمیته عالی امنیت ملی که کمیته اطلاعات تحت ریاست فلاحیان وابسته به آن است زیر سلطه رفسنجانی قرار دارد. تمام هدفهایی که باید مورد حمله و تعرض قرار گیرد به وسیله کمیته عالی امنیت ملی تعیین می‌شود. قتل بختیار بدون کوچکترین تردید مورد تأیید این دستگاه قرار گرفته بود. دستگاهی که تمام مراجع تصمیم گیرنده مأمور صدور انقلاب بخصوص سپاه پاسداران را در بر می‌گیرد. سایر وزارتخانه‌ها بخصوص وزارت امور خارجه که در آن زمان تحت مسؤولیت ولایتی قرار داشت نیز از همین گروه‌ها هستند. به این ترتیب دول اروپائی درباره حکومت رفسنجانی ساده‌لوحی بسیار از خود نشان دادند. آیا همین رفسنجانی نبود که در سال ۱۹۹۱ هنگام مسافرت به ترکیه در حالی که قتل بختیار برنامه‌ریزی شده بود اظهار داشت: «ما به دنبال فناوری (تکنولوژی) غرب هستیم ولی غربیان با بی‌احتیاطی

چنین نتیجه می‌گیرند که ایران در شرف ترک اصول اسلامی است. در حالی که ایران در پی آن است که از تکنولوژی غرب استفاده کند و در عین حال نسبت به اصول اسلامی خود پای‌بند بماند.»

با وجود رقابت‌های شدید گروه‌های تصمیم گیرنده که هر یک خود را انقلابی‌تر از دیگری نشان می‌دهند قم در پی آن است که پاسداران انقلاب و دیگر واحدهای نظامی که از رژیم گذشته بجا مانده است مانند ارتش، شهرانی و

ورقی از پرونده ترور یسم دولتی

محرمانه‌ترین اسناد بازجویی سعید امامی درباره قتل سید احمد خمینی و داریوش و پروانه فروهر

بخشی از پاسخ‌های سعید امامی به پرسش‌های بازجوی خود در مورد موضوع قتل‌های زنجیره‌ای را با هم بخوانیم. این گفته‌ها به خوبی مکانیزم تصمیم‌گیری در مورد حذف مخالفان حکومت را به تصویر می‌کشد و از مهمترین اسناد موجود در این رابطه است. سعید امامی پس از افشای بخشی از جنایاتی که در این کشور رخ داده بود، به‌صورت مرموزی به قتل رسید.

● من از آغاز انقلاب تا به امروز سرباز گوش به فرمان نظام مقدس اسلامی و مقام ولایت بوده و هستم، هیچگاه بدون کسب اجازه و یا بدون دستورات مقامات عالی نظام کاری انجام نداده‌ام. هرچه را که به صلاح نظام و اسلام دانسته‌ام به عنوان پیشنهاد به مسؤولانم ارائه کرده‌ام. من خود را گناهکار نمی‌دانم. کسانی که حذف شده‌اند، مرتد، ناصبی و محارب بوده‌اند. حکم مجازات آنها مثل همیشه به ما تکلیف شده است و ما آنچه کرده‌ایم اجرای تکالیف شرعی بوده است نه قتل و جنایت ... حکم اعدام داریوش فروهر و پروانه اسکندری را به روال معمول همیشگی حجت‌الاسلام علی فلاحیان به من داد.

احکام اعدام سایر محاربین قبلاً در زمان وزارت فلاحیان صادر شده بود. از مدتها پیش قرار بر این بود که عوامل مؤثر فرهنگی وابسته که توطئه نه‌اجم فرهنگی را در ایران پیاده می‌کردند و جمعاً صد نفر بودند اعدام شوند. حکم حذف ۲۹ نفر از نویسندگان از مدتها پیش مشخص و احکام قبلاً صادر شده بود که در مورد ۷ تن از آن عناصر احکام در دوره وزارت علی فلاحیان اجرا شده بود. وقتی حکم اعدام فروهر به ما ابلاغ شد پرسیدیم که تکلیف احکام معطل مانده اعضای کانون نویسندگان چه می‌شود که حاج‌آقا دری نیز گفتند هرچه سریعتر اقدام شود بهتر است و این بار نیز مثل ماقبل انجام شد با فرق اینکه به‌جای ابلاغ از سوی فلاحیان امور از طریق حاج‌آقا دری نجف‌آبادی هماهنگ می‌شد.

در جلد ۱۶ پرونده صفحه ۳۸۴ پرونده بازجویی سعید امامی، هنگامی که بازجو از وی سؤال می‌کند که آیا اعدام‌ها رویه امنیتی داشت و با حکم «حفظ نظام از واجبات است» انجام می‌شد یا حکمهای موضوعی نیز داشت، سعید امامی پاسخی می‌دهد که شاید بتوان آن را مهمترین فراز بازجویی‌های وی تلقی نمود. وی در جواب می‌گوید:

● فلاحیان با وجود آنکه خود حاکم شرع بود، اما معمولاً و در موارد حساس احکام حذف محاربان را شخصاً صادر نمی‌کرد. او این احکام را از آیت‌الله خوشوقت، آیت‌الله مصباح، آیت‌الله خزلی، آیت‌الله جنتی و گاه‌ها نیز از حجت‌الاسلام محسنی اژه‌ای دریافت می‌کرد و بدست ما می‌داد. ما فقط به آقایان اخبار و اطلاعات می‌رساندیم و بعد هم منتظر دستور می‌ماندیم. مثلاً وقتی باخبر شدیم که حاج احمدآقا در جلسات خصوصی به مسؤولان نظام و حتی به ولایت امر اهانت می‌کند. آن را ارجاع دادیم و بلافاصله دستور آمد که همه رفت و آمدهای ایشان را زیر نظر بگیرید و از مکالمات و ملاقاتهای ایشان نوار تهیه کنید. ما هم به مدت یکسال همین کار را کردیم. متأسفانه حاج احمدآقا به راه یک طرفه بدی وارد شده بود که برگشت نداشت. وقتی دستور حذف حاج احمدآقا را آقای فلاحیان به من ابلاغ کرد مضطرب شدم و حتی به تردید فرو رفتم. دو روز بعد همراه با آقای فلاحیان به دیدار آیت‌الله مصباح رفتیم، آقایان محسنی اژه‌ای و بادامچیان هم آنجا بودند البته بعداً حاج‌آقا خوشوقت هم از بیت آمدند آنجا و نظر جمع بر این بود که نباید به کسانی که با ولی امر مسلمین خصومت می‌کنند، رحم کرد...

سرویس‌های امنیتی و اطلاعاتی قدرت و برتری خود را حفظ کنند. رفسنجانی به دنبال این تفکر انقلابی است که هدف آن بخصوص نظارت بر تمام نیروهای اسلامی در سراسر جهان می‌باشد و وجود نهضت‌های مخالف دیگر مانند نهضت ملی مقاومت ایران بختیار را به هیچ وجه بر نمی‌تابد. قتل بختیار پاسخی به یک خواسته سیاسی بود و بدون تردید مورد موافقت و تأیید رفسنجانی قرار گرفت حتی به این قیمت که جنایت مزبور به سیاست خارجی ایران که در آن زمان سرگرم مذاکره با اورودیف بود لطمه وارد آورد. با وجود آنکه جاه طلبی‌های ایران با مخالفت غرب و عراق در دوران صدام حسین مواجه شد سیاست و خواست این کشور آن بوده و هست که در تمام جهان اسلام و نهضت‌های اسلامی گوش شنوایی داشته باشد. این خواسته افراط‌آمیز، جاه‌طلبی‌های توسعه طلبانه ایران را توجیه می‌کند.

اراده ایران برای دستیابی به سلاح اتمی از همین جاه‌طلبی نشأت می‌گیرد که از طرف غرب بخصوص آمریکا پیش‌بینی نشده بود. از چندی قبل ایران به دنبال آن است که افکار عمومی

خواسته‌های ایران در آن زمان تعهد تحویل اورانیوم با غنای کمتر به ایران بود. در آن زمان پاکستان به عنوان یک قدرت اتمی مسلمان می‌توانست این اورانیوم خریداری شده ایران را در مراکز اتمی خود به ماده مورد نیاز سلاح اتمی تبدیل کند. امروز غرب در ایران مراکز اتمی دیگری را کشف کرده که تولیدات آن بیشتر از نیازهای ایران برای مقاصد صلح‌آمیز و غیرنظامی می‌باشد. در یک زمینه سیاسی و سیاست جغرافیایی دیگر احمدی‌نژاد تلاش می‌کند مسلمانانی را که با غرب مبارزه می‌کنند به سوی خود جلب کند. با همین فکر و حضور ذهنی بود که وی نخستین مسافرت رسمی خود را پس از انتخاب شدن به اندونزی اختصاص داد. تمام این جریان‌ها و عوامل نشان از ادامه یک سیاست واحد دارد که فقط مجریان آن تغییر می‌کنند و بنابراین دول غربی باید به این نکته توجه مخصوص مبذول دارند بخصوص که با تجدید انتخاب احمدی‌نژاد چهره خشونت‌آمیز رژیم کاملاً روشن شد. سیاست درازمدت ایران برای مسلح شدن به سلاح اتمی دنباله همین سیاست است.

پایان

رژیم ایران و واقع‌گرایی پس از آن «طوفان»!



تجمع مخالفان مذاکره با آمریکا پس از ترور محسن فخری‌زاده

حتی در دشوارترین شرایط منطقه پابرجا بود. در همان حال، رژیم ایران رهبری یک انقلاب بزرگ علیه حضور آمریکا در خاورمیانه را بر عهده داشت. هدف عملیات انتحاری در بیروت، تضعیف حضور آمریکا و غرب در آنجا بود. قاسم سلیمانی شخصاً هدایت عملیات فرسایشی علیه حضور نظامی آمریکا در عراق را بر عهده گرفت و ورود «جهادی‌های اسلامی» به عراق را تسهیل کرد.

انقلاب ایران موفقیت واضحی کسب کرد زمانی که سوریه به حلقه‌ای ثابت در محور آن تبدیل شد و مسیر سلیمانی از تهران تا بیروت از طریق عراق و سوریه باز گشت. اما همه اینها مربوط به گذشته است. هم بیروت و هم دمشق تغییر کرده و در اختیار تهران نیستند.

حوثی‌ها در نبردی بی‌سرانجام به پناه بردن به تونل‌ها در قلب کوه‌ها روی آورده‌اند. «محور مقاومت» جمهوری اسلامی تحت فشار نظامی سهمگین اسرائیل، حمایت آمریکا و برتری فناوری، در حال فروپاشی است.

آیا رژیم ایران پذیرفته که دوره انقلاب‌هایی که موازنه قوا و نقشه‌های منطقه را تغییر می‌دادند، به پایان رسیده است؟ تردیدی نیست که جمهوری اسلامی با دست‌هایی بسیار خالی‌تر از گذشته وارد مذاکرات فعلی با آمریکا شده است. حتی «حماس» نیز پیشنهاد آتش‌بس پنج‌ساله داده و اعلام کرده تمایلی به اداره غزه ندارد. «حزب‌الله» هم گزینه‌های زیادی در اختیار ندارد. بازگشت به جنگ برایش دشوار است، به ویژه حالا که سوریه در اختیار احمد الشرع قرار گرفته است. همچنین اکثریت لبنانی‌ها با بازگشت به جنگ مخالف‌اند و خواهان انحصار سلاح در دست دولت هستند. درهای مذاکرات رژیم ایران و آمریکا همچنان باز است و بیرون پریدن از قطار مذاکره برای تهران بسیار دشوار و پرهزینه است. به این ترتیب به نظر می‌رسد جمهوری اسلامی ایران احتمال دارد با واقع‌گرایی پس از آن «طوفان» [طوفان الاقصی] حمله تروریست‌های حماس در هفتم اکتبر ۲۰۲۳ به خاک اسرائیل وارد مذاکره شده باشد.

*منبع: الشرق الاوسط

*نویسنده: غسان شریل سردبیر روزنامه الشرق الاوسط

*ترجمه و تنظیم از کیهان لندن

توجه آشکار تمایل حکومت عراق به دوری از هرگونه آتش احتمالی بین جمهوری اسلامی و آمریکا را درک کرده است؟ واضح است که رژیم ایران سال‌ها پیش تصمیم گرفت وارد هیچ رویارویی نظامی مستقیم با آمریکا نشود. من بنا بر حرفه‌ی خود عدم تمایل رژیم ایران به رویارویی با آمریکا را سال‌ها پیش از مقامات ایرانی شنیده بودم. از کسانی که در تهران دیدم، درباره احتمال وقوع رویارویی نظامی با آمریکا در پی تنش‌های مکرر، سؤال ساده‌ای پرسیدم. پاسخ‌ها متفاوت اما با یک مضمون بودند: «تو از جنگی می‌پرسی که هرگز رخ نخواهد داد». برخی به صراحت به من می‌گفتند که رژیم ایران خوب بلد است که بر لبه جنگ بایستد بی‌آنکه در آن بلغزد.

وقتی از برخی ایرانی‌ها خواستم این باور را توضیح دهند که چرا جنگ بعید است، می‌گفتند: «به شعارها و تبلیغات اعتنا نکن. این شعارها را کنار بگذار. رژیم ایران می‌داند ارتش آمریکا نیرویی عظیم است که می‌تواند هر هدفی در جهان را نابود کند. ما سودی در برخورد با قدرتی نداریم که می‌دانیم می‌تواند ما را ده‌ها به عقب بازگرداند. هواپیماهای آمریکایی می‌توانند خساراتی سنگین به کارخانه‌ها، فرودگاه‌ها و تمام دستاوردهای ما از زمان انقلاب وارد کنند».

اما در کنار این تحلیل، تأکید می‌کردند: «این به هیچ وجه به معنای تسلیم در برابر سلطه قدرت آمریکایی نیست. ما ابزارهای فشاری داریم و خوب بلدیم از آنها استفاده کنیم. آمریکا نیز به نوبه خود از اهمیت ایران و وزن آن آگاه است و می‌داند که نمی‌تواند تجربه عراق را در ایران تکرار کند؛ یعنی سقوط نظام با تهاجم زمینی. این به آن معنا نیست که ما سیاست‌های آمریکا در منطقه را می‌پذیریم، چه در فلسطین و چه جاهای دیگر. ما در تقابل با آمریکا هستیم اما این تقابل در منطقه است، نه در داخل ایران. منطقه دیگر حیاط خلوتی برای صید آزادانه آمریکا بدون در نظر گرفتن اراده مردم‌اش نخواهد بود. ما در مناطق مختلف، متحدانی داریم و بر بازوها و جنگ‌های فرسایشی نیابتی حساب باز کرده‌ایم».

تصمیم به پرهیز از رویارویی نظامی مستقیم با آمریکا

● تردیدی نیست که جمهوری اسلامی با دست‌هایی بسیار خالی‌تر از گذشته وارد مذاکرات فعلی با آمریکا شده است. حتی «حماس» نیز پیشنهاد آتش‌بس پنج‌ساله داده و اعلام کرده تمایلی به اداره غزه ندارد. «حزب‌الله» هم گزینه‌های زیادی در اختیار ندارد. بازگشت به جنگ برایش دشوار است، به ویژه حالا که سوریه در اختیار احمد الشرع قرار گرفته است.

غسان شریل (الشرق الاوسط) - برخی مفسران و تحلیلگران ایرانی با آرامش در رسانه‌ها از چشم‌انداز مذاکرات جاری با ایالات متحده سخن می‌گویند. برخی از آنها اشاره می‌کنند که دوران ماه‌عسل با «شیطان بزرگ» اگر نیت‌ها صادقانه باشد، ممکن و محتمل شده است.

آنها در تحلیل‌های خود به نیاز متقابل طرفین اشاره می‌کنند. نیاز رژیم ایران به توافقی است که آن را از فشار تحریم‌ها و اتهامات رها کند، و نیاز دولت آمریکا به دستاوردی به بزرگی توافق برجام در پرونده هسته‌ای است. تحلیلگران می‌گویند واشنگتن چیزی برای ارائه به تهران دارد و عکس آن در باره ایران نیز صادق است. آنها همچنین تأکید دارند که جهان امروز با زبان منافع سخن می‌گوید، نه زبان شعارهای پرشور که در فصل‌های تنش حاکم می‌شود. برخی حتا با صراحت می‌گویند که دولت دونالد ترامپ ممکن است فرصتی برای جمهوری اسلامی باشد، چون می‌خواهد به بازارها و فرصت‌های سرمایه‌گذاری در ایران وارد شود.

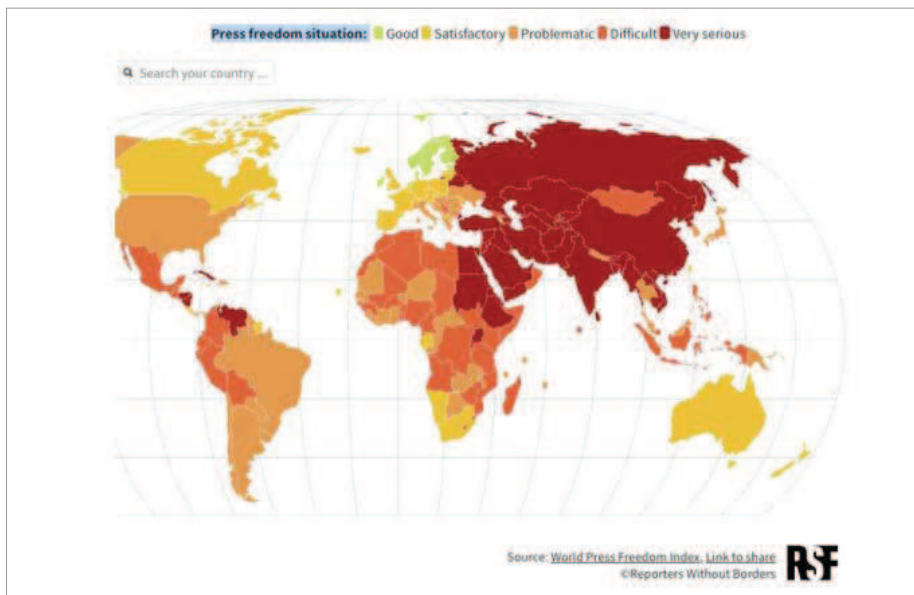
شبکه‌های تلویزیونی نظر شهروندان ایرانی را جویا می‌شوند و اغلب پاسخ‌ها این است که زمان، زمان تقابل پرهزینه نیست بلکه زمان همکاری و احترام به منافع متقابل است. کسانی که در گفتگوهای رژیم ایران و آمریکا شرکت دارند، از فضای سازنده و مفید و گام‌های اولیه‌ای که می‌توان بر آنها بنا کرد، سخن می‌گویند.

قرار بود فضای کنونی بین واشنگتن و تهران فضایی پرتنش و نزدیک به رویارویی باشد. دونالد ترامپ رئیس‌جمهور فعلی آمریکا، همان کسی است که توافق قبلی رژیم ایران را که در دوران باراک اوباما به دست آمده بود پاره کرد. او همان کسی است که دستور ترور قاسم سلیمانی فرمانده سپاه قدس را در نزدیکی فرودگاه بغداد صادر کرد.

او همچنین چند هفته پیش به جمهوری اسلامی ایران گفت که باید بین توافق جدید یا ضربه‌ای احتمالی از سوی اسرائیل با حمایت آمریکا یکی را انتخاب کند. حکومت ایران به این نوع زبان عادت نداشت، اما اینبار مجبور شد آن را بپذیرد.

ناظران و تحلیلگران حق دارند بپرسند چرا ناگهان «نسیم واقع‌گرایی» در مواضع رژیم ایران وزیدن گرفته است؟! آیا جمهوری اسلامی به دنبال آتش‌بس است چون ترامپ در تهدیداتش جدی است؟ آیا احساس می‌کند کسی که تصمیم به ترور سلیمانی گرفت، در دادن چراغ سبز به نتانیاهو برای تخریب تأسیسات هسته‌ای ایران نیز تردید نخواهد کرد و آمریکا در این مأموریت کمک خواهد کرد؟ آیا تهران از جنگ‌هایی که پس از «طوفان الاقصی» درگرفت و از اینکه نتوانست حماس و حزب‌الله را نجات دهد، درس گرفته است؟ آیا تهران صحنه‌های هولناک مباران مواضع حوثی‌ها توسط آمریکا را که نیاز به تفسیر ندارند و همچنین خارج شدن سوریه از مهمترین حلقه «محور مقاومت» و فرار بشار اسد را با خسارات عظیمی که برای ایران داشت و بالاخره

جمهوری اسلامی یکی از بزرگترین زندان‌های روزنامه‌نگاران



است. از آغاز این این جنبش تا امروز بیش از ۷۰ روزنامه‌نگار که شمار قابل توجهی از آنها زن هستند بازداشت، محاکمه و محکوم شدند. نه تنها روزنامه‌نگارانی که در داخل ایران فعالیت دارند تحت فشار سخت و سرکوب قرار می‌گیرند، بلکه جمهوری اسلامی تلاش دارد با تهدید به قتل فعالین رسانه‌ای در برون مرز و فشار شدید بر خانواده‌های آنها در داخل کشور نیز صدای آنها را خفه کند. تا کنون چندین توطئه برای قتل روزنامه‌نگاران ایرانی در خارج کشور کشف شده و کم نیستند روزنامه‌نگارانی که در کشورهای مختلف تحت پوشش امنیتی نهادهای کشورهای میزبان قرار دارند. یکی دیگر از مشکلات روزنامه‌نگاران تعطیلی رسانه‌ها به حکم دادگاه و یا پیامد فشار نیروهای حکومتی و امنیتی است. در دو سال گذشته بیش از یکصد روزنامه‌نگار در پی تعطیلی اجباری رسانه‌ها بیکار شدند. رسانه‌هایی که تلاش دارند حداقل استقلال خود را حفظ کنند، با فشارهای مالی مجبور می‌شوند یا با دولت و حکومت همصدا شوند و یا فعالیت خود را متوقف سازند.

با اینهمه جامعه مدنی پویا و پیشرو ایران به ویژه نسل جوان و زنان کشور که معتقد به آزادی و احترام به حقوق اساسی بشر هستند، تلاش دارند با استفاده از شبکه‌های اجتماعی با سیستم سانسور و خفقان حاکم بر ایران مبارزه کنند و از حق بنیادین خود برای دسترسی به اطلاعات دفاع نمایند. اگرچه فعالین در شبکه‌های اجتماعی نیز از سرکوب، بازداشت و زندان مصون نیستند. آخرین نمونه این تهدیدها تصمیم دادستان تهران پس از انفجار ششم اردیبهشت در بندرعباس مبنی بر اعلام جرم علیه چند رسانه به دلیل پوشش اخبار این فاجعه با استفاده از منابع میدانی بود. دادستان تهران همزمان به کسانی که در شبکه‌های مجازی فعال هستند نیز هشدار داد که در صورت انتشار خبر غیررسمی و یا باز نشر ویدیو در رابطه با انفجار در اسکله «بندر رجائی» می‌توانند مورد تعقیب قرار گیرند.



غیرمنصفانه در دادگاه‌های انقلاب صادر می‌شوند.» در ادامه این مطلب آمده است «علی خامنه‌ای معمولاً رسانه‌های مستقل را متهم می‌کند که بازیچه قدرت‌های خارجی هستند. او به عنوان رئیس سیاسی، نظامی و قضایی کشور می‌تواند دستور به بازداشت روزنامه‌نگاران دهد و آنان را به حبس‌های طولانی و حتی اعدام محکوم کند.» رسماً در جمهوری اسلامی بر اساس ماده ۲۴ قانون اساسی آزادی رسانه‌ها باید تضمین شود، اگرچه در قانونی که در سال ۱۳۶۴ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید و در سال‌های ۱۳۷۹ و ۱۳۸۸ در آن بازنگری شد، ارکان دولتی اجازه دارند مانع فعالیت رسانه‌ها و روزنامه‌نگارانی بشوند که «جمهوری اسلامی را به مخاطره می‌اندازند، به روحانیت و ولی فقیه توهین می‌کنند و اطلاعات نادرست پخش می‌کنند.»

سرکوب رسانه‌های و روزنامه‌نگاران به ویژه پس از خیزش مردمی «زن، زندگی، آزادی» گسترش چشمگیری داشته

● در گزارش سالانه «روزنامه‌نگاران بدون مرز» که همه ساله به مناسبت روز جهانی آزادی رسانه در سوم ماه مه منتشر می‌شود، جمهوری اسلامی بین ۱۸۰ کشور با ۲۳ روزنامه‌نگار زندانی در رتبه ۱۷۶ قرار دارد.

● در ۱۲ ماه گذشته در سراسر جهان ۱۵ روزنامه‌نگار کشته و ۹۹ نفر هم ناپدید شدند. شمار روزنامه‌نگارانی که در حال حاضر توسط دولت‌ها و یا گروه‌های مسلح در پنج قاره به گروگان گرفته شده‌اند ۵۴ نفر است و شمار روزنامه‌نگاران زندانی هم ۵۵۵ نفر برآورد می‌شود.

● در گزارش «روزنامه‌نگاران بدون مرز» در اشاره به جمهوری اسلامی آمده است که «روزنامه‌نگاران و رسانه‌های غیرحکومتی در ایران پی در پی با بازداشت‌های خودسرانه و جرمه‌های سنگین اذیت و آزار می‌شوند و این احکام در محاکماتی غیرمنصفانه در دادگاه‌های انقلاب صادر می‌شوند.»

● در ادامه این مقدمه اشاره می‌شود «علی خامنه‌ای معمولاً رسانه‌های مستقل را متهم می‌کند که بازیچه قدرت‌های خارجی هستند. او به عنوان رئیس سیاسی، نظامی و قضایی کشور می‌تواند دستور به بازداشت روزنامه‌نگاران دهد و آنان را به حبس‌های طولانی و حتی اعدام محکوم کند.»

احمد رأفت - جمهوری اسلامی ایران موقعیت خود را به عنوان یکی از سرکوبگرترین حکومت‌ها برای روزنامه‌نگاران در زمینه آزادی رسانه حفظ کرده و از آن به عنوان یکی از بزرگترین زندان‌های روزنامه‌نگاران یاد می‌شود. در گزارش سالانه «روزنامه‌نگاران بدون مرز» که همه ساله به مناسبت روز جهانی آزادی رسانه در سوم ماه مه منتشر می‌شود، جمهوری اسلامی بین ۱۸۰ کشور با ۲۳ روزنامه‌نگار زندانی در رتبه ۱۷۶ قرار دارد. تنها کشورهای سوریه، چین، کره شمالی و اریتره در مقام‌های بعدی قرار دارند.

از اول ماه مه سال ۲۰۲۴ و تا اول ماه مه سال جاری میلادی وضعیت روزنامه‌نگاران در جهان نه تنها بهبود نیافته بلکه بدتر هم شده است. در ۱۲ ماه گذشته ۱۵ روزنامه‌نگار کشته و ۹۹ نفر هم ناپدید شدند. شمار روزنامه‌نگارانی که در حال حاضر توسط دولت‌ها و یا گروه‌های مسلح در پنج قاره به گروگان گرفته شده‌اند ۵۴ نفر است و شمار روزنامه‌نگاران زندانی هم ۵۵۵ نفر برآورد می‌شود. بطور کلی در ده سال گذشته آزادی رسانه‌ای در ۱۱۲ کشور نسبت به سال‌های قبل کاهش یافته و در این گزارش اشاره می‌شود که حتی در کشورهای دموکراتیک هم آزادی رسانه‌ای نا حدى زیر سوال برده شده است.

در گزارش سالانه سازمان غیردولتی فرانسوی «روزنامه‌نگاران بدون مرز» در رابطه با وضعیت آزادی رسانه‌ای در جمهوری اسلامی اشاره شده است «از آنجا که رسانه‌های کشور عمدتاً توسط رژیم اسلامی مهار می‌شوند منبع اصلی خبرها و اطلاعات رسانه‌های مستقر در خارج از کشور هستند. روزنامه‌نگاران و رسانه‌های غیرحکومتی در ایران پی در پی با بازداشت‌های خودسرانه و جرمه‌های سنگین اذیت و آزار شده و این احکام در محاکماتی

روزنامه «تهران تایمز»: اروپایی‌ها به دنبال فروپاشی مذاکرات جمهوری اسلامی و آمریکا هستند



دیدار وزیر خارجه آمریکا با رئیس جمهور و وزیر خارجه فرانسه در شهر پاریس / آوریل ۲۰۲۵

● روزنامه «تهران تایمز» در گزارشی با عنوان «پارازیت فرانسوی» نوشت انگلیس، فرانسه و آلمان با تهدید به جای دیپلماسی، به دنبال فروپاشی مذاکرات ایران و آمریکا هستند.

● این روزنامه «استقلال اروپا» را زیر سؤال برده و به نقل از مقامات ایرانی نوشته «اگر اروپا می‌خواهد اعتبار خود را بازیابد و نقش معناداری در دیپلماسی هسته‌ای ایفا کند، باید گام‌های شجاعانه‌ای در مسیر استقلال بردارد. این مسیر می‌تواند با بازنگری در سیاست تحریم‌ها آغاز شود به‌ویژه در مورد تمایل اروپا به استفاده از مکانیسم ماشه که تحریم‌های سازمان ملل را بر اساس اتهامات نقض برجام از سوی ایران بازمی‌گرداند».

روزنامه «تهران تایمز» در گزارشی با عنوان «پارازیت فرانسوی» نوشت انگلیس، فرانسه و آلمان با تهدید بجای دیپلماسی، به دنبال فروپاشی مذاکرات ایران و آمریکا هستند.

در این گزارش که ۳۰ آوریل (۱۰ اردیبهشت) منتشر شده آمده، ژان نوئل بارو وزیر خارجه فرانسه، ایران را متهم کرده که «در آستانه دستیابی به سلاح هسته‌ای» است و تهدید کرده که در صورت تهدید شدن امنیت اروپا از سوی فعالیت‌های هسته‌ای ایران «مکانیسم ماشه» فعال خواهد شد.

در این گزارش ادعا شده، «در حالی که ایران بطور مستمر آمادگی خود را برای بازگشت به مذاکرات اعلام کرده، طرف اروپایی دچار نوعی سردرگمی راهبردی شده است؛ سردرگمی‌ای که با سال‌ها تبعیت از سیاست‌های پرنوسان آمریکا در غرب آسیا تشدید شده است. تضعیف نقش اروپا در مذاکرات زمانی آشکارتر شد که گفتگوهای غیرمستقیم آمریکا و ایران در دوران ترامپ از سر گرفته شد و نقش اروپا در آن کمرنگ بود».

تهران تایمز می‌نویسد: «درواقع، ناراضیاتی اروپا در محافل دیپلماتیک آشکار شده است. بسیاری از رهبران اتحادیه اروپا

گزینه‌های جانشینی مایک والتز چه کسانی هستند؟

● سه ماه پس از آغاز دومین دوره ریاست جمهوری دونالد ترامپ، مایک والتز مشاور امنیت ملی ایالات متحده از سمت خود برکنار شد. منابع مطلع گزارش داده‌اند که «رسوایی گروه چت» یکی از دلایل اصلی این تصمیم بوده است.

● تنها ساعاتی پس از اعلام خبر برکناری والتز که با خبر تعلیق مذاکرات جمهوری اسلامی و آمریکا در رُم همزمان شد، دونالد ترامپ رئیس جمهوری ایالات متحده، والتز را به عنوان سفیر جدید این کشور در سازمان ملل متحد منصوب کرد.

● در پی این تغییر، گمانه‌زنی‌هایی درباره جانشین والتز در سمت مشاور امنیت ملی مطرح شده است. برخی رسانه‌ها از مارکو روبیو وزیر خارجه آمریکا به عنوان گزینه‌ای برای تصدی همزمان این مسئولیت خبر داده‌اند.

● شبکه خبری CNN نیز گزارش داد که استیو ویتکاف نماینده ویژه ترامپ در مذاکرات هسته‌ای با جمهوری اسلامی یکی از گزینه‌های جدی برای این سمت به شمار می‌رود. همچنین نام ریچارد گرnl سفیر پیشین ایالات متحده در آلمان نیز به عنوان یکی دیگر از گزینه‌ها مطرح شده است.

سه ماه پس از آغاز دومین دوره ریاست جمهوری دونالد ترامپ، مایک والتز مشاور امنیت ملی ایالات متحده از سمت خود برکنار شد. منابع مطلع گزارش داده‌اند که «رسوایی گروه چت» یکی از دلایل اصلی این تصمیم بوده است.

تنها ساعاتی پس از اعلام خبر برکناری والتز که با خبر تعلیق مذاکرات جمهوری اسلامی و آمریکا در رُم همزمان شد، دونالد ترامپ رئیس جمهوری ایالات متحده، والتز را به عنوان سفیر جدید این کشور در سازمان ملل متحد منصوب کرد.

در پی این تغییر، گمانه‌زنی‌هایی درباره جانشین والتز در سمت مشاور امنیت ملی مطرح شده است. برخی رسانه‌ها از مارکو روبیو وزیر خارجه آمریکا به عنوان گزینه‌ای برای تصدی همزمان این مسئولیت خبر داده‌اند. شبکه خبری CNN نیز گزارش داد که استیو ویتکاف نماینده ویژه ترامپ در مذاکرات هسته‌ای با جمهوری اسلامی یکی از گزینه‌های جدی برای این سمت به شمار می‌رود. همچنین نام ریچارد گرnl سفیر پیشین ایالات متحده در آلمان نیز به عنوان یکی دیگر از گزینه‌ها مطرح شده است.

از سوی دیگر برخی گمانه‌زنی‌ها در بین متحدان ترامپ این است که احتمالا استیون میلر معاون رئیس جمهور در کاخ سفید یا سباستین گورکا معاون دستیار رئیس جمهور و مدیر ارشد مقابله با تروریسم برای این سمت در نظر ←

که نقش مهمی در شکل‌گیری برجام داشتند، اکنون از کنار گذاشته شدن خود در مذاکرات جدید ابراز ناامیدی می‌کنند. با این حال، حذف اروپا نتیجه نادیده‌گرفتن آن توسط ایران نبوده است. برعکس، ایران بارها برای تعامل مجدد با سه کشور اروپایی ابراز تمایل کرده است».

این روزنامه «استقلال اروپا» را زیر سؤال برده و به نقل از مقامات جمهوری اسلامی نوشته «اگر اروپا می‌خواهد اعتبار خود را بازیابد و نقش معناداری در دیپلماسی هسته‌ای ایفا کند، باید گام‌های شجاعانه‌ای در مسیر استقلال بردارد. این مسیر می‌تواند با بازنگری در سیاست تحریم‌ها آغاز شود به‌ویژه در مورد تمایل اروپا به استفاده از مکانیسم ماشه که تحریم‌های سازمان ملل را بر اساس اتهامات نقض برجام از سوی ایران بازمی‌گرداند».

تهران تایمز تهدید کرده فعال شدن «مکانیسم ماشه» اقدام خصمانه است که هرگونه راه حل دیپلماتیک را از بین می‌برد و ثبات منطقه را تهدید می‌کند.

عباس عراقچی وزیر خارجه جمهوری اسلامی پیشتر تهدید کرده بود «مکانیسم ماشه» ایران را به سمت ساخت سلاح اتمی می‌برد.

زمان کوتاهی پس از انتشار این گزارش و همزمان با اعلام به تعویق افتادن چهارمین گفتگوی نمایندگان رژیم آمریکا و دولت ترامپ، هم رئیس جمهور آمریکا و هم مارکو روبیو وزیر خارجه ایالات متحده بر مواضع سختگیرانه‌ی این کشور برای رسیدن به یک توافق احتمالی تأکید کردند.

در حالی که ترامپ اعلام کرده «هر کشور یا شخصی که هر میزان نفت یا محصولات پتروشیمی از ایران خریداری کند فوراً مشمول تحریم‌های ثانویه خواهد شد و به هیچ وجه و هیچ شکلی نمی‌تواند با ایالات متحده تجارت کند»، روبیو تأکید نمود که جمهوری اسلامی باید غنی‌سازی اورانیوم، ساخت موشک دوربرد و حمایت از تروریسم را متوقف کند. وی همچنین گفت که جمهوری اسلامی باید اجازه دهد بازرسان آمریکایی نیز بخشی از روند نظارت باشند.

گرفته شوند.

دونالد ترامپ: هر فرد یا کشوری از ایران نفت بخرد دیگر نمی‌تواند با آمریکا تجارت کند



دونالد ترامپ رئیس جمهوری آمریکا

نفت خام آمریکا با ۱/۱۱ دلار افزایش به ۵۹/۳۲ دلار در هر بشکه رسید، در حالی که شاخص جهانی نفت برنت نیز با ۱/۱۵ دلار افزایش به ۶۲/۰۱ دلار در هر بشکه رسید. ترامپ دو گزینه پیش روی جمهوری اسلامی قرار داده است: مذاکره و دستیابی به یک توافق یا اقدام نظامی اما مقامات جمهوری اسلامی می‌گویند حاضر به عبور از خط قرمزها نیستند.

این پیام ترامپ ساعاتی پس از آن منتشر شد که اعلام شد دور چهارم گفتگوهای جمهوری اسلامی و آمریکا در رُم به تعویق افتاده است. دلیل به تعویق افتادن این مذاکرات مشخص نیست اما شبکه «المیادین» گزارش داد مذاکرات به دلیل مواضع متناقض دولت آمریکا به تعویق افتاد. واقعیت اما این است که دلیل این تعویق را احتمالاً می‌بایست در تناقض بین اهداف طرفین مذاکره دانست!

خبرگزاری آسوشیتدپرس گزارش داد که مشخص نیست ترامپ قرار است چگونه این ممنوعیت را اجرا کند. او پیشتر نیز تهدید کرده بود علیه کشورهایی که از ایران نفت وارد کنند تحریم‌های ثانویه وضع خواهد شد.

برخی منابع می‌گویند هشدار ترامپ خطر تشدید تنش‌ها با چین را به دنبال دارد که مشتری اصلی نفت ایران است، آنهم در زمانی که روابط دو کشور به دلیل جنگ تعرفه‌ای متقابل به شدت متشنج است.

مواضع جدید ترامپ نشان می‌دهد از طولانی شدن این مذاکرات رضایت ندارد و ویژه آنکه مارکو روبیو وزیر خارجه ایالات متحده نیز همزمان با سخنان اخیر ترامپ، در مصاحبه با شبکه «فاکس نیوز» تأکید و تکرار کرد که جمهوری اسلامی نه تنها باید غنی‌سازی اورانیوم، ساخت موشک دوربرد و حمایت از تروریسم را متوقف کند بلکه تأسیسات نظامی آن نیز می‌بایست مورد بررسی قرار گرفته و آمریکا نیز در این نظارت‌ها شرکت داشته باشد.

● ترامپ می‌گوید هر کشوری از ایران نفت و محصولات پتروشیمی بخرد حق تجارت با آمریکا را ندارد.

● این پیام ترامپ ساعاتی پس از آن منتشر شد که اعلام شد دور چهارم گفتگوهای جمهوری اسلامی و آمریکا در رُم به تعویق افتاده است. دلیل به تعویق افتادن این مذاکرات مشخص نیست اما شبکه «المیادین» گزارش داد مذاکرات به دلیل مواضع متناقض دولت آمریکا به تعویق افتاد. واقعیت اما این است که دلیل این تعویق را احتمالاً می‌بایست در تناقض بین اهداف طرفین مذاکره دانست!

● مواضع جدید ترامپ نشان می‌دهد از طولانی شدن این مذاکرات رضایت ندارد و ویژه آنکه مارکو روبیو وزیر خارجه ایالات متحده نیز همزمان با سخنان اخیر ترامپ، در مصاحبه با شبکه «فاکس نیوز» تأکید و تکرار کرد که جمهوری اسلامی نه تنها باید غنی‌سازی اورانیوم، ساخت موشک دوربرد و حمایت از تروریسم را متوقف کند بلکه تأسیسات نظامی آن نیز می‌بایست مورد بررسی قرار گرفته و آمریکا نیز در این نظارت‌ها شرکت داشته باشد.

دونالد ترامپ رئیس جمهوری آمریکا، هشدار داد که هر فرد یا کشوری که اقدام به خرید نفت یا محصولات پتروشیمی از ایران کند، از هرگونه تجارت با ایالات متحده محروم خواهد شد. هشدار دونالد ترامپ پنجشنبه اول ماه مه (۱۱ اردیبهشت) پس از آن صادر شد که مذاکرات جمهوری اسلامی و آمریکا در رُم به تعویق افتاد.

ترامپ در پیامی نوشت: «همه خریدهای نفت یا محصولات پتروشیمی ایران باید همین حالا متوقف شود!» او افزود: «هر کشور یا شخصی که هر میزان نفت یا محصولات پتروشیمی از ایران خریداری کند فوراً مشمول تحریم‌های ثانویه خواهد شد و به هیچ وجه و هیچ شکلی نمی‌تواند با ایالات متحده تجارت کند.» در همین حال، قیمت جهانی نفت افزایش یافت. بهای

«سواپی گروه چت» در ماه مارس ۲۰۲۵ رخ داد؛ زمانی که شماری از مقامات ارشد دولت ایالات متحده، طرح حمله ارتش این کشور به مواضع حوثی‌ها در یمن را در یک گروه چت در پیام‌رسان «سیگنال» مورد بحث قرار دادند. جفری گلدبرگ سردبیر نشریه «آتلانتیک» بطور تصادفی به این



مایکل والتز مشاور سابق امنیت ملی دولت ترامپ/عکس «رویتز»

گروه اضافه شده بود و پس از آگاهی از محتوای پیام‌ها، موضوع را علنی کرد.

برکناری والتز شوک بزرگی برای جمهوریخواهان بود. به ویژه آنهایی که مخالف مذاکره دولت ترامپ با رژیم ایران هستند. این جریان در هفته‌های اخیر ترامپ و ویتکاف را به دلیل مذاکره با رژیم ایران به شدت زیر فشار گذاشته‌اند. بنیاد دفاع از دموکراسی‌ها (FDD) یکی از مراکزی است که به شدت علیه ویتکاف موضع گرفت.

در واکنش به این انتقادهای جوینیور ترامپ پسر دونالد ترامپ نوشت: «نومحافظه‌کاران دولت پنهان استیو ویتکاف را تخریب می‌کنند، چون به دنبال تضعیف دستورکار سیاست خارجی پدرم هستند. دولت پنهان خواهان جنگ ابدی است!»

بهره‌برداری تبلیغاتی حکومت

برخی تحلیلگران بر این باورند که برکناری والتز به نفع جمهوری اسلامی است زیرا او را مانع پیشرفت مذاکرات تهران و واشنگتن می‌دانستند. بعضی دیگر نیز این برکناری را ناشی از فاصله گرفتن ترامپ از تندروها ارزیابی می‌کنند. در همین حال، برخی رسانه‌ها از احتمال برکناری مارکو روبیو نیز خبر داده‌اند. این دو چهره از مخالفان سرسخت سیاست مداخلات با جمهوری اسلامی و از حامیان سیاست «فشار حداکثری» علیه حکومت ایران به شمار می‌روند.

در همین زمینه، برخی منابع حکومتی در ایران، کنار رفتن والتز را نشانه‌ای از تمایل ترامپ برای دستیابی به توافق با جمهوری اسلامی قلمداد کرده‌اند. با این حال، رئیس جمهوری ایالات متحده با تداوم اعمال انواع تحریم‌ها علیه جمهوری اسلامی در همان روز اعلام کرد: «هر فرد یا کشوری که از ایران نفت خریداری کند، حق تجارت با آمریکا را نخواهد داشت.»

در تهران وانمود می‌کنند جمهوری اسلامی دست بالا را در مذاکره با آمریکا دارد!



اعتراض هواداران نظام به مذاکره با آمریکا / شیراز ۲۴ فروردین ۱۴۰۴

عمان، صرفاً یک تأخیر ساده نیست؛ نشانه‌ای است از تغییری عمیق در مختصات بازی. ایران اینبار، با وضوح و صراحت، محدوده گفتگو را به مسئله هسته‌ای محدود و عملاً هرگونه زیاده‌خواهی یا چرخش بحث به مسائل فرعی را مسدود کرده است. این یعنی طرف مقابل دیگر نمی‌تواند با بازی‌های تاکتیکی، روایت را به نفع خود تغییر دهد.

خراسان در ادامه با صراحت به وقت‌گشی جمهوری اسلامی نیز پرداخته و تحت عنوان اینکه «عجله‌ای در کار نیست، می‌نویسد «در واشنگتن، دولت ترامپ نه‌تنها با پیچیدگی پرونده ایران مواجه است، بلکه با شکاف‌هایی جدی در داخل ساختار قدرتش هم روبرو شده؛ جایی که هیچ اجماعی بر سر راهبرد نهایی در برابر تهران وجود ندارد. همین تناقض‌ها، باعث آشفتگی و عقب‌نشینی‌های مکرر شده است. در این فضا، ایران بی‌آنکه به تهدیدات پرهیاهو واکنش نمایشی نشان دهد، صرفاً با مدیریت فضا و کنترل زمان، طرف مقابل را در موقعیتی تدافعی قرار داده. چون درک درستی از این واقعیت دارد: نه جنگ، نه مذاکره بی‌قید، هیچ‌کدام ابزار تضعیف نیستند. وقتی معادلات روشن باشد، زمان همیشه به نفع کسی است که عجله ندارد.»

تاکتیک وقت‌گشی برای جمهوری اسلامی همواره راه نجات موقت در مذاکرات بوده و امتیازاتی را نیز برای آن به ارمغان آورد، اما اینبار در بلندمدت با توجه به مهلت دو ماهه‌ای که ترامپ تعیین کرده و خطر «مکانیسم ماشه» که اروپا تهدید به فعال ساختن آن می‌کند، پرخطر به نظر می‌رسد. به ویژه وقتی طرف مقابل (مثل دولت ترامپ) غیرقابل پیش‌بینی و بی‌میل به پیش بردن یک دیپلماسی کلاسیک باشد که در دولت‌های قبلی هم آمریکا و هم اروپا آزموده شده و خطا بودنش ثابت شده است.

گفتگوها دانستند اما روزنامه «اورشلیم پست» به نقل از چند منبع آمریکایی گزارش داد که نیروی دریایی آمریکا در دریای عمان، کشتی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی حاوی اسلحه و مهمات برای حوثی‌ها را توقیف کرد، به همین دلیل وزیر دفاع آمریکا توییت زد و تهدید کرد و در نهایت مذاکرات شنبه ۱۳ اردیبهشت ۱۴۰۴ در رم لغو شد. پیت هگست وزیر دفاع آمریکا آمریکا شامگاه چهارشنبه ۳۰ آوریل (۱۰ اردیبهشت) با انتشار پیامی در «ایکس» جمهوری اسلامی ایران را تهدید کرد که تاوان حمایت از شبه‌نظامیان حوثی یمن را خواهد پرداخت. در این پیام آمده «ما شاهد حمایت مرگبار شما از حوثی‌ها هستیم و دقیقاً می‌دانیم چه می‌کنید. شما به خوبی از توانایی ارتش ایالات متحده آگاه هستید و به شما هشدار داده شده بود. تاوان این حمایت را در زمان و مکانی که ما تعیین می‌کنیم، خواهید پرداخت.»

زمان به نفع جمهوری اسلامی است!

از سوی برخی منابع حکومتی چنین القاء می‌شود که جمهوری اسلامی در این مذاکرات دست خالی نیست و حرفی برای گفتن دارد. از جمله روزنامه «خراسان» که وقت‌گشی جمهوری اسلامی را راهکار می‌داند و بیان می‌کند «زمان به نفع ماست چون عجله نداریم.»

این روزنامه در واکنش به لغو مذاکرات ۱۳ اردیبهشت نوشت: «مواردی که رویو گفته آشکارا در تناقض با رویکرد آمریکایی‌ها در مذاکرات عمان و رم بوده است که می‌تواند منجر به شکست مذاکرات شود. بدون تردید ایران هیچ کدام از این شروط واشنگتن را نخواهد پذیرفت.»

این روزنامه با اشاره ضمنی نسبت به اینکه جمهوری اسلامی چهارمین گفتگو را لغو کرده، در ادامه آورده است: «تعویق دور چهارم مذاکرات ایران و آمریکا در

● روزنامه «اورشلیم پست» به نقل از چند منبع آمریکایی گزارش داد که نیروی دریایی آمریکا در دریای عمان، کشتی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی حاوی اسلحه و مهمات برای حوثی‌ها را توقیف کرد، به همین دلیل وزیر دفاع آمریکا توییت زد و تهدید کرد و در نهایت مذاکرات شنبه ۱۳ اردیبهشت ۱۴۰۴ در رم لغو شد.

● مصطفی پورمحمدی دبیرکل «جامعه روحانیت مبارز» می‌گوید «کسی که می‌گوید مذاکره با آمریکا از سر ناچاری تحمیل شده، قدرت تحلیل ندارد.»

● روزنامه «خراسان» که وقت‌گشی جمهوری اسلامی را راهکار می‌داند، با اشاره ضمنی به اینکه گفتگوی ۱۳ اردیبهشت از سوی جمهوری اسلامی لغو شده، نوشته است: «زمان به نفع ماست چون عجله نداریم.»

● اما به نظر می‌رسد اینبار تاکتیک وقت‌گشی با توجه به مهلت دو ماهه‌ای که ترامپ تعیین کرده و خطر «مکانیسم ماشه» که اروپا تهدید به فعال ساختن آن می‌کند، پرخطر به نظر می‌رسد. به ویژه وقتی طرف مقابل غیرقابل پیش‌بینی و بی‌میل به پیش بردن یک دیپلماسی کلاسیک باشد که در دولت‌های قبلی هم آمریکا و هم اروپا آزموده شده و خطا بودنش ثابت شده است.

با اینکه آمریکا کارزار فشار حداکثری علیه جمهوری اسلامی را شدیدتر کرده است، اما مقامات تهران اینطور وانمود می‌کنند که جمهوری اسلامی دست بالا را در مذاکرات دارد.

فشارهای داخلی و خارجی و همچنین ترس از اقدام نظامی و نیز اعتراضات اجتماعی، علی‌خامنه‌ای را وادار به عقب‌نشینی کرد و در نهایت به مذاکرات تن داد اما مصطفی پورمحمدی دبیرکل «جامعه روحانیت مبارز» می‌گوید «کسی که می‌گوید مذاکره با آمریکا از سر ناچاری تحمیل شده، قدرت تحلیل ندارد.»

البته او ناخواسته به دلیل این عقب‌نشینی هم اشاره کرد و گفت، «ما در حالی انتقاد می‌کنیم که به مبانی دینی و تاریخ آشنا نیستیم و به اصول حفظ کیان اسلام و جامعه اسلامی هم توجه نمی‌کنیم.»

واقعیت اینست که به دلیل خطری که موجودیت نظام را تهدید می‌کند، خامنه‌ای مجبور به عقب‌نشینی شده، هرچند که با استناد به روایت «صلح امام حسن [امام دوم شیعیان] با معاویه» گفت که صلح موقت و تاکتیکی است که بر اساس مقتضیات زمانه منعقد شد. با اینهمه اما عقب‌نشینی حقیرانه خامنه‌ای از سوی مقامات ارشد نظام به عنوان «رهبری حکیمانه» قلمداد و جا انداخته می‌شود.

در این میان، دونالد ترامپ رئیس جمهوری آمریکا تهدید کرده است هر فرد یا کشوری از ایران نفت بخرد دیگر حق تجارت با آمریکا را ندارد. مارکو روبریو وزیر خارجه ایالات متحده نیز گفته، جمهوری اسلامی باید غنی‌سازی اورانیوم، ساخت موشک دوربرد و حمایت از تروریسم را متوقف کند.

شرط سخت آمریکا سبب لغو دور چهارم مذاکرات شد که قرار بود شنبه ۱۳ اردیبهشت در رم برگزار شود. مقامات تهران ادامه تحریم‌ها و «بدعهدی» را عامل لغو

آمریکا خواهان «خلع سلاح کامل هسته‌ای» جمهوری اسلامی است؛ در تهران می‌گویند «نه!»



عباس عراقچی در مسقط

داد: «هیچکس خواهان جنگ آمریکا با ایران نیست، کمتر از همه، خود ایران. [اما] ترامپ باید از تمام اهرم‌های فشار خود استفاده کند، نه اینکه به صلح جعلی حاصل از توافق صرفاً برای توافق رضایت دهد.»

شرایط برای جمهوری اسلامی بیش از پیش پیچیده شده است

با توجه به تهدید اروپایی‌ها به فعال کردن «مکانیسم ماشه» و همچنین افزایش فشارهای آمریکا به نظر می‌رسد شرایط در هفته‌های آینده برای جمهوری اسلامی پیچیده‌تر شود به ویژه آنکه دونالد ترامپ اعلام کرد افراد و دولت‌هایی که از ایران نفت بخردند حق تجارت با آمریکا را ندارند.

این وضعیت به وضوح نشان می‌دهد تا چه اندازه شرایط برای حکومت ایران سخت شده است. در چنین وضعیتی بر اساس تجربه، با افزایش تحریم‌ها علیه جمهوری اسلامی، حکومت همواره از نیابتی‌ها برای اقدام علیه منافع آمریکا در منطقه بهره می‌برده است اما شرکای اصلی حکومت یعنی حزب‌الله و حماس به شدت از اسرائیل ضربه خورده‌اند و دست رژیم ایران برای اقدام متقابل بسته است، مگر در آخر خط سراغ رونمایی از «سلاح اتمی» برود که فوق‌العاده برای اسرائیل مخاطره‌انگیز است، از این رو اصلاً خواهان طولانی شدن مذاکره نیستند.

آنچه بنیامین نتانیاهو نخست وزیر اسرائیل خواهان آن است، برچیده شدن کامل برنامه‌های اتمی رژیم ایران مطابق «مدل لیبی» است. در همین ارتباط یک مقام اسرائیلی به آسوشیتدپرس گفت تا زمانی که مذاکرات جمهوری اسلامی ایران و دولت دونالد ترامپ ادامه دارد، نخست‌وزیر اسرائیل ناچار است به تنهایی علیه تأسیسات هسته‌ای و موشکی جمهوری اسلامی اقدام کند.

زیر بار «خلع سلاح هسته‌ای نمی‌رود». این در حالیست که آمریکا تا پیش از آغاز دور چهار مذاکرات دو بسته تحریمی علیه جمهوری اسلامی اعمال کرد.

بعد از دور اول و دوم مذاکرات میان عباس عراقچی و استیو ویتکاف، هر دو اعلام کردند روند گفتگوها «سازنده و مثبت» است اما وقتی گفتگو در مورد جزئیات به میان آمد و تیم‌های کارشناسی برای اقدامات عملی وارد مذاکره شدند وضعیت به سرعت تغییر کرد.

خلع سلاح کامل اتمی

روزنامه «کیهان» چاپ تهران با اشاره به تحریم‌های پی در پی آمریکا علیه جمهوری اسلامی نوشت: «آمریکا با هر زبانی، چه تحریم، چه پیام، یک چیز را تکرار می‌کند: ترامپ به دنبال توافق نیست و به رغم ژست‌های دیپلماتیک به همان منطق چماق و هویج وفادار است.»

این روزنامه همچنین نوشت: «طرف ایرانی شاید آماده باشد سطح غنی‌سازی را تا آستانه غیرنظامی کاهش دهد و اجازه دهد این کاهش به صورت مستقل راست‌آزمایی شود، اما هرگز به خلع کامل هسته‌ای تن نخواهد داد.»

اواخر فروردین‌ماه ۱۴۰۴ در شرایطی که ویتکاف همچنان می‌گفت روند مذاکرات مثبت است، ۹ جمهوریخواه مجلس نمایندگان آمریکا در نامه‌ای به ترامپ گفتند در مذاکرات با جمهوری اسلامی تنها نتیجه قابل قبول، خلع سلاح کامل و قابل راست‌آزمایی هسته‌ای تهران است. این قبیل فشارها در دولت همچنان رو به افزایش است.

در واقعیت، کار ترامپ برای معامله با جمهوری اسلامی آسان نیست. او در آمریکا به ویژه از سوی جمهوریخواهان در کنگره با فشارهای سنگین روبروست. روزنامه «نیویورک‌پست» بعد از لغو دور چهارم تحریم‌ها گزارش

● وزیر خارجه جمهوری اسلامی می‌گوید، ایران بر اساس معاهده NPT از حق داشتن چرخه کامل سوخت هسته‌ای برخوردار است.

● عراقچی در تماس تلفنی با دبیرکل سازمان ملل مدعی شد: «بدعهدی‌های غرب مانع اصلی مذاکرات است» و خواستار پایان دادن به تحریم‌ها شد.

● روزنامه «کیهان» چاپ تهران می‌نویسد: «طرف ایرانی شاید آماده باشد سطح غنی‌سازی را تا آستانه غیرنظامی کاهش دهد و اجازه دهد این کاهش به صورت مستقل راست‌آزمایی شود، اما هرگز به خلع کامل هسته‌ای تن نخواهد داد.»

● روزنامه «نیویورک‌پست» بعد از لغو دور چهارم تحریم‌ها گزارش داد: «هیچکس خواهان جنگ آمریکا با ایران نیست، کمتر از همه، خود ایران. [اما] ترامپ باید از تمام اهرم‌های فشار خود استفاده کند، نه اینکه به صلح جعلی حاصل از توافق صرفاً برای توافق رضایت دهد.

● یک مقام اسرائیلی به آسوشیتدپرس گفت تا زمانی که مذاکرات جمهوری اسلامی ایران و دولت دونالد ترامپ ادامه دارد، نخست‌وزیر اسرائیل ناچار است به تنهایی علیه تأسیسات هسته‌ای و موشکی جمهوری اسلامی اقدام کند.

عباس عراقچی وزیر خارجه جمهوری اسلامی می‌گوید، ایران بر اساس معاهده NPT از حق داشتن چرخه کامل سوخت هسته‌ای برخوردار است.

او در واکنش به اظهارات وزیر خارجه آمریکا، جمعه ۱۲ اردیبهشت در «ایکس» نوشت: «از موضع گیری حداکثری و لفاظی‌های تحریک‌کننده چیزی بجز نابود کردن شانس موفقیت حاصل نمی‌شود.»

از سوی دیگر، وزیر خارجه آمریکا در مصاحبه با «فاکس نیوز» تأکید کرد که جمهوری اسلامی باید غنی‌سازی اورانیوم، ساخت موشک دوربرد و حمایت از تروریسم را متوقف کند.

علاوه بر این مارکو روبیو گفته است، «جمهوری اسلامی باید اجازه بازدید از همه سایت‌ها از جمله سایت‌های نظامی را به بازرسان آژانس بدهد» و «باید اجازه دهد بازرسان آمریکایی نیز بخشی از روند نظارت باشند. ممکن است بازرسان فرانسوی، ایتالیایی یا حتی سعودی هم حضور داشته باشند، اما اینکه ایران بگوید هیچ آمریکایی حق ندارد نظارت کند، پذیرفتنی نیست.»

وزیر خارجه آمریکا همچنین تأکید کرد: «اگر جمهوری اسلامی واقعاً می‌خواهد سلاح هسته‌ای داشته باشد و فقط به انرژی صلح‌آمیز فکر می‌کند، نباید از هیچ نوع بازرسی، حتی بازرسی توسط آمریکایی‌ها، واهمه‌ای داشته باشد.»

این مواضع که پس از به تعویق افتادن دور چهارم مذاکرات میان جمهوری اسلامی و آمریکا مطرح شد در واقع تأیید می‌کند آمریکا به دنبال «خلع سلاح کامل هسته‌ای» رژیم ایران است و احتمالاً به همین دلیل جمهوری اسلامی به مذاکرات ادامه نداده است.

هرچند عراقچی در تماس تلفنی با آنتونیو گوترش دبیرکل سازمان ملل مدعی شد: «بدعهدی‌های غرب مانع اصلی مذاکرات است» و خواستار پایان دادن به تحریم‌ها شد اما منابع غیررسمی داخلی تأکید کرده‌اند که جمهوری اسلامی

مارکو روبیو: جمهوری اسلامی باید غنی‌سازی اورانیوم، ساخت موشک دوربرد و حمایت از تروریسم را متوقف کند

● ساعاتی پس از اعلام خبر لغو دور چهارم مذاکرات میان جمهوری اسلامی و آمریکا، مارکو روبیو وزیر خارجه ایالات متحده در مصاحبه با شبکه «فاکس نیوز» گفت جمهوری اسلامی باید غنی‌سازی اورانیوم، ساخت موشک دوربرد و حمایت از تروریسم را متوقف کند.

● روبیو گفت: «جمهوری اسلامی کافی است اعلام کند که دیگر قصد غنی‌سازی اورانیوم را ندارد، می‌خواهد راکتور داشته باشد چون به انرژی هسته‌ای نیاز دارد و اورانیوم غنی‌شده مورد نیاز را وارد خواهد کرد. این یک فرصت استثنایی برای ایران است؛ اگر از آن استفاده کند، بهترین فرصتی خواهد بود که در اختیارش قرار گرفته است.»

ساعاتی پس از اعلام خبر لغو دور چهارم مذاکرات میان جمهوری اسلامی و آمریکا، مارکو روبیو وزیر خارجه ایالات متحده در مصاحبه با شبکه «فاکس نیوز» گفت جمهوری اسلامی باید غنی‌سازی اورانیوم، ساخت موشک دوربرد و حمایت از تروریسم را متوقف کند.

روبیو اول ماه مه ۲۰۲۵ (۱۱ اردیبهشت) به فاکس نیوز گفت: «اگر جمهوری اسلامی به دنبال یک برنامه صلح‌آمیز هسته‌ای غیرنظامی است، یعنی قصد دارد مانند بسیاری از کشورهای دیگر نیروگاه هسته‌ای برای تولید برق داشته باشد، راه مشخصی برای آن وجود دارد: ساخت راکتور و واردات اورانیوم غنی‌شده برای سوخت این راکتورها... دهها کشور در جهان همین مسیر را طی می‌کنند.»

وزیر خارجه آمریکا توضیح داد: «تنها کشورهایی که خود اورانیوم را غنی می‌کنند، آنهایی هستند که سلاح هسته‌ای دارند. [رژیم] ایران ادعا می‌کند که نمی‌خواهد به سلاح دست یابد، اما درواقع چیزی را مطالبه می‌کند که بی‌سابقه است: تنها کشور فاقد سلاح هسته‌ای در جهان باشد که اورانیوم غنی می‌کند.»

او افزود: «سطح غنی‌سازی، مثلاً ۳/۶۷ درصد، در اصل چندان مهم نیست، چون اگر کشوری توانایی فنی غنی‌سازی در این سطح را داشته باشد، از نظر فنی قادر خواهد بود آن را به سطح مورد نیاز برای سلاح نیز برساند.»

روبیو گفت: «جمهوری اسلامی کافی است اعلام کند که دیگر قصد غنی‌سازی اورانیوم را ندارد، می‌خواهد راکتور داشته باشد چون به انرژی هسته‌ای نیاز دارد و اورانیوم غنی‌شده مورد نیاز را وارد خواهد کرد. این یک فرصت استثنایی برای ایران است؛ اگر از آن استفاده کند، بهترین فرصتی خواهد بود که در اختیارش قرار گرفته است.»

او با تأکید بر اینکه جمهوری اسلامی اجازه دستیابی به سلاح اتمی را ندارد، گفت: «دونالد ترامپ رییس

هدف مشروع تلقی خواهد شد.»

سخنگوی وزارت خارجه جمهوری اسلامی در پاسخ به پرسشی درباره مواضع سختگیرانه ترامپ که در مصاحبه با ان‌بی‌سی گفته است «ایران نباید غنی‌سازی کند»، گفت: «ما در فضای عمومی و فضای رسانه‌ای مذاکره نمی‌کنیم اما آنچه که مشخص است مواضع اصولی جمهوری اسلامی ایران را رابطه



اسماعیل بقایی سخنگوی وزارت خارجه جمهوری اسلامی

با حق ملت ایران برای استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای یک موضع ثابت مبتنی بر منطق و حقوق بین‌الملل است.» وی با اشاره‌ای عجیب به دوران پیش از ۵۷ و برنامه هسته‌ای دوران شاه فقید برای ساخت نیروگاه‌های انرژی گفت: «برنامه هسته‌ای صلح‌آمیز ایران پیشینه طولانی دارد به دهه ۱۹۷۰ برمی‌گردد و در آن زمان همه می‌دانند هم منابع فسیلی ما بیشتر از امروز بود و هم نیازهای ما کمتر، همین الان همه شاهد بودند با ناترازی‌های در حوزه انرژی مواجه بودیم بنابراین برخی از صحبت‌ها که در مورد وجود منابع عظیم فسیلی در ایران و عدم نیاز به انرژی هسته‌ای مطرح می‌شود واقعاً هیچ مبنای علمی و واقعی ندارد.»

ترامپ در بخشی از این مصاحبه گفته بود، «نظریه جدیدی مطرح می‌شود مبنی بر اینکه ایران بتواند برنامه غیرنظامی برای تولید برق و نظایر آن داشته باشد. اما من می‌گویم آنها اینهمه نفت دارند، برنامه هسته‌ای صلح‌آمیز به چه کارشان می‌آید؟ البته می‌دانم کشورهای دیگری که نفت بسیار دارند هم دنبال چنین چیزی بوده‌اند.»

این صحبت‌ها درحالی مطرح می‌شود که دور چهارم گفتگو میان عباس عراقچی و استیو ویتکاف که قرار بود ۱۳ اردیبهشت در رم برگزار شود لغو شد. دلایل مختلفی برای لغو این گفتگوها عنوان شده از جمله اینکه حکومت ایران درست در میانه مذاکرات اقدام به ارسال سلاح و مهمات برای حوثی‌ها کرده است. برخی مقامات جمهوری اسلامی نیز علت لغو گفتگوها را مواضع متناقض آمریکایی‌ها در مورد حق غنی‌سازی و همچنین ادامه تحریم‌ها دانسته‌اند.

پیشتر عباس عراقچی در واکنش به تهدیدهای آمریکا گفته بود «چرخه کامل سوخت هسته‌ای حق ایران است.» مقامات تهران همچنین گفته بودند اگر آمریکا به دنبال برچیدن برنامه‌های اتمی جمهوری اسلامی باشد مذاکرات را متوقف خواهند کرد.

اعتراض سخنگوی وزارت خارجه جمهوری اسلامی به مواضع فرانسه و آمریکا و تکرار تهدید علیه همسایگان ایران

● اسماعیل بقایی در کنفرانس هفتگی روز دوشنبه ۱۵ اردیبهشت ۱۴۰۴، اظهارات اخیر وزیر خارجه فرانسه مبنی بر لزوم گنجانیدن موضوعات غیرهسته‌ای در توافق احتمالی را «عجیب» توصیف کرد و آن را تلاشی برای «چانه‌زنی خارج از چارچوب مذاکرات» دانست که از نظر تهران «قابل پذیرش نیست».

● سخنگوی وزارت خارجه جمهوری اسلامی نسبت به تهدید مقامات اسرائیلی در مورد اقدام نظامی علیه جمهوری اسلامی نیز واکنش نشان داد و با تهدید همسایگان ایران گفت: «قطعاً ایران و نیروهای مسلح ما به شدیدترین وجه ممکن پاسخ خواهند داد» و «اگر از خاک یک کشوری علیه ایران تعرض شود، آن نقطه یک هدف مشروع تلقی خواهد شد».

● وی همچنین با اشاره‌ای عجیب به دوران پیش از ۵۷ و برنامه هسته‌ای دوران شاه فقید برای ساخت نیروگاه‌های انرژی گفت: «برنامه هسته‌ای صلح‌آمیز ایران پیشینه طولانی دارد به دهه ۱۹۷۰ برمی‌گردد و در آن زمان همه می‌دانند هم منابع فسیلی ما بیشتر از امروز بود و هم نیازهای ما کمتر.»

سخنگوی وزارت خارجه جمهوری اسلامی به مواضع سختگیرانه دولت فرانسه و تهدید مقامات اسرائیل به اقدام نظامی علیه تأسیسات اتمی و اظهارات مقام‌های آمریکایی در مورد ضرورت «برچیده شدن کامل برنامه‌های هسته‌ای» واکنش نشان داد. اسماعیل بقایی در کنفرانس هفتگی روز دوشنبه ۱۵ اردیبهشت ۱۴۰۴، اظهارات اخیر وزیر خارجه فرانسه مبنی بر لزوم گنجانیدن موضوعات غیرهسته‌ای در توافق احتمالی را «عجیب» توصیف کرد و آن را تلاشی برای «چانه‌زنی خارج از چارچوب مذاکرات» دانست که از نظر تهران «قابل پذیرش نیست».

وی با تأکید بر موضع رسمی جمهوری اسلامی گفت: «موضوع مذاکرات صرفاً به برنامه هسته‌ای و رفع تحریم‌ها محدود می‌شود و گسترش آن به سایر مسائل مورد قبول ما نیست.» ژان نوئل بارو روز دوشنبه ۲۸ آوریل (هشتم اردیبهشت)، در کنفرانس خبری مشترک با رافائل گروسی مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی گفته بود «جمهوری اسلامی در آستانه دستیابی به سلاح هسته‌ای است.» بقایی در بخشی از سخنان خود نسبت به تهدید مقام‌های اسرائیلی در مورد اقدام نظامی علیه جمهوری اسلامی نیز واکنش نشان داد و گفت: «قطعاً ایران و نیروهای مسلح ما با تمام قوا و با مراقبت کامل هر تعرضی را و هر ماجراجویی را به شدیدترین وجه ممکن پاسخ خواهند داد؛ در این موضوع تردید نکنید.»

او همچنین همسایگان ایران را تهدید کرد و گفت: «اگر از خاک یک کشوری علیه ایران تعرض شود، آن نقطه یک

جمله تل آویو، اورشلیم و منطقه شفا به صدا درآمد و چند تلاش برای رهگیری آن صورت گرفت.

موشک در نزدیکی ترمینال شماره ۳ فرودگاه فرود آمد که موجب وحشت مسافران و کارکنان شد. طبق گزارش سازمان اورژانس مگن دیوید آدوم، یک مرد ۵۰ ساله به صورت خفیف و دو زن ۵۴ و ۳۲ ساله بطور سطحی زخمی شدند. نیروهای پلیس، امداد و آتش نشانی بلافاصله به محل اعزام شده و منطقه را ایمن کردند. به گفته رئیس اتحادیه کارکنان فرودگاه بن گوریون، یک نفر بطور قطعی در اطراف ترمینال ۳ دچار جراحت جزئی شده است. هم اکنون بررسی ها درباره احتمال اعمال محدودیت های بیشتر در برنامه پروازها در حال انجام است. در پی شلیک موشک از سوی حوثی های یمن، اسرائیل کاتز وزیر دفاع اسرائیل گفت، «هر کس به ما ضربه بزند، صد برابر به او ضربه خواهیم زد».

بنی گانتز رئیس حزب وحدت ملی اسرائیل در واکنش به این حمله گفت: «این یمن نیست، این [جمهوری اسلامی] ایران است. [رژیم] ایران است که موشک های بالستیک به سوی اسرائیل شلیک می کند و باید پاسخگو باشد».

آمریکا حدود دو ماه است مستقیم به حوثی ها حمله می کند. دونالد ترامپ ۱۷ مارس ۲۰۲۵ (۲۷ اسفندماه) در شبکه اجتماعی خود «تروث سوشیال» نوشت: «از حالا به بعد هر گلوله ای که حوثی ها شلیک کنند، به عنوان شلیکی

حمله موشکی حوثی ها به اسرائیل؛ یسرائیل کاتز: هرکسی به ما ضربه بزند صد برابر بیشتر ضربه می خورد

● شبه نظامیان حوثی مورد حمایت جمهوری اسلامی ایران صبح روز یکشنبه ۴ مه ۲۰۲۵ (۱۴ اردیبهشت) چند فروند موشک از یمن به خاک اسرائیل پرتاب کردند. یکی از این موشک ها در نزدیکی فرودگاه بین المللی بن گوریون اسرائیل فرود آمد و باعث زخمی شدن چند نفر و ایجاد اختلال در برنامه پروازها شد.



آثار اصابت موشک به محوطه اطراف فرودگاه تل آویو

از سمت سلاح ها و رهبری [جمهوری اسلامی] ایران تلقی خواهد شد و [رژیم] ایران مسئول آن خواهد بود و متحمل پیامدهای آن خواهد شد. این پیامدها وخیم خواهد بود. همچنین پیت هگست وزیر دفاع آمریکا اخیرا با اشاره به حمایت جمهوری اسلامی از حوثی های یمن گفت که تهران تاوان «حمایت مرگبار» خود از حوثی ها را خواهد داد.

او دهم اردیبهشت در «ایکس» نوشت: «پیامی برای ایران: حمایت مرگبارتان از حوثی ها را می بینیم. دقیقا می دانیم چه می کنید. شما به خوبی می دانید ارتش آمریکا چه توانایی هایی دارد. به شما هشدار داده شده است. تاوان آن را در زمان و مکانی که ما تعیین می کنیم خواهید داد». رسانه های حکومتی در ایران حمله حوثی ها را برجسته کرده و روی آن تبلیغ می کنند. پیشتر برخی منابع گزارش داده بودند که یکی از دلایل لغو دور چهارم مذاکره میان جمهوری اسلامی و آمریکا، توقیف یک کشتی حامل اسلحه و مهمات بود که توسط جمهوری اسلامی برای حوثی ها ارسال شده است.

● آمریکا حدود دو ماه است مستقیم به حوثی ها حمله می کند. دونالد ترامپ ۱۷ مارس ۲۰۲۵ (۲۷ اسفندماه) در شبکه اجتماعی خود «تروث سوشیال» نوشت: «از حالا به بعد هر گلوله ای که حوثی ها شلیک کنند، به عنوان شلیکی از سمت سلاح ها و رهبری [رژیم] ایران تلقی خواهد شد و [جمهوری اسلامی] ایران مسئول آن خواهد بود و متحمل پیامدهای آن خواهد شد. این پیامدها وخیم خواهد بود».

شبه نظامیان حوثی مورد حمایت جمهوری اسلامی ایران صبح روز یکشنبه ۴ مه ۲۰۲۵ (۱۴ اردیبهشت) چند فروند موشک از یمن به خاک اسرائیل پرتاب کردند. یکی از این موشک ها در نزدیکی فرودگاه بین المللی بن گوریون اسرائیل فرود آمد و باعث زخمی شدن چند نفر و ایجاد اختلال در برنامه پروازها شد.

بر اساس اعلام ارتش اسرائیل، پس از شلیک این موشک، آژیرهای هشدار حمله هوایی در مناطق مرکزی اسرائیل از

→ جمهوری صلح است؛ او خواهان جنگ و درگیری نیست».

وزیر خارجه آمریکا گفت اگر تهران گزینه فعلی را نپذیرد، ترامپ خیلی روشن گفته است در صورت لزوم از گزینه نظامی برای برچیدن برنامه های اتمی آنها استفاده خواهد کرد. بخش دیگری از مصاحبه رویو درباره بازرسی از تأسیسات



مارکو رویو وزیر خارجه آمریکا / عکس: رویترز

اتمی جمهوری اسلامی بود که گفت، «اگر واقعاً هدف جمهوری اسلامی جلوگیری از ساخت سلاح هسته ای است، باید همه تأسیسات خود را تحت بازرسی قرار دهد».

او گفت: «یکی از ایرادات برجام این بود که اجازه بازرسی از سایت های نظامی وجود نداشت، اگر کسی بخواهد سلاح هسته ای بسازد، احتمالاً آن را در سایت نظامی خواهد ساخت و ما می دانیم که جمهوری اسلامی در گذشته برنامه مخفی هسته ای داشته که به جهان اعلام نکرده است».

وزیر خارجه آمریکا گفت: «فکر می کنم جمهوری اسلامی باید اجازه دهد بازرسان آمریکایی نیز بخشی از روند نظارت باشند. ممکن است بازرسان فرانسوی، ایتالیایی یا حتی سعودی هم حضور داشته باشند، اما اینکه [رژیم] ایران بگوید هیچ آمریکایی حق ندارد نظارت کند، پذیرفتنی نیست».

او افزود: «اگر جمهوری اسلامی واقعاً نمی خواهد سلاح هسته ای داشته باشد و فقط به انرژی صلح آمیز فکر می کند، نباید از هیچ نوع بازرسی، حتی بازرسی توسط آمریکایی ها، واهمه ای داشته باشد».

وزیر خارجه آمریکا گفت: «شرایط کنونی می تواند فرصتی برای جمهوری اسلامی باشد تا رشد اقتصادی واقعی داشته باشد و سرمایه گذاری خارجی جذب کند. اما برای رسیدن به این هدف، باید حمایت از تروریسم را کنار بگذارد، از پشتیبانی حوثی ها دست بردارد، ساخت موشک های دوربرد را متوقف کند و همچنین غنی سازی اورانیوم را کنار بگذارد».

علی خامنه ای رهبر جمهوری اسلامی درحالی مجبور به مذاکره با آمریکا شد که پیشتر گفته بود خواسته آنها در مذاکره فقط محدود به برنامه های اتمی نیست و پس از آن توقعات دیگری را مطرح می کنند که قطعاً جمهوری اسلامی نمی پذیرد.

گفتگوی آمریکا با جمهوری اسلامی زیر سایه تهدیدات نظامی



دونالد ترامپ رئیس جمهور آمریکا و بنیامین نتانیاهو نخست وزیر اسرائیل در کنفرانس خبری / واشنگتن / سه شنبه ۴ فوریه ۲۰۲۵ / رویترز

تأکید ترامپ بر گزینه نظامی در حالی که مذاکره‌کنندگان در مسقط از «فضای مثبت» مذاکرات سخن می‌گویند، با سفر ژنرال مایکل کوریلای فرمانده نیروهای سنتکام آمریکا به منطقه و دیدارهایش با مقامات اسرائیلی که بیش از ۱۰ ساعت طول کشید، قابل تفسیر است.

اگر در نظر بگیریم که در پایان دور نخست ریاست جمهوری ترامپ، اسرائیل به ساختار فرماندهی سنتکام پیوست، سفر کوریلای به اسرائیل یادآور سفر مشابهی در سپتامبر سال گذشته است که درست چند روز پیش از تصمیم اسرائیل برای گسترش جنگ علیه حزب‌الله در لبنان انجام شد. این امر می‌تواند نشانه‌ای از آمادگی کامل نظامی آمریکا برای مواجهه با هرگونه تحول غیرمنتظره در مسیرهای سیاسی و مذاکراتی باشد.

همچنین سفر کوریلای همزمان با دور سوم مذاکرات آمریکا با نمایندگان رژیم ایران انجام شد که با اعزام نیروهای نظامی تازه به خاورمیانه از سوی پنتاگون نیز همراه بود. این نیروها به مپ‌افکن‌های استراتژیک و نیروهای مستقر پیشین به ویژه در پایگاه «دیگو گارسیا» افزوده شدند و پیام ترامپ را با اشاره به استفاده از گزینه نظامی و نیز جلوگیری از اقدام انفرادی اسرائیل علیه جمهوری اسلامی منتقل کردند.

در عین حال سفر کوریلای به تل‌آویو حاوی دو پیام روشن بود: اول اینکه واشنگتن دیگر تحمل ادامه وضعیت جاری در دریای سرخ و نقش حوثی‌ها در تنگه باب‌المندب را ندارد و خواستار پایان دادن به این وضعیت غیرعادی است به ویژه اگر درباره آتش‌بس در غزه توافق حاصل شود، وگرنه سیاست «جراحی نظامی» ممکن است فعال شود؛ دوم اینکه درست است که آمریکا اکنون در حال کنترل و مهار تصمیمات اسرائیل است، اما در صورت شکست مذاکرات، برای ورود به جنگ و حمله به تأسیسات هسته‌ای در ایران تردید نخواهد کرد تا مسیر برای توافقات جامع در آینده باز شود.

*منبع: ایندپندنت عربی

*نویسنده: حسن فصیح

*ترجمه و تنظیم از کیهان لندن

سیاست‌ها در خاورمیانه نیست. رهبری جمهوری اسلامی ایران آگاه است که نشست پای میز مذاکرات در آینده، چه در مستقیم و چه غیرمستقیم، صرفاً محدود به پرونده هسته‌ای و ساز و کارهای راست‌آزمایی صلح‌آمیز بودن آن، و سطح و دامنه فعالیت‌های اتمی نخواهد بود، بلکه باید برای مرحله‌ای اجتناب‌ناپذیر بعدی آماده شود؛ مرحله‌ای که مستلزم گذاشتن تمامی پرونده‌های بلاتکلیف رژیم ایران بر روی میز مذاکره است. به ویژه با توجه به اینکه امید برای رسیدن به یک توافق با دولت دونالد ترامپ در زمینه‌ی هسته‌ای، به رفتار رژیم در سایر پرونده‌ها وابسته است.

اعتمادسازی متقابل درباره صلح‌آمیز بودن فعالیت‌های هسته‌ای و اقدامات مرتبط بر آن، بدون ایجاد اعتماد موازی درباره جاه‌طلبی‌های منطقه‌ای رژیم ایران و ابعاد پروژه موشکی‌اش که تهدیدی برای منطقه [و اروپا] محسوب می‌شود، دشوار است. اکنون با وجود ادعای فضای مثبت طی سه گفتگو در عمان و رم و اهمیت پرداختن به مسائل فنی در خصوص برنامه هسته‌ای و رفع تحریم‌ها، احتیاط شدیدی بر هر دو طرف مذاکره‌کننده حاکم است. این احتیاط در مواضع رهبران آمریکا و رژیم ایران آشکار است، آنجا که هر دو طرف بر آمادگی نظامی کامل برای مقابله با شکست احتمالی مذاکرات یا بن‌بست در گفتگو تأکید می‌کنند.

رهبر جمهوری اسلامی در دیدار با فرماندهان نیروهای مسلح از آنان خواست که در بالاترین سطح آماده‌باش قرار داشته باشند و این معنایی جز این ندارد که وی احتمال شکست مذاکرات را در صورت تحمیل موضوعاتی فراتر از پرونده هسته‌ای منتفی نمی‌داند.

از سوی دیگر، رئیس جمهور آمریکا نیز با صراحت بیشتری بر استفاده از گزینه نظامی تأکید و تصریح کرده است که در صورت عدم تحقق نتایج مطلوب از طریق مذاکره، حتا خود رهبری اقدام نظامی را بر عهده خواهد گرفت. او تأکید کرده که چنین تصمیمی در پاسخ به خواست بنیامین نتانیاهو نخست‌وزیر اسرائیل اتخاذ نخواهد شد، بلکه صرفاً بر پایه منافع ایالات متحده خواهد بود.

● رژیم ایران همچنان در برابر پذیرش علنی و صریح ابعاد زیان‌هایی که از تحولات ژئواستراتژیک در منطقه، به ویژه پس از هفتم اکتبر ۲۰۲۳ و پیامدهای نبرد «طوفان الاقصی» در تمام جبهه‌هایی که سابقاً صحنه‌ی نفوذ آن محسوب می‌شد، مقاومت می‌کند.

● اعتمادسازی متقابل درباره صلح‌آمیز بودن فعالیت‌های هسته‌ای و اقدامات مرتبط بر آن، بدون ایجاد اعتماد موازی درباره جاه‌طلبی‌های منطقه‌ای رژیم ایران و ابعاد پروژه موشکی‌اش که تهدیدی برای منطقه [و اروپا] محسوب می‌شود، دشوار است. به ویژه با توجه به اینکه امید برای رسیدن به یک توافق با دولت دونالد ترامپ در زمینه‌ی هسته‌ای، به رفتار رژیم در سایر پرونده‌ها وابسته است.

● اگر در نظر بگیریم که در پایان دور نخست ریاست جمهوری ترامپ، اسرائیل به ساختار فرماندهی سنتکام پیوست، سفر کوریلای به اسرائیل یادآور سفر مشابهی در سپتامبر سال گذشته است که درست چند روز پیش از تصمیم اسرائیل برای گسترش جنگ علیه حزب‌الله در لبنان انجام شد.

حسن فصیح (ایندپندنت عربی) - بی‌تردید جمهوری اسلامی با پذیرفتن یا گشودن در گفتگو و مذاکره با دولت آمریکا، گامی از روی اجبار برداشت. از همین رو این گام نه شجاعانه است و نه حتی به آن نزدیک، چرا که حاصل تصمیم مستقل و خارج از فشار نبود. همچنین این اقدام فاقد اعتراف به تغییراتی است که در کارتهای بازی تهران پدید آمده است؛ همان کارتهایی که مسیر گفتگو و مذاکره را سد و یا پیچیده می‌کردند.

رژیم ایران همچنان در برابر پذیرش علنی و صریح ابعاد زیان‌هایی که از تحولات ژئواستراتژیک در منطقه، به ویژه پس از هفتم اکتبر ۲۰۲۳ و پیامدهای نبرد «طوفان الاقصی» در تمام جبهه‌هایی که سابقاً صحنه‌ی نفوذ آن محسوب می‌شد، مقاومت می‌کند. پذیرش یا انتقال سریع از حالت برتری و بی‌نیازی به طرح تقاضا و امتیاز دادن به «دشمنان» یا «رقبا»، چیزی جز نتیجه‌ی شکست در تحقق رؤیای تبدیل‌شدن به یک شریک در ترسیم نقشه‌ی نفوذ و

دلایل تعویق دور چهارم مذاکرات جمهوری اسلامی و آمریکا



هیات مذاکره کننده جمهوری اسلامی در رم / فروردین ۱۴۰۴

افتاد که واشنگتن درباره پیامدهای حمایت رژیم ایران از حوثی‌ها هشدار داد و در بحبوحه مذاکرات هسته‌ای، تحریم‌های جدیدی علیه جمهوری اسلامی در بخش نفت اعمال کرد.

بنابراین، تعویق مذاکرات که طی سه هفته گذشته ظاهراً «مثبت» پیش رفته بود، احتمالاً دلایلی دارد که عمدتاً به رژیم ایران بازمی‌گردد. انفجار «بندر رجایی» در روز سومین گفتگو که به موادی مربوط به موشک‌های بالستیک مرتبط بود، ممکن است پیامی برای ایران درباره توانمندی‌های دفاعی و موشکی‌اش بوده باشد؛ به ویژه که تهران این توانمندی‌ها را خط قرمز دانسته و حاضر به مذاکره در مورد آن نیست. همچنین ایران پیشنهاد «غنی‌سازی صفر» آمریکا و «مدل لیبی» را که اسرائیل پیشنهاد کرده بود رد کرده است. بنابراین، این انفجار شاید پیام شدیدی به رژیم ایران در میانه مذاکرات بوده باشد.

از سوی دیگر، اعمال تحریم‌های جدید درباره مواد مورد استفاده در موشک‌های بالستیک می‌تواند ایران را به تعویق انداختن مذاکرات واداشته باشد تا نشان دهد مشتاق مذاکره نیست و در شرایطی که پیام‌های تهدیدآمیز از سوی اسرائیل و دولت ترامپ ارسال می‌شود، وارد دور چهارم نخواهد شد.

در نهایت، ممکن است تعویق به دلیل اختلافات فنی دقیق میان دو طرف درباره سطح غنی‌سازی، چگونگی نابودی ذخایر اورانیوم و ساز و کارهای نظارتی باشد. یا مجموعه‌ای از همه این دلایل چرا که گفتگوی دو طرف اکنون وارد مرحله‌ای شده که مسائل جدی مطرح شده‌اند. پس از آنکه در دورهای قبلی نشان داده‌اند که امکان تفاهم میان واشنگتن و تهران با وجود دشمنی تاریخی وجود دارد. این نخستین بار نیست که ایران و آمریکا بر سر مسائل مشترک به توافق یا معامله‌ای حتی موقتی دست پیدا می‌کنند.

*منبع: ایندپندنت عربی

*نویسنده: هدی رؤف

*ترجمه و تنظیم از کیهان لندن

باعث کشته شدن ۷۰ نفر و مجروح شدن ۱۲۰۰ نفر شد. انفجار از مجموعه‌ای از کانتینرهای که سوخت جامد مورد استفاده در موشک‌های بالستیک را ذخیره می‌کردند آغاز شد و باعث خسارات عظیم و توقف فعالیت‌های بندر شد. این انفجارها باعث خسارتی بالغ بر ۴ میلیارد دلار شد، که معادل ۲ درصد تولید ناخالص داخلی ایران است، و زیان اقتصادی ناشی از توقف فعالیت بندر ۳۲۴ هزار میلیارد تومان برآورد شده است.

این بندر مرکز اصلی دریایی ایران محسوب می‌شود، چراکه حدود ۶۰ درصد تجارت دریایی و بیش از ۵۳ درصد عملیات بارگیری و تخلیه کالاها از طریق آن انجام می‌شود. توقف فعالیت‌های بندر تأثیرات قابل توجهی خواهد داشت، چراکه بسته شدن آن به مدت ۹۰ روز می‌تواند زنجیره‌های تأمین داخلی را به‌ویژه در بخش‌هایی چون مواد شیمیایی، پتروشیمی، اتومبیل‌سازی و تولید مواد غذایی مختل کند، و زیان‌ها در برخی بخش‌ها به چندین تریلیون تومان خواهد رسید.

رویداد دوم، اعمال تحریم‌هایی از سوی وزارت خزانه‌داری آمریکا علیه افراد و نهادهایی در ایران و شبکه‌ای در چین و ایران بود که متهم به تسهیل خرید موادی مانند «سدیم پرکلرات» و «دی‌اکتیل سیاکات» از چین برای ایران هستند؛ موادی که در سوخت جامد و موشک‌های بالستیک استفاده می‌شوند. رژیم ایران این تحریم‌ها را محکوم کرد و آن را نشانه‌ای از تناقض‌گویی و دورویی آمریکا دانست، زیرا این اقدامات در حین انجام گفتگوها انجام شده‌اند.

سخنگوی وزارت خارجه جمهوری اسلامی تحریم‌ها را نقض اصول و قواعد اساسی حقوق بین‌الملل و معیارهای حقوق بشر دانست و گفت این تحریم‌ها نشان‌دهنده پافشاری تصمیم‌گیران آمریکایی بر نقض حقوق و منافع دیگر کشورها و تلاش برای برهم زدن روابط دوستانه میان کشورهای در حال توسعه از طریق تروریسم اقتصادی است. همچنین، این اقدامات را نشان‌دهنده نبود حسن نیت و جدیت آمریکا در مسیر دیپلماسی دانست.

سومین رویداد، اتهام رژیم ایران به آمریکا به علت رفتار متناقض و اظهارات تحریک‌آمیز بود. این پس از آن اتفاق

دور سوم در سطح سیاسی میان هیئت‌های آمریکایی و ایرانی و در سطح فنی میان کارشناسان برای بحث درباره جزئیات فنی برنامه هسته‌ای برگزار شد و وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی پایان آن را مثبت ارزیابی کرد. اما حالا این سؤال پیش می‌آید که چرا دور چهارم که قرار بود شنبه ۳ ماه مه در رم برگزار شود و با دیدار جمهوری اسلامی و تروئیکای اروپایی در روز جمعه ۲ ماه مه همراه باشد، به تعویق افتاد؟

ممکن است تعویق به دلیل اختلافات فنی دقیق میان دو طرف درباره سطح غنی‌سازی، چگونگی نابودی ذخایر اورانیوم و ساز و کارهای نظارتی باشد. یا مجموعه‌ای از همه این دلایل چرا که گفتگوی دو طرف اکنون وارد مرحله‌ای شده که مسائل جدی مطرح شده‌اند.

هدی رؤف - وزیر امور خارجه عمان اعلام کرد که دور چهارم مذاکرات رژیم ایران و آمریکا که قرار بود برگزار شود، به دلایل لجستیک به تعویق افتاده است.

در ماه گذشته، واشنگتن و تهران مذاکراتی درباره توافقی برای محدود کردن برنامه هسته‌ای ایران در ازای لغو تحریم‌ها انجام دادند و سه گفتگو برگزار شد و دور چهارم در آستانه برگزاری بود.

دور سوم در سطح سیاسی میان هیئت‌های آمریکایی و ایرانی و در سطح فنی میان کارشناسان برای بحث درباره جزئیات فنی برنامه هسته‌ای برگزار شد و وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی پایان آن را مثبت ارزیابی کرد. اما حالا این سؤال پیش می‌آید که چرا دور چهارم که قرار بود شنبه ۳ ماه مه در رم برگزار شود و با دیدار جمهوری اسلامی و تروئیکای اروپایی در روز جمعه ۲ ماه مه همراه باشد، به تعویق افتاد؟

دلیل مشخصی به صورت رسمی اعلام نشده، اما می‌توان حدس زد که دلیل تعویق بیشتر به جمهوری اسلامی بازمی‌گردد؛ چرا که همزمان با دور سوم، سه رویداد مهم رخ داد.

نخستین و مهم‌ترین آن، انفجار بزرگی بود که آتش‌سوزی عظیمی را در «بندر رجایی» بندرعباس در پی داشت و

فقط در جمهوری اسلامی امکان دارد: از «عادی سازی» انفجار «بندر رجایی» توسط خامنه‌ای تا کاهش آمار جانباختگان



● در حالی که آمار جانباختگان انفجار در «بندر رجایی» از سوی مقامات حکومتی ۷۰ نفر اعلام شده بود، مجتبی قهرمانی رئیس کل دادگستری هرمزگان آمار نهایی جانباختگان این انفجار را ۵۷ نفر اعلام کرد.

● روزنامه «پیام ما» در گزارشی تکانه‌دهنده خبر داده که ده‌ها کارگر مفقود شده، نیروی کار مهاجر از سیستم و بلوچستان بوده و شناسنامه نداشته و کارفرمایان هم چون آنها را به صورت غیرقانونی به کار گرفته بودند جرأت اعلام نام آنها به مقامات دولتی را ندارند.

● رهبر جمهوری اسلامی پس از هشت روز از فاجعه انفجار در «بندر رجایی» درباره این موضوع به «عادی سازی» پرداخته و از جمله گفته «حوادث گوناگون برای دستگاه‌ها خب پیش می‌آید، زلزله، آتش‌سوزی، تخریب عمدی، سهوی، همه جوری پیش می‌آید و جبران می‌شود.»

● اسماعیل کهرم فعال محیط زیست: برخی آقایان که به بندرعباس سفر کردند حاضر نشدند از هواپیما پیاده شوند و از همان بالا وضعیت حادثه را بازدید کردند. سوال این است که در هواپیما چگونه توانستند درباره حادثه تصمیم‌گیری و قضاوت کنند؟ من فکر می‌کنم برای اینکه گرم‌شان نشود از هواپیما پیاده نشده‌اند!

● علیرضا شبانی کارشناس امور گمرکی گفته تنها حدود ۲۰ درصد محموله‌های وارداتی و ترانزیتی در کشور تحت اسکن قرار می‌گیرند و «بسیاری از کالاهای دولتی نیز با استناد به نامه‌هایی نظیر «مربوط به بیت‌المال» عملاً از نظارت و اسکن معاف می‌شوند!»

با گذشت بیش از یک هفته از انفجار در «بندر رجایی» در بندرعباس آمار حکومت از شمار جانباختگان کاهش یافته است؛ گزارش‌های میدانی شمار قربانیان فاجعه انفجار در این بندر را بیش از آمارهای مورد ادعای جمهوری اسلامی اعلام می‌کنند و تأکید دارند شماری از مفقودان این انفجار کارگران مهاجر از سیستم و بلوچستان بودند که چون شناسنامه نداشتند از آمارها حذف شده‌اند.

در شرایطی آمار جانباختگان انفجار مرگبار در «بندر رجایی» از سوی مقامات حکومتی ۷۰ نفر اعلام شده بود که پس از مدتی مجتبی قهرمانی رئیس کل دادگستری هرمزگان آمار نهایی جانباختگان این انفجار را ۵۷ نفر اعلام کرده است.

رئیس کل دادگستری هرمزگان مدعی شده که «با توجه به مراجعه خانواده‌ها و آزمایشاتی که انجام شد مشخص شد که اجزای پیکرهای متلاشی شده تعدادی از جانباختگان توسط تیم‌های تفحص از مناطق مختلف محدوده انفجار جمع‌آوری شده و در کاورهای جداگانه نگهداری شده بود که درواقع این اجزا متعلق به پیکر یک نفر بوده است.»

اینهمه در حالیکه ده‌ها تن همچنان از لحظه انفجار تا کنون مفقود هستند. خانواده‌ها پزشکی قانونی و همه بیمارستان‌ها و درمانگاه‌ها را بارها جستجو کرده تا شاید نشانی از عزیزان خود بیابند اما با گذشت بیش از یک هفته همچنان خبری نیست.

خبرگزاری «فارس» گزارش داده روز شنبه ۱۳ اردیبهشت ۳۰ تن از خانواده‌های مفقودشدگان حادثه انفجار و

تفحص مفقودان در حادثه انفجار بندر رجایی به پایان رسیده اما برای اطمینان خاطر، تیم‌ها همچنان در محل مستقر هستند.»

او توضیح نداد استقرار تیم‌هایی در «بندر رجایی» بدون اینکه مأموریتی برای جستجوی یافتن اثری از ده‌ها مفقودی این انفجار داشته باشند چه سودی دارد؟!

از سوی دیگر کمیته بررسی انفجار در «بندر رجایی» در دومین اطلاعیه خود که روز گذشته منتشر شد از بازداشت «دو مدیر» در رابطه با این فاجعه خبر داده و نوشته «پس از احراز قصور برخی مسئولان بر اساس گزارش اولیه اطلاعیه شماره یک، یک مدیر دولتی و یک مدیر از بخش خصوصی با صدور قرار قانونی بازداشت شدند. فرآیند احضار و تحقیق از سایر متهمان نیز در جریان است.»

از سوی دیگر، در شرایطی که پیشتر خبرنگاران در ایران از فشار امنیتی بر رسانه‌ها و خبرنگاران درباره اطلاع‌رسانی درباره انفجار در «بندر رجایی» خبر داده بودند، دادگستری استان هرمزگان نیز تهدید کرده اظهار نظر غیرمسئولانه در فضای عمومی و رسانه‌ای درباره این انفجار می‌تواند عواقب کیفری و حقوقی به همراه داشته باشد.

فاطمه مهاجرانی روز چهارشنبه دهم اردیبهشت‌ماه با اشاره به دستور دولت به نهادهای استانی و اقتصادی زیرمجموعه خود مبنی بر عدم اطلاع‌رسانی درباره انفجار بندرعباس تا روشن شدن دلایل آن، گفت که این دستور برای داشتن «صدای واحد» صادر شده است!

پیشتر مریم لطفی خبرنگار روزنامه «شرق» هشتم ←

آتش‌سوزی در «بندر رجایی» مقابل ورودی این بندر تجمع کردند. آنها با در دست داشتن تصاویر عزیزان خود خواستار تعیین تکلیف وضعیت مفقودی آنها شدند.

آمارهای حکومت ادعای گم شدن ۲۹ نفر را داشت که اکنون گفته شده ۱۸ تن از آنها در میان پیکرهای بی‌هویت بوده و شناسایی شده‌اند و در نهایت ۱۱ تن مفقود هستند. این اما تمام ماجرا نیست!

روزنامه «پیام ما» در گزارشی تکانه‌دهنده خبر داده که ده‌ها کارگر مفقود شده شناسنامه نداشته و کارفرمایان هم چون آنها را به صورت غیرقانونی به کار گرفته بودند جرأت اعلام نام آنها به مقامات دولتی را ندارند.

این کارگران به همراه ده‌ها تن دیگر جزو کارگران مهاجر از سیستم و بلوچستان بوده‌اند. بخشی از کارگران مهاجر شناسنامه نداشته و حالا بسیاری از گمشدگان در انفجار از میان همین کارگران هستند. پیمانکاران کارگران بی‌شناسنامه را به صورت روزمزد و بدون قرارداد به کار گرفته بودند و البته مزایایی هم به آنها داده نمی‌شد. کارفرمایان به علت استخدام غیرقانونی کارگران بی‌شناسنامه نام آنها را به مقامات دولتی ارائه نکرده‌اند و در نتیجه آنها در آمارها وجود ندارند!

در این میان، با وجود مفقود بودن ده‌ها تن از کارکنان «بندر رجایی»، منابع حکومتی اعلام کردند عملیات جستجو شامگاه یکشنبه ۱۴ اردیبهشت‌ماه به پایان رسید.

ساعاتی بعد از اعلام این خبر، محمد آشوری تازیانی استاندار هرمزگان با تأیید خبر پایان عملیات جستجو در «بندر رجایی» مدعی شد که «هم‌اکنون عملیات پایش و

دولت ترامپ یک شبکه دیگر فروش نفت ایران به پالایشگاه‌های چینی را تحریم کرد



وزارت خزانه‌داری آمریکا

دونالد ترامپ آنها را هدف قرار داده است. در این دور از تحریم‌ها نیز «هبتی شانهای» (Hebei Xinhai) و همچنین سه شرکت بهره‌برداری پایانه بندری در استان شان‌دونگ چین به دلیل نقش آنها در خرید یا تسهیل تحویل صدها میلیون دلار نفت ایران تحریم شدند. همچنین اوفک شرکت‌ها، کشتی‌ها و کاپیتان‌هایی را که به عنوان بخشی از ناوگان مخفی جمهوری اسلامی ایران در حمل نفت نقش داشته‌اند، هدف تحریم قرار داده است. این سومین اقدام OFAC علیه یک پالایشگاه تی‌پات و نخستین اقدام علیه بهره‌برداران پایانه‌های بندری در شان‌دونگ است.

اسکات بسنت وزیر خزانه‌داری آمریکا می‌گوید: «در چارچوب کمپین فشار حداکثری گسترده و تهاجمی پرزیدنت ترامپ، امروز وزارت خزانه‌داری یک پالایشگاه تی‌پات دیگر را که نفت از ایران وارد کرده هدف قرار داده است. ایالات متحده مصمم است فشار را بر تمامی عناصر زنجیره تأمین نفت ایران تشدید کند تا مانع درآمدزایی رژیم برای پیشبرد برنامه بی‌ثبات‌کننده‌اش شود.»

این شبکه با کمک شرکت ملی نفت ایران اقدام به فروش نفت و تأمین مالی نیروهای قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی می‌کردند.

این تحریم‌ها در شرایطی اعمال شده که برخی منابع گفته‌اند یکی از دلایل لغو چهارمین دور مذاکرات میان عباس عراقچی و استیو ویتکاف، ادامه تحریم‌های نفتی علیه جمهوری اسلامی بوده است.

ساعاتی پیش از اعمال این تحریم‌ها محسن پاک‌نژاد وزیر نفت جمهوری اسلامی در نمایشگاه نفت، گاز و پتروشیمی که در تهران برگزار شد گفت «صادرات نفت با وجود تشدید تحریم‌ها در بالاترین سطح ممکن ادامه دارد اما این تنها آغاز مسیر ماست.»

● دفتر کنترل دارایی‌های خارجی وزارت خزانه‌داری آمریکا (OFAC) دو فرد، ۱۱ نهاد و ۶ کشتی مرتبط با جمهوری اسلامی را در فهرست تحریم‌ها قرار داد.

● بر اساس بیانیه وزارت خزانه‌داری آمریکا که پنجشنبه ۸ ماه مه (۱۸ اردیبهشت) صادر شد دو فردی که در فهرست تحریم‌ها قرار گرفتند تبعه هندوستان هستند. نهادهای تحریم‌شده نیز در چین، جزایر مارشال، هنگ‌کنگ و سنگاپور مستقرند.

● اسکات بسنت وزیر خزانه‌داری آمریکا: در چارچوب کمپین فشار حداکثری گسترده و تهاجمی پرزیدنت ترامپ، وزارت خزانه‌داری یک پالایشگاه تی‌پات چینی دیگر را که نفت از ایران وارد کرده هدف قرار داده است.

● ساعاتی پیش از اعمال این تحریم‌ها محسن پاک‌نژاد وزیر نفت جمهوری اسلامی گفت «صادرات نفت با وجود تشدید تحریم‌ها در بالاترین سطح ممکن ادامه دارد اما این تنها آغاز مسیر ماست.»

دفتر کنترل دارایی‌های خارجی وزارت خزانه‌داری آمریکا (OFAC) دو فرد، ۱۱ نهاد و ۶ کشتی مرتبط با جمهوری اسلامی را در فهرست تحریم‌ها قرار داد.

بر اساس بیانیه وزارت خزانه‌داری آمریکا که پنجشنبه ۸ ماه مه (۱۸ اردیبهشت) صادر شد دو فردی که در فهرست تحریم‌ها قرار گرفتند تبعه هندوستان هستند. نهادهای تحریم‌شده نیز در چین، جزایر مارشال، هنگ‌کنگ و سنگاپور مستقرند.

همچنین نفتکش‌هایی که آمریکا تحریم کرده با پرچم پاناما، سان‌مارینو و سائوتومه و پرنسپ رفت و آمد می‌کرده‌اند.

اصلی‌ترین خریداران نفت ایران پالایشگاه‌های خصوصی نفت چین معروف به «تی‌پات» (قوری) هستند که دولت

اردیبهشت‌ماه در پستی در شبکه ایکس، با انتقاد از ارائه نشدن اطلاعات مسئولان مرتبط با انفجار «بندر رجایی» نوشته بود: «همه گفتند منع شدیم از حرف زدن و روایت گفتن. فقط مجازیم با صداوسیما مصاحبه کنیم.» در این میان همچنان آنچه بستر این انفجار مرگبار در «بندر رجایی» و وارد آوردن خسارات جبران‌ناپذیر جانی و روانی و خسارت مالی چند میلیارد دلاری بوده، و همچنین شیوه مدیریت بحران در اینباره مورد توجه کارشناسان قرار دارد.

اسماعیل کهرم فعال محیط زیست نیز با انتقاد نسبت به شیوه مدیریت بحران جمهوری اسلامی گفته «ما باید بپذیریم که در دهه‌های گذشته در برخی زمینه‌ها پیشرفت و توسعه چندانی نداشته‌ایم. اگر این واقعیت را بپذیریم بهتر می‌توانیم شرایط و دلایل حادثه را مورد تحلیل قرار بدهیم. نکته مهم این است که مدیریت را نمی‌توان با شعار و هیاهو انجام داد بلکه برنامه‌ریزی و حساب و کتاب می‌خواهد.»

وی افزوده «برخی آقایان که به بندرعباس سفر کردند حاضر نشدند از هواپیما پیاده شوند و از همان بالا وضعیت حادثه را بازدید کردند. سوال این است که در هواپیما چگونه توانستند درباره حادثه تصمیم‌گیری و قضاوت کنند؟ من فکر می‌کنم برای اینکه گرم‌شان نشود از هواپیما پیاده نشده‌اند.»

هفته گذشته حسین سلاح‌ورزی رئیس پیشین اتاق بازرگانی نیز در شبکه «ایکس» نوشت «چه چیزی مانع نصب تجهیزات ایکس‌ری کانتینری برای کنترل محموله‌های ورودی و خروجی در مبادی گمرکی بندری است؟ پیشتر، ما در اتاق بازرگانی برای تأمین مالی و تهیه این تجهیزات به منظور تسریع تشریفات گمرکی و تسهیل فرآیندها اعلام آمادگی کرده بودیم. با این حال، همچنان مشخص نیست که مانع اصلی چیست و در کجاست!»

تیمور باهنگام کارگزار رسمی گمرک نیز در گفتگو با وبسایت اصلاح‌طلب «جهان‌را» گفته که انفجار در «بندر رجایی» به دلیل رسوب گسترده کالا و فرسودگی تجهیزات بندر «کاملاً قابل پیش‌بینی» بوده است. او با اشاره به اینکه تمام تجهیزات از جمله لیفتراک‌ها دارای روغن‌ریزی بوده‌اند، تأکید کرد در بندری با چنین درآمدی نباید از تجهیزات دست دوم استفاده شود.

این کارگزار با اشاره به ناکارآمدی سیستم ترخیص کالا در ایران، گفت در امارات کالاهای ظرف ۴۸ ساعت ترخیص می‌شود اما در ایران، حتی کالای ضروری واحدهای تولیدی تا ۱۰۰ روز در گمرک باقی می‌ماند.

علیرضا شبانی کارشناس امور گمرکی نیز اعلام کرده که تنها حدود ۲۰ درصد محموله‌های وارداتی و ترانزیتی در کشور تحت اسکن قرار می‌گیرند. او افزوده «بسیاری از کالاهای دولتی نیز با استناد به نامه‌هایی نظیر «مربوط به بیت‌المال» عملاً از نظارت و اسکن معاف می‌شوند!»

این کارشناس امور گمرکی افزوده «نبود الزام قانونی برای اسکن تمامی محموله‌ها، یا حداقل نیمی از آنها، یکی از مهم‌ترین شکاف‌های موجود در سیستم کنترل گمرکی کشور است؛ شکافی که به افزایش قاچاق، اختلال در زنجیره تأمین و کاهش شفافیت اقتصادی دامن زده است.»

اینهمه در حالیست که رهبر جمهوری اسلامی پس از هشت روز از فاجعه انفجار در «بندر رجایی» درباره این موضوع به «عادی‌سازی» پرداخته است. علی خامنه‌ای از جمله گفته «حوادث گوناگون برای دستگاه‌ها خب پیش می‌آید، زلزله، آتش‌سوزی، تخریب عمدی، سهوی، همه جوری پیش می‌آید و جبران می‌شود.»

انفجارهای زنجیره‌ای در ایران؛ بعد از بندرعباس و فردیس کرج نوبت به محمودآباد قم رسید

اگرچه ادعا شد آتش فوری خاموش شده اما بر اساس گزارش منابع محلی آتش‌سوزی ادامه پیدا کرد. حال چهار نفر از کارگران که دارای سوختگی بالای ۹۰ درصد هستند، وخیم اعلام شده است.

خبرگزاری صداوسیما جمهوری اسلامی به نقل از رئیس اورژانس ۱۱۵ قم گزارش داد: «دو نفر از مصدومان با سوختگی کامل ۱۰۰ درصدی و بدحال پس از دریافت خدمات اولیه به بیمارستان منتقل شدند.»

برخی منابع غیررسمی می‌گویند دو نفر از کارگران جان باختند. این انفجار و آتش‌سوزی یک روز پس از دو انفجار و آتش‌سوزی مشکوک در محوطه نیروگاه برق «منتظر قائم» فردیس و نظرآباد کرج اتفاق افتاد. منابع حکومتی اعلام کردند که این آتش‌سوزی در انبار ضایعات و کارتن‌سازی بوده است. شهروندانی که در همان مناطق ساکن هستند گفته‌اند که پیش از آتش‌سوزی صدای انفجار و شلیک ضدهوایی و همچنین صدای پرواز هواپیمای جنگنده شنیده‌اند.

مردم فردیس نگران بودند که مبادا این آتش‌سوزی مشابه انفجار مرگبار بندرعباس باشد. حکومت از کارخانجات و تأسیسات صنعتی تجاری و عمومی به عنوان پوشش فعالیت‌های نظامی استفاده می‌کند که خطر بسیار بالایی دارند و بطور مستقیم تهدید علیه جان مردم عادی و استفاده از شهروندان به عنوان سپر انسانی به شمار می‌رود.



عکس: تابناک

آتش فوراً خاموش شده و مصدومان به بیمارستان منتقل شدند.»

● خبرگزاری‌های رسمی داخلی گزارش دادند که روز یکشنبه ۱۴ اردیبهشت ۱۴۰۴ یک واحد تولیدی در شهرک صنعتی محمودآباد قم پس از انفجاری سنگین دچار آتش‌سوزی شد.

● حال چهار نفر از کارگران که دارای سوختگی بالای ۹۰ درصد هستند، وخیم اعلام شده است.

● خبرگزاری صداوسیما جمهوری اسلامی به نقل از رئیس اورژانس ۱۱۵ قم گزارش داد: «دو نفر از مصدومان با سوختگی کامل ۱۰۰ درصدی و بدحال پس از دریافت خدمات اولیه به بیمارستان منتقل شدند.»

● برخی منابع غیررسمی می‌گویند دو نفر از کارگران جان باختند.

خبرگزاری‌های رسمی داخلی گزارش دادند که روز یکشنبه ۱۴ اردیبهشت ۱۴۰۴ یک واحد تولیدی در شهرک صنعتی محمودآباد قم پس از انفجاری سنگین دچار آتش‌سوزی شد. منابع آگاه در بازرسی کار استان قم اعلام کردند که مواد شیمیایی موجود در یک مخزن در کارخانه تولید مواد اولیه پتروشیمی منفجر شده است اما علت انفجار اعلام نشد. یک فعال کارگری با اعلام این خبر که این حادثه یک مصدوم سطحی داشته و چهار کارگر مصدوم دیگر نیز به مراکز درمانی منتقل شدند، اظهار داشت: «این انفجار باعث شعله‌ور شدن یک دقیقه‌ای یک مخزن مواد شیمیایی شد؛

بازداشت چهار ایرانی در بریتانیا به اتهام توطئه برای اقدام تروریستی

«تحقیقات هنوز در مراحل اولیه است و ما در حال بررسی راه‌های مختلف برای شناسایی انگیزه احتمالی و همچنین ارزیابی خطرات احتمالی دیگر هستیم.»

او افزود: «می‌دانیم که این موضوع ممکن است باعث نگرانی مردم شود، و همانطور که همیشه گفته‌ایم، از آنها می‌خواهیم هوشیار باشند و اگر چیزی دیدند یا شنیدند که نگران‌شان کرد، با ما تماس بگیرند.»

این پرونده در حالی مطرح شده است که کن مک‌کالوم رئیس سازمان اطلاعات داخلی بریتانیا (MI5) در اکتبر ۲۰۲۴ اعلام کرد که از سال ۲۰۲۲ تا کنون، دست‌کم ۲۰ توطئه تروریستی مورد حمایت جمهوری اسلامی ایران در خاک بریتانیا خنثی شده است. این توطئه‌ها عمدتاً علیه مخالفان رژیم ایران در بریتانیا برنامه‌ریزی شده بودند.

مک‌کالوم هشدار داده بود که جمهوری اسلامی ایران با بهره‌گیری از گروه‌های واسطه و سازمان‌های جانی‌تکار، حملات علیه مخالفان خود در بریتانیا را شدت بخشیده است. به گفته او، اگر ایران تصور کند که بریتانیا از نظر سیاسی بی‌نظمی در حمایت از اسرائیل دخالت دارد، ممکن است اهداف حملات خود را گسترش دهد.

بر اساس گزارش‌های منتشرشده، واحد ۸۴۰ سپاه پاسداران انقلاب اسلامی که مسئول عملیات‌های برون‌مرزی ایران است، در سال‌های اخیر در طراحی و اجرای عملیات‌های تروریستی در اروپا نقش داشته است. این واحد از شبکه‌های جانی‌تکار برای اجرای حملات استفاده می‌کند تا رد پای از خود بر جای نگذارد.



پلیس بریتانیا/عکس: رویترز

یک «عملیات از پیش طراحی‌شده و پیشگیرانه» بوده‌اند. تحقیقات در مراحل اولیه خود قرار دارد و مقامات در حال بررسی انگیزه‌های احتمالی و ارزیابی خطرات دیگر برای عموم مردم هستند. دومینیک مورفی فرمانده واحد ضد تروریسم گفت:

● به گزارش خبرگزاری رویترز، پلیس ضدتروریسم بریتانیا اعلام کرد که پنج مرد، از جمله چهار تبعه ایرانی، به اتهام برنامه‌ریزی برای انجام یک حمله تروریستی بازداشت شده‌اند.

● این بازداشت‌ها در چارچوب عملیاتی هماهنگ در شهرهای سوئیندون، استاکپورت، غرب لندن، راجدیل و منچستر صورت گرفته است.

● بر اساس گزارش‌های منتشرشده، واحد ۸۴۰ سپاه پاسداران انقلاب اسلامی که مسئول عملیات‌های برون‌مرزی ایران است، در سال‌های اخیر در طراحی و اجرای عملیات‌های تروریستی در اروپا نقش داشته است. این واحد از شبکه‌های جانی‌تکار برای اجرای حملات استفاده می‌کند تا رد پای از خود بر جای نگذارد.

به گزارش خبرگزاری رویترز، پلیس ضدتروریسم بریتانیا اعلام کرد که پنج مرد، از جمله چهار تبعه ایرانی، به اتهام برنامه‌ریزی برای انجام یک حمله تروریستی بازداشت شده‌اند. این بازداشت‌ها در چارچوب عملیاتی هماهنگ در شهرهای سوئیندون، استاکپورت، غرب لندن، راجدیل و منچستر صورت گرفته است.

به گفته پلیس، این افراد به اتهام «توطئه برای انجام یک اقدام تروریستی» (طبق ماده ۵ قانون مبارزه با تروریسم ۲۰۰۶) بازداشت شده‌اند. چهار نفر از بازداشت‌شدگان ایرانی هستند و پنج‌مین نفر نیز در منطقه منچستر دستگیر شده است، اما ملیت او هنوز مشخص نشده است. پلیس تأکید کرده است که این بازداشت‌ها بخشی از

دومین حمله هوایی اسرائیل به مواضع حوثی‌ها؛ کاتز: «این حمله پیام به سر اختاپوس در ایران بود»



بنیامین نتانیاهو نخست وزیر اسرائیل و همکارانش عملیات هوایی در یمن را زیر نظر دارند

خواست تا شریان‌های اقتصادی اسرائیل را مسدود کنند. مشخص نیست آیا توقف حملات حوثی‌ها و مقابلات متوقف شدن حملات نظامی آمریکا علیه آنها واقعیت دارد یا نه و در صورت واقعیت چه مدت ادامه خواهد داشت. چرا که اگر حوثی‌ها با دو حمله‌ی اخیر اسرائیل مجبور شده باشند حملات را متوقف کنند تا نفسی تازه کرده و دوباره موشک‌پرانی را از سر بگیرند هیچ تعجبی ندارد زیرا منشاء حملات آنها در تهران است.

متوقف شود. اگر قرار است این تهدید متوقف شود، ما هم می‌توانیم عملیات را متوقف کنیم. بنابراین فکر می‌کنم این تحول مهمی است.»

حوثی‌ها پرتاب موشک به کشتی‌های تجاری و نفتکش‌ها را به خواست علی خامنه‌ای پس از عملیات تروریستی «هفت اکبر» همزمان با آغاز عملیات ارتش اسرائیل علیه گروه تروریستی حماس از سر گرفتند و رهبر جمهوری اسلامی از شبه‌نظامیان به اصطلاح «محور مقاومت»

● در دومین مرحله از حملات هوایی اسرائیل به زیرساخت‌های شبه‌نظامیان حوثی در یمن، روز سه‌شنبه ۱۶ اردیبهشت ۱۴۰۴، فرودگاه صنعا، تأسیسات نیروگاهی و انبار مهمات آنها در تقریباً ۲۰ حمله‌ی شدید هدف قرار داده شد.

● بنیامین نتانیاهو نخست وزیر اسرائیل تأکید کرد: «بارها گفته‌ام هر کسی که به کشور اسرائیل حمله کند، خونس به گردن خودش است. دیروز گفتم که واکنش به حمله حوثی‌ها با یکبار حمله تمام نمی‌شود بلکه با حملات متعدد پاسخ داده خواهد شد. بنابراین دیروز ما یک ضربه، یک ضربه سخت، به بندر حدیده وارد کردیم. امروز، هواپیماهای ما به فرودگاه صنعا حمله کردند.»

● اسرائیل کاتز وزیر دفاع اسرائیل نیز با اشاره به اینکه «حمله به حوثی‌ها پیامی به سر اختاپوس بود» عنوان کرد، «در پاسخ به حمله اخیر حوثی‌ها به فرودگاه بن گوریون، فرودگاه صنعا را ویران کردیم. [رژیم] ایران مسئولیت و عواقب حملات حوثی‌ها را متحمل خواهد شد.»

● دونالد ترامپ: «حوثی‌ها تسلیم شده‌اند؛ می‌گویند دیگر کشتی‌ها را هدف قرار نخواهند داد. ما به این تصمیم احترام می‌گذاریم؛ مباران‌ها را متوقف خواهیم کرد.»

در دومین مرحله از حملات هوایی اسرائیل به زیرساخت‌های شبه‌نظامیان حوثی در یمن، روز سه‌شنبه ۱۶ اردیبهشت ۱۴۰۴، فرودگاه صنعا، تأسیسات نیروگاهی و انبار مهمات آنها در تقریباً ۲۰ حمله‌ی شدید هدف قرار داده شد. پس از این حملات بنیامین نتانیاهو نخست وزیر اسرائیل تأکید کرد: «بارها گفته‌ام هر کسی که به کشور اسرائیل حمله کند، خونس به گردن خودش است. دیروز گفتم که واکنش به حمله حوثی‌ها با یک حمله تمام نمی‌شود بلکه با حملات متعدد پاسخ داده خواهد شد. بنابراین دیروز ما یک ضربه، یک ضربه سخت، به بندر حدیده وارد کردیم. امروز، هواپیماهای ما به فرودگاه صنعا حمله کردند.»

او افزود: «انتخاب ما در مورد زمان، نحوه و اهداف پاسخگویی، ملاحظاتی است که هر بار در نظر می‌گیریم و این موضوع شامل حامی حوثی‌ها، رژیم جمهوری اسلامی نیز می‌شود که بدون تأیید و حمایت بلندمدت آن، حوثی‌ها نمی‌توانند حمله موشکی جنایتکارانه‌ای را علیه ما انجام دهند.»

اسرائیل کاتز وزیر دفاع اسرائیل نیز با اشاره به اینکه «حمله به حوثی‌ها پیامی به سر اختاپوس بود» عنوان کرد، «در پاسخ به حمله اخیر حوثی‌ها به فرودگاه بن گوریون، فرودگاه صنعا را ویران کردیم. [رژیم] ایران مسئولیت و عواقب حملات حوثی‌ها را متحمل خواهد شد.»

دونالد ترامپ رئیس‌جمهوری آمریکا در دیدار با نخست‌وزیر کانادا اعلام کرد که ایالات متحده فوراً مباران علیه حوثی‌های مورد حمایت جمهوری اسلامی را متوقف خواهد کرد.

ترامپ گفت که حوثی‌ها تسلیم شده‌اند و به آمریکا اعلام کرده‌اند که دیگر به کشتی‌ها حمله نخواهند کرد و آمریکا نیز از این پس حملات خود در یمن را متوقف خواهد کرد. مارکو روبیو وزیر خارجه آمریکا نیز گفت: «حوثی‌ها گروهی هستند با سلاح‌های پیشرفته که کشتیرانی جهانی را تهدید می‌کرده‌اند و هدف ما این بود که این تهدید

سوت قطار پهلوی (صد سال پهلوی؛ ۱۳۰۴ تا ۱۴۰۴)



ویدئو

آن روز بسیار عقب افتاده و تنها اقلیت کوچکی از طبقات بالا پاسواد بودند. برنامه مدرن‌سازی کشور توسط حکومت تازه بلافاصله از سال ۱۳۰۴ پس از رسیدن رضاشاه به قدرت با جدیت بیشتری پیگیری و طرح‌های آن تا ۱۳۰۹ پی‌ریزی شد.

تصور اینکه تمدنی را بتوان از زیر خروارها خاک بیرون کشید و دوباره زنده کرد غیرممکن بود. در آغاز پادشاهی پهلوی زخم و درد و عقب‌ماندگی عمیق ایران را فرا گرفته بود. بخش‌هایی چون صنعت و اقتصاد، سلامت و آموزش در ایران از جهان

سکوت مرگبار: خاموشی مراجع مذهبی در برابر فاجعه «بندر رجایی»

حتی نجوای دلگرم‌کننده‌ای از واعظ خود را نیز در سوگ عزیزان‌شان نمی‌شنوند. در حالی که صدای تو می‌توانست جهانی را متوجه این فاجعه کند، تو نیز ترجیح دادی به تماشا بسنده کنی. و این سکوت، از خود فاجعه رساتر در حافظه مردم حک خواهد شد.

واقعیت این است که نهاد دین در جمهوری اسلامی، نه ناظر است، نه مستقل، و نه حامی مردم. دین رسمی، چه شیعه و چه سنی، تا وقتی زبان می‌گشاید که بهای سیاسی نپردازد. اما در بزنگاه‌های سخت، جایی که باید مقابل قدرت ایستاد و از حق انسان دفاع کرد، اغلب به سکوتی آرام و محافظه‌کارانه پناه می‌برد. آنان که خود را وارث پیامبران می‌دانند، در برابر سوختن انسان‌هایی که حتی نامی نداشتند، لب نگشودند. و این سکوت، بی‌طرفی نیست؛ شکل پیچیده‌ای از مماشات است که دست سرکوب را باز می‌گذارد.

بله، رهبر جمهوری اسلامی مقصر اصلی این فاجعه است؛ نه فقط چون در بالاترین جایگاه قدرت ایستاده، بلکه چون با وقاحتی تکان‌دهنده، این فاجعه‌ی انسانسوز را یک «حادثه طبیعی» نامید؛ گویی ده‌ها انسان بی‌گناه، نه سوخته‌اند و نه زیر آوار بی‌عدالتی دفن شده‌اند. با گذشت یک روز، او تنها یک پیام تسلیت پر از بی‌اعتنایی منتشر کرد؛ نه نشانی از درد، نه همدردی، نه مسئولیتی. دردناک‌تر از واژه‌های تهی و سخیف آن پیام، واکنش سرد و موهن کسی بود که خود را «زبان خدا» می‌نامد؛ کسی که باید صدای اندوه مردم می‌بود، اما جز بی‌اعتنایی سنگین و نگاهی از بالا به پایین، کاری از او سر نرد.

و حقیقت تلخ این است: جان ایرانیان چنان برای رهبر جمهوری اسلامی بی‌ارزش است که حتی خود را به زحمت حضور در محل حادثه یا مواجهه با خانواده‌ها نداد. نه تنها از جایش تکان نخورد، بلکه سکوت همکاران روحانی‌اش، تبدیل به لحاف امنی شد تا بی‌تفاوتی‌اش در سایه آن پنهان بماند. او تنها نماند؛ بلکه در کنار او، سکوت حوزه‌ها، بی‌عملی مراجع و بی‌صدایی واعظان ایستادند. خامنه‌ای بی‌احساس و بی‌رحم ماند، چون می‌دانست هیچ عمامه‌ای، حتی لرزشی خفیف به خود نخواهد داد.

در چنین ساختاری، این فاجعه، پیش و بیش از هر چیز، نتیجه‌ی حاکمیتی است که با هدایت خمینی بنا شده و با قبضه‌ی مطلق خامنه‌ای به نقطه‌ی امروز رسیده؛ ساختاری که از آغاز، دین را نه برای رهایی مردم، که برای تثبیت قدرت به گروگان گرفت، و حالا ثمره‌اش، مرگ انسان‌هایی‌ست که حتی در لحظه‌ی سوختن، نامی بر زبان متولیان فریب نداشتند.

هیچکس این خون‌ها را فراموش نخواهد کرد. نه فقط به خاطر وسعت انفجار و مرگ، بلکه چون در لحظه‌ای که صدای فریاد باید برخاسته می‌شد، سکوتی شنیده شد که از خود انفجار، سوزانده‌تر بود.

و این خون‌ها، بر زمین نخواهد ماند. نه در دادگاه‌های این حکومت، بلکه در حافظه زنده مردمی که هر بار به تبعیض تازه‌ای برمی‌خورند، این صحنه را به یاد خواهند آورد. حافظه‌ای که خواهد گفت:

وقتی فرزندانمان سوختند، آنان که باید فریاد می‌زدند، فقط نگاه کردند.

و بی‌تردید، فردای آزادی ایران عزیز، این دون‌مایگان دین‌فروش، چه در لباس سفید، چه سیاه، نه بر منبر، بلکه در برابر دادگاه‌های عادلانه و چشم مردم ایستاده خواهند بود، جایی‌که نه تسبیح، نه عمامه، نه تملق، سپرشان نخواهد شد.



امن خود پنهان شود. چرا؟ آیا این قربانیان، انسان نبودند؟ آیا حتی یک کلمه نیز برایشان زیادی بود؟ یا باید گفت: حفظ سکوت، همچنان به‌صرفه‌تر است؟ سیستمی همچون دیگر مراجع نمی‌خواهد حتی سایه‌ای از ناخشنودی بر چهره علی خامنه‌ای بنشیند؛ چهره‌ای نه رهبری، که نمادی از قدرت‌پرستی محض و بی‌رحمانه است. و سکوت سیستمی، بی‌اغراق، به اندازه هر خطبه چاپلوسانه‌ای که در ستایش قدرت ایراد شود، معنادار و رنج‌آور است.

وحید خراسانی دیگر مرجع نام‌آشنا که سال‌ها کوشیده چهره‌ای پرهیزکار و مردمی از خود ترسیم کند، اینبار نیز در بزنگاهی که باید سخن می‌گفت، سکوت را برگزید. از هزاران طلبه‌ای که در حوزه‌اش درس آموخته‌اند اگر امروز بپرسید، جوابی نخواهند یافت؛ چون جوابی داده نشده. نه کلامی، نه اشاره‌ای، نه دریغی. سال‌ها با صدای لرزان از درد مردم گفتند، از حرمت انسان، از فقر. اما حالا که کارگری، نان‌آور خانه‌ای، با تن پاره‌پاره و بی‌جان در شعله‌ها بلعیده شده، آنان که از کرامت انسان سخن می‌گفتند، لب از لب نگشودند. گویی تمام آن سخنرانی‌ها، تنها برای روزهای بی‌خطر بود؛ گویی عدالت‌شان تا وقتی معنا داشت که هزینه‌ای نداشت.

و در سوی دیگر، مولوی عبدالحمید ایستاده. کسی که طی سال‌های اخیر، در برابر بخشی از مظالم ایستاد و در میان اهل سنت، و بسیاری دیگر از مردم ایران، صدایی مخالف تلقی می‌شد. اما وقتی نوبت به کشته‌شدن هم‌زمانان و هم‌استانی‌هایش رسید، به یک پیام تسلیت بی‌اثر بسنده کرد. مولوی عبدالحمید، تو که خود را صدای بلوچستان می‌دانی، بگو امروز کجاست آن صدای رسا؟ در کدام خطبه، ضجه آن کارگر بی‌شناسنامه را تکرار کردی که در سکوت مطلق، خاکستر شد؟ چرا حتی نامشان را نبردی؟ آیا چون این مرگ، رنگ کارگری داشت، بی‌اهمیت شد؟ آیا رنج این مردم، از معیارهای گزینشی همدردی تو بیرون است؟

بی‌پرده باید گفت: سکوت تو، پیام تسلیت‌ات را تهی و بی‌ارزش کرد. مردمی که عمری با تبعیض زیسته‌اند، حالا

● علی سیستمی در نجف که برخی ایرانیان هنوز به خاطر مواضع مستقل‌اش در گذشته برایش احترام قائل‌اند، در برابر یکی از عریان‌ترین مصادیق ظلم، لب فروبست. نه پیامی، نه محکومیتی، نه حتی تسلیتی سرد. همان سیستمی که بارها درباره مسائل داخلی ایران اظهار نظر کرده، در برابر سوختن و ذوب‌شدن جسم بی‌جان کارگرانی بی‌نام در شعله‌های بی‌رحمانه «بندر رجایی» ترجیح داد در سکوت امن خود پنهان شود.

● وحید خراسانی دیگر مرجع نام‌آشنا که سال‌ها کوشیده چهره‌ای پرهیزکار و مردمی از خود ترسیم کند، اینبار نیز در بزنگاهی که باید سخن می‌گفت، سکوت را برگزید. از هزاران طلبه‌ای که در حوزه‌اش درس آموخته‌اند اگر امروز بپرسید، جوابی نخواهند یافت؛ چون جوابی داده نشده. نه کلامی، نه اشاره‌ای، نه دریغی.

● و در سوی دیگر، مولوی عبدالحمید ایستاده. کسی که طی سال‌های اخیر، در برابر بخشی از مظالم ایستاد و در میان اهل سنت، و بسیاری دیگر از مردم ایران، صدایی مخالف تلقی می‌شد. اما وقتی نوبت به کشته‌شدن هم‌زمانان و هم‌استانی‌هایش رسید، به یک پیام تسلیت بی‌اثر بسنده کرد. مولوی عبدالحمید، تو که خود را صدای بلوچستان می‌دانی، بگو امروز کجاست آن صدای رسا؟ در کدام خطبه، ضجه آن کارگر بی‌شناسنامه را تکرار کردی که در سکوت مطلق، خاکستر شد؟

محمد خوش‌بیان - در ششم اردیبهشت ۱۴۰۴، عده‌ای از هم‌پنهانان ما در حادثه‌ای دهشتناک در «بندر رجایی» بندرعباس جان خود را از دست دادند. نه در یک سانحه ساده، بلکه در فاجعه‌ای ریشه‌دار، برآمده از سال‌ها بی‌عدالتی، استثمار، فساد و تبعیض. شماری از قربانیان، کارگرانی بودند از خطه محروم و فراموش‌شده بلوچستان؛ مظلوم، بی‌پناه، بی‌قرارداد، بی‌بیمه، و از آن تلخ‌تر، بی‌شناسنامه. یعنی حتی در لحظه مرگ، در چشم حکومت اسلامی، وجود خارجی نداشتند. نه نامی در فهرست رسمی کشته‌شدگان دارند، نه نهادهای مسئولیت می‌پذیرد، نه خانواده‌ها می‌توانند گواهی فوتی بگیرند، چه رسد به دیه یا احقاق حق.

این سطح از حذف و تحقیر، حتی در تیره‌ترین نظام‌های اقتدارگرا نیز کم‌سابقه است. اما آنچه فاجعه «بندر رجایی» را به ننگی فراموش‌نشدنی در حافظه مردم بدل می‌سازد، فقط وسعت مرگ یا انفجار و دود نیست؛ سکوت هولناکی است که پس از آن فرود آمد. سکوتی نه از سر ناآگاهی، بلکه سکوتی حساب‌شده و سیاسی. سکوت رسانه‌های رسمی، سکوت نهادهای دولتی، سکوت دستگاه قضایی، سکوت مدیران؛ و البته، سکوتی که سال‌هاست از چنین دستگاهی انتظار می‌رود. اما آنچه قلب مردم را شکست، سکوت نهاد دین بود؛ همان‌هایی که خود را «مدافع مستضعفان» می‌خوانند و هنوز برای برخی، چهره‌ای مردمی دارند. اینبار، در برابر مرگ مظلوم‌ترین انسان‌ها، نه فریادی آمد، نه حتی ناله‌ای.

علی سیستمی در نجف که برخی ایرانیان هنوز به خاطر مواضع مستقل‌اش در گذشته برایش احترام قائل‌اند، در برابر یکی از عریان‌ترین مصادیق ظلم، لب فروبست. نه پیامی، نه محکومیتی، نه حتی تسلیتی سرد. همان سیستمی که بارها درباره مسائل داخلی ایران اظهار نظر کرده، در برابر سوختن و ذوب‌شدن جسم بی‌جان کارگرانی بی‌نام در شعله‌های بی‌رحمانه «بندر رجایی» ترجیح داد در سکوت

از حادثه تلخ بندر عباس تا رویای جمعیت میلیونی

● صرف اندوه یا خشم عمومی، یا حتی شعار دادن علیه یک بخش از حکومت، نوعی «تخلیه هیجانی» است، نه «کنش سیاسی». کنش سیاسی زمانی رخ می‌دهد که مردم بطور سازمانیافته بر سر قواعد بازی سیاسی و روابط قدرت وارد میدان شده و خواستار تغییر در ساختار شوند.

● امر سیاسی یعنی ساختن فضاهایی برای پرسش از مشروعیت قدرت، تقابل با نظم تثبیت‌شده و بازتعریف آینده جمعی. امر سیاسی، حادثه نیست؛ روند است.

● هیچ جامعه‌ای بدون آمادگی روانی، بدون تشکیلات، بدون هسته‌های کوچک و مداوم مقاومت، ناگهان دگرگون نمی‌شود. امید به معجزه، جایگزین عمل نیست.

عظیم بادامدوست - وقتی حادثه‌ای تلخ مثل آنچه در اسکله «بندر رجایی» رخ می‌دهد، واکنش عمومی به صورت احساسات، عزاداری یا اعتراض به «توسعه‌نیافتگی» یا «بی‌کفایتی» ممکن است فوران کند؛ اما این واکنش‌ها در چارچوب یک «امر سیاسی» تغییر بنیادینی ایجاد نمی‌کند، چون سیاست ورای احساسات لحظه‌ای تعریف می‌شود.

امر سیاسی (به تعبیر فیلسوفانی چون کارل اشمیت، آرنه، یا رانسیر) یعنی تشخیص نزاع‌های بنیادین بر سر قدرت، مشروعیت و شیوهی زیست جمعی.

در این چارچوب، صرف اندوه یا خشم عمومی، یا حتی شعار دادن علیه یک بخش از حکومت، نوعی «تخلیه هیجانی» است، نه «کنش سیاسی». کنش سیاسی زمانی رخ می‌دهد که مردم بطور سازمانیافته بر سر قواعد بازی سیاسی و روابط قدرت وارد میدان شده و خواستار تغییر در ساختار شوند. حادثه تلخ را باید دید، اما نباید آن را جایگزین مبارزه برای تغییر ساختار سیاسی کرد.

تمرکز بر این حوادث به عنوان «تراژدی انسانی» ممکن است حاکمیت را موقتاً از فشارهای اساسی‌تر سیاسی خلاص کند (نوعی پانسمن بر زخمی که نظام بر جامعه وارد آورده).

امر سیاسی یعنی ساختن فضاهایی برای پرسش از مشروعیت قدرت، تقابل با نظم تثبیت‌شده و بازتعریف آینده جمعی.

امر سیاسی، حادثه نیست؛ روند است.

روای جمعیت میلیونی‌ای که یک‌شبه از دل خیابان‌ها سر برآورند، روایی کودکانه است؛ ساخته و پرداخته ذهنیتی مذهبی که به معجزه باور دارد، نه به فرایند. ساختن قدرت اجتماعی، سازماندهی، عبور از ترس، و به دوش کشیدن هزینه‌ی کنش سیاسی، یک شب و بدون ریشه و مقدمه ممکن نیست.

هیچ جامعه‌ای بدون آمادگی روانی، بدون تشکیلات، بدون هسته‌های کوچک و مداوم مقاومت، ناگهان دگرگون نمی‌شود.

امید به معجزه، جایگزین عمل نیست.

آنکه در انتظار لحظه‌ی ناگهانی ایستاده، در عمل یاری‌دهنده‌ی تداوم نظم موجود است.

امر سیاسی نیازمند صبوری، اندیشیدن، و عمل آگاهانه است؛ نه فرو رفتن در رؤیاهای بی‌زمین.

* دکتر عظیم بادامدوست عضو شورای مرکزی «خانه مشروطه ایران» در لندن

آسوشیتدپرس:

ادعای ترامپ برای تغییر نام «خلیج فارس»!



ترامپ در آغاز نخستین دور ریاست جمهوری / ۱۷ مارس ۲۰۱۷ / رویترز

تعیین کند که دیگر کشورها چه نامی بر آن بگذارند. سازمان بین‌المللی هیدروگرافی، که آمریکا یکی از اعضای آن است، وظیفه دارد تمام دریاها، اقیانوس‌ها و آب‌های قابل کشتیرانی جهان را بطور یکتواخت بررسی و نامگذاری کند. در مواردی، کشورها یک پهنه آبی یا نشانه جغرافیایی مشترک را با نام‌های متفاوتی در اسناد داخلی خود ثبت می‌کنند.

علاوه بر عربستان سعودی، ترامپ قرار است از قطر و امارات متحده عربی، که همگی در کنار این پهنه آبی قرار دارند، دیدار کند. هر دو این کشورها نیز در حاشیه همین خلیج قرار دارند.

این سفر که نخستین سفر خارجی ترامپ از زمان دوباره روی کار آمدنش در ژانویه ۲۰۲۵ است، با هدف نزدیک‌تر شدن به کشورهای خلیج فارس، جلب سرمایه‌گذاری آنها در آمریکا و جلب حمایت در بحران‌هایی چون جنگ اسرائیل و حماس در غزه و مقابله با برنامه هسته‌ای ایران صورت می‌گیرد.

ترامپ همچنین روابط مالی گسترده‌ای از طریق کسب و کارهای شخصی خود با این کشورها داشته است؛ کسب و کارهایی که حتی پس از ورودش به کاخ سفید نیز مالکیت آنها را حفظ کرده است.

چند ماه پیش از این نیز ترامپ اعلام کرده بود که ایالات متحده از این پس «خلیج مکزیک» را «خلیج آمریکا» خواهد نامید.

برخی کاربران ایرانی در شبکه‌های اجتماعی نوشته‌اند اگر ترامپ چنین اقدامی کند بازی در زمین جمهوری اسلامی است، برخی دیگر نیز عنوان کرده‌اند چنین تصمیمی ناشی از ضعف جمهوری اسلامی در عرصه بین‌المللی است. برخی نیز این جنجال را به حساب فشار دیگری بر رژیم ایران برای کوتاه آمدن در مذاکره می‌نویسند.

شاهزاده رضا پهلوی تیرماه ۱۴۰۲ در یک یادداشت اختصاصی برای کیهان لندن، ضعف و ناتوانی رژیم در دفاع از خاک و تمامیت ارضی کشور را عامل اصلی ادعاهای دولت‌های خارجی در خصوص جزایر سه‌گانه ایرانی و استفاده از نام جعلی برای «خلیج فارس» دانسته بود.

● در آستانه سفر دونالد ترامپ به خاورمیانه، آسوشیتدپرس به نقل از دو منبع گزارش داد که او قصد دارد اعلام کند آمریکا از این پس خلیج فارس را «خلیج عربی» خواهد نامید!

● در این گزارش آمده «برای ایرانیان، نام این خلیج بار معنایی عاطفی و هویتی دارد، چراکه با تاریخ کهن امپراتوری پارس گره خورده است».

● چند ماه پیش از این نیز ترامپ اعلام کرده بود که ایالات متحده از این پس «خلیج مکزیک» را «خلیج آمریکا» خواهد نامید.

● این سفر که نخستین سفر خارجی ترامپ از زمان دوباره روی کار آمدنش در ژانویه ۲۰۲۵ است، با هدف نزدیک‌تر شدن به کشورهای خلیج فارس، جلب سرمایه‌گذاری آنها در آمریکا و جلب حمایت در بحران‌هایی چون جنگ اسرائیل و حماس در غزه و مقابله با برنامه هسته‌ای ایران صورت می‌گیرد.

● شاهزاده رضا پهلوی تیرماه ۱۴۰۲ در یک یادداشت اختصاصی برای کیهان لندن، ضعف و ناتوانی رژیم در دفاع از خاک و تمامیت ارضی کشور را عامل اصلی ادعاهای دولت‌های خارجی در خصوص جزایر سه‌گانه ایرانی و استفاده از نام جعلی برای «خلیج فارس» دانسته بود.

خبرگزاری آسوشیتدپرس روز چهارشنبه ۷ ماه مه (۱۷ اردیبهشت) به نقل از دو مقام آمریکایی که نخواستند نام‌شان فاش شود، گزارش داد که دونالد ترامپ رئیس‌جمهوری آمریکا، قصد دارد هفته آینده در جریان سفرش به عربستان سعودی اعلام کند که آمریکا از این پس خلیج فارس را «خلیج عربی» یا «خلیج عربستان» خواهد نامید.

کشورهای عربی مدت‌هاست خواستار تغییر نام این پهنه آبی در جنوب ایران شده‌اند، در حالی که نام تاریخی آن «خلیج فارس» است.

آسوشیتدپرس در گزارش خود نوشته است که «خلیج فارس» از اعصار دور با این نام شناخته می‌شود، گرچه اصطلاحات «خلیج عربستان» و «خلیج عربی» نیز در برخی از کشورهای خاورمیانه رایج است.

در نسخه آمریکایی گوگل مپس، این پهنه آبی به صورت Persian Gulf (Arabian Gulf) ثبت شده، در حالی که نام این خلیج در اپل مپس فقط «خلیج فارس» است.

نام «خلیج فارس» از قرن شانزدهم بطور گسترده رایج بوده، هرچند بسیاری از کشورهای عربی خاورمیانه از «خلیج عربی» استفاده می‌کردند.

آسوشیتدپرس گزارش داد که نیروهای نظامی آمریکا سال‌هاست که به صورت یکجانبه در بیانیه‌ها و نقشه‌های خود از عبارت «Arabian Gulf» استفاده می‌کنند.

برای ایرانیان، نام این خلیج بار معنایی عاطفی و هویتی دارد، چرا که با تاریخ کهن امپراتوری پارس گره خورده است.

آسوشیتدپرس چند بار در این گزارش تأکید کرده است که دولت جمهوری اسلامی بر سر استفاده از نام «خلیج فارس» اصرار دارد از جمله در سال ۲۰۱۷، در دوره اول ریاست جمهوری ترامپ، وقتی او از عبارت «خلیج عربی» استفاده کرد. حسن روحانی گفت ترامپ باید «جغرافیا بخواند».

به نوشته آسوشیتدپرس، ترامپ می‌تواند نام این خلیج را برای مقاصد رسمی ایالات متحده تغییر دهد، اما نمی‌تواند

جمهوری اسلامی در صورت برچیدن برنامه اتمی و لغو تحریم‌ها به تقویت نیابتی‌ها خواهد پرداخت



● نگرانی اینجاست که توافق صرفاً بر پرونده هسته‌ای و موشک‌های بالستیک متمرکز شود و امکانات رژیم ایران در منطقه را نادیده بگیرد؛ یعنی نقشی را که نیابتی‌های متحد جمهوری اسلامی در بسترهای محلی منطقه ایفا می‌کنند. در اینصورت، رژیم ایران طبق معمول پیش از شکار، پوست خرس را فروخته و از سلاح دیگری بجای برنامه هسته‌ای عنوان ابزار تهدید برای دستیابی به منافع استفاده خواهد کرد که غالباً مهم‌تر از سلاح اتمی هستند از جمله نفوذ منطقه‌ای و بقا و حفظ نظام.

سام منسی (الشرق الاوسط) - مذاکره‌کننده آمریکایی در تصمیم‌گیری استراتژیک دچار سردرگمی آشکاری است، به ویژه با کنار رفتن مایک والتز مشاور امنیت ملی و تصدی موقت وزیر امور خارجه، مارکو روبریو، که ابهام در مواضع واشنگتن، به ویژه در پرونده ایران، را بیشتر کرده است. برای کسی که مذاکرات جمهوری اسلامی و آمریکا را دنبال می‌کند، این مذاکرات که اکنون به زمان دیگری موکول شده، گویی در یک مسیر و اظهارات مقامات آمریکایی و ایرانی در مسیر دیگری سیر می‌کنند که شاید بخشی از تاکتیک‌های این مذاکره باشد.

دونالد ترامپ در دو مسیر به ظاهر مجزا فعالیت می‌کند؛ مسیر اول جلوگیری از دستیابی رژیم ایران به سلاح هسته‌ای و توقف برنامه موشک‌های بالستیک دوربرد، و مسیر دوم که توسط معاون فرستاده ریاست جمهوری در امور خاورمیانه، مورگان اورتگاس، هدایت می‌شود برای حل مشکل سلاح حزب‌الله است؛ مأموریتی که رقابتی با زمان برای حل آن پیش از پایان مذاکرات اتمی محسوب می‌شود. مسیر نخست، برای ایالات متحده و اسرائیل از اهمیت بیشتری برخوردار است، و تحقق آن با وجود شرایط موجود، غیرممکن نیست. از دیدگاه مقامات رژیم ایران، نظام آنها در وضعیت ضعیف‌تری قرار دارد؛ پس از نتایج «طوفان الاقصی»، جنگ‌های غزه و لبنان، و سقوط رژیم اسد در سوریه، توافق می‌تواند جمهوری اسلامی را از فشار تحریم‌های سخت رها کند، مسیر سرمایه‌گذاری‌های غربی را باز کرده و دارایی‌های بلوکه‌شده را آزاد کند و شکلی از عادی‌سازی، هرچند ضعیف، با آمریکا فراهم آورد. حکومت ایران تنها به راه حلی نیاز دارد که آبرویش را حفظ کند.

در آمریکا، ترامپ برای دستیابی به دستاوردی سریع در صد روز نخست ریاست جمهوری خود تحت فشار است، به ویژه پس از پیامدهای تعرفه‌های گمرکی که مجبور به تعلیق بیشتر آنها شد، و همچنین تنش در روابط با متحدان اروپایی، نزدیکی به مسکو و تمایلات توسعه‌طلبانه‌ای که با اصول سیاست آمریکا از سال ۱۹۴۵ سازگار است؛ اصولی که می‌توان آنها را در سه محور خلاصه کرد: اتحادهای بین‌المللی، بازدارندگی و مهار گسترش روسیه، و دموکراسی و بازارهای آزاد.

این در حالیست که نباید نگرانی از احتمال درگیری‌های داخلی در سوریه را نادیده گرفت، در شرایطی که بحران غزه همچنان ادامه دارد و حزب‌الله نیز اقدامات مشکوکی برای مقابله با خلع سلاح خود انجام می‌دهد. نگرانی اینجاست که توافق صرفاً بر پرونده هسته‌ای و موشک‌های بالستیک متمرکز شود و امکانات رژیم ایران در منطقه را نادیده بگیرد؛ یعنی نقشی را که نیابتی‌های متحد جمهوری اسلامی در بسترهای محلی منطقه ایفا می‌کنند. در اینصورت، رژیم

از دستیابی رژیم ایران به بمب هسته‌ای باشد، بلکه باید شامل توقف حمایت از گروه‌های شبه‌نظامی غیردولتی و نیابتی‌ها نیز بشود.

اغلب کشورهای منطقه امید دارند که در مذاکرات فعلی به این موضوع توجه لازم شود. این لحظه‌ای مناسب است برای اینکه دولت ترامپ بیشترین فشار را وارد کند تا رژیم ایران را وادار به کنار گذاشتن برنامه هسته‌ای و حمایت از نیابتی‌هایش در منطقه کند. اگر حکومت ایران واقعاً به دنبال ادغام کامل در نظام مالی جهانی است، باید آماده باشد که هم از غنی‌سازی و هم از فعالیت‌های بی‌ثبات‌کننده در منطقه دست بردارد. آنچه واقعاً برای جمهوری اسلامی تأسفیر است، حمایت آمریکا از مواضع اسرائیل است اگر چه تل‌آویو از توافقی که مانع دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای شود، خرسند است، اما به احتمال زیاد اجازه نخواهد داد که از غزه تا سوریه و لبنان، تحت سلطه سازمان‌های غیردولتی و نیابتی و وابسته به رژیم ایران باقی بماند.

مورگان اورتگاس، مانند دولت رسمی لبنان، می‌داند تا وقتی که سلاح حزب‌الله در جنوب و شمال لیبانی در اختیار این گروه باقی بماند، اسرائیل تماشایی نخواهد ماند؛ از این رو اگر تلاش‌های او با مذاکرات مسقط هماهنگ است، باید فشار بیشتری بر دولت لبنان وارد کند تا با اتخاذ مواضع سیاسی، مشروعیت سیاسی حزب‌الله را تأیید اما سلاح و عملیات «مقاومت» آن را غیرقانونی اعلام کند. این موضع می‌تواند پویایی سیاسی آمریکا را پس از پایان مذاکرات با جمهوری اسلامی حفظ کرده، اعراب را به کمک ترغیب کند و لبنان را از حمله احتمالی اسرائیل که برخی آن را فقط به تأخیرافتاده می‌دانند، اما سایه‌اش با همباران‌ها و ترورهای روزانه بر این کشور سنگینی می‌کند، محافظت نماید.

*منبع: الشرق الاوسط

*نویسنده: سام منسی نویسنده لبنانی

*ترجمه و تنظیم از کیهان لندن

ایران طبق معمول پیش از شکار، پوست خرس را فروخته و از سلاح دیگری بجای برنامه هسته‌ای عنوان ابزار تهدید برای دستیابی به منافع استفاده خواهد کرد که غالباً مهم‌تر از سلاح اتمی هستند از جمله نفوذ منطقه‌ای و بقا و حفظ نظام. صرف‌نظر از هرگونه تعهد رژیم ایران در داخل یا خارج از توافق برای تغییر رفتار و عدم دخالت در امور داخلی کشورهای منطقه، این تعهدات مانع از ارسال پول‌های آزادشده به متحدان منطقه‌ای نخواهد شد.

این ما را به مأموریت اورتگاس بازمی‌گرداند؛ مأموریتی که با کمپین برنامه‌ریزی‌شده حزب‌الله روبروست که بر پایه امتناع از بحث درباره خلع سلاح تا زمان آزادسازی کامل خاک لبنان، و درخواست رسمی لبنان برای تأخیر در تحویل سلاح و تعهد نداشتن به جدول زمانی استوار است.

دو طرف به دلایل متفاوتی منتظر نتایج مذاکرات جمهوری اسلامی و آمریکا هستند. دولت لبنان منتظر توافقی است که به نقش متحدان رژیم ایران پایان دهد، و در صورت شکست آن، به گزینه نظامی متوسل خواهد شد که پیامدهای آن روشن است. حزب‌الله نیز برای اطمینان از ادامه حمایت مالی رژیم ایران در صورت موفقیت مذاکرات، تحویل سلاح را به تعویق می‌اندازد تا بتواند نفوذ داخلی خود را در مناطق تحت نفوذ و عرصه سیاسی لبنان تقویت و به‌روز کند.

امید می‌رود که دستورکار آمریکا در منطقه، از جمله لبنان، شامل متحدان رژیم ایران نیز باشد و با روند مذاکرات هماهنگ باشد، زیرا بازگشت جریان کمک‌های مالی جمهوری اسلامی خطرناک‌تر از سلاح هسته‌ای است و نقش سیاسی، مذهبی و فرهنگی حزب‌الله را در مناطق تحت نفوذ آن و در کل لبنان تقویت خواهد کرد.

آنچه در ارتباط با حزب‌الله در لبنان صادق است، به درجات مختلف بسته به شرایط هر کشور، برای دیگر متحدان نیابتی رژیم ایران در منطقه نیز صدق می‌کند.

معیار موفقیت یا شکست مذاکرات نباید تنها جلوگیری

ادعای «نیویورک تایمز» درباره نقش جمهوری اسلامی در آتش‌بس بین حوثی‌ها و آمریکا؛ وزارت خارجه آمریکا تکذیب کرد



تصویر عبدالملک حوثی رهبر انصارالله در دست شورشیان یمنی

یمن» معرفی می‌کنند!
اینکه حوثی‌ها به توافق پایبند مانند یا نه مورد تردید است زیرا ضیف‌الله الشامی از رهبران این گروه شبه‌نظامی به شبکه «العالم» گفت: «اگر آمریکایی‌ها از هدف قرار دادن ما دست بردارند، ما هم از هدف قرار دادن کشتی‌های آمریکایی دست می‌کشیم اما موضع ما در نبرد ما با دشمن صهیونیستی برای حمایت از غزه و حمله به کشتی‌های اسرائیلی صریح و واضح است.»

در اظهار نظری دیگر مهدی المشاط مقام ارشد دیگر حوثی‌ها تأکید کرد که این گروه قصد دارد به بمباران فرودگاه یمن توسط اسرائیل پاسخ دهد. او تهدید کرد، «پاسخ ما مانند زلزله، دردناک و فراتر از تحمل دشمنان آمریکایی و اسرائیلی خواهد بود.»

پس از عملیات تروریستی «هفت اکتبر» ارتش اسرائیل عملیات گسترده‌ای را علیه گروه تروریستی حماس در غزه تدارک دید که طی آن ده‌ها مقام ارشد حماس در غزه، لبنان و همچنین در ایران کشته شدند. همزمان با این عملیات علی خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی طی چند سخنرانی اقدام به تحریک شبه‌نظامیان منطقه کرد و از آنها خواست شریان‌های اقتصادی اسرائیل را مسدود کنند. پس از آن حوثی‌ها به حدود ۱۲۰ کشتی و نفتکش خارجی حمله کردند. منابع اطلاعاتی غربی اعلام کردند که سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و ارتش جمهوری اسلامی به حوثی‌ها کمک اطلاعاتی می‌کنند.

حالا ادعای «نیویورک تایمز» و «سی‌ان‌ان» درباره نقش جمهوری اسلامی در آتش‌بس بین حوثی‌ها و آمریکا در حالی مطرح می‌شود که مقامات حکومت ایران بارها مدعی شدند این گروه مستقل عمل می‌کند. ضمن اینکه مقامات و رسانه‌های رژیم ایران طی دو سال گذشته پس از «هفتم اکتبر» هر اجبار به عقب‌نشینی و یا شکست از سوی نیابتی‌ها و خودشان را به عنوان سیاستی که ابتکار عمل‌اش در دست آنهاست قلمداد می‌کنند!

استیو ویتکاف فرستاده ویژه دونالد ترامپ در طول هفته گذشته با عمانی‌ها برای میانجیگری آتش‌بس بین آمریکا و حوثی‌های یمن همکاری کرده است. این منابع همچنین گفته‌اند که این آتش‌بس به معنای کمک به شتاب گرفتن مذاکرات رژیم ایران و آمریکا درباره برنامه هسته‌ای تهران صورت گرفته است.

حملات اسرائیل علیه حوثی‌ها

پس از موشک‌پرانی حوثی‌ها به تل‌آویو، نیروی هوایی اسرائیل در دو مرحله زیرساخت‌های حیاتی آنان از جمله فرودگاه صنعا و چند نیروگاه برق و انبار مهمات آنها در بندر الحدیده را بمباران کرد.

پس از آن بود که دونالد ترامپ رئیس جمهوری آمریکا اعلام کرد، «حوثی‌ها تسلیم شده‌اند؛ می‌گویند دیگر کشتی‌ها را هدف قرار نخواهند داد» و «ما به این تصمیم احترام می‌گذاریم، بمباران‌ها را متوقف خواهیم کرد.»

حملات اسرائیل به تأسیسات انصارالله در حالی صورت گرفت که آمریکا از حدود دو ماه پیش عملیات وسیعی را علیه حوثی‌ها آغاز کرده بود اما آنها همچنان به سوی اسرائیل و همچنین کشتی‌های تجاری موشک‌پرانی می‌کردند. اگرچه در مقایسه با قبل میزان این حملات کاهش یافته بود. در این میان، می بروس سخنگوی وزارت خارجه آمریکا روز چهارشنبه در نشست خبری خود هرگونه ارتباط میان آتش‌بس واشنگتن با ارتش یمن و گفتگوهای دیپلماتیک در این زمینه با رژیم ایران را رد و تأکید کرد که «این اتفاقات تنها به صورت همزمان رخ می‌دهند.»

از سوی دیگر حوثی‌های یمن اعلام کردند توافق آتش‌بس میان این گروه و آمریکا تنها شامل توقف حملات به کشتی‌های آمریکایی است و شامل اسرائیل نمی‌شود.

همزمان مقامات و حامیان حوثی‌ها و همچنین رسانه‌های حکومتی در ایران، توافق حوثی‌ها با آمریکا را به عنوان پیروزی بزرگی برای «مقاومت» و «شکست ترامپ مقابل

● برخی منابع خبری از جمله «نیویورک تایمز» و «سی‌ان‌ان» مدعی شده‌اند جمهوری اسلامی با تکیه بر شبه‌نظامیان حوثی یمن توانست با آمریکا درباره حملات دریای سرخ به توافق آتش‌بس برسد؛ اقدامی که با هدف پیشبرد مذاکرات برای دستیابی به توافقی درباره برنامه هسته‌ای تهران صورت گرفته است.

● در این گزارش‌ها به نقل از ادعای دو مقام ایرانی آمده که جمهوری اسلامی از نفوذ خود در میان حوثی‌ها (انصارالله یمن) به عنوان بخشی از تلاش‌های عمان برای برقراری توافق آتش‌بس استفاده کرده است.

● می بروس سخنگوی وزارت خارجه آمریکا روز چهارشنبه در نشست خبری خود هرگونه ارتباط میان آتش‌بس واشنگتن با حوثی‌ها و گفتگوهای دیپلماتیک در این زمینه با رژیم ایران را رد و تأکید کرد که «این اتفاقات تنها به صورت همزمان رخ می‌دهند.»

● مقامات و حامیان حوثی‌ها و همچنین رسانه‌های حکومتی در ایران اما توافق حوثی‌ها با آمریکا را به عنوان پیروزی بزرگی برای «مقاومت» و «شکست ترامپ مقابل یمن» معرفی می‌کنند!

برخی منابع آمریکایی ادعا کردند که جمهوری اسلامی به عنوان بخشی از میانجیگری عمان برای آتش‌بس میان آمریکا و حوثی‌ها نقش داشته است.

روزنامه «نیویورک تایمز» ششم ماه مه (۱۶ اردیبهشت‌ماه) مدعی شد جمهوری اسلامی با تکیه بر شبه‌نظامیان حوثی یمن توانست با آمریکا درباره حملات دریای سرخ به توافق آتش‌بس برسد؛ اقدامی که با هدف پیشبرد مذاکرات برای دستیابی به توافقی درباره برنامه هسته‌ای تهران صورت گرفته است. در این گزارش به نقل از دو مقام ایرانی ادعا شده که جمهوری اسلامی از نفوذ خود در میان حوثی‌ها (انصارالله یمن) به عنوان بخشی از تلاش‌های عمان برای برقراری توافق آتش‌بس استفاده کرده است.

همچنین «سی‌ان‌ان» به نقل از منابع آگاه اعلام کرد که

موشک پرانی مرگبار هند و پاکستان؛ جمهوری اسلامی ناتوان در میانجیگری بین دهلی نو و اسلام آباد

● هند و پاکستان، دو کشور دارای پمپ اتم، پس از هفته‌ها تنش مرزی بامداد چهارشنبه ۱۷ اردیبهشت ۱۴۰۴ به سمت هم چندین موشک پرتاب کردند.

● در این رویداد ابتدا هندوستان ۹ موشک به منطقه کشمیر تحت کنترل پاکستان و ایالت پنجاب پرتاب کرد. مقامات هندی ادعا کردند که اهداف این حمله «زیرساخت‌های تروریستی» بوده‌اند.

● در واکنش به این اقدام، نخست‌وزیر پاکستان، شهباز شریف، این حملات را «بزدلانه» خواند و وعده داد کشورش «با تمام قدرت» به آن پاسخ خواهد داد. ساعاتی بعد پاکستان نیز چندین موشک به سمت هندوستان پرتاب کرد.

● پیشتر عباس عراقچی وزیر خارجه جمهوری اسلامی برای میانجیگری بین طرفین به اسلام‌آباد و دهلی‌نو سفر کرده بود. اما جدال نظامی سنگین آنها نشان می‌دهد که حکومت ایران در عرصه بین‌المللی نیز تا چه اندازه بی‌اعتبار است.

هند و پاکستان، دو کشور دارای پمپ اتم، پس از هفته‌ها تنش مرزی بامداد چهارشنبه ۱۷ اردیبهشت ۱۴۰۴ به سمت هم چندین موشک پرتاب کردند.

در این رویداد ابتدا هندوستان ۹ موشک به منطقه کشمیر تحت کنترل پاکستان و ایالت پنجاب پرتاب کرد. مقامات هندی ادعا کردند که اهداف این حمله «زیرساخت‌های تروریستی» بوده‌اند.

در واکنش به این اقدام، نخست‌وزیر پاکستان، شهباز شریف، این حملات را «بزدلانه» خواند و وعده داد کشورش «با تمام قدرت» به آن پاسخ خواهد داد. ساعاتی بعد پاکستان نیز چندین موشک به سمت هندوستان پرتاب کرد. مقامات پاکستانی اعلام کردند در حمله موشکی هند دست‌کم ۲۶ نفر کشته و ده‌ها نفر زخمی شدند. منابع هندی نیز اعلام کردند در این حمله تعدادی کشته و زخمی شدند. ارتش پاکستان می‌گوید که پنج هواپیمای هندی و یک پهپاد را سرنگون کرده است.

پیشتر عباس عراقچی وزیر خارجه جمهوری اسلامی برای میانجیگری بین طرفین به اسلام‌آباد و دهلی‌نو سفر کرده بود؛ اما جدال سنگین نظامی آنها نشان می‌دهد که حکومت ایران در عرصه بین‌المللی نیز تا چه اندازه بی‌اعتبار است.

سازمان ملل، آمریکا و چین نسبت به دور جدیدی از درگیری‌ها میان هند و پاکستان ابراز نگرانی کرده‌اند. آنتونیو گوتش دبیرکل سازمان ملل هشدار داده که جهان تاب رویارویی نظامی میان دو قدرت هسته‌ای را ندارد.

ایالات متحده نیز با تأکید بر ضرورت گفتگو، از دو کشور خواسته کانال‌های ارتباطی را باز نگه دارند. چین نیز خواهان خویشتنداری شده و با یادآوری مرزهای مشترک خود

رسیدن به اسرائیل از خاک ایران کافی نیست اما می‌تواند تمام پایگاه‌های آمریکا در خلیج فارس را هدف قرار دهد، درواقع روغمایی این موشک تلاشی است برای عبور از سامانه‌های پدافندی آمریکا و متحدانش که عملکرد موفقی در برابر موشک‌های ایرانی داشته‌اند.»
بر اساس اعلام جمهوری اسلامی، بُرد این موشک ۱۲۰۰



نمایش موشک «حاج قاسم» در رژه نیروهای مسلح جمهوری اسلامی

کیلومتر است که اگر از سایت‌های موشکی غرب ایران از جمله در کرمانشاه پرتاب شود به اسرائیل خواهد رسید. آندریاس کریگ استاد ارشد در کالج کینگز لندن نسبت به ادعاهای رژیم ایران درباره توانمندی‌های دفاعی‌اش ابراز تردید می‌کند و می‌گوید: «این قبیل اعلام‌ها را باید با دیده تردید نگاه کرد، [رژیم] ایران زیاد بلوف می‌زند.»

او توضیح داد، این اقدامات بخشی از استراتژی بازدارندگی جمهوری اسلامی هستند، در این پیام که «هرگونه حمله به آن با پاسخی شدیدتر مواجه خواهد شد؛ پاسخی که اسرائیل تا حال مشابه‌اش را ندیده است.»

در میانه تنش‌های منطقه‌ای، گزارش‌ها حاکی از آن است که جمهوری اسلامی در حال تقویت توان دفاعی خود است. در فوریه امسال، تهران نخستین ناو هواپیمابر بدون سرنشین بومی خود به نام «شهید باقری» را روغمایی کرد. همچنین در ژانویه (اواخر اسفند ۱۴۰۳)، مقامات رژیم ایران تأیید کردند که خرید جنگنده‌های روسی سوخو-۳۵ را نهایی کرده‌اند.

حالا موشک «قاسم بصیر» کمتر از یک هفته پس از آن روغمایی شده که آمریکا یک شبکه بزرگ تأمین مالی برنامه‌های موشکی و پهپادی رژیم ایران را که شامل چند شرکت مستقر در ایران، امارات و ترکیه بود تحریم کرد. برخی تحلیلگران معتقدند روغمایی از این موشک و همچنین حملات موشکی حوثی‌ها به اسرائیل از نشانه‌های به بن‌بست رسیدن مذاکرات جمهوری اسلامی و آمریکا است.

در ایران بخش بزرگی از عوامل حکومت و هواداران نظام بر این باورند که اگر توان موشک و هسته‌ای نباشد، سرنوشت جمهوری اسلامی مثل صدام حسین در عراق و معمر قذافی در لیبی می‌شود که هم رژیم‌هایشان سقوط کرد و هم خودشان به سرنوشتی فجیع دچار شدند. اما کسانی هم هستند که با دلسوزی برای حفظ نظام به حکومت هشدار می‌دهند که ادامه این مسیر به جنگ ختم خواهد شد.

پیام روغمایی از موشک بالستیک «قاسم بصیر» در میانه مذاکره با آمریکا چیست؟

● پس از به تعویق افتادن مجدد چهارمین دور گفتگوها میان جمهوری اسلامی و آمریکا، نیروهای مسلح جمهوری اسلامی از یک موشک بالستیک ارتقاء یافته روغمایی کرده‌اند که بنا بر ادعای مقامات، بُرد آن به ۱۲۰۰ کیلومتر افزایش یافته است. برخی رسانه‌های حکومتی حتا آن را «کابوس اسرائیل» خوانده‌اند.

● بهنام بن‌طالب‌لو تحلیلگر ارشد اندیشکده «بنیاد دفاع از دموکراسی‌ها»: «برد این موشک برای رسیدن به اسرائیل از خاک ایران کافی نیست اما می‌تواند تمام پایگاه‌های آمریکا در خلیج فارس را هدف قرار دهد.»

پس از به تعویق افتادن مجدد چهارمین دور گفتگوها میان جمهوری اسلامی و آمریکا، نیروهای مسلح جمهوری اسلامی از یک موشک بالستیک ارتقاء یافته روغمایی کرده‌اند که بنا بر ادعای مقامات، بُرد آن به ۱۲۰۰ کیلومتر افزایش یافته است.

خبرگزاری «تسنیم» وابسته به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ۱۵ اردیبهشت‌ماه با انتشار ویدیویی از تست این موشک، گزارش داد «قاسم بصیر» نمونه ارتقاء یافته از موشک «حاج قاسم» است، از سوخت جامد استفاده می‌کند و دارای کلاهک اصلاح‌شده‌ای است که قابلیت مانور برای عبور از سامانه‌های پدافند هوایی را دارد.

همچنین این موشک به سامانه ناوبری پیشرفته‌ای مجهز است که امکان هدف‌گیری دقیق و مقابله با جنگ الکترونیک را فراهم می‌کند و با سامانه راداری «تاد» قابل شناسایی نیست. برخی رسانه‌های حکومتی حتا آن را «کابوس اسرائیل» خوانده‌اند.

جزئیات بیشتری درباره این موشک بالستیک ارائه نشده، اما روغمایی از آن در همان روزی صورت گرفت که بنیامین نتانیاهو نخست‌وزیر اسرائیل، حکومت ایران و شبه‌نظامیان حوثی را به دلیل حمله موشکی به فرودگاه بن‌گوریون تل‌آویو تهدید به تلافی کرد. نتانیاهو گفت که حوثی‌ها «با دستور و حمایت اربابشان [رژیم] ایران» دست به این اقدام زده‌اند و هشدار داد که «برای ارسال پیامی روشن به [رژیم] ایران مبنی بر اینکه چنین اقدامات غیرقابل تحمل‌اند، هر کاری که لازم باشد انجام خواهیم داد.»

بهنام بن‌طالب‌لو تحلیلگر ارشد اندیشکده «بنیاد دفاع از دموکراسی‌ها» (FDD)، می‌گوید که زرادخانه موشکی ایران، به ویژه سیستم‌های سوخت جامد با برد کوتاه تا متوسط، در حال ارتقاء برای افزایش قدرت تخریب، پایداری و آمادگی رزمی هستند.

او در مصاحبه با وبسایت «برکنینگ دیفنس» با اشاره به مانورپذیری این موشک جدید گفت: «برد این موشک برای

شبکه اقدام علیه مخالفان جمهوری اسلامی از جمله فعالان سیاسی مخالف رژیم و روزنامه‌نگاران بوده است. دومینیک مورفی رئیس بخش ضدتروریسم پلیس متروپولیتن لندن با ارائه جزئیاتی جدید گفت که یکی از این بازداشت‌ها مربوط به «توطئه‌ای برای حمله به یک مکان خاص» و دیگری مربوط به «تهدیدی علیه امنیت ملی» بوده است.



نیروی پلیس بریتانیا / عکس: رویترز

شاهزاده رضا پهلوی پس از اعلام این خبر طی پیامی در رسانه‌های اجتماعی از جمله نوشت: «دستگیری مأموران جمهوری اسلامی در بریتانیا، در آستانه‌ی یک حمله تروریستی دیگر، تأکیدی بر ضرورت اعلام سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به عنوان یک سازمان تروریستی است.»

واکنش عباس عراقچی

عباس عراقچی وزیر خارجه جمهوری اسلامی روز چهارشنبه ۱۷ اردیبهشت‌ماه در «ایکس» نوشت: «دستگیری تعدادی شهروند ایرانی توسط سرویس‌های امنیتی بریتانیا باعث نگرانی بسیار است.» او عنوان کرد، «اگر به صورت معتبر تخلف آنها اثبات شود، ایران آماده است تا به روند تحقیقات کمک کند.»

روزنامه «تلگراف» می‌نویسد، «اگر استفاده از شهروندان ایرانی در یک توطئه تروریستی خارج از کشور تأیید شود، این موضوع می‌تواند نشانه‌ای از تغییر در رویکرد تهران باشد، چرا که معمولاً رژیم ترجیح می‌دهد از عوامل جنایتکار نیابتی برای اجرای اهداف خود استفاده کند.» کارآگاهان متخصص ضد تروریسم، تمام آخر هفته را صرف بازجویی از مظنونان و بررسی کامپیوترها و سایر تجهیزات الکترونیک ضبط‌شده از آنها کردند.

همچنین گزارش شده که اعضای نیروهای ویژه بریتانیا به افسران ضد تروریسم در عملیات بازداشت این متهمان کمک کرده‌اند. منبعی در وزارت دفاع بریتانیا نیز تأیید کرده که این عملیات یک تلاش مشترک بین نهادهای مسئول بوده که ارتش نیز از آن پشتیبانی کرده است.

دولت انگلستان اعلام کرده که از سال ۲۰۲۲ دست‌کم ۲۰ مورد توطئه تروریستی از سوی رژیم ایران را به‌موقع شناسایی و خنثی کرده است. این شبکه‌ها عمدتاً با سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در ارتباط هستند اما دولت بریتانیا تا کنون از قرار دادن سپاه در فهرست سازمان‌های تروریستی خودداری می‌کند.

بازداشت هفت ایرانی در انگلیس به اتهام جرائم تروریستی؛ «متهمان با عوامل جمهوری اسلامی ارتباط نزدیک دارند»

● نیروهای امنیتی انگلیس طی دو عملیات جداگانه دست‌کم هفت ایرانی را به اتهام مشارکت و سازماندهی عملیات تروریستی بازداشت کرده‌اند. وزیر امنیت بریتانیا اعلام کرد که علی موسوی سفیر جمهوری اسلامی در لندن در همین ارتباط احضار می‌شود.

● روزنامه بریتانیایی «تلگراف» گزارش داد که یکی از دستگیرشدگان با یکی از عوامل ثروتمند وابسته به حکومت ایران ارتباط بسیار خوب و نزدیک دارد.

● پلیس انگلستان تحقیقات درباره دستگیرشدگان را مهم و پیچیده دانسته و اعلام کرده است که پرونده آنها و تلاش برای شناسایی سایر اعضای این شبکه در نقاط مختلف کشور ادامه دارد.

نیروهای امنیتی انگلیس طی دو عملیات جداگانه دست‌کم هفت ایرانی را به اتهام مشارکت و سازماندهی عملیات تروریستی بازداشت کردند. وزیر امنیت بریتانیا اعلام کرد که علی موسوی سفیر جمهوری اسلامی در لندن در همین ارتباط احضار می‌شود.

از سوی دیگر دن جارویس معاون امنیتی وزیر کشور بریتانیا در صحن پارلمان اعلام کرد: «کل حکومت ایران از جمله سپاه پاسداران و وزارت اطلاعات در صدر طرح ثبت نفوذ خارجی قرار می‌گیرند.» او تأکید کرد: «ساز و کار قانونی آن را فراهم کرده‌ام و اول ماه ژوئیه آن را به پارلمان ارائه خواهم داد.»

بنا به گزارش رسانه‌های انگلیس، نهادهای امنیتی بریتانیا با کار اطلاعاتی پیچیده یک شبکه تروریستی را شناسایی و در عملیاتی که سابقه برای بازداشت متهمان دست به کار شدند. در همین ارتباط روزنامه بریتانیایی «تلگراف» گزارش داد که یکی از دستگیرشدگان با یکی از عوامل ثروتمند وابسته به حکومت ایران ارتباط بسیار خوب و نزدیک دارد.

پلیس انگلستان تحقیقات درباره دستگیرشدگان را مهم و پیچیده دانسته و اعلام کرده است که پرونده آنها و تلاش برای شناسایی سایر اعضای این شبکه در نقاط مختلف کشور ادامه دارد. یوت کوپر وزیر کشور بریتانیا ضمن قدردانی از پلیس متروپولیتن اعلام کرد که این مظنونان در ارتباط با یکی از «بزرگترین عملیات ضدتروریستی در بریتانیا طی سال‌های اخیر» بازداشت شده‌اند. او افزود: «این دو عملیات بزرگ پلیس بریتانیا، بازتاب برخی از بزرگترین عملیات‌ها برای مقابله با تهدیدات ضد دولتی و مقابله با تروریسم هستند که در سال‌های اخیر شاهد آن بوده‌ایم.»

برخی منابع گزارش دادند هدف اصلی این گروه تدارک برای اقدام تروریستی علیه یهودیان و مراکز مرتبط با آنها در بریتانیا بود. برخی دیگر نیز گزارش دادند که هدف این

با هر دو کشور، تأکید کرده که صلح و ثبات باید در اولویت باشد. سایر کشورهای منطقه از جمله قطر نیز از هند و پاکستان خواسته‌اند بحران را از طریق دیپلماتیک حل کنند.

طبق آخرین گزارش‌ها، چند شرکت هواپیمایی از جمله ایرفرانس پروازهای خود را بر فراز پاکستان به حالت تعلیق درآورده‌اند.



اصابت موشک‌های هند به مناطق مسکونی کشمیر تحت کنترل پاکستان

درگیری‌های خونین کشمیر

درگیری اخیر بین هند و پاکستان از حمله تروریستی در منطقه پاملگام در کشمیر هند در ۲۲ آوریل ۲۰۲۵ (دوم اردیبهشت ۱۴۰۴) آغاز شد. در این حمله، ۲۶ نفر عمدتاً گردشگران هندو، کشته شدند. گروه «جبهه مقاومت» (The Resistance Front)، که شاخه‌ای از گروه پاکستانی «لشکر طیب» محسوب می‌شود، مسئولیت این حمله را بر عهده گرفت. هند این گروه را به عنوان نماینده‌ای از سازمان‌های تحت حمایت اطلاعات نظامی پاکستان معرفی کرد.

در پاسخ به این حمله، هند عملیات نظامی به نام «عملیات سیندور» را آغاز کرد و در تاریخ ۶ مه ۲۰۲۵، که هدف مرتبط با تروریسم را در خاک پاکستان و کشمیر تحت کنترل پاکستان مورد حمله هوایی قرار داد. این اهداف شامل پایگاه‌های گروه‌های اسلامی «لشکر طیب» و «جیش محمد» در مناطقی مانند مریدک و بهاولپور بودند. پاکستان این حملات را به عنوان «اقدام جنگی» تلقی کرد و در پاسخ اعلام کرد که پنج جنگنده هندی را سرنگون کرده و حملات متقابلی را انجام داده است. این تبادل آتش باعث کشته شدن دست‌کم ۲۶ غیرنظامی در پاکستان و ۷ نفر در هند شد.

در پی این تنش‌ها، هر دو کشور تصمیمات دیپلماتیک و اقتصادی شدیدی اتخاذ کردند. هند معاهده آب‌های سند را به حالت تعلیق درآورد، ویزاهای پاکستانی را لغو کرد و دیپلمات‌های پاکستانی را اخراج نمود. در مقابل، پاکستان توافق‌نامه شیما را به حالت تعلیق درآورد، حریم هوایی خود را به روی هواپیماهای هندی بست و دیپلمات‌های هندی را اخراج کرد.

این بحران، شدیدترین تنش بین دو کشور از سال ۲۰۱۹ تا کنون محسوب می‌شود و نگرانی‌های بین‌المللی درباره احتمال وقوع جنگی گسترده‌تر را افزایش داده است. سازمان ملل، ایالات متحده، چین و روسیه خواستار خویشتنداری و کاهش تنش‌ها شده‌اند.

گزارش ویژه؛ کارگران چگونه قربانیان خاموش بحران کمبود برق می‌شوند؟



که حتی در صورت موفقیت در افزایش تولید، باز هم کمبود دست‌کم ۲۵ هزار مگاواتی جبران نخواهد شد. جمهوری اسلامی نه پول برای واردات ۲۰ هزار کسری باقیمانده دارد و نه کشورهای صادرکننده برق به دلیل بدحسابی‌های گذشته حکومت، حاضر به فروش برق به ایران هستند. در نبود راهکاری برای تولید یا واردات ۲۰ هزارمگاوات برق، دولت اقدام به قطع بیشتر برق بخش خانگی و صنعتی می‌کند.

از یکسو کارشناسان معتقدند در روزهای گرم تابستان ممکن است کشور با خاموشی سراسری (black-out) روبرو شود و از سوی دیگر هشدار می‌دهند که قطع برق شهروندان برای حکومتی که سال‌هاست پایگاه اجتماعی ندارد، می‌تواند از جمله به اعتراضات سراسری بیانجامد.

همین تحلیل البته مورد نظر مقامات و نهادهای امنیتی حکومت نیز هست و به همین دلیل در دوراهی میان قطع برق بخش صنعت و خانگی، صنعت را انتخاب می‌کنند تا بطور مستقیم با مردم روبرو نشوند!

بخش صنعت اما با دشواری توانسته در شرایط تحریم، بن‌بست تجارت خارجی، نبود منابع مالی، و رکود تورمی شدید خود را سر پا نگه دارد و قطع برق می‌تواند در حکم ضربه نهایی به بسیاری از واحدهای تولیدی و صنعتی باشد؛ به ویژه آنکه دولت حتی در قطع برق بخش صنعت نیز تبعیض‌آمیز رفتار کرده و صنایع خرد را با وجود آسیب‌پذیری بیشتر در اولویت محدودیت‌ها قرار می‌دهد!

مدیران واحدهای تولیدی و صنعتی نیز که با خاموشی خطوط تولید به مرز ورشکستگی نزدیک می‌شوند، در یکی از نخستین اقدامات کاهش هزینه‌ها با «کاهش هزینه دستمزد نیروی کار» را برای حفظ حیات خود انتخاب می‌کنند؛ انتخابی که نه از سر بی‌رحمی که از سر ناچاری و استیصال است اما کارگران را قربانی می‌کند!

طی دو سال گذشته نیز گزارش‌های زیادی از اخراج نیروی کار در واحدهای مختلف تولیدی و صنعتی به علت قطع برق منتشر شده بود اما امسال با توجه به جیره‌بندی زودهنگام برق بلافاصله پس از تعطیلات نوروز، سالی

علیه امنیت شغلی و معیشت کارگران شاغل در واحدهای تولیدی و صنعتی تبدیل شده و موجی گسترده از اخراج کارگران را رقم زده است.

کمبود برق در ایران به شرایط فوق بحرانی نزدیک شده و برخی کارشناسان وقوع خاموشی سراسری (black-out) را بسیار محتمل می‌دانند. صنعت برق ایران اگرچه هنوز در شرایط ورشکستگی کامل قرار ندارد اما بحران چنان بر بخش‌های مختلف این صنعت سایه انداخته که در عمل آن را فلج کرده است.

مسیر توسعه صنعتی ایران با انقلاب ۵۷ به بیراهه کشیده شد و حکومت طی چهار دهه گذشته با عدم سرمایه‌گذاری هدفمند و مؤثر نه تنها نتوانسته از منابع و ظرفیت‌های کشور از جمله منابع سرشار فسیلی به عنوان بازوهای پیش‌برنده اقتصاد بهره برد بلکه با هدر دادن درآمدهای ارزی ناشی از فروش نفت و گاز در چرخه فاسد و مافیایی خود، صنایع کشور را یکی پس از دیگری به زوال کشیده است. از صنعت لوازم خانگی و اتومبیل‌سازی تا صنایع مادر مانند برق!

آثار کمبود برق که مقامات جمهوری اسلامی به عمد از واژه نادرست و انحرافی «ناآرایی» درباره آن استفاده می‌کنند، به علت عقب‌ماندگی صنعت برق از برنامه‌های توسعه، کسری عمیق تولید، و هدر رفتن برق در زنجیره توزیع، سال‌هاست نمایان شده است.

دست‌کم چهار سال است که کمبود برق در فصل گرم سال و در روزهای اوج مصرف در بخش خانگی، سبب جیره‌بندی برق در بخش صنعت و سپس بخش خانگی شده است. امسال اما حدود یک سوم از رقم مورد نیاز مصرف داخل تولید نمی‌شود و در نتیجه از فروردین‌ماه جیره‌بندی رسمی و غیررسمی برق آغاز شده است.

ساعات قطع برق در بخش صنعت به ۱۲ ساعت، و در بخش خانگی نیز از یک ساعت به چهار ساعت در برخی مناطق افزایش یافته است.

دولت در تلاش است با افزایش تولید در بخش نیروگاه‌های حرارتی حدود ۵ تا ۶ هزار مگاوات برق بیشتری تولید کند

● کمبود برق در ایران به شرایط فوق بحرانی نزدیک شده و برخی کارشناسان وقوع خاموشی سراسری (black-out) را بسیار محتمل می‌دانند.

● جیره‌بندی گسترده برق در بخش صنعت به علت تشدید بحران کمبود برق به تهدید جدی علیه امنیت شغلی و معیشت کارگران شاغل در واحدهای تولیدی و صنعتی تبدیل شده و موجی گسترده از اخراج کارگران را رقم زده است.

● یک کارگر شاغل در شهرک صنعتی «جی» به کیهان لندن می‌گوید: قطع برق در شهرک جی بعد عید از نوروز شروع شده و هر روز هم چند ساعت برق نداریم. کارفرمای ما و بقیه کارفرماها قراردادهای کارگران را در سال جدید تمدید نمی‌کنند یا قرارداد ۹۰ روزه می‌بندند که اگر وضع قطع برق بیشتر شد کارگران را تعدیل کنند.

● یک کارگر دیگر به کیهان لندن می‌گوید: قبل‌تر هم شرایط ما آنچنان گل و بلبل نبود. مشکل تعدیل یا اخراج نیروی کار سال‌هاست بخشی از روزمرگی‌های کارگران در ایران شده است. از آنطرف هم حقوق‌هایی که کفاف مخارج را نمی‌دهد و تازه همین حقوق‌ها هم چند ماه یکبار پرداخت می‌شود.

● کارگر دیگری به کیهان لندن گفته: «کارفرمای ما شش ماه دنبال یک وام دویید که بتواند حداقل وام بگیرد و کارگاه سر پا بماند اما وام ندادند. دست آخر هم وقتی دید امسال وضعیت خراب‌تر از پارسال است، یک روز همه ما را جمع کرد و شرایط را به ما گفت و دسترنج بیست سال شب و روز دوییدن و تلاش‌اش را تعطیل کرد.»

● کارگری هم که در هراس اخراج به علت قطع برق محل کارش است، تعریف می‌کند که با خانواده برادرش یک خانه اشتراکی اجاره کرده‌اند ولی «با چند سر عائله در فقر و نداری می‌سوزند و می‌سازند و دیگر توان بیکار شدن یکی از دو نان‌آور را هم ندارند.»

روشنک آسترکی - جیره‌بندی گسترده برق در بخش صنعت به علت تشدید بحران کمبود برق به تهدید جدی

شرایط بحرانی که مدیر و مالک این کارگاه تراشکاری با آن روبرو شده تقریباً وضعیت عمومی همه واحدهای تولیدی و صنعتی کوچک است. بر اساس برآورد کمیسیون صنعت اتاق ایران، وضعیت به اندازه‌ای بغرنج است که صنعتگران هشدار داده‌اند با تداوم وضع موجود و در صورتی که فکری برای قطع برق صنایع نشود، بیم موج تعطیلی واحدهای تولیدی و افزایش بیکاری وجود دارد.

به گفته علیرضا عباسی نماینده کرج، فردیس و اشتهارد در مجلس شورای اسلامی، خسارت قطع برق به صنعت کشور حداقل هشت میلیارد دلار است.

علی محمودیان مدیر اتحادیه کشوری سوخت‌های جایگزین و خدمات وابسته، خسارت قطع شدن‌های چند سال اخیر برق به صنایع و واحدهای صنفی تا کنون را ۱۱ میلیارد دلار اعلام کرده است.

بر اساس گزارش کمیسیون صنعت اتاق ایران، بخش تولید فلزات پایه از قطع روزانه برق ۹۰۰ میلیارد تومان، بخش شیمی ۹۰۰ میلیارد تومان و بخش معادن غیرفلزی نیز روزانه ۶۶۰ میلیارد تومان خسارت می‌بینند. همچنین فعالیتهای مربوط به تعمیر و نصب ماشین‌آلات که کمترین میزان آسیب را از قطع روزانه برق می‌بیند، روزانه ۴۲ میلیارد تومان خسارت متحمل خواهند شد!

در این میان برخی واحدهای تولیدی کوچک‌تر ناچار به تعطیلی خطوط تولید شده‌اند و همه کارگران آنها شغل‌شان را از دست داده‌اند. یک کارگر شاغل در یک واحد تراشکاری صنعتی از جمله کارگرانی است که به همراه همه همکارانش از ابتدای اردیبهشت بیکار شده‌اند.

او توضیح می‌دهد که «مشکلات کارگاه ما از دو سال پیش بیشتر شده بود و کارفرما هم صادقانه ما ۱۶ نفری را که در این کارگاه کار می‌کردیم در جریان قرار می‌داد؛ سر آخر هم مجبور شد بعد از عید کرکهر کارگاه را پایین بکشد و ما هم بیکار شدیم.»

او می‌گوید «البته قطع برق تنها عامل تعطیلی نبود اما انگار دیگر کارفرما را به این نتیجه رساند که خط تولید نمی‌تواند کار کند. سفارش‌ها سال گذشته بطور عجیبی کاهش پیدا کرد چون بازار راکد بود و واحدهای تولیدی سفارش کارشان به ما کم شده بود. سفارش‌هایی هم که می‌آمد چک می‌دادند اما چک‌ها پاس نمی‌شد. بازار هم عرف خودش را دارد و کارفرما سعی می‌کرد مهلت بدهد تا چک را پاس کنند. شش ماه دنبال یک وام دوید که بتواند حداقل وام بگیرد تا کارگاه سر پا ماند اما وام ندادند. دست آخر هم وقتی دید امسال وضعیت خراب‌تر از پارسال است یک روز همه ما را جمع کرد و شرایط را به ما گفت و دسترنج بیست سال شب و روز دویدن و تلاش‌اش را تعطیل کرد.»

کارگران؛ قربانیان اصلی انفجار بندرعباس



بر اساس گزارش خبرگزاری‌های داخلی، ۹۰ درصد قربانیان انفجار مرکب‌ار ششم اردیبهشت در اسکله «رجایی» بندرعباس کارگران هستند.

© کیهان لندن / کارتون‌های بهنام محمدی

→ دلهره‌آور برای کارگران شاغل در واحدهای تولیدی و صنعتی آغاز شده است.

بر اساس اطلاعات کسب شده از سوی «کیهان لندن» بسیاری از کارفرمایان با توجه به شرایط قابل پیش‌بینی در کسری شدید انرژی، از ابتدای امسال اقداماتی را در رابطه با نیروی کار انجام داده تا زمینه اخراج بی‌هزینه نیروی کار را فراهم کنند.

در همین رابطه یک کارگر شاغل در یکی از واحدهای تولیدی در شهرک صنعتی «جی» استان اصفهان به «کیهان لندن» گفته «قطع برق در شهرک جی بعد از عید نوروز شروع شده و هر روز چند ساعت برق نداریم. کارفرمای ما بقیه کارفرماها قراردادهای کارگران را در سال جدید تمدید نمی‌کنند یا قرارداد ۹۰ روزه می‌بندند که اگر وضع قطع برق بیشتر شد کارگران را تعدیل کنند.»

منظور از تعدیل کارگران بیکار کردن آنها بدون ارائه حکم اخراج است؛ نوعی بلا تکلیفی که شبیه مرخصی نامحدود و بدون حقوق است و کارگر نمی‌داند اصلاً بار دیگر به کار فراخوانده می‌شود یا نه!

اغلب کارگرانی که با قرارداد رسمی مشغول به کار هستند در شرایط «تعدیل» به دلیل اینکه بطور رسمی اخراج یا بیکار نشده‌اند، از مزیت دریافت حقوق بیکاری محروم می‌مانند. کارگرانی هم که با قراردادهای کوتاه‌مدت یا بدون قرارداد مشغول به کار هستند پس از «تعدیل» حتی دست‌شان به حمایت‌های قانونی مشمول قوانین کار جمهوری اسلامی نیز بند نیست و در نهایت اخراج و بیکار می‌شوند.

کارگری که با «کیهان لندن» گفتگو کرده می‌گوید «من ۱۸ سال سابقه کار دارم و عملاً نه می‌توانم با این بازار خراب کار دنبال شغل دیگری باشم و نه می‌توانم محکم بایستم و از کارفرما بخواهم قرارداد مرا تمدید کند چون خیلی راحت می‌گوید اگر نمی‌خواهی با قرارداد موقت کار کنی، تو را به خیر و ما را به سلامت! که در این وضع هم نمی‌دانم شکم زن و بچه‌ام چطور باید سیر شود.»

این کارگر می‌گوید حتی کارگرانی که با قرارداد رسمی و یکساله مشغول به کار هستند نیز در شرایط «ترس و دلهره» کار می‌کنند و «هر آن ممکن است خط تولید بخواهد و کار تعطیل شود و یا کارفرما یک فهرست از اسامی کارگران تعدیل شده را بخواند و آنها را به خانه بفرستد.»

کارگر دیگری شاغل در یک واحد برشکاری در یکی از شهرک‌های صنعتی اطراف تهران نیز در گفتگو با «کیهان لندن» از افزایش ناامنی شغلی در سال جدید و به علت قطع مداوم برق می‌گوید اما تأکید می‌کند: «قبل‌تر هم شرایط ما آنچنان گل و بلبل نبود. مشکل تعدیل یا اخراج نیروی کار سال‌هاست بخشی از روزمرگی‌های کارگران در ایران شده. از آنطرف هم حقوق‌هایی که کفاف مخارج را نمی‌دهد و تازه همین حقوق‌ها هم چند ماه یکبار پرداخت می‌شود. کارگرهای زیادی مثل من برای اینکه طلب‌مان دود نشود در شرایط فرسایشی کار را ادامه می‌دهیم و فکر می‌کنیم اگر استعفا دهیم چطور قرار است حق و حقوق‌مان را از کارفرما بگیریم.»

او می‌گوید یک خانه ۸۰ متری را در رباط کریم بطور اشتراکی با برادرش اجاره کرده که با همسران و چهار فرزندشان همگی در این خانه ساکن هستند. برادرش راننده وانت است و اغلب روزها از پنج صبح تا ۱۰ شب در حال کار است ولی این دو برادر از پس اجاره‌بهای یک خانه در رباط کریم نیز بر نمی‌آیند. این کارگر تأکید می‌کند دو خانواده «با چند سر عائله در فقر و نداری می‌سوزند و می‌سازند و دیگر توان بیکار شدن یکی از دو نان‌آور را هم ندارند.»

استفاده چندباره از تجهیزات پزشکی یکبار مصرف در مراکز درمانی ایران



خواهد کرد، چون رقمی که مانع از تلاطم در حوزه تجهیزات پزشکی و چالش مالی برای مردم می‌شود، تقریباً دو برابر رقم اختصاص یافته به عنوان جبران مابه‌التفاوت است.»

محمد رئیس‌زاده تأکید کرده که «در صورت ترمیم نشدن این رقم، قطعاً در آینده نزدیک بیمارستان‌ها و مراکز درمانی برای تأمین تجهیزات پزشکی با قیمت‌های جدید دچار مشکل خواهند شد مگر آنکه هم منابع کافی به این حوزه اختصاص بدهند و هم فرآیند تخصیص این منابع تا انتهای زنجیره به خوبی طراحی شود.»

او با بیان اینکه «سازمان‌های بیمه‌گر، پرداخت این مابه‌التفاوت را پذیرفته‌اند» گفته در این میان «مهم این است که منابع مورد نیاز بیمه‌ها برای پرداخت این مابه‌التفاوت، توسط سازمان برنامه و بودجه تأمین می‌شود و این ارقام، ناکافی است.»

رئیس کل سازمان نظام پزشکی در همین حال تأکید کرده که «استریل و استفاده چندباره بعضی اقلام پزشکی یک‌بارمصرف به بیمار آسیب می‌زند و این اقلام به هیچ‌وجه نباید وارد این چرخه شوند، ولی برای برخی اقلام مصرفی که ارتباط مستقیمی با بیمار ندارد و چندان هم گران نیست، می‌توان استاندارد جدیدی از بابت مصرف چندباره بعد از استریل‌سازی تعریف کرد ولی این چارچوب هم باید توسط وزارت بهداشت تعیین و تعریف شود.»

حذف ارز ترجیحی واردات دارو و تجهیزات پزشکی از ابتدای سال گذشته آغاز و در نیمه دوم سال گسترش یافت. بر اساس گزارش‌های طی یک سال گذشته قیمت بیش از ۹۰۰ قلم دارو و تجهیزات پزشکی با افزایش ۱۰۰ تا ۶۵۰ درصدی روبرو شده است.

این در حالیست که پیش‌بینی شده در سال جدید خورشیدی قیمت‌ها با سرعت بیشتری ادامه یابد و قیمت تجهیزات پزشکی تا هفت برابر افزایش پیدا کند.

اگر چه همچنان برخی از اقلام پزشکی و داروها با ارز ۴۲۰۰ تومانی وارد می‌شود اما امسال این اقلام نیز با ارز ترجیحی، یعنی دلار ۲۸ هزار و ۵۰۰ تومانی وارد شدند. در آنسو اما بسیاری از اقلام پزشکی در فهرست حذف

رویه را به هیچ مرکز درمانی و بیمارستانی توصیه نمی‌کند ولی چاره‌ای جز استفاده چندباره از اقلام یکبار مصرف قابل استریل نیست چون در غیر این صورت، بیمارستان‌ها با کمبود جدی وسایل در اتاق عمل و بخش‌های بستری و اورژانس مواجه خواهند شد.»

او افزوده «اگر بیمارستان‌ها خود را ملزم کنند که تجهیزات یکبار مصرف را فقط یکبار استفاده کنند، در مدت کمتر از سه ماه، با کمبود شدید این وسایل مواجه می‌شوند چون پولی در کشور وجود ندارد و تمام اقلام پزشکی یکبار مصرف هم وارداتی است که گاهی با دلار ۳۸ هزار تومانی و گاهی با دلار ۷۰ هزار تومانی وارد می‌شود و حتی در تأمین ارز مورد نیاز واردات این اقلام هم با مشکل مواجهیم. بنابراین، وقتی قیمت یک عدد لیگاشور (وسیله موردنیاز جراحی برای جداسازی عروق خونی) ۴۰۰ دلار است، بعد از هر بار استفاده در جراحی این وسیله را استریل و برای نوبت‌های بعد، استفاده می‌کنیم در حالی که می‌دانیم در آمریکا، به محض باز شدن بسته لیگاشور، این وسیله برای بار دوم، غیرقابل مصرف می‌شود.»

محمد رئیس‌زاده رئیس کل نظام پزشکی کشور اما در گفتگو با روزنامه «اعتماد» و در توضیح آخرین وضعیت تأمین دارو و تجهیزات پزشکی و به خصوص، اقلام پزشکی یکبار مصرف در مراکز درمانی گفته: «در حال حاضر، وضعیت مراکز درمانی بابت تجهیزات ضروری مثل استنت‌های قلب یا گرفت‌های عروقی و تجهیزات ارتوپدی، نگران‌کننده نیست. نگرانی امروز ما، کمبود تجهیزات نیست، بلکه بابت حذف ارز ترجیحی نگرانیم، چون طبق قانون بودجه ۱۴۰۴، ارز ۴۲۰۰ تومانی برای بسیاری از اقلام یک‌بارمصرف و تجهیزات پزشکی بیمارستان‌ها حذف و به ارز ۲۸ هزار تومانی یا ۳۸ هزار تومانی تبدیل شده در حالی که هنوز ساز و کار لازم برای اختصاص مابه‌التفاوت نرخ ارز طراحی نشده است.»

رئیس کل سازمان نظام پزشکی افزوده «معتمد رقمی هم که به عنوان جبران مابه‌التفاوت در نظر گرفته شده، هم حوزه تجهیزات پزشکی و هم مردم را با چالش مواجه

بسیاری از مراکز درمانی ناچار هستند هر قلم از تجهیزات با برچسب «یکبار مصرف» را تا زمان فرسودگی کامل این وسایل، بارها و بارها استریل و استفاده کنند.

● کمیسیون بهداشت و درمان مجلس شورای اسلامی تأیید کرده بی‌پولی بسیاری از مراکز درمانی باعث شده که برخلاف استانداردهای جهانی، اقلام پزشکی یکبار مصرف بارها مورد استفاده قرار بگیرند.

● همایون سامه یح نجف آبادی عضو کمیسیون بهداشت و درمان مجلس شورای اسلامی نیز هفته گذشته از واردات تجهیزات پزشکی بی‌کیفیت از کشورهای چین و هند انتقاد کرده بود.

روزنامه «اعتماد» در گزارشی از استفاده چندباره از تجهیزات یکبار مصرف بیمارستانی به علت افزایش قیمت و کمیاب شدن این اقلام خبر داده است.

در گزارش روزنامه «اعتماد» آمده رعایت برچسب‌های اقلام پزشکی یکبار مصرف و دور انداختن‌شان بعد از یک نوبت استفاده برای بسیاری از مراکز درمانی کشور امکان‌پذیر نیست، چون این مراکز به قدری بی‌پول هستند که در صورت رعایت این برچسب‌ها و استانداردها، امکان تهیه دوباره این اقلام را ندارند. این گزارش تأکید کرده بسیاری از مراکز درمانی ناچارند هر قلم از تجهیزات مهمور به برچسب «یکبار مصرف» را تا زمان فرسودگی کامل این وسایل، بارها و بارها استریل و استفاده کنند.

برخی از اعضای کمیسیون بهداشت و درمان مجلس شورای اسلامی نیز تأیید کرده‌اند که بی‌پولی بسیاری از بیمارستان‌ها و مراکز درمانی آموزشی و دانشگاهی، باعث شده که برخلاف استانداردهای جهانی، آن دسته از اقلام پزشکی یکبار مصرف را بارها و بارها استریل کرده و تا زمان فرسودگی کامل این اقلام، مورد استفاده قرار بدهند.

یک منبع آگاه در وزارت بهداشت نیز به روزنامه «اعتماد» می‌گوید که این روند در بسیاری مراکز درمانی همچنان ادامه دارد و بی‌پولی مراکز درمانی سبب شده که این رویه به اجبار تبدیل شود. این منبع آگاه به «اعتماد» گفته که «وزارت بهداشت این

افزایش ۵۰ تا ۲۰۰ درصدی شهریه مهدکودک‌ها و مدارس غیردولتی



این مادر ساکن غرب تهران از افزایش شهریه مهدکودک فرزندش گفته که سال گذشته ماهی هفت میلیون تومان بود، اما امسال ناگهان به ۲۰ تا ۲۵ میلیون تومان رسیده است، بدون آنکه امکانات جدیدی اضافه کرده باشند.

● **جدا از شهریه، مبالغی جداگانه بابت اقلام مصرفی مانند ماژیک، چسب، کاغذ و وسایل دیگر نیز از والدین دریافت می‌شود و به این ترتیب شهریه یک سال استفاده از مهدکودک را تا ۴۰ الی ۵۰ میلیون تومان افزایش می‌دهد؛ رقمی معادل حدود سه ماه درآمد یک کارگر!**

● **مادر یک دانش‌آموز دبیرستانی به «شرق» گفته «برای یکی از فرزندم در سال گذشته ۹۰ میلیون تومان شهریه پرداخت کردیم که امسال به ۱۶۰ میلیون تومان افزایش یافته است.»**

گزارش‌ها از افزایش ۵۰ تا ۲۰۰ درصدی شهریه مهدکودک‌ها و مدارس غیردولتی خبر می‌دهند که می‌تواند سبب افزایش آمار دانش‌آموزان بازمانده از تحصیل در کشور شود. در حال حاضر حدود یک میلیون دانش‌آموز بازمانده از تحصیل در کشور وجود دارد و مهمترین علت ترک تحصیل دانش‌آموزان مشکلات اقتصادی عنوان می‌شود.

روزنامه «شرق» در گزارشی از افزایش ۵۰ تا ۲۰۰ درصدی شهریه مهدکودک‌ها و مدارس غیردولتی خبر داده و نوشته روند افزایش شهریه‌ها بسیاری از خانواده‌های طبقه متوسط را در آستانه انتخابی دردناک قرار داده که میان «آموزش بی‌کیفیت» در مدارس دولتی یا «فشار مضاعف اقتصادی» یکی را انتخاب کنند.

در این گزارش از حال و روز والدینی حکایت شده که این روزها با فهرستی از هزینه‌های نجومی، وعده‌های مبهم و اضطراب آینده‌ای نامعلوم روبرو هستند. «شرق» تأکید کرده این بحران برای خانواده‌ها تنها اقتصادی نیست و آثار روانی و تربیتی بر روی کودکان را نیز در پی دارد.

یک مادر ساکن غرب تهران از افزایش شهریه مهدکودک فرزندش گفته که سال گذشته ماهی هفت میلیون تومان بود، اما امسال ناگهان به ۲۰ تا ۲۵ میلیون تومان رسیده است، بدون آنکه امکانات جدیدی اضافه کرده باشند.

● **یک مادر ساکن غرب تهران از افزایش شهریه مهدکودک فرزندش گفته که سال گذشته ماهی هفت میلیون تومان بود، اما امسال ناگهان به ۲۰ تا ۲۵ میلیون تومان رسیده است، بدون آنکه امکانات جدیدی اضافه کرده باشند.**

➔ **ارز ترجیحی نیز قرار دارند و واردکنندگان باید با دلار به نرخ بازار ارز تجاری یا بازار آزاد این اقلام را وارد کنند!**

در چنین شرایطی نه تنها بیمارستان‌ها و مراکز درمانی ناچار به استفاده چندباره از تجهیزات یکبار مصرف هستند، بیماران نیز باید هزینه بسیاری از تجهیزات پزشکی را بپردازند. این در حالیست که بسیاری از اقلام تجهیزات پزشکی مشمول بیمه‌های درمانی نیستند، شهروندان باید این اقلام را با قیمت آزاد تهیه کنند و همین موضوع نیز فشار مالی بر روی بیماران را افزایش داده است. همایون سامه یح نجف آبادی عضو کمیسیون بهداشت و درمان مجلس شورای اسلامی نیز هفته گذشته از واردات تجهیزات پزشکی بی‌کیفیت از چین و هند انتقاد کرد و گفت: «خریدهایی که اغلب برای تأمین تجهیزات پزشکی انجام می‌شود، از کشورهای مانند چین و هند است که دارای کیفیت خوبی نیستند و در رده دوم و سوم کیفیت قرار دارند.»

او وضعیت تجهیزات پزشکی در کشور را نامناسب توصیف کرد و گفت «ارز ترجیحی تجهیزات پزشکی حذف شده، لذا ناچار هستیم که به قیمت بسیار بالایی تجهیزات، به خصوص تجهیزات غیرمصرفی را وارد کنیم که بسیار گران می‌شود. همچنین هزینه تعمیر این تجهیزات و قطعات آن که مشکل پیدا می‌کنند و تعرفه‌هایی که باید دریافت شود، تصور می‌کنم آنچه از جیب بیمار پرداخت می‌شود، بسیار بیشتر از آن چیزی که در سال ۱۴۰۳ پرداخت می‌شد.»

حذف ارز ترجیحی دارو و تجهیزات پزشکی از سال گذشته آغاز و در این مدت ارز دولتی برای بیش از ۹۰۰ قلم دارو و تجهیزات پزشکی حذف شد. علی‌خضریان عضو کمیسیون اصل نود مجلس شورای اسلامی روز گذشته در نامه‌ای به نصرالله پژمانفر رئیس این کمیسیون افزایش قیمت دارو را اقدامی «فراقانونی» از سوی سازمان غذا و دارو خوانده و گفته بهانه این افزایش قیمت افزایش نرخ ارز در بازار آزاد است.

علی خضریان نوشته «با وجود ادعای مسئولان مبنی بر «جلوگیری از کمبود دارو» و افزایش قیمت به این بهانه، طبق اعلام خودشان ۴۷۰ قلم دارو با کمبود مواجه شد! اظهارات تکان دهنده مدیر کل داروی سازمان غذا و دارو در یک سخنرانی عمومی که گفته است: «نظام کمبود دارو ایجاد کرده! اگر داروی ضدسرطان نباشد چه می‌شود؟ بیمار سرطانی می‌میرد و می‌گویند بهتر است یک غرغر کم شود؟!» نه تنها بیانگر بی‌تفاوتی نسبت به جان مردم است، بلکه اقدامی آشکار علیه امنیت ملی محسوب می‌شود.»

علی خضریان همچنین تأکید کرده که «پیش از هر گونه افزایش قیمت دارو، می‌بایست سازمان‌های بیمه‌گر مطلع شده و قیمت‌های جدید در سامانه‌های نرم افزاری آنها ثبت می‌شد؛ اما این اقدام به عمد نادیده گرفته شد. نتیجه این بی‌تدبیری، تحمیل کل هزینه افزایش قیمت داروها بر دوش مردم بود که دقیقاً در تقابل با سیاست‌های کلی سلامت و تأکیدات مقام معظم رهبری مبنی بر «عدم افزایش پرداختی از جیب مردم» قرار دارد.»

این نماینده مجلس شورای اسلامی به فساد جاری در ساختار تولید، تأمین و توزیع دارو اشاره کرده و نوشته «ریشه اصلی این فجایع، ارتباط مالی و مدیریتی مسئولان ارشد سازمان با شرکت‌های دارویی است. بسیاری از این افراد سهامدار، عضو هیئت مدیره، یا مؤسس شرکت‌هایی هستند که از رانت‌های اختصاصی (مانند مجوز واردات، قیمت‌گذاری، یا افزودن دارو به لیست کشوری) بهره‌مند شده‌اند.»

او تأکید کرده که «مونه بارز این فساد، فوت ۷۲ بیمار دیالیزی به دلیل مصرف داروهای غیراستاندارد شرکت ثامن است که ریاست هیئت مدیره آن برعهده رئیس فعلی سازمان غذا و دارو بوده است!»

هشدار نماینده مجلس شورای اسلامی درباره اثر منفی افزایش قیمت دارو بر «امنیت ملی»



برخی شرکت‌های دارویی و میان سهامداران خواهد شد. در این نامه آمده که «مسئله دارو یکی از موضوعاتی است که ارکان نظام با حساسیت ویژه آن را رصد می‌کنند و به دلیل نقش بی‌بدیل آن در زندگی مردم، همواره مورد توجه خاص قرار گرفته است. متأسفانه سازمان غذا و دارو در سال ۱۴۰۳، بدون هرگونه تغییر در نرخ ارز اختصاص یافته به این حوزه و تحت فضایی غیرواقعی، به بهانه افزایش نرخ ارز در بازار آزاد (که هیچ ارتباطی با حوزه دارو نداشت)، اقدام به افزایش قیمت دارو به صورت فراقانونی در قالب کمیسیون‌های ظاهرأ قانونی نمود.»

در بخش دیگری از نامه آمده که «با وجود ادعای مسئولان مبنی بر «جلوگیری از کمبود دارو» و افزایش قیمت به این بهانه، طبق اعلام خودشان ۴۷۰ قلم دارو با کمبود مواجه شد! اظهارات تکان دهنده مدیر کل داروی سازمان غذا و دارو در یک سخنرانی عمومی که گفته است: «نظام کمبود دارو ایجاد کرده! اگر داروی ضدسرطان نباشد چه می‌شود؟ بیمار سرطانی می‌میرد و می‌گویند بهتر است یک قرقر کم شود؟!» نه تنها بیانگر بی‌تفاوتی نسبت به جان مردم است، بلکه اقدامی آشکار علیه امنیت ملی محسوب می‌شود.»

علی خضریان همچنین تأکید کرده که «پیش از هر گونه افزایش قیمت دارو، می‌بایست سازمان‌های بیمه‌گر مطلع شده و قیمت‌های جدید در سامانه‌های نرم افزاری آنها ثبت می‌شد؛ اما این اقدام به عمد نادیده گرفته شد. نتیجه این بی‌تدبیری، تحمیل کل هزینه افزایش قیمت داروها بر دوش مردم بود که دقیقاً در تقابل با سیاست‌های کلی سلامت و تأکیدات مقام معظم رهبری مبنی بر «عدم افزایش پرداختی از جیب مردم» قرار دارد.»

این نماینده مجلس شورای اسلامی به فساد جاری در ساختار تولید، تأمین و توزیع دارو اشاره کرده و نوشته «ریشه اصلی این فجایع، ارتباط مالی و مدیریتی

● علی خضریان عضو کمیسیون اصل نود مجلس شورای اسلامی در نامه‌ای به رئیس این کمیسیون افزایش قیمت دارو را اقدامی «فراقانونی» از سوی سازمان غذا و دارو خوانده و گفته بهانه این افزایش قیمت افزایش نرخ ارز در بازار آزاد است.

● وزارت بهداشت دولت پزشک‌ها را ترجیحی دارو را قطع کرده و سبب شده شرکت‌های داروسازی مواد اولیه داروهای تولید داخلی و همچنین داروها و تجهیزات پزشکی وارداتی را با ارز آزاد یا با نرخ ارز در بازار ارز تجاری که اختلاف اندکی با قیمت ارز در بازار آزاد دارد وارد کنند.

● مهدی پیرصالحی رئیس سازمان غذا و دارو اواخر فروردین ماه امسال حذف ارز ترجیحی برای واردات دارو و مواد اولیه را تأیید کرد.

● افزایش قیمت دارو با درآمد اکثر جامعه نسبتی ندارد و در نتیجه بسیاری از بیماران به دلیل مشکلات مالی ناچار شده‌اند روند درمان خود را متوقف و یا دوز داروی خود را کاهش دهند!

یک عضو کمیسیون اصل نود مجلس شورای اسلامی با اشاره به افزایش ۶۵۰ درصدی قیمت دارو گفته افزایش قیمت دارو «تأثیر مخرب بر امنیت ملی» دارد و نقض آشکار سیاست‌های کلی نظام است.

علی خضریان عضو کمیسیون اصل نود مجلس شورای اسلامی در نامه‌ای به نصرالله پژمانفر رئیس این کمیسیون افزایش قیمت دارو را اقدامی «فراقانونی» از سوی سازمان غذا و دارو خوانده و گفته بهانه این افزایش قیمت افزایش نرخ ارز در بازار آزاد است.

علی خضریان در این نامه تأکید کرده که افزایش قیمت دارو نه تنها موجب ایجاد مشکل مادی و معنوی برای مردم می‌شود بلکه سبب شکل‌گیری رانت و فساد گسترده در

می‌رسد، و عدم نظارت کافی بر مسائل آموزشی و تربیتی از مشکلات بسیاری از والدین است.

مادر یک دانش‌آموز دبیرستانی به «شرق» گفته «برای یکی از فرزندانم در سال گذشته ۹۰ میلیون تومان شهریه پرداخت کردیم که امسال به ۱۶۰ میلیون تومان افزایش یافته است. شنیده‌ام برخی مدارس برای پایه اول ابتدایی، بدون احتساب ناهار، سرویس و لباس فرم، شهریه ۲۱۰ میلیون تومانی اعلام کرده‌اند. مدرسه‌ای هم شهریه‌ای بین ۲۳۰ تا ۲۵۰ میلیون تومان اعلام کرده است.»

گفتنی است تنها بخشی از شهروندان توان پرداخت شهریه‌های چند ده و حتی چند صد میلیون تومانی مدارس غیرانتفاعی یا همان مدارس خصوصی را دارند.

در آنسو، بسیاری از خانوارهای کم‌درآمد حتی توان پرداخت هزینه‌های تحصیل فرزند خود در مدارس دولتی را هم ندارند.

اگرچه بر اساس اصل ۳۰ قانون اساسی جمهوری اسلامی، «دولت موظف است وسایل آموزش و پرورش رایگان را برای همه ملت تا پایان دوره متوسطه فراهم سازد و وسایل تحصیلات عالی را تا سر حد خودکفایی کشور بطور رایگان گسترش دهد» اما در عمل تحصیل کودکان در مدارس دولتی نیز مشمول هزینه‌هایی قابل توجه است.

مدارس دولتی بر اساس قانون نباید شهریه دریافت کنند و هزینه‌های جاری مدارس را از طریق سرانه‌ای که از آموزش و پرورش دریافت می‌کنند تأمین کنند. سرانه به معنای رقمی است که به ازای هر یک دانش‌آموز محصل در مدرسه، از سوی آموزش و پرورش به مدرسه پرداخت می‌شود.

ارقام سرانه اما در بسیاری موارد هزینه‌های جاری مدارس از جمله هزینه قبوض، تعمیرات و تجهیزات را پوشش نمی‌دهد و در نتیجه سال‌هاست مدیران مدارس دولتی تحت عناوین «کمک به مدرسه» از اولیاء دانش‌آموزان پول طلب می‌کنند.

از سوی دیگر هزینه‌هایی مانند کتاب، لباس فرم مدرسه، نوشت افزار، کیف، و سرویس رفت و آمد، همگی بر عهده والدین است. افزایش هزینه تحصیل در مدرسه موجی از کودکان بازمانده از تحصیل را طی سال‌های گذشته رقم زده است. اگرچه آمار شفافی از دانش‌آموزان ترک تحصیل کرده وجود ندارد اما گزارش‌ها تعداد آنها را حدود یک میلیون تا یک میلیون و دویست هزار نفر عنوان می‌کنند.

روزنامه «دنیای اقتصاد» در گزارشی به جمعیت یک میلیونی دانش‌آموزان بازمانده از تحصیل اشاره کرده و نوشته «عوامل مختلفی در افزایش بازماندگی از تحصیل در سال گذشته موثر بوده است اما مشکلات مالی و معیشتی و اشتغال به کار کودکان با هدف بهبود معیشت خانواده از جمله مهمترین موارد است.»

به گزارش «دنیای اقتصاد» در سال‌های گذشته عواملی مانند تحریم‌ها و تورم مزمن منجر به کاهش قدرت اقتصادی ایران شد و به افزایش نرخ فقر دامن زد. بطوری که فقر مطلق در سال ۱۴۰۲ در نرخ ۳۰ درصد تثبیت و بسیاری از خانوارها را به درآمد کودکان خود نیازمند کرد.

این مطلب افزوده از سوی دیگر کیفیت پایین مشاغل و بیکاری بالای فارغ‌التحصیلان آموزش عالی موجب شده تا برخی از نوجوانان ترجیح بدهند که بجای ادامه تحصیل، وارد بازار کار شوند.

«دنیای اقتصاد» تأکید کرده که «مهار تورم می‌تواند به افزایش سطح رفاه خانوارها و عدم نیاز به کار دانش‌آموزان کمک کند. از سوی دیگر دور شدن سایه تحریم‌ها از اقتصاد و جذب سرمایه‌های مستقیم خارجی به ایجاد شغل‌های تخصصی کمک می‌کند و می‌تواند منجر به افزایش انگیزه دانش‌آموزان برای ادامه تحصیل شود.»

اختلاف دو مقام ارشد نیروهای مسلح بر سر «کارآمدی تسلیحات ساخت جمهوری اسلامی»



محمد باقری (راست) در کنار حبیب‌الله سیاری (چپ) / آذر ۱۳۹۵

نبردهای آینده خواهند داشت.»
تأکید باقری بر کارایی تسلیحات ساخت جمهوری اسلامی «در نبردهای آینده» و واکنش به گفته‌های اخیر حبیب‌الله سیاری رئیس ستاد هماهنگی ارتش است که یکشنبه ۱۴ اردیبهشت ۱۴۰۴ در یک سخنرانی هشدار داد: «اطمینان داشته باشید با وضعیت فعلی و تجهیزات کنونی نمی‌توانیم در برابر تهدیدات آینده ایستادگی کنیم.» فرسودگی تجهیزات نظامی و دور ماندن از تکنولوژی‌های روز، نیروهای مسلح جمهوری اسلامی را به شدت آسیب‌پذیر کرده، هرچند که فرماندهان آنها مدعی‌اند در اوج آمادگی قرار دارند!
حبیب‌الله سیاری که از فرماندهان با سابقه ارتش است، پیشتر نیز به بیان دیدگاه‌های انتقادی پرداخته بود که هرچند خفیف بوده‌اند اما بخشی از رسانه‌ها با برجسته کردن آن مواضع تلاش کردند از او یک چهره ملی بسازند. این در حالیست که برادر وی، مهدی سیاری معاون اطلاعات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی (ساس) است و خانوادگی ذوب در ولایت هستند. اساساً فرماندهان نظامی در ایران به ویژه سپاهی‌ها در سخنرانی‌هایشان در مورد توانمندی نظامی جمهوری اسلامی زیاد بلوف می‌زنند. در همین ارتباط سردار پاسدار قربان محمد ولی‌زاده فرمانده سپاه پاسداران تهران سه‌شنبه شب ۱۶ اردیبهشت ۱۴۰۴ طی سخنانی در شهری مدعی شد برای نگهداری موشک‌هایمان جا کم داریم!

توزیع دارو دست چه کسانی است! به هر داروخانه‌ای که دوست دارند دارو می‌دهند و به داروخانه‌ای دیگر نه. یکی می‌گوید دارو تمام شده و دیگری می‌گوید هنوز توزیع نشده است.»

او افزوده بود که «واقعاً چنین هرج و مرجی بازی با جان بیماران است. این داروها را بیماران ما از سر دلخوشی و تفریح مصرف نمی‌کنند، مصرف این داروها یعنی ادامه حیات اما مسئولان اصلاً به این مسئله توجهی ندارند.»

● باقری رئیس ستادکل نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ادعا کرده است «عمده محصولات صنایع دفاعی کشور در میدان تست شده و کارآمدی خودش را نشان داده است.»
● این سخنان درواقع واکنش به حرف‌های حبیب‌الله سیاری رئیس ستاد هماهنگی ارتش است که یکشنبه ۱۴ اردیبهشت ۱۴۰۴ در یک سخنرانی هشدار داد: «اطمینان داشته باشید با وضعیت فعلی و تجهیزات کنونی نمی‌توانیم در برابر تهدیدات آینده ایستادگی کنیم.»

● محمدباقری روز پنجشنبه ۱۸ اردیبهشت در جریان بازدید از نمایشگاه صنایع دفاعی گفت: «نسبت به توانمندی‌های دشمن در جنگ الکترونیک و جنگ سایبری همه تدابیر دیده شده است.»

رئیس ستادکل نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ادعا کرده است که «عمده محصولات صنایع دفاعی کشور در میدان تست شده و کارآمدی خودش را نشان داده است.»
محمدباقری روز پنجشنبه ۱۸ اردیبهشت در جریان بازدید از نمایشگاه صنایع دفاعی گفت: «نسبت به توانمندی‌های دشمن در جنگ الکترونیک و جنگ سایبری همه تدابیر دیده شده است.» او تأکید کرد «تحرك و چابکی و هوشمندی از ویژگی‌های تسلیحات ساخت جمهوری اسلامی است» و «قدرت انفجارات و دقت تیرها در محصولات» دنبال شده و «نیروهای مسلح با این تجهیزات به‌روز، دست بالا را در

آزاد نمونه خارجی‌اش را بخیرید.»
این بیمار افزوده بود «اگر نمونه خارجی در بازار آزاد هست چرا در داروخانه‌ها نیست؟ چرا با اعصاب و روان خانواده‌هایی که بیمار بدحال دارند بازی می‌کنند؟ ما به اندازه کافی زجر می‌کشیم دیگر با نبود دارو و فروش دارو بی‌کیفیت ما را آزار ندهند.»
بیمار دیگری با اعتراض به بحران در زنجیره تأمین و توزیع دارو در ایران گفته بود «اصلاً معلوم نیست این چرخه

مسئولان ارشد سازمان با شرکت‌های دارویی است. بسیاری از این افراد سهامدار، عضو هیئت مدیره، یا مؤسس شرکت‌هایی هستند که از رانت‌های اختصاصی (مانند مجوز واردات، قیمت‌گذاری، یا افزودن دارو به لیست کشوری) بهره‌مند شده‌اند.»

او تأکید کرده که «نمونه بارز این فساد، فوت ۷۲ بیمار دیالیزی به دلیل مصرف داروهای غیراستاندارد شرکت ثامن است که ریاست هیئت مدیره آن برعهده رئیس فعلی سازمان غذا و دارو بوده است!»

وزارت بهداشت دولت پزشک‌های مدعی اصلاح قیمت دارو است؛ اما بخش عمده این اصلاح قیمت با حذف ارز ترجیحی دارو بوده که از ماه‌ها پیش آغاز و سبب شده شرکت‌های داروسازی مواد اولیه داروهای تولید داخلی، و همچنین داروها و تجهیزات پزشکی وارداتی را با ارز آزاد یا با نرخ ارز بازار ارز تجاری که اختلاف اندکی با قیمت ارز در بازار آزاد دارد وارد کنند.

مهدی پیرصالحی رئیس سازمان غذا و دارو اواخر فروردین‌ماه امسال حذف ارز ترجیحی برای واردات دارو و مواد اولیه را تأیید کرده و گفته بود «بر اساس آنچه تا کنون مصوب شده است، ارز دارو و تجهیزات امسال ۲۸۵۰۰ تومان خواهد شد.»

رئیس سازمان غذا و دارو همچنین تأیید کرده بود که تخصیص ارز دارو هنوز از سوی بانک مرکزی آغاز نشده و گفته «بانک مرکزی برای تخصیص ارز منتظر برگزاری جلساتی با دولت بوده است و با برگزاری جلسات از هفته جاری تخصیص ارز برای دارو، تجهیزات و کالاهای اساسی از طرف بانک مرکزی شروع خواهد شد.»

رئیس سازمان غذا و دارو افزوده بود «تا سال گذشته حدود یک میلیارد دلار ارز ۴۲۰۰ تومانی در حوزه تجهیزات پزشکی داشتیم که این یک میلیارد دلار به ارز ۲۸۵۰۰ تومانی تبدیل می‌شود.»

افزایش قیمت دارو با درآمد اکثر جامعه نسبتی ندارد و در نتیجه بسیاری از بیماران به دلیل مشکلات مالی ناچار شده‌اند روند درمان خود را متوقف و یا دوز داروی خود را کاهش دهند!

در همین رابطه وبسایت «تجارت‌نیوز» ماه گذشته در یک گزارش میدانی درباره وضعیت بیماران مبتلا به سرطان با افزایش قیمت دارو نوشته بود این بیماران با چالشی عمیق و چندوجهی در ارتباط با دسترسی به داروهای مورد نیاز خود مواجه‌اند. کمبود شدید داروهای خارجی، توزیع نامنظم، قیمت‌های بالا، نبود شفافیت در زنجیره تأمین، مشکلات پوشش بیمه‌ای و بی‌اعتمادی به داروهای ساخت داخل، شرایطی بحرانی را برای این بیماران رقم زده است. «تجارت‌نیوز» به نقل از بیماران مبتلا به سرطان نوشته بود بارها به داروخانه‌های مختلف ارجاع داده شده‌اند، اما در نهایت با دست خالی بازمی‌گردند.

یکی از بیماران در این‌باره به «تجارت‌نیوز» گفته بود «از صبح تا حالا به هر داروخانه‌ای که امکان داشته داروی مورد نیاز بیمارم را داشته باشد سر زده‌ام. از هلال احمر تا نجات‌اللهی و جردن. هر کدام یک جوابی می‌دهند، یکی مدعی است دارو تمام شده و دیگری می‌گوید هنوز توزیع نشده است. در این شرایط تکلیف بیماران چه می‌شود؟!»

بیمار دیگری درباره نبود داروی خارجی و اجبار به استفاده از داروهای بی‌کیفیت داخلی توضیح داده بود که «دکتر بارها و بارها به ما گفته که داروی ایرانی و حتی نمونه هندی آن اثربخشی چندانی برای درمان بیماران ندارد اما وقتی داروی خارجی نیست چاره دیگری نداریم. اعتراض هم کنیم مسئولان داروخانه می‌گویند بروید از بازار

بدون «گفتگو» مفهوم «توانمندی» برای رسیدن به آزادی و دموکراسی قابل ادراک نیست



● چرا با وجود ضرورت بی‌چون‌وچرای همدلی، هم‌افزایی و کنش جمعی در شرایطی که سرنوشت ملی در جایگاه حساس تاریخی قرار گرفته، اغلب گروه‌ها، سازمان‌ها و جریان‌های سیاسی و اجتماعی از یکدیگر فاصله دارند یا حتی در وضعیت تقابل و رویارویی قرار می‌گیرند؟

● هرگونه تلاش برای همگرایی و عبور از وضعیت کنونی، نیازمند بازنگری در پیش‌فرض‌ها، روش‌های کنش جمعی، و حتی بازتعریف مفاهیم کلیدی همچون «اتلاف»، «وحدت»، و «اختلاف» است از جمله فهم و درک مشترک از لزوم کثرت‌گرایی، تعهد به اصول اخلاقی سیاسی، هدف مشترک، گفتگو و تصمیم‌گیری جمعی.

محمود مسائلی - در مسیر پرچالش تلاش برای دستیابی به ایرانی آزاد و دموکراتیک، پرسشی ژرف و در عین حال دیرپا، ذهن بسیاری از متفکران و کنشگران را ممکن است به خود مشغول کرده باشد: چرا با وجود ضرورت بی‌چون‌وچرای همدلی، هم‌افزایی و کنش جمعی در شرایطی که سرنوشت ملی در جایگاه حساس تاریخی قرار گرفته، اغلب گروه‌ها، سازمان‌ها و جریان‌های سیاسی و اجتماعی از یکدیگر فاصله دارند یا حتی در وضعیت تقابل و رویارویی قرار می‌گیرند؟ این پرسش، در خود مجموعه‌ای از پرسش‌های بنیادی‌تر و فلسفی‌تر را به میان می‌آورد. به درستی منشأ این گسست‌ها چیست؟ چه عوامل تاریخی، روان‌شناختی، گفتمانی یا ساختاری موجبات چنین تشنج و پراکندگی را فراهم کرده‌اند؟ آیا این جدایی‌ها صرفاً ریشه در اختلاف نظرهای سیاسی دارند، یا باید آنها را در لایه‌های عمیق‌تری از فرهنگ سیاسی، فقدان سنت گفتگو، یا ساختارهای خودمدارانه قدرت‌طلبانه جستجو کرد؟

از این منظر، هرگونه تلاش برای همگرایی و عبور از وضعیت کنونی، نیازمند بازنگری در پیش‌فرض‌ها، روش‌های کنش جمعی، و حتی بازتعریف مفاهیم کلیدی همچون «اتلاف»، «وحدت»، و «اختلاف» است. توافق‌پذیری نه به معنای یکسان‌اندیشی، بلکه در گرو پذیرش تنوع آرا در بستر از احترام متقابل و پایبندی به اصول اخلاقی و دموکراتیک است. اینگونه مفاهیم اغلب در مباحث فلسفه اجتماعی و سیاسی محل بحث و گفتگو بوده‌اند و هرکدام نیز جایگاه رفیعی دارند. در این مورد نیز اغلب پیشنهاد می‌شود برای آنکه نیروهای اجتماعی آزادخواه بتوانند به توانمندی مؤثری دست یابند، و به سوی شکل‌گیری وفاقی پایدار فراخوانده شوند، ضروری است تا چهار پیش‌فرض کلیدی، مانند چهارستون بنایی تازه برای آینده میهن را در پیش روی خود قرار دهند:

لزوم کثرت‌گرایی: اولین و عاجل‌ترین همه پیش‌فرض‌ها این است که به پذیرش کثرت‌گرایی با صداقت و شفافیت روی آورند. یعنی اینکه بپذیرند هیچ جریانی، هیچ گفتمان سیاسی و اجتماعی، و هیچ مکتب فکری به تنهایی نمی‌تواند صاحب حقیقت مطلق باشد. بلکه مشروعیت هر جریان و یا گفتمان در گفتگو با دیگری شکل می‌گیرد.

تعهد به اصول اخلاقی سیاسی: دومین پیش‌فرض گریزناپذیر این است که به اصول اخلاقی سیاسی خود را متعهد سازند. منظور این است که از هرگونه تخریب شخصیت، غیبت کردن، نسبت‌های ناروا که میراثی تلخ از فرهنگ استبدادی است خود را رها ساخته و بکوشند سخن یکدیگر را با جان

نوع وابستگی‌های مسلکی و جریانات سیاسی رها می‌سازیم تا بتوانیم با قلبی پاک و اندیشه‌ای عاری از هر نوع پیش‌فرض، از یکدیگر بیاموزیم تا بتوانیم توانمند شویم. این توانمندی لازمه ضروری و حیاتی رسیدن به آزادی و دموکراسی است. بنابراین، گفتگو نه بر مبنای اندیشه‌هایی برای اثبات رساندن نقطه نظرات خود و غلبه بر دیگری، بلکه بر پایه کنجکاوی، احترام و تمایل به فهم مشترک شکل می‌گیرد.

به همین دلیل، در وضعیت کنونی که جامعه سیاسی ایران نیازمند توانمندسازی نیروهای آزادخواه است، گفتگو باید به عنوان یکی از ارکان اصلی کنش جمعی و تحول فرهنگی در نظر گرفته شود. توانمندی واقعی زمانی شکل می‌گیرد که افراد و گروه‌ها بتوانند:

- با جان و دل بشنوند، نه فقط برای پاسخ دادن، بلکه برای درک کردن؛
- بپذیرند که حقیقت در انحصار هیچکس نیست؛
- در فضایی ایمن، تفاوت‌های یکدیگر را به رسمیت بشناسند و در آنها نیروی خلاق ببینند؛
- از تجربه‌ها، شکست‌ها و دیدگاه‌های متنوع یکدیگر بیاموزند.

هدف این نوشتار این است که رابطه میان گفتگو و ایجاد فضای یادگیری متقابل را به عنوان پیش‌شرط‌های توانمندی توضیح دهد. فرضیه پیشنهادی هم این است که تنها از درون چنین گفتگویی است که می‌توان به سوی شکل‌گیری وفاقی پایدار حرکت کرد. وفاقی نه بر پایه حذف تفاوت‌ها، بلکه بر بنیان فهم عمیق‌تر از اهداف مشترک یعنی رسیدن به آزادی، کرامت انسانی، و عدالت اجتماعی به عنوان معیارهای لازم برای تعریف ایرانی آزاد و دموکراتیک.

هم‌پرسی و گفتگو ذاتی هویت انسانی است

این بیان که «ما همه موجودات قابل گفتگو» [i] و «تفسیرکننده» [ii] هستیم، گشاینده‌ی دریچه‌ای است به یکی از بنیادین‌ترین دیدگاه‌ها درباره‌ی ماهیت

و دل گوش کرده و سعی کنند از آنها زمینه‌های مشترکی را برای وفاق استخراج کنند.

هدف مشترک: سومین پیش‌فرض این است که همه تلاش‌های خود را بر هدف مشترک و نه تفاوت‌ها متمرکز سازند تا از طریق آن آزادی، عدالت و کرامت انسانی بتوانند در کانون همه تلاش‌ها قرار گیرند.

گفتگو و تصمیم‌گیری جمعی: چهارمین پیش‌فرض را باید در ایجاد ساختارهای هم‌پرسی (گفتگو یا دیالوگ) و تصمیم‌گیری جمعی توضیح داد. درواقع اهمیت این پیش‌فرض در این واقعیت نه چندان مطلوب قرار دارد که گروه‌های سیاسی همواره تلاش‌های خود را بر نشست‌هایی نمادین متمرکز و محدود ساخته‌اند. این در حالیست که در شرایط حساسی که پیش روی میهن ما قرار گرفته، تمرکز بر ساز و کارهایی برای تضارب آراء، حل تعارضات، و تقسیم مسئولیت‌ها اجتناب‌ناپذیر است.

اینگونه پیش‌فرض‌ها صرفاً موضوعاتی سیاسی نیستند که می‌بایست مورد راست‌آزمایی قرار گیرند، بلکه وظیفه‌ای تاریخی، فلسفی و اخلاقی در مسیر نجات یک ملت از چرخه تکرار استبداد و ناکارآمدی‌اند. اما برای اجرا و عمل به اینگونه پیش‌فرض‌ها تاملی دقیق‌تر در خصوص زمینه‌های فلسفی آنها ضروریست. به عبارت بهتر، نه فقط از منظر سیاسی، بلکه از منظر فلسفی و اجتماعی به این حقیقت اندیشید که بسیاری از این گسست‌ها نه به دلیل صرف تفاوت در اهداف، بلکه ناشی از نبود فرهنگ گفتگو هستند. یعنی ناتوانی در هم‌پرسی اصیلی که بتواند اختلافات را به تفاهم تبدیل کند و تنوع دیدگاه‌ها را به سرمایه‌ای برای رشد جمعی بدل سازد. منظور از دیالوگ نیز در معنای مصطلح آن، یعنی ابزار صرف مذاکره یا مدیریت اختلاف نیست؛ بلکه فرآیندی است برای یادگیری متقابل، خودشناسی و دیگرشناسی. در گفتگوهای واقعی، ما نه تنها دیگری را می‌شنویم، بلکه خود را در آیینی گفتگو بازمی‌شناسیم. در فلسفه هم‌پرسی یا گفتگو، همه ما خویش‌نوا و خویش را از هر

مثابه موجودی قابل گفتگو، خودتفسیرگر، و معناجو است. آنچه جامعه را می‌سازد، صرفاً اراده‌ی افراد نیست، بلکه روح تاریخی، فرهنگ جمعی، و ارتباط دیالکتیکی نیروها و نگرش‌ها است که به تدریج، بافت اخلاقی و معنوی یک ملت را شکل می‌دهد.

از همین منظر است که فهم هویت انسانی به این معناست که هر فرد باید در پرتو نگرش فراگیر دیگری قرار گیرد. بدون این افق مشترک، بازیابی هویت اجتماعی و پیشروی در مسیر رشد و شکوفایی ممکن نخواهد بود. شناسایی متقابل هویت‌ها، ضرورتی وجودی است؛ ضرورتی که تنها در پرتو احترام به کرامت ذاتی انسان و حقوق بشر، که پیش‌شرط امکان گفتگو و هم‌پرسی اصیل است، قابل تحقق خواهد بود.

گفتگو پیش‌نیازی برای یادگیری متقابل

گفتگو و دیالوگ نه تنها موجبات تاسیس و استقرار شخصیت اجتماعی انسان را فراهم می‌آورد و او را در مسیر رشد و شکوفایی انسانی قرار می‌دهد، از همه مهم‌تر اینکه به او می‌آموزد ساختار بخشیدن به شخصیت و هویت اجتماعی راهی را برای یادگیری متقابل با دیگرانی که شخصیت و درک خویش خویش را متفاوت فهمیده‌اند، هموار می‌سازد.

مفهوم «انسان گفتگومدار» بستری مفهومی فراهم می‌سازد که از دل آن می‌توان از چارچوب‌های یکنواخت، انتزاعی و جهانشمول نگرش کلاسیک در باب انسان عبور کرد و به افقی ریشه‌مندتر و تأمل‌برانگیزتر از تکرر، تفاوت و تمایز در بیان هویت انسانی پای نهاد. این گذار، صرفاً انتقالی صوری یا زبانی نیست، بلکه تحولی هستی‌شناسانه در فهم چستی انسان و نسبت او با دیگری است—تحولی که بر شناسایی انسان به‌مثابه موجودی «در رابطه»، چندآوآبودن، خودتفسیرگر و در حال شدن استوار است. در این دستگاه مفهومی، انسان بودن نه به معنای انطباق با یک صورت‌بندی کلیشه‌ای از «سوژه جهان‌روا» است، بلکه به معنای برخورداری از حق زیست در افقی معنایی استوار بر ریشه‌های فرهنگی، تاریخی و زبانی خویش است—افقی که در خلال گفتگوهای میان‌فرهنگی، در بستر تفاهم و درون گفتگوها، معنا می‌یابد. بر این مبنا، حقوق بشر دیگر نه صرفاً مجموعه‌ای از اصول کلی انتزاعی، بلکه فرآیندی هم‌پرسه برای به رسمیت شناختن تنوع هستی‌شناختی انسان‌هاست؛ فرآیندی که در آن، «حق متفاوت بودن»، «حق بیان متمایز»، و «حق زیست در پیوند با ریشه‌ها و معنا» بنیادهای نوینی برای اندیشیدن به امکان با هم بودن پدید می‌آورند.

چنین نگرشی، تلقی‌های کلاسیک از مفاهیمی همچون انسان، کرامت، و حقوق ذاتی را به چالش می‌کشد و آنها را به سوی تعریفی باز، سیال، مبتنی بر تفاهم و میان‌فرهنگی سوق می‌دهد. در این چشم‌انداز، فرهنگ حقوق بشر نه‌تنها عرصه‌ی دفاع از حقوق فردی، بلکه میدانی برای خلق معنای مشترک از رهگذر درک متقابل و تفاهم میان هویت‌های متکثر است. مفاهیمی همچون «حق بیان هویت فرهنگی»، «حق بزرگداشت خاطرات تاریخی و جمعی»، و «حق تجربه زیست‌مند از زندگی معنادار»، دیگر حواشی گفتمان نیستند، بلکه به هسته‌ی مرکزی تفکر در باب انسان، جامعه، و حقوق بدل شده‌اند. بدینسان، مفهوم انسان، در پرتو این بازاندیشی فلسفی، بجای آنکه ابزاری برای یکسان‌سازی و همسان‌سازی باشد، به فضای گشوده‌ای برای گفتگو، تفاهم، و به رسمیت شناختن تفاوت‌ها تبدیل می‌شود—فضایی که در آن، امکان «هم‌سرنوشتی در کثرت» نه‌تنها ممکن،

تعلق نه امری صرفاً عاطفی، بلکه صورت‌بندی هویتی فرد در نسبت با کلیت اجتماع است؛ جایی که خویشی فردی به کنشگر اجتماعی بدل می‌شود و از عرصه درونی تأمل و ادراک، به فضای اجتماعی کنش و معنا گذر می‌کند.

در این حرکت از درون به بیرون، ارزش‌ها و معانی حیات نیز شکل می‌گیرند و صورت‌بندی می‌شوند؛ به گونه‌ای که نیازها، پرسش‌ها، و انتظارات نه‌تنها از فردی به فرد دیگر، بلکه از فرهنگی به فرهنگ دیگر، و از جامعه‌ای به جامعه‌ای دیگر دگرگون می‌شوند. از این منظر، هیچ معنای واحد و جهانشمولی برای «زندگی خوب» یا «حق زیست» نمی‌توان تجویز کرد، مگر آنکه این معناها در گفتگویی واقعی میان افق‌های گوناگون پدیدار شوند. همین واقعیت، شالوده‌ی نظریه‌ای نیرومند در باب مفهوم «توانمندی» رقم می‌زند، و نه در تحمیل معنای واحدی از مفهوم حیت به دیگرانی که ادراک خاص خویش را برای خود به دست آورده‌اند. به همین دلیل، گفتگو درجه‌هایی را در گشایش نسبت به معانی گوناگون مفهوم حیات انسانی در پیش روی قرار می‌دهد. درواقع «هر انسان میزان سنجش خود را دارد؛» یعنی هر فرد سنجه‌ای خاص برای معنا، ارزش، و غایت زندگی خویش دارد که تنها در گفتگو با دیگری قابل کشف و تأیید است.

این یگانگی وجودی در شیوه‌ی بودن با دیگری، نه‌تنها زمینه‌ساز شکل‌گیری نبوغ فردی و شکوفایی فرهنگی است، بلکه شرط لازم برای به‌رسمیت شناختن اصالت دیگری نیز هست. انسان‌ها، هرچند در وجه فردی خود مستقل‌اند، اما هویت آنان از خلال به اشتراک‌گذاری افق‌های وجودی‌شان با دیگران شکل می‌گیرد. در این ظرفیت برای گفتگو و تفاوت است که غنای معنایی، اخلاقی، و فرهنگی بشر معنی می‌یابد و بروز می‌کند.

در حقیقت، انسان نه تنها از طریق تأمل در خویش، بلکه از رهگذر تجلی اصالت‌های وجودی خود در عرصه‌ی گفتگو و تفاهم با دیگری است که به ادراک هویت خویش نائل می‌گردد. این خویش‌شناسی صرفاً در سکوت درون تحقق نمی‌یابد، بلکه در گشودگی به سوی دیگری و در میدان گفتگوی اصالت‌هاست که معنا می‌یابد. انسان، در بافت این مناسبات میان‌ذهنی، نه تنها خویش را بازمی‌یابد، بلکه حقوق اجتماعی، سیاسی، و وجودی خود را مطالبه می‌کند—حقوقی که گاه برای تحقق آنها، زندگی خود را در کف می‌نهد. از این رو، حیات انسانی با معنای‌ای درهم‌تنیده است که خویش را بر ساخته، و افق‌های خودآگاهی را می‌گشایند. انسان در جستجوی معنا، استعدادهای نهفته خویش را کشف می‌کند، جایگاه خود را در نسبت با دیگری بازتعریف می‌نماید، و نقش خود را در ساختار پیچیده اجتماعی ایفا می‌سازد. این فرآیند، مستلزم به رسمیت شناختن اصالت‌های متکثر هویتی است؛ زیرا تنها از رهگذر تفاوت‌هاست که گفتگوی اصیل ممکن می‌گردد.

اگر قرار باشد که همگان به یک شیوه بیندیشند، به شکلی یکدست تعریف شوند و بدون در نظر گرفتن ریشه‌ها، خاستگاه‌ها و خلاقیات‌های خاص خویش در جامعه ادغام شوند، آنگاه چگونه می‌توان جامعه‌ای را متصور شد که در آن اصل انسانیت—به‌مثابه کثرت در وحدت—به رسمیت شناخته شود؟ جامعه‌ی انسانی، در این معنا، صرفاً محصول قراردادهای محاسبات سودمحور نیست، بلکه صحنه‌ی پدیدار شدن انسان به عنوان موجودی در حال شدن، در حال شکوفایی، و در حال معنا دادن به خویشی است. بدینسان، نظریه‌های کلاسیک قرارداد اجتماعی که جامعه را حاصل محاسبه‌ی عقلانی و منفعت‌جویانه‌ی افراد منزوی می‌دانند، در برابر فهمی عمیق‌تر از جامعه قرار می‌گیرند—فهمی که در آن، جامعه بستری برای تحقق هستی‌شناسی انسان به

انسان در سنت فلسفی پساارمانتیک؛ دیدگاهی که از عقلانیت محض فاصله می‌گیرد و هستی انسان را نه در خودبستگی، بلکه در گفتگو، تفاهم، و بودن با دیگری تعریف می‌کند. در این چارچوب، چارلز تیلور فیلسوف کانادایی در نوشتاری بسیار قابل تأمل و جذاب با عنوان «خویش‌تنی گفتگومدار» [iii] به روشنی این دیدگاه را تبیین می‌کند که انسان، پیش از آنکه موجودی مستقل و منزوی باشد، موجودی «قابل گفتگو» است؛ یعنی موجودی که هویت و معنا و مفهوم حیات را از دل گفتگو با دیگری می‌سازد و می‌یابد و این یافتن معنی و افق‌های اجتماعی و سیاسی آنرا تفسیر کرده و خود را نیز در آن بیان می‌کند. به بیان دیگر، «انسان بودن» صرفاً به معنای برخورداری از عقل و منطق نیست، بلکه به این معناست که هویت ما در شبکه‌ای از روابط، در مناسبات میان‌ذهنی، و در بازتاب‌های متقابل با دیگران شکل می‌گیرد. در پردازش این مناسبات و روابط، عقلانیتی قابلیت گفتگو انسان را در مسیر بودن با دیگران هدایت می‌کند.

این نگاه، به نوعی بازنگری در تعریف کلاسیک انسان به عنوان «حیوان ناطق» [iv] است. تیلور و دیگر متفکران پساارمانتیک (همچون گادامر و لویناس) بر این باورند که گفتگو و دیالوگ نه صرفاً یک ابزار ارتباطی، بلکه ساختار بنیادین وجود انسانی است که در حیات اجتماعی و سیاسی با دیگران تعریف شده و تحول و تکامل پیدا می‌کند. ما در خلأ شکل نمی‌گیریم؛ بلکه «خویش‌شتی ما» در بستر زبان، فرهنگ، تجربه‌ی زندگی، و مواجهه با دیگری پدیدار می‌شود. بنابراین وقتی گفته می‌شود «ما همه موجوداتی قابل گفتگو هستیم»، و هرکدام با تفسیر خویش جهان پیرامونی خود را از طریق مناسبات با دیگران می‌سازیم، درواقع این ایده مطرح می‌شود که هر انسان، در ذات خود، نیازمند دیگری است تا خود را بشناسد، معنا ببخشد، و رشد یابد. این نه‌فقط دیدگاهی انسان‌شناختی، بلکه دیدگاهی اخلاقی نیز هست؛ چراکه ما را به مسئولیت‌پذیری، همدلی، و شناخت دیگران فرا می‌خواند. اینگونه مفاهیم پروژه‌ای متفاوت از مفهوم رایج انسان مدرن ارائه می‌دهد که با آزادی، اخلاق، مسئولیت و فضای عمومی اجتماعی همراه است. درواقع، همین انسان در بیان خویش‌شناسی خویش تمایل به گفتگو با هدف شناسایی متقابل تفاوت‌های هویتی دیگران دارد.

در حقیقت، انسان در بنیاد هستی‌شناسانه خود، موجودی خودتفسیرگر است؛ یعنی هستی او نه امری ثابت و ایستا، بلکه فرآیندی زنده و پویا از تفسیر مداوم خویش در بستر ارتباط با دیگری است. انسان نه‌تنها معنای خویش و نیازهای وجودی‌اش را از طریق نوعی گفتگوی عمیق با خویش‌شناسی خویش می‌یابد بلکه از رهگذر دیالوگ و گفتگوی میان‌ذهنی با دیگری، در بازآفرینی پیوسته خویش و روابط اجتماعی نیز مشارکت می‌کند. در نتیجه، می‌توان گفت که انسان همواره در دو سطح و یا دو لایه گفتگو قرار دارد. در سطح اول، از طریق «گفتگوی عمیق با درون»، [v] خویش‌شناسی خویش را می‌یابد، و سپس در سطح اجتماعی و از طریق «گفتگو با دیگران»، [vi] آن «خویش‌شناسی خویش‌یافته‌ی درونی» [vii] را به رشد و تکامل اجتماعی می‌رساند و به آن ابعاد عینی و اجتماعی می‌دهد. به سخن بهتر، در گفتگوی اجتماعی از مرزهای درونی خویش‌شناسی فراتر رفته و شخصیت خود را به عنوان «ساختاری اجتماعی» [viii] در مناسبات با دیگران تاسیس می‌کند. در سطح اول، این ویژگی، بنیاد تمایزهای انسانی را رقم می‌زند؛ چراکه هر خود انسانی، افق معنایی خاص خود را دارد و از این رو، تجربه‌ی زیسته‌ی هر فرد با دیگری متفاوت است. این تفاوت‌ها در مواجهه با دیگری و در بافت اجتماعی از طریق احساس تعلق بروز می‌یابند. احساس

نقش گفتگوی ملی در ترویج آلترناتیو رژیم کنونی و طرح‌های تحول آفرین



● گفتگوهای مردمی که در دل زندگی روزمره شکل می‌گیرند، ابزاری قدرتمند برای جهت دادن به افکار عمومی و تقویت روحیه جمعی هستند. هر شهروند، از کارگر و دانشجو تا کاسب و معلم، می‌تواند با به‌اشتراک‌گذاری ایده‌های خود، دیگران را به مشارکت در این حرکت ملی ترغیب کند. این گفتگوها، با تکیه بر منطق و امید، نه تنها به رفع ابهامات درباره آینده کمک می‌کنند، بلکه شکاف‌های اجتماعی را کاهش داده و وحدت ملی را تقویت می‌کنند.

● «پروژه شکوفایی ایران» که در سال ۱۴۰۴ با حضور شاهزاده رضا پهلوی و شاهدخت نور پهلوی در واشنگتن رونمایی شد، طرحی جامع برای بازسازی اقتصادی و اجتماعی کشور است. این ابتکار که توسط «اتحادیه ملی برای دموکراسی در ایران» (نوفدی) طراحی شده، بر جذب سرمایه‌گذاری خارجی، ایجاد فرصت‌های شغلی گسترده و توسعه پایدار تمرکز دارد.

● وظیفه هر ایرانی است که با احساس مسئولیت ملی، در هر فرصت و مکان، از تصویر روشن آینده ایران آزاد سخن بگوید و به رفع ابهامات کمک کند. این اقدامات، هرچند ساده به نظر آیند، اما پایه‌های تحولی عظیم را پی‌ریزی می‌کنند.

سیاوش پندار - ایران در مقطعی سرنوشت‌ساز قرار دارد؛ جایی که ناکارآمدی رژیم کنونی، فساد نهادینه و ناتوانی در پاسخ به حقوق و خواست‌های ملت، آن را به آستانه فروپاشی رسانده است. در این شرایط، وظیفه‌ای خطیر بر عهده هر ایرانی است تا با آگاهی و تعهد، زمینه‌ساز تحولی بنیادین شود. گفتگوهای عمومی در فضاهای روزمره، از وسایل حمل و نقل عمومی تا محیط‌های کاری و تجاری، بستری بی‌نظیر برای آگاهی بخشیدن و ایجاد همبستگی فراهم می‌کنند. این ارتباطات با تمرکز بر آلترناتیو ملی تحت رهبری شاهزاده

نگرش به توانمندی، به عنوان فرآیندی اجتماعی و درون‌زا، بر اهمیت روابط انسانی و ارتباطات فرهنگی در شکل‌گیری هویت و خویش‌تاکید دارد. توانمندی در این چارچوب، نه تنها به عنوان ظرفیت فرد برای عمل آزادانه، بلکه به عنوان فرآیندی تفاهمی و میان‌فرهنگی در نظر گرفته می‌شود که در آن فرد از طریق دیالوگ و یادگیری متقابل از دیگران، هویت و خویش‌تاکید خود را می‌سازد و به عنوان کنشگری فعال در جامعه وارد عمل می‌شود.

یک نتیجه‌گیری ساده

فرضیه‌ای که در این نوشتار مورد واکاوی و راست‌آزمایی قرار گرفته، بر این بنیاد استوار است که شرط اساسی برای رسیدن به همگرایی و تقویت توانمندی‌های جمعی در مسیر دستیابی به ایرانی آزاد و دموکراتیک، تغییر نقطه تمرکز تحلیل از صرفاً استراتژی‌های سیاسی به سوی تأملی ژرف‌تر در باب پیوستی انسان است— انسانی که نه به عنوان موجودی منزوی و خودبنیاد، بلکه به مثابه موجودی «قابل گفتگو» تعریف می‌شود؛ موجودی که هویت و معنای خود را در دل روابط بین‌فردی، ارتباطات معنادار، و گفتگوهای افقی با دیگران می‌یابد. در چنین چشم‌اندازی، گفتگو صرفاً به معنای تبادل نظر یا گفت و شنیدن نیست، بلکه زمینه‌ای هستی‌شناختی است که در آن تفاوت‌ها—چه در تلقی از حیات، چه در تعریف خویش‌تاکید و دیگری— نه تنها به رسمیت شناخته می‌شوند، بلکه بستری شکل‌گیری افق‌های مشترک نیز فراهم می‌گردد. این افق‌های مشترک، نه محصول حذف تفاوت، بلکه حاصل درک متقابل و مشارکت فعال در فرآیند یادگیری میان‌ذهنی هستند؛ فرآیندی که در آن کنشگران اجتماعی، با پذیرش آسیب‌پذیری‌ها، کاستی‌ها، و ناتوانی‌های خویش، امکان رویارویی خلاقانه با چالش‌ها را پیدا می‌کنند.

در نهایت، گفتگو و یادگیری متقابل، نه تنها راهی برای عبور از موانع نظری و عملی پیش رو، بلکه بستری برای ژرف‌تر شدن همبستگی‌های انسانی و گسترش ظرفیت‌های سیاسی و اجتماعی است. این بستر، توانمندی را از سطح ابزاری به سطحی وجودی ارتقاء می‌دهد، جایی که آزادی نه صرفاً به معنای رفع موانع بیرونی، بلکه به مثابه توان زیستن در حقیقت خویش‌تاکید، در پیوند با دیگران، و در افق جهانی معنا تجلی می‌یابد.

در این میان، لازم است اتاق‌های فکر، نهادهای مدنی، و رسانه‌ها، بجای بازتولید اختلافات و هیاهوی سطحی، زمینه‌ساز گفتگوهای عمیق، نقادانه و مشارکتی شوند. چراکه جامعه‌ای که گفتگو و دیالوگ را درونی کرده باشد، در برابر استبداد مصون‌تر، و در دستیابی به آزادی تواناتر خواهد بود.

*دکتر محمود مسائلی استاد بازنشسته روابط و حقوق

بین‌الملل، دانشگاه‌های آتاوا و کارلتون و دبیرکل اندیشکده بین‌المللی نظریه‌های بدیل با مقام مشورتی دائم نزد ملل متحد

[i] Instrumental reason

[ii] Dialogical selves

[iii] Interpretive animals

[iv] Taylor, C. (1991). "The Dialogical Self," in David R. Hiley, James F. Bohman, and Richard Shusterman ed. *The Interpretive Turn: Philosophy, Science, and Culture*. Ithaca: Cornell University Press.

[v] Rational animal

[vi] Intimate dialogue

[vii] Social dialogue

[viii] Attainment of the selfhood

[ix] Social construction of personhood

بلکه ضروری می‌گردد.

چنین فلسفه‌ای که از درون ویژگی‌های پیچیده و درهم‌تنیده مفهوم انسان بودن سرچشمه می‌گیرد، افقی تازه و گشوده را فراوری اندیشه‌های متنوع درباره معنای زندگی می‌کشد— افقی که در آن، امکان یادگیری متقابل، نه به عنوان امری حاشیه‌ای، بلکه به مثابه نیازی وجودی و اخلاقی برای بقاء در جهانی مشترک تلقی می‌شود. در این افق، روابط اجتماعی از صورت‌بندی‌های صرفاً ساختاری یا ابزاری فراتر رفته و با ژرف‌ترین لایه‌های نیازها، ریشه‌ها، و تمای انسانی پیوند می‌خورند؛ و انسان، خویش‌تاکید و هویت خود را نه صرفاً در چارچوب‌های بسته‌ی فرهنگ‌های محلی، بلکه در بستر یک تفاهم و ارتباط جهانی، بازمی‌خواند و بازتعریف می‌کند.

این نگاه، ذهنیت‌های انتقادی را به گفتگویی دعوت می‌کند که صرفاً معطوف به نقد نیست، بلکه برساختی است از درک مشترک، آشنایی‌زدایی از بدیهیات فرهنگی، و گشودن دریچه‌ها به سوی به دیگری. در این گفتگوی فلسفی، اندیشه‌ها فرا می‌گیرند تا نه در ستیز با تفاوت‌ها، بلکه در پذیرش و به‌رسمیت شناختن آنها، چشم‌اندازهایی فراگیرتر بیابند— چشم‌اندازهایی که هویت‌های گوناگون محلی، دغدغه‌های فرهنگی ریشه‌دار، و امکان گشودن راهی به سوی گفتگوهای متکثر زندگی را در بر گیرند.

یادگیری متقابل لازمه توانمندی است

اگر مفهوم توانمندی قرار است در خدمت رشد و تکوین نهضت‌ها و گروه‌های رهایی‌بخش قرار گیرد، تا آنان بتوانند الگوهای بدیل و بایسته‌ای برای مدیریت سیاسی جوامع خویش بر مبنای عدالت، آزادی و کرامت انسانی را دنبال کرده و بنیان نهند، این مسیر مستلزم چیزی فراتر از صرف گفتگوها و چانه‌زنی‌ها برای سازمانیابی است. به دلیل تنوع گفتگوها، دگرگونی ارزش‌ها، و تکثر هویت‌های فردی و جمعی، دستیابی به چنین توانمندی‌ای تنها در بستر فضایی معنادار و گفتگومحور میسر است. فضایی که در آن، گروه‌ها و کنشگران نه صرفاً در برابر یکدیگر، بلکه در رابطه‌ای گفتگومدار، به یادگیری متقابل، شناخت تفاوت، و ساختن عقلانیتی مشترک دست زنند. این عقلانیت، از جنس «خرد فردی» یا «محاسبه ابزاری» [۱] نیست، بلکه نوعی خرد جمعی و در رابطه است؛ عقلانیتی که از درون گفتگو، تجربه‌های زندگی، و شناخت متقابل برمی‌خیزد. در این چشم‌انداز، توانمندی نه صرفاً توان انجام دادن، بلکه ظرفیت درک، تبدیل و معنا دادن به تجربه‌های فردی و جمعی در مسیر ساختن آینده‌ای مشترک است. بنابراین، گذر از پراکندگی به همبستگی، از جزیره‌های هویتی به فضایی برای کنش مشترک، وابسته به ایجاد بسترهای یادگیری میان‌فرهنگی و گفتگو است. یادگیری‌ای که خاستگاه آن نه در سلطه یک روایت بر دیگران، بلکه در امکان همزیستی روایت‌های متکثر در افق‌های معنایی مشترک است.

در پرتو این فلسفه‌سازی توانمندی، این مفهوم به عنوان فرآیندی اجتماعی و درون‌زا می‌آمیزد که در آن بازیگران نقش‌های اجتماعی و سیاسی نه تنها نقش‌های مستقل خود را ایفا می‌کنند، بلکه به عنوان بازیگران— مبارزان راه آزادی— در رابطه و گفتگو با دیگران، معنا می‌یابند. توانمندی در این چارچوب، به عنوان ظرفیتی— خواه فردی و خواه گروهی— برای بیان آزادانه خویش‌تاکید و تحقق آن در روابط اجتماعی و فرهنگی، در نظر گرفته می‌شود. این بیان خویش‌تاکید، نه تنها در سطح فردی، بلکه در سطح گروهی و اجتماعی نیز تحقق می‌یابد و به عنوان فرآیندی تفاهمی و میان‌فرهنگی، به صورت گفتگو و یادگیری متقابل در روابط انسانی ظهور می‌کند. این

وقتی سوگواری جای اعتراض را می‌گیرد؛ انفجار «بندر رجایی» و مدیریت احساسات جمعی در جمهوری اسلامی



«اسکله رجایی»، بندر عباس بعد از انفجار ۶ اردیبهشت ۱۴۰۴

در این سرزمین، فاجعه چیز جدیدی نیست. پلاسکو ریخت، معدن یورت در هم کوبیده شد، متروپل فرو ریخت، هواپیما سقوط کرد، قطار سوخت. هر بار، جنازه‌هایی روی زمین ماند، اما صدایی که باید برخیزد، خاموش ماند. نه از ناتوانی مردم، بلکه از آدرس‌های غلطی که عمداً داده می‌شود. «تسلیت نگفتند»، «پرچم پایین کشیده نشد»، «روبان مشکی نزدند» — یعنی اینها خواست ماست؟! ما فراموش کرده‌ایم که مقصر کیست. قاتل، نباید مرثیه‌خوان شود. اما وقتی جامعه‌ای درگیر نمادسازی‌های بی‌ثمر می‌شود، قدرت، با خیال راحت، مصون می‌ماند. این، تکنیک نظام است: عاطفه را مصرف کن، تا عقل فعال نشود. سوگواری را تقویت کن، تا اعتراض شکل نگیرد. بحث‌های فرعی راه بینداز، تا اصل ماجرا دفن شود.

جمهوری اسلامی در این ماجرا هم، مثل دفعات قبل، موفق شد افکار عمومی را بجای پاسخ خواست از مسئولان بندر، یا پرسش از علل انفجار و قصور امنیتی، درگیر تسلیت و همدردی کند. حتی رسانه‌های خارج کشور هم ناخواسته به این بازی کمک کردند.

اگر امروز سکوت کنیم، فردا دوباره جنازه‌ها تلنبار می‌شوند. فاجعه بعدی فقط زمان می‌خواهد. و باز هم شمع روشن خواهد شد، نه چراغی برای راه؛ بلکه شمع‌ای برای خاکسپاری حافظه‌ی جمعی ما. مسئله این نیست که چرا کسی تسلیت نگفت. مسئله این است که چرا ما هنوز و همچنان تسلیت می‌خواهیم، نه پاسخ!

*مسعود باباپور تحلیلگر و فعال سیاسی

● در این سرزمین، فاجعه چیز جدیدی نیست. پلاسکو ریخت، معدن یورت در هم کوبیده شد، متروپل فرو ریخت، هواپیما سقوط کرد، قطار سوخت. هر بار، جنازه‌هایی روی زمین ماند، اما صدایی که باید برخیزد، خاموش ماند. نه از ناتوانی مردم، بلکه از آدرس‌های غلطی که عمداً داده می‌شود. «تسلیت نگفتند»، «پرچم پایین کشیده نشد»، «روبان مشکی نزدند» — یعنی اینها خواست ماست؟!

● اگر امروز سکوت کنیم، فردا دوباره جنازه‌ها تلنبار می‌شوند. فاجعه بعدی فقط زمان می‌خواهد. و باز هم شمع روشن خواهد شد، نه چراغی برای راه؛ بلکه شمع‌ای برای خاکسپاری حافظه‌ی جمعی ما.

● عاطفه را مصرف کن، تا عقل فعال نشود. سوگواری را تقویت کن، تا اعتراض شکل نگیرد. بحث‌های فرعی راه بینداز، تا اصل ماجرا دفن شود.

مسعود باباپور - در هر کشوری، انفجار یک بندر استراتژیک، با ده‌ها کشته و مجروح، با این وسعت و ابهام، می‌توانست جرقه‌ی یک اعتراض ملی باشد. خشم مردم، خواست شفافیت، پرسش از مسئولان، پیگیری عدالت. اما در ایران امروز، شمع روشن شد. دل‌ها سوخت، اما صداها بلند نشد. و حتی بدتر از آن: مسئله‌ی اصلی گم شد.

بجای فریاد، همه دنبال یک پیام تسلیت گشتند. اینکه چرا خامنه‌ای تسلیت نگفته؟ چرا صداسویسمای جمهوری اسلامی روبان مشکی نزده؟! گویی انتظار داریم از همان کسانی که مسئول اصلی فجایع‌اند، نشانه‌ای از همدردی ببینیم. این فقط سقوط شعور جمعی نیست؛ این حاصل دهه‌ها مهندسی احساسات توسط نظامی‌ست که به خوبی آموخته چگونه خشم را به اندوه، و اعتراض را به اشک تبدیل کند.

➡ رضا پهلوی و طرح‌های تحول‌آفرینی مانند «پروژه شکوفایی ایران» و «طرح‌های صد روزه ققنوس» می‌توانند تردیدها را زدوده و آینده‌ای روشن را برای ایران ترسیم کنند. گفتگوهای مردمی که در دل زندگی روزمره شکل می‌گیرند، ابزاری قدرتمند برای جهت دادن به افکار عمومی و تقویت روحیه جمعی هستند. هر شهروند، از کارگر و دانشجو تا کاسب و معلم، می‌تواند با به‌اشتراک‌گذاری ایده‌های خود، دیگران را به مشارکت در این حرکت ملی ترغیب کند. این گفتگوها، با تکیه بر منطق و امید، نه تنها به رفع ابهامات درباره آینده کمک می‌کنند، بلکه شکاف‌های اجتماعی را کاهش داده و وحدت ملی را تقویت می‌کنند. شاهزاده رضا پهلوی با ارائه چشم‌اندازی مبتنی بر دموکراسی، حاکمیت قانون و احترام به تنوع فرهنگی، به عنوان نماد این حرکت، اعتماد عمومی را به آینده‌ای بهتر جلب کرده است.

«پروژه شکوفایی ایران» که در سال ۱۴۰۴ با حضور شاهزاده رضا پهلوی و شاهدخت نور پهلوی در واشنگتن رونمایی شد، طرحی جامع برای بازسازی اقتصادی و اجتماعی کشور است. این ابتکار که توسط «اتحادیه ملی برای دموکراسی در ایران» (نوفدی) طراحی شده، بر جذب سرمایه‌گذاری خارجی، ایجاد فرصت‌های شغلی گسترده و توسعه پایدار تمرکز دارد. «پروژه شکوفایی» با دعوت از متخصصان و کارآفرینان ایرانی، بستری برای بازگرداندن اعتماد به اقتصاد ملی و تحقق پیشرفت فراهم می‌کند. شرح این طرح در گفتگوهای روزمره، مثلاً در جمع‌های خانوادگی یا محیط‌های کاری، می‌تواند به دیگران نشان دهد که آینده ایران نه تنها دست‌یافتنی، بلکه مملو از فرصت‌های شکوفایی است.

همزمان «طرح‌های صد روزه ققنوس» تدوین‌شده توسط اندیشکده ققنوس ایران، برنامه‌ای دقیق برای مدیریت دوران گذار پس از فروپاشی رژیم ارائه می‌دهد. این طرح‌ها که در کنفرانس ۱۴۰۲ واشنگتن معرفی شده‌اند، شش حوزه کلیدی را پوشش می‌دهند: اقتصاد، سلامت، امنیت، سیاست خارجی، تدارکات و رسانه. برای مثال، در حوزه سلامت، این طرح راهکارهایی برای رفع کمبودهای دارویی و بهبود زیرساخت‌های درمانی پیشنهاد می‌کند. در بخش رسانه، تأسیس رسانه‌ای ملی برای انعکاس صدای مردم و اطلاع‌رسانی شفاف در دوران گذار مطرح شده است.

این طرح‌ها با پشتوانه پژوهش‌های تخصصی و به‌روزرسانی مداوم، ثبات و کارآمدی در دوران حساس گذار را تضمین می‌کنند. هر ایرانی می‌تواند با توضیح این جزئیات در فضاهای عمومی، مانند گفتگو با راننده تاکسی یا همکار، به تبیین برنامه‌ریزی دقیق این حرکت و چشم‌انداز آینده کمک کند. این گفتگوها، فراتر از آگاهی بخشیدن به بازسازی اعتماد جمعی و کاهش تأثیر سال‌ها تفرقه‌افکنی رژیم یاری می‌رسانند. هر مکالمه، هرچند کوتاه، می‌تواند جرقه‌ای برای انگیزه بخشیدن به دیگران باشد و به تدریج، جنبشی فراگیر را شکل دهد. از مترو تا بازار، از جمع‌های دوستانه تا محیط‌های حرفه‌ای، هر فضا فرصتی است برای شرح طرح‌هایی که آینده ایران را تضمین می‌کنند. این تلاش‌ها، با تکیه بر منطق، شفافیت و تعهد به ارزش‌های دموکراتیک، تردیدها را به یقین و پراکندگی را به وحدت تبدیل خواهند کرد.

در نهایت، وظیفه هر ایرانی است که با احساس مسئولیت ملی، در هر فرصت و مکان، از تصویر روشن آینده ایران آزاد سخن بگوید و به رفع ابهامات کمک کند. این اقدامات، هرچند ساده به نظر آیند، اما پایه‌های تحولی عظیم را پی‌ریزی می‌کنند. ایران آینده، با مشارکت آگاهانه و متحد ملت، به کشوری تبدیل خواهد شد که شایسته تاریخ پرافتخار و آرمان‌های بلند خود است: کشوری آزاد، آباد و رو به توسعه.

*سیاوش پندار استاد علوم سیاسی

هشدار نماینده مجلس شورای اسلامی درباره اثر منفی افزایش قیمت دارو بر «امنیت ملی»

تخصیص ارز دارو هنوز از سوی بانک مرکزی آغاز نشده و گفته «بانک مرکزی برای تخصیص ارز منتظر برگزاری جلساتی با دولت بوده است و با برگزاری جلسات از هفته جاری تخصیص ارز برای دارو، تجهیزات و کالاهای اساسی از طرف بانک مرکزی شروع خواهد شد.»

رئیس سازمان غذا و دارو افزوده بود «تا سال گذشته حدود یک میلیارد دلار ارز ۴۲۰۰ تومانی در حوزه تجهیزات پزشکی داشتیم که این یک میلیارد دلار به ارز ۲۸۵۰۰ تومانی تبدیل می‌شود.»

افزایش قیمت دارو با درآمد اکثر جامعه نسبتی ندارد و در نتیجه بسیاری از بیماران به دلیل مشکلات مالی ناچار شده‌اند روند درمان خود را متوقف و یا دوز داروی خود را کاهش دهند!

در همین رابطه وبسایت «تجارت نیوز» ماه گذشته در یک گزارش میدانی درباره وضعیت بیماران مبتلا به سرطان با افزایش قیمت دارو نوشته بود این بیماران با چالشی عمیق و چندوجهی در ارتباط با دسترسی به داروهای مورد نیاز خود مواجه‌اند. کمبود شدید داروهای خارجی، توزیع نامنظم، قیمت‌های بالا، نبود شفافیت در زنجیره تأمین، مشکلات پوشش بیمه‌ای و بی‌اعتمادی به داروهای ساخت داخل، شرایطی بحرانی را برای این بیماران رقم زده است.

«تجارت نیوز» به نقل از بیماران مبتلا به سرطان نوشته بود بارها به داروخانه‌های مختلف ارجاع داده شده‌اند، اما در نهایت با دست خالی بازمی‌گردند.

یکی از بیماران در اینباره به «تجارت نیوز» گفته بود «از صبح تا حالا به هر داروخانه‌ای که امکان داشته داروی مورد نیاز بیمارم را داشته باشد سر زده‌ام. از هلال احمر تا نجات‌اللهی و جردن. هر کدام یک جوابی می‌دهند، یکی مدعی است دارو تمام شده و دیگری می‌گوید هنوز توزیع نشده است. در این شرایط تکلیف بیماران چه می‌شود؟!»

بیمار دیگری درباره نبود داروی خارجی و اجبار به استفاده از داروهای بی‌کیفیت داخلی توضیح داده بود که «دکتر بارها و بارها به ما گفته که داروی ایرانی و حتی نمونه هندی آن اثربخشی چندانی برای درمان بیماران ندارد اما وقتی داروی خارجی نیست چاره دیگری نداریم. اعتراض هم کنیم مسئولان داروخانه می‌گویند بروید از بازار آزاد نمونه خارجی‌اش را بخرید.»

این بیمار افزوده بود «اگر نمونه خارجی در بازار آزاد هست چرا در داروخانه‌ها نیست؟ چرا با اعصاب و روان خانواده‌هایی که بیمار بدحال دارند بازی می‌کنند؟ ما به اندازه کافی زجر می‌کشیم دیگر با نبود دارو و فروش داروی بی‌کیفیت ما را آزار ندهند.»

بیمار دیگری با اعتراض به بحران در زنجیره تأمین و توزیع دارو در ایران گفته بود «اصلاً معلوم نیست این چرخه توزیع دارو دست چه کسانی است! به هر داروخانه‌ای دیگر که دوست دارند دارو می‌دهند و به داروخانه‌ای دیگر نه. یکی می‌گوید دارو تمام شده و دیگری می‌گوید هنوز توزیع نشده است.»

او افزوده بود که «واقعاً چنین هرج و مرجی بازی با جان بیماران است. این داروها را بیماران ما از سر دلخوشی و تفریح مصرف نمی‌کنند، مصرف این داروها یعنی ادامه حیات اما مسئولان اصلاً به این مسئله توجهی ندارند.»



افزایش قیمت دارو، می‌بایست سازمان‌های بیمه‌گر مطلع شده و قیمت‌های جدید در سامانه‌های نرم افزاری آنها ثبت می‌شد؛ اما این اقدام به عمد نادیده گرفته شد. نتیجه این بی‌تدبیری، تحمیل کل هزینه افزایش قیمت داروها بر دوش مردم بود که دقیقاً در تقابل با سیاست‌های کلی سلامت و تأکیدات مقام معظم رهبری مبنی بر «عدم افزایش پرداختی از جیب مردم» قرار دارد.»

این نماینده مجلس شورای اسلامی به فساد جاری در ساختار تولید، تأمین و توزیع دارو اشاره کرده و نوشته «ریشه اصلی این فجایع، ارتباط مالی و مدیریتی مسئولان ارشد سازمان با شرکت‌های دارویی است. بسیاری از این افراد سهامدار، عضو هیئت مدیره، یا مؤسس شرکت‌هایی هستند که از رانت‌های اختصاصی (مانند مجوز واردات، قیمت‌گذاری، یا افزودن دارو به لیست کشوری) بهره‌مند شده‌اند.»

او تأکید کرده که «نمونه بارز این فساد، فوت ۷۲ بیمار دیالیزی به دلیل مصرف داروهای غیراستاندارد شرکت ثامن است که ریاست هیئت مدیره آن برعهده رئیس فعلی سازمان غذا و دارو بوده است!»

وزارت بهداشت دولت پزشکان مدعی اصلاح قیمت دارو است؛ اما بخش عمده این اصلاح قیمت با حذف ارز ترجیحی دارو بوده که از ماه‌ها پیش آغاز و سبب شده شرکت‌های داروسازی مواد اولیه داروهای تولید داخلی، و همچنین داروها و تجهیزات پزشکی وارداتی را با ارز آزاد یا با نرخ ارز بازار ارز تجاری که اختلاف اندکی با قیمت ارز در بازار آزاد دارد وارد کنند.

مهدی پیرصالحی رئیس سازمان غذا و دارو اواخر فروردین‌ماه امسال حذف ارز ترجیحی برای واردات دارو و مواد اولیه را تأیید کرده و گفته بود «بر اساس آنچه تا کنون مصوب شده است، ارز دارو و تجهیزات امسال ۲۸۵۰۰ تومان خواهد شد.»

رئیس سازمان غذا و دارو همچنین تأیید کرده بود که

● علی خضریان عضو کمیسیون اصل نود مجلس شورای اسلامی در نامه‌ای به رئیس این کمیسیون افزایش قیمت دارو را اقدامی «فراقانونی» از سوی سازمان غذا و دارو خوانده و گفته بهانه این افزایش قیمت افزایش نرخ ارز در بازار آزاد است.

● وزارت بهداشت دولت پزشکان ارز ترجیحی دارو را قطع کرده و سبب شده شرکت‌های داروسازی مواد اولیه داروهای تولید داخلی و همچنین داروها و تجهیزات پزشکی وارداتی را با ارز آزاد یا با نرخ ارز در بازار ارز تجاری که اختلاف اندکی با قیمت ارز در بازار آزاد دارد وارد کنند.

● مهدی پیرصالحی رئیس سازمان غذا و دارو اواخر فروردین‌ماه امسال حذف ارز ترجیحی برای واردات دارو و مواد اولیه را تأیید کرد.

● افزایش قیمت دارو با درآمد اکثر جامعه نسبتی ندارد و در نتیجه بسیاری از بیماران به دلیل مشکلات مالی ناچار شده‌اند روند درمان خود را متوقف و یا دوز داروی خود را کاهش دهند!

یک عضو کمیسیون اصل نود مجلس شورای اسلامی با اشاره به افزایش ۶۵۰ درصدی قیمت دارو گفته افزایش قیمت دارو «تأثیر مخرب بر امنیت ملی» دارد و نقض آشکار سیاست‌های کلی نظام است.

علی خضریان عضو کمیسیون اصل نود مجلس شورای اسلامی در نامه‌ای به نصرالله پژمانفر رئیس این کمیسیون افزایش قیمت دارو را اقدامی «فراقانونی» از سوی سازمان غذا و دارو خوانده و گفته بهانه این افزایش قیمت افزایش نرخ ارز در بازار آزاد است.

علی خضریان در این نامه تأکید کرده که افزایش قیمت دارو نه تنها موجب ایجاد مشکل مادی و معنوی برای مردم می‌شود بلکه سبب شکل‌گیری رانت و فساد گسترده در برخی شرکت‌های دارویی و میان سهامداران خواهد شد.

در این نامه آمده که «مسئله دارو یکی از موضوعاتی است که ارکان نظام با حساسیت ویژه آن را رصد می‌کنند و به دلیل نقش بی‌بدیل آن در زندگی مردم، همواره مورد توجه خاص قرار گرفته است. متأسفانه سازمان غذا و دارو در سال ۱۴۰۳، بدون هرگونه تغییر در نرخ ارز اختصاص یافته به این حوزه و تحت فضایی غیرواقعی، به بهانه افزایش نرخ ارز در بازار آزاد (که هیچ ارتباطی با حوزه دارو نداشت)، اقدام به افزایش قیمت دارو به صورت فراقانونی در قالب کمیسیون‌های ظاهراً قانونی نمود.»

در بخش دیگری از نامه آمده که «با وجود ادعای مسئولان مبنی بر «جلوگیری از کمبود دارو» و افزایش قیمت به این بهانه، طبق اعلام خودشان ۴۷۰ قلم دارو با کمبود مواجه شد! اظهارات تکان دهنده مدیر کل داروی سازمان غذا و دارو در یک سخنرانی عمومی که گفته است: «نظام کمبود دارو ایجاد کرد!» اگر داروی ضدسرطان نباشد چه می‌شود؟ بیمار سرطانی می‌میرد و می‌گویند بهتر است یک غرغر کم شود؟! نه تنها بیانگر بی‌تفاوتی نسبت به جان مردم است، بلکه اقدامی آشکار علیه امنیت ملی محسوب می‌شود.»

علی خضریان همچنین تأکید کرده که «پیش از هر گونه

تحریف تاریخ و تداوم تفرقه:

نقش روایت‌های یکجانبه در انشقاق اپوزیسیون جمهوری اسلامی



محمدرضا شاه (ولیعهد) و رضاشاه پهلوی در یک مدرسه دخترانه در مازندران

پهلوی به رهبری محمدرضا شاه، جبهه ملی به رهبری محمد مصدق، و حزب توده با حمایت اتحاد جماهیر شوروی—در رقابتی پیچیده قرار داشتند. حزب توده با سازمان نظامی قدرتمند خود که شامل صدها افسر ارتش بود، تهدیدی بالقوه برای ثبات سیاسی محسوب می‌شد (مأخذ: م. مازیار، ۱۹۹۸). اسناد تاریخی نشان می‌دهند که این حزب آماده بهره‌برداری از هرج و مرج سیاسی برای کسب قدرت بود، به ویژه در شرایطی که دولت مصدق با بحران‌های داخلی و خارجی دست و پنجه نرم می‌کرد (مأخذ: آرشیو امنیت ملی، ۲۰۱۳). مصدق به عنوان رهبر نهضت ملی شدن نفت نیز با چالش‌های متعددی مواجه بود: از یکسو، فشارهای بریتانیا و آمریکا برای حفظ منافع نفتی، و از سوی دیگر، اختلافات داخلی با متحدان مذهبی (مثل آیت‌الله کاشانی) و ناتوانی در مدیریت اقتصاد و امنیت (مأخذ: کاتوزیان، ۱۹۹۰). تصمیمات بحث‌برانگیز او، مانند انحلال مجلس در سال ۱۳۳۱، به بی‌ثباتی دامن زد و زمینه را برای رویداد ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ فراهم کرد. کودتایی که با حمایت آمریکا و بریتانیا انجام شد، اما در حقیقت نتیجه ترکیبی از عوامل خارجی (ترس از نفوذ شوروی) و بحران‌های داخلی بود (گازپوروفسکی، ۱۹۸۷). با این حال، روایت‌های یکجانبه‌ای مانند آنچه آبراهامیان ارائه می‌دهد، و آن را به یک توطئه صرف امپریالیستی تقلیل داده بیشتر مورد توجه محافل چپ‌گرا قرار گرفته، که با مال به تفرقه کنونی در اپوزیسیون بیشتر دامن زده‌اند.

نقد کتاب «ایران بین دو انقلاب»؛ روایت یکجانبه
کتاب «ایران بین دو انقلاب» (آبراهامیان، ۱۹۸۲) به عنوان یکی از منابع مرجع در تاریخ معاصر ایران، تأثیر عمیقی بر درک روشنفکران و فعالان سیاسی از گذشته ایران گذاشته است. با این حال، گرایش چپ‌گرایانه آبراهامیان

انشقاق در صفوف اپوزیسیون، به نقش تاریخ‌نگاری مغرضانه، به ویژه تاریخ‌نگاری چپ‌گرایانه در شکل‌گیری این وضعیت پرداخته می‌شود. همچنین نشان داده خواهد شد که چگونه جمهوری اسلامی آگاهانه این گسست‌ها را تشدید کرده و آن را به یکی از ستون‌های بقای خود تبدیل کرده است.

اپوزیسیون جمهوری اسلامی، از پادشاهی‌خواهان و ملی‌گرایان مصدقی گرفته تا چپ‌گرایان و گروه‌های قومی، دهه‌هاست که در دستیابی به همگرایی و تأثیرگذاری در تحولات سیاسی ناکام مانده است. یکی از ریشه‌های اصلی این انشقاق، ناتوانی در کنار آمدن با تاریخ گذشته ایران است. روایت‌های تاریخی تحریف‌شده، مانند آنچه در کتاب «ایران بین دو انقلاب» نوشته‌ی پرواند آبراهامیان ارائه شده، با یکجانبه‌نگری و ساده‌سازی پیچیدگی‌های تاریخی، به سوء تفاهم‌های عمیقی بین گروه‌های اپوزیسیون دامن زده‌اند. این روایت‌ها نه تنها رژیم پهلوی را سیاه‌نمایی کرده و نقش مخرب حزب توده را برای تأثیرگذاری در فضای روشنفکری آنروز (و امروز) را نادیده می‌گیرند، بلکه تهدیدات واقعی کمونیستی دهه ۱۳۳۰ خورشیدی و ضعف‌های مدیریتی رهبرانی مانند محمد مصدق را نیز کتمان و یا اساساً نفی می‌کنند. نتیجه این تحریف‌ها، تداوم شکاف‌های ایدئولوژیک و مانعی جدی در برابر وحدت اپوزیسیون است. این مقاله با بررسی نقش روایت‌های یکجانبه، مقایسه آنها با منابع متعادل‌تر، و تحلیل تأثیر «زندگی در گذشته» بر اپوزیسیون کنونی، به دنبال ارائه پیشنهادهایی برای گذار از تاریخ و دستیابی به همگرایی است.

زمینه تاریخی: پیچیدگی‌های دهه ۱۳۳۰
دهه ۱۳۳۰-۱۳۲۰ خورشیدی یکی از پرتنش‌ترین دوره‌های تاریخ معاصر ایران بود که در آن سه نیروی اصلی—رژیم

● اپوزیسیون ایران امروز بیش از هر چیز، گرفتار بار تاریخی است که پالوده نشده است. نه جمهوریخواهان مصدقی توانسته‌اند از کلیشه‌های ضدپهلوی خارج شوند، نه چپ‌گرایان از نوستالژی شوروی. تا زمانی که این نگاه‌های تحریف‌شده به تاریخ اصلاح نشود، هیچ اتحاد سیاسی، اخلاقی یا عملی در کار نخواهد بود.

● رژیم با انتشار اطلاعات گمراه‌کننده، فعالیت گسترده و پرهزینه در فضای مجازی و اتهام‌زنی به گروه‌های اپوزیسیون، تلاش می‌کند تا مانع هرگونه همگرایی و اتحاد در صفوف اپوزیسیون گردد.

● بجای مناقشات تاریخی، اپوزیسیون باید بر ارزش‌های مشترکی مانند تمامیت ارضی، سکولاریسم، حقوق بشر، و عدالت اجتماعی تمرکز کند. این ارزش‌ها می‌توانند گروه‌های مختلف—از پادشاهی‌خواهان تا ملی‌گرایان و چپ‌گرایا—را حول یک برنامه مشترک متحد کنند. تجربه جنبش «زن، زندگی، آزادی» نشان داد که تأکید بر خواسته‌های فراگیر می‌تواند حمایت گسترده‌ای جلب کند.

امیر دها - چرا اپوزیسیون جمهوری اسلامی با وجود دهه‌ها تجربه و فرصت، هنوز نتوانسته جبهه‌ای منسجم، قابل اعتماد و مؤثر ایجاد کند؟ در حالی که نارضایتی عمومی از حکومت در حد انفجار است و بحران‌های داخلی در حال تشدید، بدیلی فراگیر و سازمان‌یافته در افق دیده نمی‌شود. این پراکندگی و تشتت مزمن دلایل گوناگونی دارد، اما یکی از عمیق‌ترین آنها که شاید کمتر مورد بحث قرار گرفته، بحران روایت و حافظه تاریخی است. بخش بزرگی از اپوزیسیون، همچنان درگیر برداشت‌های تحریف‌شده و ایدئولوژیک از تاریخ یکصد ساله ایران است؛ برداشت‌هایی که بیشتر بازتاب سلیقه‌های جناحی هستند تا بازخوانی منصفانه واقعیات تاریخی.
در این مقاله، ضمن بررسی ریشه‌های فکری و ساختاری

➡ به یکجانبگی در تحلیل او منجر شده است. او با اختصاص دادن بخش بزرگی از کتابش به حزب توده، این حزب را به عنوان یک نیروی مترقی و با پایگاه مردمی گسترده به تصویر می‌کشد، اما به وابستگی آن به اتحاد جماهیر شوروی، نقش تفرقه‌افکن آن در جبهه ملی، و تهدید سازمان مخفی نظامی‌اش در دهه ۱۳۳۰ هیچ اشاره‌ای ندارد. آبراهامیان حکومت پهلوی را به عنوان یک دیکتاتوری وابسته به غرب محکوم می‌کند و دستاوردهای نوسازی آن — مانند تحولات فرهنگی و اجتماعی، و توسعه زیرساخت‌ها، آموزش همگانی، اصلاحات ارضی، و ارتقای جایگاه ایران در پهنه جهانی — هیچ بروز و جلوه‌ای در کتاب او ندارند و در مقابل کاستی‌ها و ضعف‌های آن رژیم بسیار نمایان و بر جسته هستند. این سیاه‌نمایی با دیدگاه پادشاهی خواهان امروزی، که پهلوی‌ها را نماد پیشرفت و ملی‌گرایی می‌دانند، در تضاد است و به شکاف عمیق بین گروه‌های اپوزیسیون دامن زده است. همچنین، آبراهامیان با تقدیس مصدق و نادیده گرفتن ضعف‌های مدیریتی او — مانند ناتوانی در حفظ ائتلاف با نیروهای مذهبی یا مدیریت اقتصاد — کودتای ۲۸ مرداد را صرفاً به دخالت خارجی نسبت می‌دهد. این روایت، که هم در جمهوری اسلامی ایران و هم در دانشگاه‌های غربی با گرایش چپ مورد استقبال قرار گرفت، به تقویت گفتمان ضد پهلوی و تقدیس مصدق در میان ملی‌گرایان و چپ‌گرایان کمک کرده و مانع از بازنگری انتقادی آنها از تاریخ شده است. خروجی این نگاه ایدئولوژیک به تاریخ همان شد که جریان‌ات چپ، ملی‌گرایان مصدقی و اسلام‌گرایان مرتجع‌ی که از آغاز با سیاست‌های مدرنیزاسیون پهلوی‌ها سر جنگ و ناسازگاری داشتند، با یکدیگر همسو و متحد شدند تا فاجعه انقلاب ۵۷ تحقق پیدا کند.

منابع متعادل‌تر: بازخوانی تاریخ از منظر جامع

برخلاف روایت یکجانبه آبراهامیان، منابع دیگری دیدگاه‌های متعادل‌تری ارائه می‌دهند که می‌توانند به کاهش سوء تفاهم‌های تاریخی کمک کنند. فخرالدین عظیمی (۲۰۰۸) در «تلاش برای دموکراسی در ایران» به نقش مصدق به عنوان یک ملی‌گرا و دموکرات می‌پردازد، اما همزمان ضعف‌های او در مدیریت بحران‌ها و اختلافات با متحدان مذهبی مانند آیت‌الله کاشانی را برجسته می‌کند. عظیمی نشان می‌دهد که کودتای ۲۸ مرداد تنها نتیجه دخالت خارجی نبود، بلکه عوامل داخلی مانند تفرقه در جبهه ملی و نفوذ و تهدید حزب توده نیز نقش داشتند. همایون کاتوزیان (۱۹۹۰) در «مصدق و مبارزه برای قدرت در ایران» ضمن تمجید از آرمان‌های مصدق، به تصمیمات بحث‌برانگیز او — مانند انحلال مجلس شورای ملی و نادیده گرفتن هشدارها درباره بی‌ثباتی اقتصادی — اشاره می‌کند. کاتوزیان همچنین به نقش حزب توده در تضعیف دولت مصدق از طریق تحریک و تفرقه‌افکنی می‌پردازد، که برخلاف روایت آبراهامیان، تهدید این حزب را جدی می‌گیرد. مارک گازیوروفسکی (۱۹۸۷) در مقاله‌ای در *International Journal of Middle East Studies* با استناد به اسناد سازمان سیا، نشان می‌دهد که ترس از یک کودتای کمونیستی توسط حزب توده یکی از انگیزه‌های اصلی آمریکا برای حمایت از کودتای ۲۸ مرداد بود. این تحلیل با اسناد آرشیو امنیت ملی (۲۰۱۳) تأیید می‌شود که جزئیات برنامه‌ریزی‌های سازمان نظامی حزب توده را نشان می‌دهند. برخی منابع با استناد به اسم رمزی که برای عملیات انتخاب شده بود، اساساً کودتای ۲۸ مرداد را نه برای کنار زدن مصدق، بلکه اقدام پیشگیرانه‌ای برای جلوگیری از یک کودتای خونین کمونیستی در ایران می‌دانند. (اسم رمز TP = Tudeh Party بود به معنی

پاکسازی حزب توده؛ TP-Ajax)

خاطرات خلیل ملکی (۱۹۸۱)، از رهبران جبهه ملی، نیز دیدگاه دست‌اولی از تنش‌های داخلی دولت مصدق ارائه می‌دهد. ملکی به نقش تفرقه‌افکن حزب توده و ناکارآمدی‌های مصدق در حفظ وحدت سیاسی اشاره می‌کند و برخلاف آبراهامیان، تهدید کمونیستی را واقعی می‌داند. این منابع، با ارائه یک تصویر چندوجهی از تاریخ، می‌توانند به اپوزیسیون کمک کنند تا از روایت‌های ساده‌انگارانه عبور کرده و به درک مشترکی از گذشته برسند.

زندگی در گذشته اپوزیسیون را فلج کرده است

اپوزیسیون ایران همچنان در سایه تاریخ گذشته زندگی می‌کند، و این وابستگی به گذشته به چند طریق به انشقاق کنونی دامن زده است: بدون بازخوانی منصفانه از تاریخ ایران، هیچ اتحاد ملی یا پروژه دموکراتیکی شکل نخواهد گرفت. اسلام‌گرایان و نیروهای مصدقی باید بپذیرند که بسیاری از اصلاحات دوره پهلوی، در راستای نوسازی ایران و منافع ملی بود. چپ‌گرایان نیز باید گذشته خود را با شجاعت نقد کنند و از تحسین کورکورانه حزب توده و نادیده گرفتن تهدید شوروی دست بردارند. آشتی با تاریخ، نه به معنای تقدیس هیچ دوره‌ای، بلکه به معنای درک پیچیدگی‌ها و پذیرش واقعیات است. باید بتوان پذیرفت که رضاشاه، با همه ضعف‌هایش، از کشوری ازهم‌گسیخته و پاره‌پاره و گرفتار فقر و بیماری و ناامنی و خانجانی و زیر سلطه روس و انگلیس، کشوری متحد، و با زیرساخت‌های یک دولت مدرن ساخت. باید بتوان دید که محمدرضا شاه در دهه ۴۰ و ۵۰ دستاوردهای درخشانی داشت که قابل انکار نیست و رشک بسیاری از کشورهای منطقه بود، حتی اگر در شیوه حکومت و مدیریت کشور دچار اشتباه شده باشد.

تحلیل واقع‌گرایانه از وقایعی مانند ۲۸ مرداد نیز ضروری‌ست. نباید با برجسب «کودتا» کل ماجرا را ساده‌سازی کرد. ماجرای که نه با درگیری نظامی گسترده همراه بود، نه با خونریزی، و نه حتی با مقاومت از سوی حزب توده یا مصدق مواجه شد، نیازمند تحلیلی متفاوت از شعارهای مرسوم است. اپوزیسیون ایران امروز بیش از هر چیز، گرفتار بار تاریخی است که پالوده نشده است. نه جمهوریخواهان مصدقی توانسته‌اند از کلیشه‌های ضدپهلوی خارج شوند، نه چپ‌گرایان از نوستالژی شوروی. تا زمانی که این نگاه‌های تحریف‌شده به تاریخ اصلاح نشود، هیچ اتحاد سیاسی، اخلاقی یا عملی در کار نخواهد بود. راه بازسازی مشروعیت اپوزیسیون، از گفت‌وگوی بی‌پرده و صادقانه با تاریخ می‌گذرد. پالایش حافظه تاریخی، عبور از روایت‌های ایدئولوژیک، و تمرین پذیرش چندصدایی، پیش‌نیازهای یک پروژه نجات ملی هستند.

۱. شکاف‌های ایدئولوژیک

روایت‌های یکجانبه‌ای مانند آنچه آبراهامیان ارائه می‌دهد، شکاف‌های عمیقی بین گروه‌های اپوزیسیون ایجاد کرده‌اند. سلطنت‌طلبان، که به رژیم پهلوی به عنوان دوره‌ای از پیشرفت و ثبات نگاه می‌کنند، با ملی‌گرایان مصدقی و چپ‌گرایان، که پهلوی را نماد دیکتاتوری و وابستگی می‌دانند، در تضاد هستند. (عزیزی، ۲۰۲۳). ملی‌گرایان مصدقی تحت تأثیر روایت‌هایی مانند کتاب آبراهامیان، کودتای ۲۸ مرداد را صرفاً خیانت محمدرضا شاه و دخالت خارجی می‌دانند و تهدید حزب توده و نیز ناکارآمدی مصدق در مدیریت چالش‌ها و بحران‌های آن روز را نادیده می‌گیرند. این دیدگاه، همکاری با سلطنت‌طلبان را

برای آنها غیرممکن کرده است. چپ‌گرایان نیز، با ارث بردن میراث فکری حزب توده، به گفتمان ضد امپریالیستی و ضد پهلوی پایبند مانده‌اند و از هرگونه مصالحه با گروه‌های لیبرال یا پادشاهی‌خواه خودداری می‌کنند.

۲. تأثیر بر گفتمان عمومی و آکادمیک

روایت‌های تحریف‌شده در کتاب‌هایی مانند «ایران بین دو انقلاب» در محافل روشنفکری و آکادمیک ایران (جمهوری اسلامی) و غرب ریشه دوانده‌اند. در ایران پس از انقلاب ۵۷، رژیم جمهوری اسلامی با ترویج این کتاب و مشابه آن، به تضعیف اپوزیسیون و سیاه‌نمایی رژیم پهلوی کمک کرده است. در غرب، گرایش‌های چپ‌گرایانه در دانشگاه‌ها طی جنگ سرد باعث شد که تحلیل‌های ضد امپریالیستی آبراهامیان مورد استقبال قرار گیرد (امانت، ۲۰۰۳). این نفوذ باعث شده که نسل‌های جدید فعالان سیاسی و روشنفکران به روایت‌های دوقطبی (مثل مصدق در برابر پهلوی) پایبند بمانند و از بازنگری انتقادی تاریخ خودداری کنند.

۳. دوری از نسل جوان

نسل جوان ایران اما، که با مشکلات اقتصادی، سرکوب سیاسی، و محدودیت‌های اجتماعی دست و پنجه نرم می‌کند، کمتر به مناقشات تاریخی مانند کودتای ۲۸ مرداد یا نقش حزب توده علاقمند است. جنبش‌هایی مانند «زن، زندگی، آزادی» نشان دادند که مردم ایران به دنبال راه حل‌های عملی و ارزش‌های مدرن مانند برابری و آزادی هستند. با این حال، اپوزیسیون (عقب‌تر از توده‌ها) با گیر کردن در اختلافات تاریخی، نتوانسته زبان مشترکی با این نسل پیدا کند. روایت‌های یکجانبه‌ای که پهلوی را تخریب یا مصدق را تقدیس می‌کنند، برای نسلی که به آینده نگاه می‌کند، جذابیت چندانی ندارند. این نسل کارنامه برجای مانده از پهلوی‌ها را در مغایرتی آشکار با ادعاها و تبلیغات تا کنونی مخالفان پهلوی ارزیابی می‌کند.

۴. بهره‌برداری رژیم حاکم

رژیم جمهوری اسلامی بطور فعال از تفرقه اپوزیسیون سود می‌برد و با ترویج روایت‌های تحریف‌شده، به این تفرقه دامن زده است. بازنشر متعدد و گسترده کتاب آبراهامیان در ایران و میدان دادن به روایتگران ضد پهلوی بخشی از این استراتژی است. رژیم همچنین با انتشار اطلاعات گمراه‌کننده، فعالیت گسترده و پرهزینه در فضای مجازی و اتهام‌زنی به گروه‌های اپوزیسیون، تلاش می‌کند تا مانع هرگونه همگرایی و اتحاد در صفوف اپوزیسیون گردد.

راهکارها برای گذار از تاریخ

برای رهایی از سایه تاریخ و دستیابی به همگرایی و تفاهم ذهنی، اپوزیسیون باید اقدامات زیر را در پیش بگیرد:

۱. پذیرش تاریخ‌نگاری بی‌طرف

اپوزیسیون باید برای گذار از دگم‌های تاریخی، بجای روایتگران ایدئولوژیک، از منابع اصلی، از جمله پژوهش‌های مبتنی بر اسناد، مانند اسناد آرشیو امنیت ملی آمریکا (۲۰۱۳) یا خاطرات سیاست‌مداران متعادل و بی‌طرفی مانند خلیل ملکی (۱۹۸۱)، استناد کند و آنها را معیار قضاوت و داوری قرار دهد. پژوهشگران بی‌طرف می‌توانند با بازخوانی تاریخ، و ارائه روایت‌های متعادل از عملکرد مصدق، رویداد ۲۸ مرداد، نقش حزب توده، و کارنامه رژیم پهلوی فضای مناسبی برای همگرایی نیروها فراهم کنند. روایت‌هایی که منعکس‌کننده هم نقاط قوت و هم ضعف‌های



وضعیت بحرانی کمبود آب و برق؛ دستور ویژه پزشکيان نه برای حل یا کاهش مشکل بلکه برای جیره‌بندی در سراسر کشور!



و نیرو جیره‌بندی آب و برق در سراسر کشور را تحت عنوان «تنظیم سهمیه‌های استانی و کنترل مصرف برق و آب» مقرر داشته است. به گزارش رسانه‌های داخلی این دستور پس از آن صادر شده که استاندار کرمان در نامه‌ای به مسعود پزشکيان درباره خسارات خاموشی‌ها به کشاورزی این استان هشدار داده است.

محمدعلی طالبی استاندار کرمان در این نامه «درخواست رعایت عدالت منطقه‌ای در حمایت از کشاورزان کرمانی و جلوگیری از خاموشی‌های آسیب‌زننده به بخش کشاورزی استان» را مطرح کرد و خواستار اتخاذ تدابیر فوری برای پایداری برق و کاهش خاموشی در بخش کشاورزی استان کرمان شد.

محمدصادق معتمدیان استاندار تهران نیز روز گذشته با اشاره به محدودیت شدید منابع آب استان خواستار «مدیریت مصرف» از سوی شهروندان شد.

استاندار تهران در جمع خبرنگاران شهروندان را متهم به مصرف بالای آب کرد و از آنها خواست در شرایط خشکسالی و محدودیت منابع آبی، مدیریت مصرف را جدی بگیرند.

استاندار تهران مدعی شد که «۶۳ درصد از مردم تهران بیش از دو برابر الگوی تعیین‌شده آب مصرف می‌کنند» و افزود «سرنه مصرف آب برای هر نفر در شبانه‌روز ۱۳۰ لیتر تعیین شده، اما در حال حاضر این میزان به بیش از دو برابر رسیده است.»

محمدصادق معتمدیان با تأکید بر شرایط ویژه ناشی از خشکسالی، کاهش بارندگی و گرمای زودرس، گفته «اگر همراهی مردم و مدیریت صحیح مصرف آب نباشد، ناچار به اعمال محدودیت‌های بیشتری خواهیم بود.»

وی همچنین به مشکلات تولید برق اشاره کرد و گفت: «برخی نیروگاه‌های برق‌آبی به دلیل کمبود آب از مدار خارج شده‌اند و نیروگاه‌های دیگر نیز در حال

● مسعود پزشکيان رئیس دولت چهاردهم در دستوری ویژه به دو وزیر کشور و نیرو جیره‌بندی آب و برق در سراسر کشور را تحت عنوان «تنظیم سهمیه‌های استانی و کنترل مصرف برق و آب» مقرر داشته است.

● محمدصادق معتمدیان استاندار تهران با اشاره به محدودیت شدید منابع آب استان، شهروندان را متهم به مصرف بالای آب کرد و از آنها خواست در شرایط خشکسالی و محدودیت منابع آبی، مدیریت مصرف را جدی بگیرند.

● در روزهای گذشته ویدئوهایی از بازارهای کساد به علت قطع برق فروشگاه‌ها، خراب شدن خمیر نانواپی‌ها و دیگر خسارت‌ها به کسب و کارها در شهرهای مختلف ایران منتشر شده است.

● شرکت توزیع نیروی برق تهران بزرگ نیز روز سه‌شنبه ۱۶ اردیبهشت ۱۴۰۴ از آغاز خاموشی‌ها در پایتخت خبر داد. پس از تعطیلات نوروز و طی یک ماه گذشته نیز قطع برق در محله‌های مختلف تهران و مناطق حاشیه شهر آغاز شده بود.

● سخنگوی دولت پزشکيان با ابراز «تأسف» از قطع برق، گفت حل بحران کمبود برق «زمانبر» است و چاره‌ای جز قطع برق وجود ندارد!

کمبود آب و برق در ایران وضعیتی بحرانی را رقم زده است. در این میان، مسعود پزشکيان رئیس دولت چهاردهم نه برای حل و یا کاهش مشکل بلکه برای جیره‌بندی آب و برق در دستوری ویژه به وزرای کشور و نیرو جیره‌بندی آب و برق در سراسر کشور را مقرر داشته است. استاندار تهران نیز با اشاره به محدودیت شدید منابع آب استان خواستار «مدیریت مصرف» از سوی شهروندان شد.

مسعود پزشکيان رئیس دولت چهاردهم شامگاه سه‌شنبه ۱۶ اردیبهشت‌ماه ۱۴۰۴ در دستوری ویژه به دو وزیر کشور

۲. تمرکز بر اهداف مشترک

بجای مناقشات تاریخی، اپوزیسیون باید بر ارزش‌های مشترکی مانند تمامیت ارضی، سکولاریسم، حقوق بشر، و عدالت اجتماعی تمرکز کند. این ارزش‌ها می‌تواند گروه‌های مختلف — از پادشاهی خواهان تا ملی‌گرایان و چپ‌گرایان — را حول یک برنامه مشترک متحد کند. تجربه جنبش «زن، زندگی، آزادی» نشان داد که تأکید بر خواسته‌های فراگیر می‌تواند حمایت گسترده‌ای جلب کند.

۳. گفتگوی بین‌گروهی

برگزاری جلسات گفتگو بین گروه‌های اپوزیسیون، با حضور نمایندگان پادشاهی‌خواهان، ملی‌گرایان، و چپ‌گرایان، می‌تواند به کاهش سوء تفاهم‌ها کمک کند. این گفتگوها باید ضمن محکوم کردن هرگونه توهین و ناسزاگویی از هر سو، با شفافیت و احترام متقابل انجام شوند و از اتهام‌زنی پرهیز کنند.

نتیجه‌گیری

ناتوانی اپوزیسیون ایران در کنار آمدن با تاریخ گذشته، ریشه بسیاری از اختلافات کنونی آن است. روایت‌های یک‌جانبه‌ای مانند آنچه در ایران بین دو انقلاب ارائه شده، با تحریف تاریخ، نقش حزب توده و تهدیدهای آن، و سیاه‌نمایی رژیم پهلوی، به سوء تفاهم‌های عمیقی بین پادشاهی خواهان، ملی‌گرایان مصدقی، و چپ‌گرایان دامن زده‌اند. این روایت‌ها، که در ایران و غرب به دلیل همسویی با گفتمان‌های سیاسی تقویت شده‌اند، اپوزیسیون را در گذشته نگه داشته و از ارتباط با نسل جوان باز داشته‌اند.

برای راهیابی از این دام تاریخی، اپوزیسیون باید تاریخ‌نگاری بی‌طرف را ترویج دهد. بر اهداف مشترک تمرکز کند، گفت‌وگوی بین‌گروهی را تقویت کند، و با نسل جوان ارتباط برقرار کند. گذار از تاریخ گذشته نه تنها برای وحدت اپوزیسیون، بلکه برای جلب اعتماد مردم ایران و ساختن آینده‌ای دموکراتیک ضروری است. تا زمانی که اپوزیسیون در گذشته زندگی کند، رژیم حاکم از تفرقه آن سود خواهد برد و آرمان‌های مردم ایران برای آزادی و عدالت محقق نخواهد شد.

منابع:

- Abrahamian, E. (1982). *Iran Between Two Revolutions*. Princeton University Press.
- Amanat, A. (Ed.). (2003). *Historiography and Ideology in Modern Iranian History*. I.B. Tauris
- Azimi, F. (2008). *The Quest for Democracy in Iran: A Century of Struggle Against Authoritarian Rule*. Harvard University Press
- Azizi, A. (2023). "Iran's Opposition and the Problem of Unity." *Journal of Democracy*, 34(2), 45-58
- Gasiorowski, M. J. (1987). "The 1953 Coup in Iran." *International Journal of Middle East Studies*, 19(3), 261-286
- Katouzian, H. (1990). *Musaddiq and the Struggle for Power in Iran*. I.B. Tauris
- Knapp, W. L. (Ed.). (1977). *Iran Under the Pahlavis*. Praeger Publishers
- Maziar, M. (1998). *The Tudeh Party of Iran: A Political History*. University Press of Florida
- Maleki, K. (1981). *Khaterat-e Siyasi [Political Memoirs]*. Entesharat-e Elm
- National Security Archive. (2013). *The Battle for Iran: The CIA's Secret 1953 Coup*. George Washington University. Retrieved from <https://nsarchive.gwu.edu>

در مجمع کاردینال‌ها برای انتخاب پاپ جدید، کاتولیک‌های ایران هم نماینده دارند

● چهارشنبه ۱۷ اردیبهشت مجمع عالی کاردینال‌ها برای انتخاب جانشین پاپ فرانسیس اول آغاز به کار کرد. این مجمع تا انتخاب رهبر جدید کلیسای کاتولیک با چهار رای‌گیری در روز به کار خود ادامه خواهد داد.

● برای اولین بار کاردینالی از ایران نیز در این مجمع حاضر است. کاردینال دومینیک ژوزف ماتئو اسقف اعظم تهران و اصفهان اگرچه بلژیکی است ولی کاتولیک‌های ایران را نمایندگی می‌کند.

● مجمع کاردینال‌ها در سال ۱۲۶۸ میلادی به مدت ۱۰۰۶ روز ادامه یافت و در سال ۱۲۷۱ با انتخاب پاپ گریگور دهم به کار خود پایان داد. این طولانی‌ترین مجمع کاردینال‌های تاریخ به شمار می‌رود. کوتاه‌ترین هم در سال ۱۵۰۳ تنها ۳۰ ساعت به طول انجامید.

● پاپ لزوماً نباید کاردینال و یا حتی روحانی باشد. هر مرد بالغی که غسل تعمید شده باشد می‌تواند به عنوان رهبر کلیسای کاتولیک انتخاب شود، اگرچه تا کنون این اتفاق نیفتاده است که یک شهروند غیرروحانی به این مقام برسد.

احمد رأفت - چهارشنبه ۱۷ اردیبهشت مجمع عالی کاردینال‌ها برای انتخاب جانشین پاپ فرانسیس اول آغاز به کار کرد. این مجمع تا انتخاب رهبر جدید کلیسای کاتولیک با چهار رای‌گیری در روز به کار خود ادامه خواهد داد. البته اگر در روزهای نخست نام پاپ جدید از صندوق رای بیرون نیاید، در اولین یکشنبه کاردینال‌ها به مدت ۲۴ ساعت رای‌گیری را قطع خواهند کرد و به نیایش خواهد پرداخت. مجمع کاردینال‌ها در نمازخانه سیستین برگزار می‌شود که در بین سال‌های ۱۴۷۷ تا ۱۴۸۰ در دوران پاپ سیکتوس چهارم ساخته شده است. این نمازخانه همه ساله میزبان چندصد هزار جهانگرد است که برای مشاهده و لذت بردن از نقاشی‌های دیواری و پرده‌های هنرمندان سرشناسی چون میک‌آنژ، بوتیچلی، رافائل و پروچینو چند ساعت برای ورود به آن در صف می‌ایستند.

۲۵۲ کاردینال از پنج قاره در این مجمع حضور دارند، ولی تنها آنهایی که زیر ۸۰ سال سن دارند می‌توانند در رای‌گیری شرکت کنند. در این مجمع ۱۳۵ کاردینال حق رای دارند، ولی دو کاردینال به دلیل بیماری نتوانستند به رم سفر کنند. برای اولین بار، حداقل در ۵۰۰ سال گذشته، کاردینالی از ایران نیز در این مجمع حاضر است. کاردینال دومینیک ژوزف ماتئو اسقف اعظم تهران و اصفهان اگرچه بلژیکی است ولی کاتولیک‌های ایران را نمایندگی می‌کند.

دومینیک ژوزف ماتئو ۶۱ ساله در ژانویه سال ۲۰۲۱ میلادی به سمت اسقف اعظم تهران و اصفهان انتخاب شد و در دسامبر سال گذشته میلادی توسط پاپ

انرژی ایران اعلام کرده بود که امسال با توجه به احتمال از مدار خارج شدن نیروگاه‌های برق آبی به دلیل کمبود آب، احتمالاً ۲۴ هزار مگاوات کسری برق خواهیم داشت.

همانطور که فاطمه مهاجرانی اعلام کرده، وزارت نیرو به دنبال اینست که ۱۰ هزار مگاوات برق از طریق مدیریت مصرف تأمین کند و حدود ۵ هزار مگاوات نیز از طریق نیروگاه‌های تجدیدپذیر و حرارتی به ظرفیت تولید برق افزوده شود. در چنین شرایطی حتی اگر رقم کسری برق ۲۴ هزار مگاوات مطرح شده از سوی حمیدرضا صالحی باشد، باز هم ۱۰ هزار مگاوات کسری برق وجود خواهد داشت.

قطع برق روند زندگی شهروندان را به اشکال مختلفی با اختلال روبرو می‌کند و البته به کسب‌وکارهای فعال در سطح شهرها نیز خسارت سنگینی وارد می‌کند.

در روزهای گذشته ویدئوهایی از بازارهای کساد به علت قطع برق فروشگاه‌ها، خراب شدن خمیر نانوبی‌ها و دیگر خسارت‌ها به کسب و کارها در شهرهای مختلف ایران منتشر شده است. همچنین ویدئوهایی از تجمع اعتراضی شهروندان در پی قطع برق منتشر شده است.

در کنار قطع برق اعلام شده یا اعلام نشده در بخش خانگی شهرهای مختلف، برق در بخش کشاورزی و صنعتی نیز جیره‌بندی شده است. قطع مکرر برق بخش‌های مختلف تولید، صنعت و کشاورزی از ابتدای سال و در حالیکه فصل گرم آغاز نشده سبب کاهش سطح تولید و تجارت، و همچنین تشدید رکود تومری در اقتصاد کشور می‌شود.

به گفته علیرضا عباسی نماینده کرج، فردیس و اشتهارد در مجلس شورای اسلامی، خسارت قطع برق به صنعت کشور حداقل هشت میلیارد دلار است.

علی محمودیان مدیر اتحادیه کشوری سوخت‌های جایگزین و خدمات وابسته، خسارت قطع شدن‌های چند سال اخیر برق به صنایع و واحدهای صنفی تا کنون را ۱۱ میلیارد دلار اعلام کرده است.

بر اساس گزارش کمیسیون صنعت اتاق ایران، بخش تولید فلزات پایه از قطع روزانه برق ۹۰۰ میلیارد تومان، بخش شیمی ۹۰۰ میلیارد تومان و بخش معادن غیرفلزی نیز روزانه ۶۶۰ میلیارد تومان خسارت می‌بینند. همچنین رشته فعالیت تعمیر و نصب ماشین‌آلات که کمترین میزان آسیب را از قطع روزانه برق می‌بیند، روزانه ۴۲ میلیارد تومان خسارت متحمل خواهد شد!

قاسم پیشه ور عضو اتاق اصناف کشاورزی نیز گفته «عمده کشاورزان برای محصولاتشان از آب و انرژی برق و سوخت استفاده می‌کنند که متأسفانه به علت قانون برقی کردن چاه‌های کشاورزی با محدودیت آب و برق مواجه هستند بطوری که روزانه ۵ ساعت برق چاه‌های آنها درست در زمان کشت قطع شد.»

علیقلی ایمانی مدیر عامل بنیاد ملی گندمگاران نیز با بیان اینکه قطعی برق در بخش کشاورزی پذیرفتنی نیست، گفته «قطع ۷ ساعته برق چاه‌های کشاورزی در شبانه روز، مشکلات متعددی ایجاد کرده است و بطور کلی قطع برق حداقل ۳۰ درصد تولید محصولات را کاهش می‌دهد.»

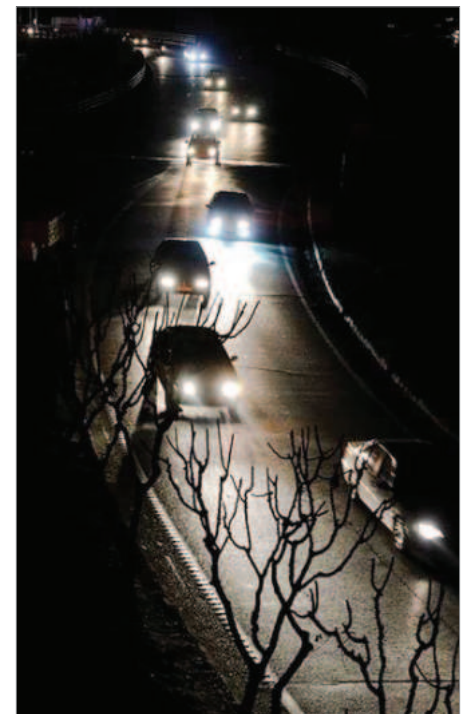
هاشم اورعی کارشناس ارشد حوزه انرژی ماه گذشته اعلام کرد که «ناترازی برق در تابستان حداقل بین ۲۲ تا ۲۴ هزار مگاوات خواهد بود و اگر ۶۵ هزار مگاوات ظرفیت تولید داشته باشیم یعنی نمی‌توانیم بیش از یک‌سوم تقاضای برق کشور را پاسخگو باشیم.»

هاشم اورعی افزوده بود «اگر مذاکرات به نتیجه مثبت هم ختم شود قطعاً برای سال جاری شرایط برق بهبود پیدا نمی‌کند، امور مربوط به احداث نیروگاه و حل مشکل صنعت برق ذاتاً زمان‌بر است.»

➔ نوسازی هستند، که این امر به ناترازی انرژی در کشور دامن زده است.»

استاندار تهران از شهروندان خواست با صرفه‌جویی و رعایت الگوی مصرف، به عبور از این بحران کمک کنند و ابراز امیدواری کرد، با همکاری مردم، شرایط دشوار کنونی مدیریت شود.

شرکت توزیع نیروی برق تهران بزرگ نیز روز سه‌شنبه ۱۶ اردیبهشت ۱۴۰۴ از آغاز خاموشی‌ها در پایتخت خبر داده و نوشته شهروندان می‌توانند با مراجعه به سامانه هوشمند فوریت‌های شرکت توزیع نیروی برق تهران بزرگ با اپلیکیشن «برق من» از برنامه خاموشی محل سکونت و کار خود مطلع شوند. آغاز «رسمی» جیره‌بندی برق در پایتخت در حالی آغاز شده که پس از تعطیلات نوروز و طی یک ماه گذشته نیز قطع برق در محله‌های مختلف تهران و مناطق حاشیه شهر آغاز شده بود. گزارش‌های میدانی از قطع برق یک تا حتی سه ساعته در محله‌های مختلف تهران طی هفته‌های گذشته حکایت دارد.



همزمان با اعلام آغاز «رسمی» جیره‌بندی برق در تهران فاطمه مهاجرانی سخنگوی دولت در واکنش به بازگشت خاموشی‌ها گفت: «متأسفانه ناترازی‌ها واژه‌ای هست که خود دولت هم دوست ندارد آن را استفاده کند ولی ما گریزی از واقعیت نداریم؛ باید واقعیت را پذیرفت.»

سخنگوی دولت پزشکیان با ابراز «تأسف» از قطع برق، گفت حل بحران کمبود برق «زمان‌بر» است و چاره‌ای جز قطع برق وجود ندارد!

فاطمه مهاجرانی در بخش دیگری از توضیحات خود افزود «نیروگاه‌ها و زیرساخت‌های این حوزه دچار آسیب شدند و راهبرد اصلی وزارت نیرو افزایش ظرفیت تولید برق حرارتی، تجدیدپذیر و مدیریت مصرف انرژی است. در راستای افزایش ظرفیت تولید ۵۰۰۰ مگاوات تولید برق حرارتی به مدار اضافه شده است و تلاش داریم ۲۰۰۰ مگاوات در اوج مصرف نیز اضافه شود. بیش از ۶ میلیون کنتور هوشمند برای مشترکان نصب شده که از مشترکان پرمصرف شروع شده است.»

پیش از این حمیدرضا صالحی دبیر کل فدراسیون صادرات

کرده‌اند! ۴۸ ساعت قبل از آغاز این مجمع، برپایه شرط‌بندی‌ها ۶ کاردینال شانس بیشتری برای جانشینی پاپ فرانسیس را دارند. پیترو پارولین ایتالیایی وزیر خارجه کنونی واتیکان که دیپلماتی حرفه‌ای و بسیار میانه‌رو است، یکی از این ۶ نفر است. یک ایتالیایی دیگر که از شانس زیادی برای جانشینی پاپ فرانسیس برخوردار است، ماتئو زپپی رئیس شورای اسقف‌های ایتالیاست. نظرات او از نظرات پاپ قبلی فاصله زیادی ندارند.

پییر باتیستا پیتزابلان نیز اسقف اعظم سرزمین مقدس یا بیت‌المقدس است. او دارای روابط بسیار خوبی هم با یهودیان و هم با مسلمانان است، اگرچه شدیداً مخالف سیاست‌های دولت کنونی اسرائیل است. انتخاب او می‌تواند روابط کلیسای کاتولیک با جهان اسلام را گسترش دهد.

اسقف اعظم فیلیپین، لوئیس آنتونیو تالگه، مهم‌ترین کاندیدای کلیسای کاتولیک از آسیا است. انتخاب این کاردینال فیلیپینی، در حقیقت ادامه سیاست‌های پاپ فرانسیس خواهد بود.

و راه او را ادامه دهد. خورخه ماریو برگولیو نام فرانسیس را برای خود انتخاب کرد که قبلاً هیچ پاپی انتخاب نکرده بود. قدیس فرانسیس فرزند یک خانواده ثروتمند بود که در جوانی روزی لباس‌های گران‌قیمت خود را در مرکز شیر آسپس درآورد و کاملاً برهنه شد و سپس یک گونی بر تن کرد. او با این حرکت اعلام کرد که می‌خواهد از زندگی پر زرق و برق فاصله گرفته و با فقر همدم شود. قدیس فرانسیس خصوصیت دیگری هم غیر از همدمی با فقر داشت و آن توجه بسیار به طبیعت و حیوانات بود و روایت می‌شود که با حیوانات و گل و گیاه صحبت می‌کرد.

پاپ پس از انتخاب نام به ساختمان اصلی واتیکان خواهد رفت و در بالکن معروفی که مُشرف به میدان سن پتر است، پس از آنکه جانشین موقت پاپ قبلی جمله معروف «پاپ داریم» (Habemus Papam) را به لاتین گفت، ظاهر شده و دعای سنتی «شهر و جهان» (Urbe et Orbi) را در مقابل ده‌ها هزار نفری که در میدان حضور دارند و صدها شبکه تلویزیونی و رادیویی که مراسم را پوشش می‌دهند، خواهد

فرانسیس به مقام کاردینالی ارتقاء پیدا کرد. در آستانه برگزاری این مجمع، منابع مطلع در واتیکان گفتند که هنوز تفاهمی درباره جانشین پاپ فرانسیس وجود ندارد.

مجمع کاردینال‌ها در سال ۱۲۶۸ میلادی به مدت ۱۰۰۶ روز ادامه یافت و در سال ۱۲۷۱ با انتخاب پاپ گریگور دهم به کار خود پایان داد. این طولانی‌ترین مجمع کاردینال‌های تاریخ است. کوتاه‌ترین هم در سال ۱۵۰۳ تنها ۳۰ ساعت به طول انجامید و پس از دو بار رای‌گیری جولیو دوم را به عنوان پاپ جدید انتخاب کرد. نام خورخه ماریو برگولیو که پس از انتخاب نام فرانسیس اول را برای خود برگزید تنها پس از ۵ بار رای‌گیری از صندوق بیرون آمد.

پس از هر رای‌گیری، اوراقی که کاردینال‌ها نام کاندیدای خود را در کنار جمله‌ای به لاتین که ترجمه آن می‌شود «انتخاب من برای پاپ اعظم» (Eligio in Summum Pon-tificem) نوشته‌اند در یک بخاری چدنی سوزانده می‌شوند. اگر نامی دو سوم آرا را به دست آورده باشد، این اوراق همراه ماده‌ای سوزانده می‌شوند که دود سفید تولید می‌کند.



آفریقا نیز کاندیدای خود را برای جانشینی پاپ فرانسیس دارد. کاردینال فریدولین آمبونگو بسونگو از جمهوری دموکراتیک کنگو، در صورت انتخاب چهارمین پاپ از قاره آفریقا خواهد بود. البته قبلی‌ها بیش از ۱۵۰۰ سال پیش بر صندلی پتر در واتیکان تکیه زده بودند. فریدولین آمبونگو بسونگو بسیار محافظه‌کار است و بارها از پاپ فرانسیس در رابطه با صحبت‌های او در مورد خانواده، همجنس‌گرایی و نقش زنان در کلیسا انتقاد کرده بود. این کاردینال آفریقائی چون محمود احمدی‌نژاد معتقد است که آفریقا همجنس‌گرا ندارد.

از آمریکا نیز نام دو کاردینال در این روزها بر سر زبان‌ها است: بلیز جوزف کوپچ اسقف اعظم شیکاگو و جوزف ویلیام توبین اسقف اعظم نیوآرک در ایالت نیوجرسی. هر دو از مخالفان سرسخت سیاست‌های مهاجرتی دونالد ترامپ هستند. این دو کاردینال انتشار عکسی از دونالد ترامپ را با تاج و ردای پاپ از سوی کاخ سفید به شدت مورد انتقاد قرار داده و آن را بی‌احترامی به کلیسای کاتولیک و به ویژه شهروندان کاتولیک ایالات متحده خواندند.

خوانند. این مراسم از ۸ قرن پیش بدون هیچ تغییری با همین آئین‌ها برگزار می‌شود. البته پاپ نباید لزوماً کاردینال و یا یک روحانی باشد، بلکه هر مرد بالغی که غسل تعمید شده باشد می‌تواند به عنوان رهبر کلیسای کاتولیک انتخاب شود، اگرچه تا کنون این اتفاق نیفتاده است که یک شهروند غیرروحانی به این مقام برسد.

در تمام مدتی که کاردینال‌ها مشغول انتخاب پاپ جدید هستند، باید در محلی در نزدیکی نمازخانه سیستین به نام «خانه قدیس مارتا» زندگی کنند، حق خروج ندارند و حتی نمی‌توانند با کسی تلفنی صحبت یا از رادیو و تلویزیون استفاده کنند و یا روزنامه بخوانند. در این مدت تنها کسانی که وظیفه خدمات‌رسانی دارند و یا تیم‌های پزشکی، حق ورود به این حل را دارند. نتایج شمارش هر رای‌گیری نیز در پاکت‌های مهر و موم شده راهی آرشیو سِرّی واتیکان می‌شود و تنها پاپ حق دارد اجازه انتشار آنها را بدهد که تا کنون هرگز این اتفاق نیز نیفتاده است.

قابل توجه اینکه در شرکت‌های شرط‌بندی نیز بلافاصله پس از مرگ پاپ فرانسیس در مورد جانشین او شرط‌بندی

دودی که کم و بیش در سراسر شهر رم که واتیکان در قلب آن قرار گرفته دیده می‌شود. در صورتی که هیچ کاندیدایی دو سوم آرا را به دست نیاورد، برای سوزاندن برگه‌ها از ماده دیگری استفاده می‌شود که دود سیاه تولید می‌کند. رای‌گیری کاملاً مخفی است و کاردینال‌ها نباید نام کاندیدای مورد علاقه‌شان را با دست خط همیشگی خود بنویسند که قابل شناسائی باشد. آرا توسط دو نفر در ابتدا کنترل می‌شوند ولی حق اعلام نام‌ها را ندارند. این وظیفه بر عهده شخص سومی است که با صدای بلند نامی را که روی برگه نوشته شده می‌خواند.

فردی که به عنوان رهبر جدید کلیسای کاتولیک انتخاب می‌شود باید بلافاصله لباس خود را عوض کرده و ردای پاپ به تن کند. خیاط واتیکان از قبل این ردا را در چند سایز مختلف تهیه می‌کند که هر کسی به عنوان پاپ انتخاب شد، بتواند آن را بپوشد.

پاپ جدید بلافاصله باید نامی نیز برای خود انتخاب کند. اگر پاپ جدیدی نام یکی از رهبران قدیم را برگزیند، نشان از آن دارد که می‌خواهد کلیسا را بر پایه نظرات او رهبری کند

وقوع چندین زلزله به دلیل خشکسالی شدید در ایران



فعال زمین‌ساختی به گسیختگی نزدیک‌تر می‌کند. حذف آب‌های زیرزمینی، فشار منفذی را در سازندهای سنگی کاهش می‌دهد.»

او تأکید کرده که «این امر تنش نرمال مؤثر بر گسل‌ها را افزایش می‌دهد. افزایش تنش مؤثر معمولاً قفل شدگی در صفحه گسل را افزایش می‌دهد که مانع لغزش می‌شود، اما تغییرات تنش ناشی از تخلیه بار بطور بالقوه باعث افزایش لغزش در محیط‌های زمین‌ساختی خاص به ویژه گسل‌های کششی می‌شود. استخراج طولانی مدت می‌تواند سفره‌های آب زیرزمینی را فشرده کند و منجر به فرونشست شود. فرونشست تنش را به گسل‌های مجاور، به ویژه در حوضه‌های رسوبی، منتقل می‌کند.»

آمارها نشان می‌دهند در ایران حدود ۷۰ تا ۸۵ درصد از آب مورد نیاز کشور از سفره‌های آب زیرزمینی استخراج می‌شود و سطح آب‌های زیرزمینی در مناطقی مانند تهران، اصفهان و مشهد حدود ۲ متر در سال کاهش می‌یابد.

استخراج بیش از حد باعث فرونشست شده به عنوان مثال، حوضه تهران حدود ۲۵ تا ۳۰ سانتی‌متر در سال که در سال‌های اخیر این میزان نشست در داخل مناطق جنوب غربی تهران نیز مشاهده می‌شود. سازمان نقشه‌برداری اسفند ۱۴۰۳ در اطلاعیه‌ای اعلام کرد که در ابتدای سال ۱۴۰۳، نرخ فرونشست زمین در منطقه ۱۸ شهرداری تهران ۱۷ سانتیمتر در سال بود اما هم‌اکنون این نرخ به ۳۱ سانتیمتر رسیده که سرعت بی‌سابقه‌ای محسوب می‌شود.

جمهوری اسلامی نه تنها طی چهار دهه سوء مدیریت و ناکارآمدی، منابع آبی کشور را هدر داده و خشکسالی در ایران را تشدید کرده که اکنون در بحرانی‌ترین شرایط وضعیت منابع آبی برخی از مقامات انگشت اتهام را «فقط» به سوی

کرمان، یزد، کرمانشاه، بوشهر، سمنان، خراسان شمالی، گلستان، لرستان، فارس و هرمزگان رخ داد. همه این زلزله‌ها به بزرگی ۳/۵ تا ۲/۴ ریشتر گزارش شدند.

ثبت این تعداد زلزله در ایران فقط طی یک هفته از سوی مهدی زارع زلزله‌شناس مورد بررسی قرار گرفته است. این استاد زلزله‌شناسی توضیح داده که کاهش سطح آب‌های زیرزمینی، فرونشست زمین و تغییرات تنش می‌تواند گسل‌های خاموش را بیدار کند و موجب زلزله‌هایی هرچند کوچک اما هشداردهنده شود؛ زلزله‌هایی که در صورت بی‌توجهی به بحران آب، شاید به فاجعه‌های بزرگتر بدل شوند!

مهدی زارع گفته که «خشکسالی‌ها می‌توانند بطور غیرمستقیم از طریق فعالیت‌های انسانی، به ویژه استخراج بیش از حد آب‌های زیرزمینی که شرایط زیرسطحی را تغییر می‌دهد، بر لرزه‌خیزی زلزله تأثیر بگذارند. خود خشکسالی‌ها مستقیماً باعث زلزله نمی‌شوند، واکنش‌های انسان به خشکسالی - به ویژه استخراج بیش از حد آب‌های زیرزمینی - می‌تواند تنش‌های زیرسطحی و فشارهای منفذی را تغییر دهد. این تغییرات ممکن است باعث لرزه‌خیزی در مناطقی با گسل‌های با تنش بحرانی شوند که نشان‌دهنده تعامل بین فعالیت‌های انسانی و فرآیندهای زمین‌شناختی است.»

به گفته مهدی زارع «در جریان خشکسالی، افزایش پمپاژ آب‌های زیرزمینی، جرم قابل توجهی از آب را حذف می‌کند و بار روی پوسته زمین را کاهش می‌دهد. این تخلیه باعث می‌شود پوسته بطور الاستیکی به حالت اولیه خود بازگردد و به‌طور بالقوه توزیع تنش در زیرسطح زمین را تغییر دهد. بازگشت پوسته زمین می‌تواند تنش‌های کششی یا برشی ایجاد کند که گسل‌های از پیش موجود را به ویژه در مناطق

● مهدی زارع زلزله‌شناس توضیح داده که کاهش سطح آب‌های زیرزمینی، فرونشست زمین و تغییرات تنش می‌تواند گسل‌های خاموش را بیدار کند و موجب زلزله‌هایی هرچند کوچک اما هشداردهنده شود.

● آمارها نشان می‌دهند در ایران حدود ۷۰ تا ۸۵ درصد از آب مورد نیاز کشور از سفره‌های آب زیرزمینی استخراج می‌شود و سطح آب‌های زیرزمینی در مناطقی مانند تهران، اصفهان و مشهد حدود ۲ متر در سال کاهش می‌یابد.

● در ابتدای سال ۱۴۰۳، نرخ فرونشست زمین در منطقه ۱۸ شهرداری تهران ۱۷ سانتیمتر در سال بود اما هم‌اکنون این نرخ به ۳۱ سانتیمتر رسیده که سرعت بی‌سابقه‌ای محسوب می‌شود.

در هفته‌ای که گذشت چندین زلزله در ۱۳ استان ایران ثبت شد؛ مهدی زارع زلزله‌شناس معتقد است خشکسالی‌های ایران زلزله‌های خاموش را بیدار کرده‌اند!

دومین هفته اردیبهشت‌ماه با آمار بالای زلزله در ایران پایان یافت. به گزارش روزنامه «شرق» روز چهارشنبه ۱۰ اردیبهشت، زمین‌لرزه‌ای با بزرگای ۵ در عمق ۱۰ کیلومتری، حوالی رشت‌خوار در استان خراسان «رضوی» را لرزاند. این زمین‌لرزه در فاصله ۱۳ کیلومتری رشت‌خوار، ۲۴ کیلومتری دولت‌آباد و ۴۳ کیلومتری تربت حیدریه رخ داد. همچنین یک زلزله دیگر به بزرگی ۲/۵ ریشتر نیز در همین منطقه روی داد.

در بلداجی واقع در استان چهارمحال و بختیاری نیز دو زلزله به بزرگی ۳/۸ و ۲/۸ در عمق ۶ کیلومتری ثبت شد. کانون زلزله بزرگتر در ۱۲ کیلومتری بلداجی، ۱۸ کیلومتری گهرو و ۱۸ کیلومتری گندمان قرار داشت. در هفته گذشته همچنین زمین‌لرزه‌هایی نیز در استان‌های

اجرای بخشی از «قانون حجاب و عفاف» با ارسال پیامک به زنان؛ دولت پزشکیان تلاش می‌کند گردن نگیرد!



در شرایطی که جمهوری اسلامی مدعی شده اجرای «قانون حجاب و عفاف» به دستور شورای عالی امنیت ملی متوقف شده اما ارسال پیامک به زنانی که حجاب اجباری جمهوری اسلامی را رعایت نمی‌کنند در شهرهای مختلف ایران ادامه دارد. حتی در شهر اصفهان پیام‌هایی به پدر، برادر یا همسر زنانی که از پوشش اختیاری استفاده می‌کنند نیز ارسال شده است.

ارسال پیامک‌ها به زنان دارای پوشش اختیاری از شهر اصفهان و قم آغاز شده اما طی هفته‌های گذشته به دیگر شهرها از جمله تهران، تبریز و شیراز رسیده است. بر اساس گزارش‌ها زنان در شهر تهران نیز پیام‌هایی با موضوع رعایت حجاب اسلامی دریافت کرده‌اند. این پیامک‌ها ظاهراً از سوی «ستاد امر به معروف و نهی از منکر استان تهران» ارسال شده است.

روابط عمومی ستاد امر به معروف کشور در گفتگو با روزنامه اینترنتی «فراز» گفته «اجازه دهید به زودی در این مورد اطلاع‌رسانی می‌شود. فعلاً ما از هرگونه اظهار نظری منع شده‌ایم.»

دفتر دبیر و معاونت اجتماعی ستاد امر به معروف استان فارس اما در گفتگو با روزنامه اینترنتی «فراز» با صراحت مسئولیت این اقدام را پذیرفته و گفته «حتماً در یک جلسه با حضور دستگاه‌های مرتبط از جمله نیروی انتظامی، این تصمیم اتخاذ شده ولی لزومی ندارد که چند و چون عمومی شود.»

فاطمه مهاجرانی سخنگوی دولت پزشکیان که طی ماه‌های گذشته نشان داده یکی از برجسته‌ترین مقامات دولت در فراق‌کنی و تکذیب مسائل مختلف است درباره ارسال پیامک‌های حجاب مدعی شده که «بی‌اطلاع هستم اما پیگیری خواهیم کرد!»

● ارسال پیامک‌ها به زنان دارای پوشش اختیاری از شهر اصفهان و قم آغاز شده اما طی هفته‌های گذشته به دیگر شهرها از جمله تهران، تبریز و شیراز رسیده است.

● در مواردی در شهر اصفهان پیامک حجاب به پدران، برادران و همسران زنان دارای پوشش اختیاری ارسال شده است!

● روابط عمومی ستاد امر به معروف کشور در گفتگو با روزنامه اینترنتی «فراز» گفته «اجازه دهید به زودی در این مورد اطلاع‌رسانی می‌شود. فعلاً ما از هرگونه اظهار نظری منع شده‌ایم.»

● وبسایت «تابناک» نوشته «در شرایطی که کشورمان با وجود همه مشکلات و نامایمات، درگیر مذاکرات حساس، مهم و تاریخی با آمریکا است، این چنگ انداختن به وحدت ملی و صدای واحد ایرانی چه معنایی دارد؟»

● فاطمه مهاجرانی سخنگوی دولت پزشکیان درباره ارسال پیامک‌های حجاب مدعی شده که «بی‌اطلاع هستم اما پیگیری خواهیم کرد!»

● مشاور اجتماعی و رئیس مرکز ارتباطات مردمی نهاد ریاست جمهوری: «تنها ناراضی مردم را تشدید می‌کند. ارسال پیامک‌های حجاب، تکرار مسیری است که انتهای آن اعتراضات سال‌های گذشته است، اینبار، احتمالاً شدیدتر.»

● این اصلاح‌طلبان بودند که در دولت محمد خاتمی طرحی را برای تصویب قانونی جهت محدود ساختن زنان در رابطه با پوشش و حضور اجتماعی تصویب کردند: طرح «حجاب و عفاف» که بعدها دولت محمود احمدی‌نژاد ملزم به اجرای آن شد.

➔ «تغییرات اقلیمی» دراز کرده تا عملکرد تباه حکومت را پنهان کنند و البته برخی دیگر از مقامات هم تغییرات اقلیمی را محصول نظام سلطه می‌دانند!

پیمان فلسفی نایب رئیس کمیسیون کشاورزی، آب و منابع طبیعی مجلس شورای اسلامی، فروردین‌ماه در اظهاراتی غیرکارشناسی گفته بود «عباراتی مانند تغییر اقلیم و آب مجازی از اصطلاحاتی است که نظام سلطه برای جلوگیری از رشد اقتصادی و کشاورزی کشورها اختراع کرده است. هر کس بگوید ما آب نداریم، کشور خشک و بی‌آبی هستیم، اقلیم ما اجازه نمی‌دهد، تغییر اقلیم اتفاق افتاده، اینها همش بازی‌هایی است که دشمنان ما برای ما درآورده‌اند و توی دهان ما گذاشته‌اند. و بعضی‌ها هم متأسفانه... یا آب مجازی، آب مجازی چه صیغه‌ای است که درست کرده‌اید؟»

این نماینده مجلس شورای اسلامی دانشگاهیان مدافع این نظریات را به تقلید کورکورانه از دانشمندان غربی و تلاش برای ضربه زدن به استقلال غذایی کشور متهم کرد!

همچنین پنجم اردیبهشت‌ماه امسال خبر دیگری به نقل از این نماینده منتشر شد که مدعی می‌شد عربستان با فناوری پیشرفته در بیابان‌ها به بزرگترین صادرکننده گندم دنیا تبدیل شده است؛ ادعایی که به گفته کارشناسان نه مبنای علمی دارد و نه با آمارها همخوانی دارد.

طی روزهای گذشته در واکنش به سخنان نایب رئیس کمیسیون کشاورزی مجلس شورای اسلامی، جمعی از انجمن‌های علمی-تخصصی بخش کشاورزی، آب و منابع طبیعی کشور، بیانیه‌ای صادر کرده و نوشتند: بر اساس گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس، در ۱۰ سال اخیر میزان بارندگی کشور حدود ۱۱ درصد نسبت به متوسط بلندمدت کاهش یافته و به تبع آن حجم جریان سطحی حدود ۴۴ درصد کاهش داشته است. همین گزارش تأکید دارد که آب تجدیدپذیر کشور از متوسط بلندمدت ۱۳۰ میلیارد مترمکعب به ۸۹ میلیارد مترمکعب رسیده است و دلیل آن را خشکسالی‌ها و تغییر اقلیم می‌دانند. در مقابل، برداشت سالانه آب بیش از ۹۶ میلیارد مترمکعب گزارش شده است. آیا پیام این اعداد روشن نیست؟ علاوه بر این، استاد گروه مهندسی آبیاری دانشگاه شیراز در پژوهشی جدید بر اساس اندازه‌گیری‌های دقیق، معتقد است کسری مخازن آب زیرزمینی ایران نه ۱۵۰ میلیارد مترمکعب، بلکه بیش از دو برابر این عدد است.»

این بیانیه یادآوری کرده در برنامه هفتم توسعه که مصوب همین مجلس است، تکالیفی برای کاهش آب مصرفی بخش کشاورزی به ۶۵ میلیارد مترمکعب، صرفه‌جویی سالانه یک درصد از منابع آب زیرزمینی و کاهش ۲۰ درصدی نرخ فرسایش خاک برای وزارت جهادکشاورزی دیده شده است. همچنین، در بند «ت» ماده ۲۲ برنامه، تکالیفی برای دستگاه‌ها جهت مقابله با تغییر اقلیم تعیین شده است.

نویسندگان بیانیه تأکید کرده‌اند «چگونه می‌توانید با وجود اینهمه گزارش رسمی و مستند درباره وضعیت منابع آب، شوری خاک، دشت‌های ممنوعه، جنگل‌تراشی، فرونشست زمین، افت کیفی مراتع، تغییر کاربری اراضی، موضوعاتی مانند محدودیت آب، خشکی، خشکسالی و تغییر اقلیم را انکار کنید؟»

انجمن‌های علمی کشاورزی افزوده‌اند «در شرایطی که جمهوری اسلامی ایران از سال ۱۹۹۴ به جمع امضاکنندگان کنوانسیون جهانی مقابله با تغییر اقلیم پیوسته، چگونه یکی از دولتمردان ایران می‌تواند تغییر اقلیم را ساختگی بداند؟»

آغاز یک دور باطل دیگر؛ لایحه جدید «حمایت از زنان در برابر خشونت» در یک نظام سراپا خشن!

● دولت پزشکيان به تازگی «لایحه حمایت از زنان در برابر خشونت» را که بیش از یک دهه در مجلس شورای اسلامی معطل مانده به علت «دست بردن در روح لایحه» از مجلس پس گرفت.

● تدوین لایحه‌ای برای حمایت از زنان در برابر خشونت اواخر دهه هشتاد خورشیدی و در دولت محمود احمدی‌نژاد آغاز و در دولت حسن روحانی تکمیل شد اما هیئت دولت به بهانه «ماهیت قضایی» آن را به قوه قضاییه ارجاع داد.

● البته تصویب چنین لایحه‌ای در نظامی که مروج خشونت است و نظام حقوقی آن بر اساس تبعیض و خشونت علیه زنان بنا شده، بیشتر یک طنز تلخ به شمار می‌رود تا یک موضوع جدی!

● آمارها نشان می‌دهد از نیمه فروردین تا کنون ۲۲ زن در شهرهای مختلف ایران توسط مردان خانواده به قتل رسیدند. این آمار شمار قتل‌هایی است که گزارش و خبری شده اما بخشی از این قتل‌ها هیچگاه رسانه‌ای نمی‌شوند.

سخنگوی دولت مسعود پزشکیان از تدوین لایحه‌ای جدید برای حمایت از زنان خبر داده و ابراز امیدواری کرده این لایحه به تصویب مجلس شورای اسلامی برسد. دولت پزشکیان به تازگی «لایحه حمایت از زنان در برابر خشونت» را که بیش از یک دهه در مجلس شورای اسلامی معطل مانده، به علت «دست بردن در روح لایحه» از مجلس پس گرفت.

فاطمه مهاجرانی سخنگوی دولت پزشکیان در گفتگو با خبرگزاری «ایلنا» درباره تعیین تکلیف لایحه «حمایت از زنان در برابر خشونت» گفته «معاونت زنان در این زمینه بطور جدی فعالیت کرده است اما همانطور که خانم بهروز آذرهم مطرح کردند متأسفانه، بررسی این لایحه در مجلس با رویکرد غیرقضایی منجر به تغییرات ماهوی جدی در متن لایحه دولت شد، حتی نام آن نیز تغییر کرد.»

سخنگوی دولت افزوده «موضوع خشونت در آن [لایحه] بسیار کمرنگ شده و از آن ذات اصلی‌اش که حفاظت و حمایت از زنان در برابر خشونت است، دور شد بنابراین از آنجایی که هدف اصلی دولت حفاظت از زنان در برابر خشونت بود و آنچه تصویب شده و مورد بررسی قرار گرفته بود با ذات آن مغایرت داشت، دولت هفته گذشته تصمیم به استرداد این لایحه گرفت.»

فاطمه مهاجرانی همچنین گفته «امیدواریم مجدداً لایحه‌ای که واقعاً بتواند خشونت علیه زنان را کاهش دهد، به تصویب مجلس برسانیم؛ زیرا بسیاری از اوقات افراد به گونه‌ای قربانی خشونت می‌شوند که صدایی از آنها در نمی‌آید و موارد خشونت‌های خانگی، لفظی و

انجام دهد.»

عضو کمیسیون قضایی مجلس شورای اسلامی اما تلاش کردن ارسال پیامک به زنان دارای پوشش اختیاری را توجیه کند: «قانون موسوم به عفاف و حجاب درخصوص مجازات‌ها است که محل ایراد و اشکال بود که در حال حاضر به نوعی متوقف شده است. علی‌الیهال به این صورت نیست که در وضعیت فعلی هر کسی آزاد و مختار م‌آیرید باشد که بخواهد رعایت حجاب را نکند اگر کسی حجاب را رعایت نکند ما درخصوص آن ماده قانونی داریم. درباره قانون اخیر برخی گفتند مجازات‌های معین شده شدید است و درباره این بحث بود که الان اجرای آن ایجاب نمی‌کند اما در هر حال آزاد نیست که هر کسی هر کاری دلش خواست انجام دهد.»

طرح «حمایت از خانواده از طریق ترویج فرهنگ عفاف و حجاب» معروف به طرح «حجاب و عفاف» دو سال و نیم پیش و پس از اعتراضات جنبش ملی ۱۴۰۱ که زنان روسری خود را آتش زدند و با پوشش اختیاری به خیابان‌ها آمدند از سوی قوه قضاییه جمهوری اسلامی تدوین شد. این طرح با تصویب هیئت دولت ابراهیم رئیسی وارد مجلس شورای اسلامی شد.

لایحه حجاب و عفاف حدود یک سال و نیم میان مجلس شورای اسلامی و شورای نگهبان در رفت و آمد بود و در نهایت در تاریخ ۲۳ مهرماه سال گذشته سخنگوی شورای نگهبان از تصویب آن در این شورا خبر داد. با اینهمه بیش از دو ماه دولت مسعود پزشکیان این قانون را ابلاغ نکرد و در نهایت اعلام شد شورای امنیت ملی اجرای این قانون را تا اطلاع بعدی متوقف کرده است.

«قانون حجاب و عفاف» حتی برای دخترچه‌ها از ۹ سالگی جرم‌انگاری کرده و شهروندان را مجازات‌های نقدی و ممنوع‌الخروجی و... روبرو می‌کند. در چنین شرایطی به نظر می‌رسد مقامات دولت پزشکيان تلاش دارند در ابلاغ و اجرای آن نقش ایفا نکنند و هزینه‌های اجتماعی و اعتراضی آن را نپذیرند.

با اینهمه بخشی از این قانون با مصوبه‌ای از سوی مجلس شورای اسلامی به صورت آزمایشی در حال اجرا است و البته دولت مسعود پزشکیان در برابر آن بی‌تفاوت بوده است! از سوی دیگر هراس از اعتراضات در موضع محمدرضا جوادی یگانه، مشاور اجتماعی و رئیس مرکز ارتباطات مردمی نهاد ریاست‌جمهوری درباره ارسال پیامک به زنان نیز دیده می‌شود.

محمدرضا جوادی یگانه در شبکه «ایکس» نوشته «قانونی که برای مردم وضع می‌شود، باید با رضایت اکثریت آنها باشد. تکرار چندباره یک شیوه اشتباه، در حالی که اکثریت مردم با آن مخالف هستند، تنها نارضایتی مردم را تشدید می‌کند. ارسال پیامک‌های حجاب، تکرار مسیری است که انتهای آن اعتراضات سال‌های گذشته است، اینبار، احتمالاً شدیدتر.»

آذر منصوری رئیس جبهه اصلاحات جمهوری اسلامی نیز در شبکه «ایکس» نوشته «حق انتخاب سبک زندگی شهروندان ایران را به رسمیت بشناسید و دست از این اصرار مکرر بردارید. سال‌ها پافشاری بر این رویه چه نتایجی در بر داشته که باز هم آن را ادامه می‌دهید؟ این مناقشه ویرانگر را تمام کنید.»

این اظهار نظرها از سوی اصلاح‌طلبان در حالی مطرح می‌شود که خود اصلاح‌طلبان بودند که در دولت محمد خاکی طرحی را برای تصویب قانونی جهت محدود ساختن زنان در رابطه با پوشش و حضور اجتماعی تصویب کردند: «طرح حجاب و عفاف» که بعدها دولت محمود احمدی‌نژاد ملزم به اجرای آن شد.

→ سخنگوی دولت اصلاح‌طلب چهاردهم افزوده «حجاب موضوعی فرهنگی و تربیتی است، با اقدامات سلبی نمی‌توانیم به نتیجه برسیم. دولت قرار نیست مقابل مردم قرار گیرد.»

به نظر می‌رسد دولت مسعود پزشکیان با هر ابزاری از انکار و ابراز بی‌اطلاعی تلاش دارد سهمی از این اقدام سرکوبگرانه علیه زنان ایران را به عهده نگیرد.

مهدی طباطبایی معاون ارتباطات و اطلاع‌رسانی دفتر مسعود پزشکیان در واکنش به برخی خبرها مبنی بر نظر مساعد پزشکیان نسبت به ارسال پیامک‌های حجاب، در شبکه «ایکس» نوشت که «هزینه تکرار تجربه‌های ناموفق و شکست خورده را گردن دولت و رئیس‌جمهور انداختن نادرست و غیراخلاقی است. اشتباه نکنید.»

این در حالیست که مسعود پزشکیان چه پیش و چه پس از حضور در نقش رئیس دولت از حجاب اجباری دفاع کرده بود.

از سوی دیگر دولت به عنوان نهاد اجرایی جمهوری اسلامی، و همچنین مسئول اجرای «قانون حجاب و عفاف» اگر هم در ارسال پیامک و دیگر اقدامات سرکوبگرانه علیه زنان دارای پوشش اختیاری نقشی ندارد باید دست‌کم از نهاد مجری این اقدامات اطلاع داشته و به مردم توضیحاتی دقیق بدهد نه اینکه با فرافکنی، صرفاً موضوع را گردن نگیرد!

انتقادات به ارسال پیامک به زنان دارای پوشش اختیاری البته فقط مختص دولتی‌ها نیست؛ فرید موسوی نماینده مجلس شورای اسلامی در واکنش ارسال پیامک حجاب به شهروندان گفته «این پیامک‌ها در شرایطی به مردم ارسال شده است که برای پرداخت اجاره‌خانه، هزینه درمان و شهریه مدرسه فرزندان‌شان اضطراب دارند. این اتفاقات بیش از تقویت نظم اجتماعی، حس بی‌پناهی و بی‌عدالتی را تشدید می‌کند.»

این نماینده مجلس شورای اسلامی با تأکید بر اینکه «بیش از تقویت نظم اجتماعی، حس بی‌پناهی و بی‌عدالتی را تشدید می‌کند» گفته «هنوز مشخص نیست که دقیقاً کدام مرجع و با چه مجوزی به اطلاعات مردم دسترسی دارد و چنین اظهارهایی را صادر می‌کند. کسانی که متولی ارسال چنین پیامک‌هایی بودند، باید توان درک این موضوع ساده را داشته باشند که وقتی شهروندی نمی‌داند از چه مرجعی اخطار گرفته و چه فرآیندی در انتظار اوست، نه تنها توبیخ نشده، بلکه رها شده است. رها در میانه تصمیماتی سلیقه‌ای، جزیره‌ای و وحدت‌شکنانه.»

وبسایت «تابناک» نزدیک به سردار پاسدار محسن رضایی نیز در یک مطلب نوشته «چه شده است که دقیقاً در این روزهای حساس که باید صدای واحدی از اتحاد ایرانیان به جهان مخابره شود، ستاد امر به معروف و نهی از منکر به میدان آمده و در «تیراژ میلیونی» پیامک حجاب ارسال می‌کند؟ آیا این اقدام عدول از توافق نانوشته قبلی در حاکمیت نیست؟ چه فایده‌ای دارد و چه هزینه‌هایی؟ قرار است چه اتفاقی بیفتد؟»

«تابناک» افزوده «در شرایطی که کشورمان با وجود همه مشکلات و ناملایمات، درگیر مذاکرات حساس، مهم و تاریخی با آمریکا است، این چنگ انداختن به وحدت ملی و صدای واحد ایرانی چه معنایی دارد؟»

عثمان سالاری عضو کمیسیون حقوقی قضایی مجلس شورای اسلامی نیز مدعی شده که «من نمی‌دانم که این پیامک‌ها توسط چه مرجعی ارسال می‌شود، من قانونگذار هستم و سعی می‌کنم کار خودم را درست

پنجشنبه ۲۸ فروردین ماه ۱۴۰۴ فاطمه سلطانی دختر ۱۸ ساله ساکن «اسلامشهر» توسط پدرش به قتل رسید. پدر فاطمه او را در یک جوی آب و در مقابل چشمان مردم با ۱۴ ضربه چاقو به قتل رساند و گلولی او را برید. گزارش‌ها نشان می‌دهند فاطمه از خیانت پدر به مادرش آگاه شده و این موضوع را افشا کرده بود؛ همین موضوع

حال افزایش بوده است. البته تصویب چنین لایحه‌ای در نظامی که مروج خشونت است و نظام حقوقی آن بر اساس تبعیض و خشونت علیه زنان بنا شده، بیشتر یک طنز تلخ به شمار می‌رود تا یک موضوع جدی! یکی از مهمترین ابعاد خشونت فزاینده علیه زنان، قتل زنان توسط مردان خانواده است؛ پدیده‌ای که با عنوان

انواع دیگر خشونت‌ها بسیار زیاد است.» زهرا بهروز آذر معاون امور زنان و خانواده ریاست جمهوری اسلامی به تازگی از پس گرفتن لایحه «حمایت از زنان در برابر خشونت» از مجلس شورای اسلامی خبر داده و گفته که «اصرار برخی نمایندگان مجلس [شورای اسلامی] این بود که این لایحه نباید به صورت کنونی پیش برود که



سبب رانده شدن فاطمه، مادر و برادرش از خانه شده بود و پدر نیز با کینه از دخترش او را به قتل رساند. فاطمه ناخن‌کار بود و پدر طی یک نقشه از پیش طراحی شده محل کار او را پیدا و مقابل همان ساختمان دخترش را سلاخی کرد!

روز ۲۵ فروردین امسال نیز در گزارش دیگری اعلام شد که در یکی از روستاهای اطراف شهرستان مشگین‌شهر مردی جوان با استفاده از سلاح گرم همسر خود را به قتل رسانده و سپس با شلیک به سمت خود، اقدام به خودکشی کرده است. انگیزه قتل اختلاف خانوادگی اعلام شد.

همان روز خبرگزاری «ایسنا» گزارش داد فرمانده انتظامی خمام از قتل زن ۴۹ ساله به دست فرزندش در این شهرستان خبر داده است. آثار جراحات در سر و صورت مادر نگون‌بخت دیده می‌شد. علت قتل اختلاف مالی و درگیری لفظی بیان شد.

تنها یک روز پس از آن، روزنامه «ایران» گزارش داد مردی به دلیل آنچه خیانت همسرش خوانده، سر او را بریده و سپس خودکشی کرده است. مأموران وقتی رسیدند که فرزند آنها در کنار پیکر بی‌جان مادر گریه می‌کرد.

روز ۲۰ فروردین ماه نیز خبرگزاری «رکنا» خبر داد که مرد جوانی در روستای «امام قیس» شهرستان بروجن بعد از قتل همسر و دختر ۵ ساله‌اش، با شلیک گلوله به زندگی خود پایان داد.

اوایل تابستان سال گذشته روزنامه «اعتقاد» گزارش داده بود که «طی سه ماهه نخست سال‌های ۱۴۰۱، ۱۴۰۲ و ۱۴۰۳ دست کم ۸۵ زن و دختر توسط شوهر، پدر، برادر و... که جزو مردان نزدیک به آنها بوده‌اند، کشته شده‌اند.» همچنین از خرداد ۱۴۰۰ تا پایان خرداد ۱۴۰۲ حداقل ۱۶۵ زن‌گشی در کشور انجام شده است. این آمارها نشان می‌دهد بطور میانگین هر ماه ۱۳ یا ۱۴ زن در ایران توسط مردان خانواده به قتل می‌رسند!

«زن‌گشی» و یا «قتل‌های ناموسی» معروف شده و مرتکبان جنایت یا با مجازات‌های بسیار سبک روبرو می‌شوند و یا اصلاً مجازات نمی‌شوند!

آمارها نشان می‌دهد از نیمه فروردین ماه تا کنون ۲۲ زن در شهرهای مختلف ایران توسط مردان خانواده به قتل رسیدند. این آمار شمار قتل‌هایی است که گزارش و خبری شده اما بخشی از این قتل‌ها هیچگاه رسانه‌ای نمی‌شوند.

در یکی از آخرین موارد گزارش شده، ستاره موسی‌پور ۱۸ ساله از اهالی روستای گوگرد در بخش قطور شهرستان خوی به دست برادر همسرش با شلیک گلوله به قتل رسید.

بر اساس گزارش‌ها، این قتل روز دوشنبه اول اردیبهشت ۱۴۰۴ رخ داد. منابع محلی گفته‌اند ستاره دو سال پیش در حالی که هنوز به سن قانونی نرسیده بود، به اجبار خانواده‌اش به عقد مردی درآمد و از همان ابتدا متحمل خشونت‌های مکرر خانگی شد. دلیل اصلی این خشونت‌ها نیز «بچه‌دار نشدن» او عنوان شده است.

گزارش‌ها افزوده‌اند که او سه روز پیش از به قتل رسیدن، برای نجات جان خود به خانه پدرش پناه برده بود اما خانواده‌اش با فشار و برای «حفظ آبرو» او را مجبور به بازگشت به خانه همسرش کردند. همچنین گزارش شده که قاتل تنها یک روز پس از بازداشت، آزاد شده است؛ به گفته یک منبع آگاه، پدر بزرگ ستاره با اعلام رضایت زمینه آزادی برادر شوهر او را فراهم کرده است.

این روندی است که در بسیاری از قتل‌های «ناموسی» در ایران صورت می‌گیرد. مردی از اعضای خانواده زن را به قتل می‌رساند و با رضایت مردانی که در قوانین جمهوری اسلامی اولیای دم به حساب می‌آیند آزاد شده و یا در نهایت پس از تشکیل دادگاه، مدت کمی زندانی شده و بعد آزاد می‌شوند. این در حالیست که مجازات قتل عمد در قوانین جمهوری اسلامی «قصاص» است!

در قتل تکانه‌دهنده دیگری ساعت حوالی ۹ صبح روز

البته ما هم وظیفه داریم از لایحه دولت صیانت کنیم. این لایحه بین دو قوه و با امضای رؤسای این قوا تهیه شده بود و با این تغییرات دیگر صلاح نیست، پیگیری شود.»

وی افزوده «این اولین بار نیست که مجلس آنچنان در روح یک لایحه دست می‌برد که ماهیت آن را تغییر می‌دهد. لوایحی از این دست به خاطر زیر و رو شدن آنها گاه موجب نقض غرض است و همان بهتر که پس گرفته شود.»

تدوین لایحه‌ای برای حمایت از زنان در برابر خشونت اواخر دهه هشتاد خورشیدی و در دولت محمود احمدی‌نژاد آغاز شد و در سال ۱۳۹۲ در دولت نخست حسن روحانی و در معاونت امور زنان و خانواده آن دولت تکمیل و برای بررسی و تصویب به هیئت دولت ارسال شد. هیئت دولت اصلاح‌طلب حسن روحانی به بهانه «داشتن ماهیت قضایی» این لایحه را رد کرد!

سه سال بعد و در اسفندماه ۱۳۹۵ لایحه اصلاح شده با نام «لایحه حمایت از زنان در برابر خشونت» برای تصویب به هیئت دولت ارسال شد اما بار دیگر دولت آن را دارای «ماهیت قضایی» ارزیابی و به قوه قضاییه ارجاع داد. قوه قضاییه پس از سه سال لایحه را با انجام تغییراتی در محتوا و با عنوان «لایحه حفظ کرامت و حمایت از زنان در برابر خشونت» به دولت فرستاد و دولت نیز لایحه را تصویب و برای تبدیل به قانون شدن به مجلس شورای اسلامی ارائه کرد. اگر چه کلیات لایحه در فروردین ۱۴۰۲ در صحن علنی مجلس شورای اسلامی تصویب شد اما بررسی جزئیات آن در کمیسیون اجتماعی مجلس شورای اسلامی همچنان معطل ماند و البته محتوای لایحه نیز با تغییراتی جدی روبرو شد اما این تغییرات که گاهی برخی مقامات حکومتی درباره آن صحبت می‌کنند علنی نشده است!

در بیش از یک دهه که لایحه‌ای برای حمایت قانونی از زنان در برابر انواع خشونت، از جمله خشونت‌های خانگی، معطل مانده، آمار خشونت علیه زنان بطور روزافزون در

بازگشت تورم سه رقمی به اقتصاد ایران



● در فروردین ماه ۱۴۰۴ از ۵۳ قلم خوراکی منتخب در نقاط شهری، تعداد ۳۰ قلم، درصد تغییر سالانه بالاتر از نرخ تورم نقطه‌ای نقاط شهری کشور، یعنی رقم ۳۸/۵ درصد، داشته‌اند.

● در نخستین ماه سال سیب‌زمینی ۱۹۳ درصد، لوبیا چیتی ۱۶۶ درصد، لیمو ترش ۱۳۶ درصد، لپه ۱۲۶ درصد، لوبیا قرمز ۱۱۲ درصد، بادمجان ۱۰۹ درصد افزایش قیمت داشته‌اند.

● فرشاد مومنی اقتصاددان معتقد است «امکان مشارکت مردم در سرنوشت اقتصادی‌شان و اینکه بتوانند با عزت نفس یک زندگی شرافتمندانه را اداره کنند، را به حداقل رسانده است. به هزار و یک دلیل، این روند چشم‌اندازی جز فروپاشی برای نظم اجتماعی ندارد.»

تورم سه رقمی به اقتصاد ایران بازگشته و کارشناسان هشدار می‌دهند که شیوه مدیریت بازارهای پولی از سوی بانک مرکزی سبب تشدید تورم خواهد شد. بار اصلی افزایش تورم بر دوش خانوارهای کم‌درآمدی است که سال‌هاست با انواع مشکلات معیشتی دست و پنجه نرم می‌کنند.

در فروردین ماه ۱۴۰۴ از ۵۳ قلم خوراکی منتخب در نقاط شهری، تعداد ۳۰ قلم، درصد تغییر سالانه بالاتر از نرخ تورم نقطه‌ای نقاط شهری کشور، یعنی رقم ۳۸/۵ درصد، داشته‌اند. از سوی دیگر افزایش نرخ تورم ماهانه در فروردین امسال رکورد ۱۷ ماه گذشته را شکست و در همین حال تورم نقطه به نقطه در برخی اقلام خوراکی بیش از صد درصد بود. تورم نقطه به نقطه به معنای افزایش قیمت‌ها در فروردین امسال در مقایسه با فروردین سال گذشته است.

بر اساس گزارش مرکز آمار ایران تورم نقطه به نقطه برای سیب‌زمینی ۱۹۳ درصد، لوبیا چیتی ۱۶۶ درصد، لیمو ترش ۱۳۶ درصد، لپه ۱۲۶ درصد، لوبیا قرمز ۱۱۲ درصد و بادمجان ۱۰۹ درصد بوده است.

علی سعدوندی اقتصاددان درباره بازگشت تورم سه رقمی به اقتصاد ایران گفته «بازگشت نرخ تورم سه رقمی قابل پیش‌بینی بود. سیاست‌های بانک مرکزی در کنترل تورم، سیاست‌های موقتی هستند. توصیه‌هایی در علم اقتصاد برای کنترل تورم وجود دارد که بانک مرکزی در ۵۰ سال گذشته به این توصیه‌ها عمل نکرده و همچنان نیز عمل نمی‌کند.»

این اقتصاددان تأکید کرده که «از ابتدای سال ۱۳۹۷ تا الان، سه بار این موج تکرار شده است. یعنی نرخ تورم افزایش پیدا کرده، به قله‌ای رسیده، بعد کاهش پیدا کرده، افراد و مردم امیدوار شده‌اند، اما دوباره نرخ تورم شروع به افزایش کرده و قله جدیدی زده که از قله قبلی بالاتر بوده است.»

علی سعدوندی همچنین گفته «ظاهراً بانک مرکزی و دولت محترم بنا ندارند چاره‌ای بیاندیشند. بنابراین، این راهکارها موقتی هستند و به نظر من موج جدید تورمی در راه است.»

او در پاسخ به پرسشی درباره دلایل نوسانات شدید قیمت‌ها در کالاهای تولید داخل گفت: «وقتی کالای خارجی وارد می‌کنید، تولیدکننده داخلی را شکست می‌دهید. همین واردات خارجی موجب تورم طرف عرضه هم خواهد شد. عرضه با مشکل مواجه می‌شود آن هم به خاطر واردات سوبسیدی، به خاطر ارزپاشی و پرداخت سوبسید روی واردات کالای خارجی که تحت عنوان بیماری هلندی شناخته می‌شود. بیماری هلندی فقط این نیست که

مدیریت صحیح سیاست‌های پولی و مالی ناکام مانده‌اند. این کشورها معمولاً به درآمدهای یک‌محصولی، نظیر نفت، وابستگی شدیدی دارند که آن نیز خود عامل بی‌ثباتی است.»

اینهمه در حالیست که افزایش هر یک درصد تورم در اقتصاد کشور از یکسو تولید در ساختاری معیوب کنونی را زیر فشار قرار خواهد داد و از سوی دیگر سرفه‌های مردم را به شدت تحت تأثیر قرار می‌دهد.

سرخنگوی اتحادیه بنکداران مواد غذایی تهران روز پنجشنبه ۱۱ اردیبهشت با تأیید این خبر که قیمت لوبیاچیتی، یکی از پرمصرف‌ترین حبوبات در سفره ایرانی، از کیلویی ۵۰۰ هزار تومان هم بالاتر رفته و از افزایش ۲۰۰ درصدی قیمت این کالای اساسی طی حدود دو ماه اخیر خبر داد و گفت در حالی که لوبیا چیتی باید حداکثر با قیمت کیلویی ۲۰۰ هزار تومان در اختیار مصرف‌کننده قرار بگیرد، اما با به وجود «حباب اقتصادی» تحت تأثیر تغییر الگوی ارزهای حمایتی و نوسان‌های قیمت ارز، کنترل قیمت انواع حبوبات از توان دولت خارج شده است.

فرشاد مومنی اقتصاددان و استاد دانشگاه نیز در سخنانی هشدار داده که بخش زیادی از مردم امکان داشتن زندگی شرافتمندانه را ندارند.

او گفته «ما یک جامعه شوک زده هستیم که این شوک کل نظم اجتماعی ما را به سمت فلج می‌برد و حیاتی‌ترین و فاجعه‌بارترین وجه این فلج، این است که امکان مشارکت مردم در سرنوشت اقتصادی‌شان و اینکه بتوانند با عزت نفس یک زندگی شرافتمندانه را اداره کنند، را به حداقل رسانده است. به هزار و یک دلیل، این روند چشم‌اندازی جز فروپاشی برای نظم اجتماعی ندارد.»

فرشاد مومنی افزوده «برای اولین بار در گزارش اقتصادی ۱۳۷۳ که سازمان برنامه منتشر کرد، آمده که ما پنج سال شوک نرخ ارز را اجرا کردیم، یافته کلیدی اش این بود که به ازای هر یک واحد درآمدی که حکومت از این طریق به دست می‌آورد، هزینه‌های مصرفی اش ۲/۵ برابر افزایش پیدا می‌کند.»

به تولید داخلی آسیب بزنند، بلکه از مسیر طرف عرضه هم روی تورم تأثیر دارد و تورم را افزایش می‌دهد.»

سعدوندی افزوده که «بخش عمده تورم ما به دلیل کسری بودجه دولت و کسری‌های نظام بانکی است که کوچک‌ترین اصلاحی در سال‌های گذشته در این زمینه صورت نگرفته است. تا وقتی بطور جدی به فکر اصلاح نظام بانکی نباشیم، این وضعیت ادامه پیدا می‌کند.»

این اقتصاددان افزوده «توصیه من این است که رئیس بانک مرکزی دیگر مصاحبه نکند و در شبکه‌های تلویزیونی و رادیویی حضور پیدا نکند، چون ایشان متأسفانه به شدت بی‌اعتبار شده‌اند. وقتی اعلام می‌کنند که نرخ بازار آزاد را قبول ندارم یا نرخ بازار آزاد، نرخ تلگرامی است، این باعث می‌شود اعتبار رئیس بانک مرکزی خدشه‌دار شود. توصیه من این است که سرخنگوی مناسبی پیدا کنند که بتواند افکار عمومی را جلب کند. این در ادبیات کنترل تورم خیلی مهم است و تحت عنوان ارتباطات یا «کامیونیکیشن» شناخته می‌شود.»

علی سعدوندی افزوده «تا وقتی بانک مرکزی بنا نداشته باشد بر نظام بانکی نظارت جدی اعمال کند و با مدیران متخلف برخورد کند، این مشکل هر روز شدیدتر خواهد شد. بودجه دولت هم باید اصلاح شود، اما نه مجلس، نه سازمان برنامه و بودجه، نه وزارت اقتصاد و نه دولت بنای کنترل کسری بودجه، کنترل هزینه‌ها و افزایش درآمدها را ندارند. همه مصمم هستند که این مسیر به سمت ناکجاآباد حرکت کند.»

محمدحسین عادل رئیس کل پیشین بانک مرکزی نیز در اظهاراتی گفته «محدودیت‌های ساختاری که در اقتصاد سیاسی ایران وجود دارد، با نهادهای ضعیف، روابط ژئوپلیتیک متزلزل و فشار سیاست‌های پوپولیستی، همگی موجب تشدید فشارهای تورمی شده‌اند.»

این اقتصاددان افزوده «یکی از این عوامل، دشواری شدید مدیریت سیاست‌های پولی و مالی در محیطی است که تحت تأثیر فشارهای سیاست‌های پوپولیستی قرار دارد. کشورهایی که چنین سیاست‌هایی را دنبال کرده‌اند و دارای ساختارهای متمرکز اقتصادی و سیاسی بوده‌اند، همواره در

ممنوعیت خرید ملک و اتومبیل برای «اتباع غیرقانونی» افغانستان ساکن ایران



● علی اصغر نخعی راد نماینده مجلس شورای اسلامی و عضو کمیسیون امور داخلی کشور و شوراهای گفته «از این پس، اتباع غیرقانونی از اقداماتی نظیر اجاره مغازه، خرید و فروش کالا، خانه و خودرو منع شده‌اند.»

● نخعی راد تأکید کرده «هرگونه معامله با اتباع غیرمجاز نیز با برخورد سختگیرانه قانونی مواجه خواهد شد. مشاغل آنان نیز کاملاً محدود و در چارچوب مشخصی تعریف شده است تا از ورود به حیطه‌های غیرمجاز جلوگیری شود.»

یک نماینده مجلس شورای اسلامی از تازه‌ترین تصمیمات درباره مهاجران غیرقانونی افغانستانی در ایران خبر داده و گفته خرید اتومبیل و مسکن برای این مهاجران تا اطلاع بعدی ممنوع شده است.

علی اصغر نخعی راد نماینده مجلس شورای اسلامی و عضو کمیسیون امور داخلی کشور و شوراهای گفته «از این پس، اتباع غیرقانونی از اقداماتی نظیر اجاره مغازه، خرید و فروش کالا، خانه و خودرو منع شده‌اند.»

او تأکید کرده «هرگونه معامله با اتباع غیرمجاز نیز با برخورد سختگیرانه قانونی مواجه خواهد شد. مشاغل آنان نیز کاملاً محدود و در چارچوب مشخصی تعریف شده است تا از ورود به حیطه‌های غیرمجاز جلوگیری شود.»

این نماینده مجلس شورای اسلامی تأکید کرده «اتباع غیرقانونی که حضورشان برای کشور ضروری نیست، باید بی‌درنگ ایران را ترک کنند. بعلاوه، نوع مشاغل آنها، محل سکونت‌شان و محدوده فعالیت قانونی برای آنها به دقت بررسی و تعیین خواهد شد.»

علی اصغر نخعی راد افزوده «با شناسایی اتباع متخلف، کارت اقامت آنان بی‌درنگ ابطال و فرایند اخراج آنها آغاز می‌شود. همچنین پروژه جامع انسداد مرزهای فیزیکی و الکترونیکی نیز در دستور کار قرار گرفته و پیشرفت‌ها در این زمینه رضایت‌بخش بوده است. انتظار داریم در طول دو سال آینده، این برنامه تکمیل شود و دیگر امکان بازگشت اتباع اخراج شده به کشور وجود نداشته باشد.»

محدودیت‌های جدید علیه اتباع افغانستانی مهاجر، زیرمجموعه طرح ساماندهی وضعیت اتباع خارجی صورت گرفته است. طرحی که به گفته علی اصغر نخعی راد از سال گذشته در کمیسیون شوراهای مجلس شورای اسلامی مورد بررسی قرار گرفت «اما تغییر رویکرد دولت و پس گرفتن لایحه باعث بروز وقفه در فرایند اجرا شد. با این حال، بازگشت دولت به این موضوع با ارسال مجدد بندهای پیشنهادی به مجلس، نوید همکاری بهتر را می‌دهد و امید می‌رود این طرح در نهایت به عنوان قانون قطعی به تأیید برسد.»

این نماینده مجلس شورای اسلامی افزوده «پراکندگی تصمیمات میان نهادهای مختلف مانند وزارت اطلاعات، نیروی انتظامی و قوه قضاییه باعث اختلال در روند مقابله با ورود غیر قانونی اتباع شده است. بر همین اساس، سازمان ملی مهاجرت برای مدیریت متمرکز و تصمیم‌گیری‌های هماهنگ ایجاد خواهد شد.» به گفته نخعی راد، سازمان ملی مهاجرت «کلیه اقدامات مرتبط با هماهنگی خواهد کرد، از جمله پرونده‌های ویزا که پیش از این توسط وزارت امور خارجه به طور مستقل بررسی می‌شد، اما از این پس تحت نظارت سازمان ملی مهاجرت خواهد بود.»

حضور میلیون‌ها مهاجر قانونی و غیرقانونی افغانستانی در ایران پیامدهای مختلفی در حوزه‌های اجتماعی،

به شمار می‌رود اما مقامات حکومتی آمار دقیقی از شمار اتباع افغانستانی ساکن ایران ندارند. بخشی از مهاجران نیز به صورت غیرقانونی از مرزهای میان ایران و افغانستان وارد کشور شده و در آمارهای سازمان‌های مختلف ثبت نشده‌اند.

یک سال پیش داود بیگی‌نژاد نایب رئیس اتحادیه مشاوران املاک تهران با بیان اینکه درخواست اجاره مسکن از سوی افغان‌ها افزایش یافته، گفته بود که محل سکونت افغان‌ها در تهران عمدتاً اغلب در منطقه ۲۰ و همچنین انتهای منطقه ۱۹ بوده و در برخی مناطق از جمله حاشیه شهر جمعیت افغان‌ها بیشتر از جمعیت ایرانی‌ها است.

این در حالیست که به گفته داود بیگی‌نژاد هر نوع قرارداد با اتباع خارجی که غیرقانونی به کشور وارد شده‌اند و مدارک اقامتی در ایران ندارند ممنوع است و «درباره اتباع خارجی که اجازه اقامت دارند، دفتر املاک باید پس از انعقاد قرارداد مدارک و دلایل اجازه اقامت را به اداره اماکن ارائه دهند.»

همزمان در اردیبهشت‌ماه سال گذشته ناصر امانی عضو شورای اسلامی شهر تهران با اعلام نگرانی ساکنان محله «جوادیه» از حضور پرشمار اتباع افغانستانی گفته بود «۶۰ درصد از ساکنان این محلات را اتباع تشکیل می‌دهند. ۱۰ تا ۳۰ درصد دانش‌آموزان مدارس این محله نیز از اتباع هستند.» او همچنین گفته بود سکونت ده‌ها تن از اتباع افغانستانی در یک واحد مسکونی از جمله مسائلی است که ساکنان منطقه جوادیه به آن اعتراض دارند و حتی برخی مدیران مدارس خواستار راه‌اندازی مدارس جداگانه برای دانش‌آموزان افغانستانی شده‌اند.

با اینهمه هنوز سازوکار مشخصی برای ساماندهی مهاجران افغانستانی در ایران وجود ندارد. نبود سازوکار مشخص و قانونی، سبب شده بخش زیادی از شهروندان از وجود این تعداد مهاجر افغانستانی که بدون هیچ نظارتی در محله‌های مختلف ساکن و تعادل در بازار مسکن و بازار کار را به هم ریخته و حتی مشکلاتی اجتماعی بوجود آورده‌اند ناراضی باشند. در آئسو به تازگی برخی از مهاجران افغانستانی نیز معتقدند شرایط عادلانه‌ای از سوی جمهوری اسلامی برای زندگی آنها در ایران ایجاد نشده است!

اقتصادی و فرهنگی به همراه داشته و یکی از این پیامدها تغییراتی است که در بازار مسکن و با بهم خوردن تعادل عرضه و تقاضا رخ داده است.

از سوی دیگر اتباع افغانستانی اقدام به خرید هماهنگ زمین و مسکن در برخی مناطق کرده که جدا از اثرات منفی بر بازار مسکن، از دید برخی کارشناسان می‌تواند در آینده تهدیدهایی امنیتی و مشکلات اجتماعی ایجاد کند.

روزنامه «جمهوری اسلامی» به تازگی در یک مطلب نوشته بود که «مهم‌تر اینکه با توجه به تهدیدهای شدید امنیتی که کشورمان از ناحیه عده‌ای از اتباع افغانی مواجه است این چه سیاست خطرآفرینی است که روزانه چندین هزار ویزای ورود به ایران به این اتباع داده شود؟»

این روزنامه افزوده بود که «در شرایطی مردم ایران با کمبودهای شدید آب، برق، گاز و بعضی دیگر از مایحتاج زندگی مواجهند چه کسی به خود اجازه داده چنین سیاست خائنانه‌ای را در دستور کار قرار دهد و به این کمبودها دامن بزند؟ مهم‌تر اینکه با توجه به تهدیدهای شدید امنیتی که کشورمان از ناحیه عده‌ای از اتباع افغانی مواجه است این چه سیاست خطرآفرینی است که روزانه چندین هزار ویزای ورود به ایران به این اتباع داده شود؟ مگر مسئولین ما نمی‌دانند حداکثر میزان مجاز اتباع بیگانه در هر کشور طبق استاندارد سازمان ملل فقط ۳ درصد است؟ چرا اجازه داده شده میزان اتباع افغانی در ایران بالای ۱۲ درصد یعنی چهار برابر حد مجاز باشد آنهم با اینهمه خطر و تهدید؟»

بنا به اعلام سازمان بین‌المللی مهاجرت، از سال ۲۰۲۰ میلادی تا کنون نزدیک به هشت میلیون شهروند افغانستانی سرزمین خود را ترک کرده‌اند. سازمان بین‌المللی مهاجرت می‌گوید از این میان یک میلیون افغانستانی به کشورهای اروپایی پناه برده و ۸۵ درصد به کشورهای همسایه رفته‌اند. در گزارش این آژانس متعلق به سازمان ملل آمده است که حدود ۷۰ درصد از افغانستانی‌هایی که به ایران مهاجرت می‌کنند، می‌گویند به دلیل نبود فرصت‌های شغلی سرزمین خود را ترک کرده‌اند.

اگرچه ایران یکی از بزرگترین مقاصد مهاجران افغانستانی

افزایش سرسام‌آور هزینه مسکن طی یک سال؛ سرگردانی مستأجران در آغاز فصل جابجایی



● بر اساس اعلام مرکز آمار ایران هزینه‌های مسکن در حد فاصل فروردین ۱۴۰۳ تا فروردین ۱۴۰۴ حدود ۳۷/۶ درصد افزایش پیدا کرد. گزارش‌های میدانی از تورمی بین ۵۰ تا ۱۰۰ درصد در بازار اجاره حکایت دارد.

● دولت در اقدامی «دستوری» رقم رسمی برای افزایش اجاره را ۲۵ درصد اعلام کرده اما بازار مسکن به نرخ‌گذاری دستوری دولت اعتنایی ندارد و بر اساس مؤلفه‌های اقتصادی مسیر خود را پیش می‌رود.

مستأجران در ایران که اکثر آنها از اقشار حقوق‌بگیر هستند طی سال جاری با افزایش قابل توجه هزینه‌های مسکن روبرو شدند. هزینه‌های مسکن از جمله اجاره‌بها و قبض برق و آب و گاز، در حد فاصل فروردین ۱۴۰۳ تا فروردین ۱۴۰۴ حدود ۳۷/۶ درصد افزایش پیدا کرد.

تورم در بازار اجاره‌بهای مسکن بالاتر از تورم عمومی اقتصاد ایران است. نهادهای دولتی میزان تورم در بازار اجاره‌بها را ۴۰ درصد عنوان می‌کنند اما گزارش‌های میدانی حاکی از تورمی بین ۵۰ تا ۱۰۰ درصد در شهرها و محله‌های مختلف است.

مرکز آمار ایران نیز در آستانه فصل جابجایی مستأجران، از افزایش ۳۷/۸ درصدی اجاره خانه درمقایسه با دوره مشابه سال گذشته خبر داده است.

در این میان دولت در اقدامی «دستوری» رقم رسمی برای افزایش اجاره را ۲۵ درصد اعلام کرده اما بازار مسکن به نرخ‌گذاری دستوری دولت اعتنایی ندارد و بر اساس مؤلفه‌های اقتصادی مسیر خود را پیش می‌رود.

وبسایت «فرارو» گزارش داده که اجاره آپارتمان در تهران امسال برای مستاجری که با ۳۰۰ میلیون پول پیش در مرکز شهر دنبال واحد معمولی و دوخواه است، می‌تواند بیش از ۲۰ میلیون تومان در ماه هزینه داشته باشد. جدیدترین فایل‌های مسکونی که در املاک‌ها و پلتفرم‌های آنلاین عرضه شده، بخش دیگری از حقایق پیش‌روی مستأجران در آستانه فصل جابجایی به‌شمار می‌رود.

واحدهای دوخواه زیادی در محله‌هایی مثل میدان انقلاب، دانشگاه تهران، میدان فردوسی و میدان ولیعصر و بقیه محله‌های معروف مرکز شهر، در دسترس مستأجران قرار دارند که مالک رقم ودیعه را ۳۰۰ میلیون تومان تعیین کرده و از مستاجر انتظار دارد ماهی ۲۰ تا ۳۵ میلیون تومان اجاره پرداخت کند.

البته با کمی جست‌وجو بیشتر و صرف‌نظر از وجود امکاناتی مثل آسانسور و انباری و پارکینگ، واحدهای اقتصادی‌تر دیگری در همین محله‌ها وجود دارند، اما مستأجران از همین الان باید آماده افزایش اجاره‌بها در سال جدید باشند و محاسباتشان را بر مبنای کرایه‌خانه‌های جدید انجام بدهند.

ارقام مطرح شده فقط مختص مرکز شهر است اما در مناطق غرب و شمال تهران ارقام ودیعه میلیاردی و اجاره چند ده میلیون تومانی برای واحدهای دو خوابه نیز به وفور در آگهی‌ها قابل مشاهده است.

اینهمه در حالیست که اقشار کارگری و دیگر حداقل‌بگیران رقمی بین ۱۲ تا ۱۶ میلیون تومان به عنوان حقوق ماهانه دریافت می‌کنند. بخش زیادی از کارمندان نیز درآمد‌های

زیر ۲۵ میلیون تومان دارند و در چنین شرایطی مشخص نیست چطور قرار است در سال جدید، اجاره مسکن را پرداخت کنند. دولت نیز نه تنها هیچ برنامه‌ای برای حمایت از این اقشار ندارد بلکه آنچه با تبلیغات فراوان تحت عنوان «بسته حمایتی» از مستأجران تصویب کرده نیز در عمل بی‌خاصیت است. این به پیشنهاد وزارت راه و شهرسازی در شورای عالی مسکن تصویب شد. بخشی از بسته حمایتی مسکن در سال جاری به ارائه تسهیلات بانکی یا همان وام ودیعه مسکن ارتباط دارد و به مستأجران اجازه می‌دهد بسته به محل سکونت از تسهیلات ۵۵ تا ۲۷۵ میلیون تومانی بهره‌مند شوند.

این در حالیست که رقم رسمی برای این وام اصلاً با مبالغ ودیعه متناسب نیست و مستأجران نه تنها باید مبلغ زیادی روی مبلغ وام حمایتی دولت بگذارند تا بتوانند ودیعه یک واحد مسکونی را پرداخت کنند بلکه در شرایطی که درآمد‌هایی ناچیز دارند، باید هر ماه هم اجاره مسکن را پرداخت کنند و هم اقساط وام بانکی!

برای نمونه وام ۲۷۵ میلیون تومانی که برای مستأجران ساکن تهران پیش‌بینی شده، اقساطی معادل هفت میلیون و ۷۵۲ هزار تومانی در ماه دارد. اقساط وام مدیعه مسکن برای مستأجران ساکن مراکز استان‌ها و سایر شهرهای بزرگ به ماهی پنج میلیون و ۹۱۹ هزار تومان می‌رسد و اقساط وام ودیعه مسکن برای مستأجران شهرهای کوچک، ماهانه چیزی نزدیک چهار میلیون تومان خواهد بود.

این روند نشان‌دهنده بحرانی جدی در میان اکثر مستأجرانی است که اقشار کم‌درآمد به‌شمار می‌روند. همین روند سبب بروز پدیده‌هایی مانند «خانه‌های اشتراکی» به معنای اجاره مشترک یک آپارتمان کوچک توسط دو خانوار، و یا اجاره پشت‌بام، زیرزمین و پارکینگ منازل مسکونی برای سکونت اقشار بی‌بضاعت شده است.

قابل توجه اینکه مستأجران سال‌هاست که با مشکل تورم فزاینده در بازار اجاره روبرو هستند و هر سال فاصله میان

درآمد آنها با هزینه اجاره بیشتر شده و در نتیجه مجبورند سهم بیشتری از درآمد خود را برای پرداخت اجاره مسکن اختصاص دهند. روزنامه دولتی «ایران» زمستان گذشته گزارش داده روند تغییرات متوسط مبلغ اجاره یک متر آپارتمان در شهر تهران از زمستان ۱۳۹۲ تا زمستان ۱۴۰۰ افزایشی بوده و از ۱۵ هزار تومان در زمستان ۹۲ به ۱۰۰ هزار تومان در زمستان ۱۴۰۰ رسیده است. اما در چند سال اخیر متوسط قیمت اجاره یک متر آپارتمان در شهر تهران در آمار رسمی نیامده است.

وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی نیز دی‌ماه گذشته در گزارشی با عنوان «رفع فقر مسکن در کشور» از افزایش ۴۸ درصدی مستأجران فقیر در ایران در حد فاصل سال‌های ۹۵ تا ۱۴۰۱ خبر داده بود. بر اساس این گزارش در سال ۱۴۰۱ بیش از یک میلیون خانوار مستأجر درگیر فقر در مناطق شهری درآمدی کمتر از خط فقر داشتند و ۲۳۲ هزار خانوار با اضافه شدن هزینه تأمین مسکن استیجاری به سبد هزینه آنها درگیر فقر شدند. در روستاها گروه اول معادل ۷۵ هزار خانوار و گروه دوم معادل ۳۱ هزار خانوار بودند.

این گزارش افزوده بود که فقر مستأجران بیشتر پدیده‌ای شهری است و محرومیت مسکونی که با ویژگی‌های کالبدی مسکن تعریف می‌شود، چهره‌ای روستایی دارد.

همچنین وضعیت محرومیت مسکن در استان‌های مختلف متفاوت اعلام شده بود. برای مثال در استان‌هایی مثل البرز و قم، ۱۰۰ درصد مستأجران فقیر به دلیل درآمد ناکافی دچار فقرند و در استان‌های کردستان و آذربایجان غربی نرخ فقر ناشی از هزینه‌های تأمین مسکن استیجاری و تورم بخش اجاره‌بها بالا است.

وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی تأکید کرده بود با وجود اسکان بیشترین تعداد خانوار مستأجر درگیر فقر در استان تهران، نرخ محرومیت مسکونی در این استان پایین و تنها ۵ درصد و این نرخ در استان‌هایی مانند سیستان و بلوچستان نزدیک به ۶۰ درصد است.

نقشه برای افزایش قیمت بنزین؛

انکار دولت و مجلس شورای اسلامی با وجود مصوبات مربوطه!

همزمان در اوایل اردیبهشت ماه کرامت ویس کرمی مدیرعامل شرکت ملی پخش فرآورده های نفتی ایران هم از واردات بنزین سوپر توسط بخش خصوصی و فروش با نرخ آزاد خبر داد.

او توضیح داد که «دولت این سیاست را تدوین و به وزارت نفت تکلیف کرده تا از این طریق شرکت هایی را شناسایی کرده و با تأیید صلاحیت، آنها را به عنوان واردکننده معرفی کند. همچنین مقرر شد شرکت های توزیع کننده بنزین ویژه را وارد کنند و با قیمت آزاد عرضه کنند، شیوه نامه ای در این زمینه در مجموعه پالایش و پخش و وزارت نفت تدوین شده که بر اساس این شیوه نامه باید به درگاه ملی مراجع کرده و از این طریق هم واردکننده و هم توزیع کننده شناسایی شده و از مجموعه پالایش و پخش گواهی دریافت کند.»

کرامت ویس کرمی افزود که «شرکت های توزیع کننده می توانند هم ذخیره سازی بنزین سوپر را انجام دهند و هم توزیع بنزین سوپر را در کشور عملیاتی کنند.»

مدیرعامل شرکت ملی پخش فرآورده های نفتی ایران گفت «بر اساس این مصوبه به دنبال این هستیم که از طریق وزارت اقتصاد و امور دارایی که مجوزها را راهبری و مدیریت می کند مجوزی برای شرکت های واردکننده دریافت کنیم.» او همچنین توضیح داد که «ورود بنزین سوپر به کشور زیرساخت نیاز دارد، بخش خصوصی انبارهایی که گوشه و کنار کشور حتی در کنار سواحل یا نزدیک به سواحل داریم می تواند آنها را اجاره کرده و واردات ذخیره سازی بنزین سوپر را انجام دهد.»

او افزود که «دولت هیچ گونه مداخله ای در فرآیند واردات و توزیع نخواهد داشت. اینکه واردات از چه کشورهایی انجام شود، بستگی به شرایط بازار دارد. مزیت مهم این اقدام در آن است که بنزین سوپر به صورت کامل توسط بخش خصوصی تأمین و توزیع می شود و به این ترتیب، اکوسیستم توزیع سوخت کشور با ورود بازیگران جدید دچار تحول خواهد شد.»

کرامت ویس کرمی گفت «ساز و کار تعیین قیمت از طریق بورس انرژی تعیین می شود یعنی وارد کننده باید قیمتی که دارد باید از این طریق تعیین شود از مواردی است که سرمایه گذار بخش خصوصی اعم از واردکننده و توزیع کننده انجام می دهند.»

در همین رابطه روز دوشنبه ۱۵ اردیبهشت ماه ۱۴۰۴ علیرضا نظری، رئیس مرکز ملی مطالعات، پایش و بهبود محیط کسب و کار از تصویب کاربرگ های مربوط به واردات بنزین سوپر در کمیته تخصصی این وزارتخانه خبر داد.

علیرضا نظری گفت «این اقدام در راستای ماده ۹ آیین نامه اجرایی تبصره ۸ قانون بودجه سال ۱۴۰۳ و تبصره ۳ قانون بودجه سال ۱۴۰۴ صورت گرفته که بر اساس آن، هیئت وزیران و مجلس شورای اسلامی مجوز واردات بنزین سوپر توسط بخش خصوصی را صادر کرده اند. این فرایند از اواخر بهمن ۱۴۰۳ با مکاتبه اولیه وزارت نفت با وزارت اقتصاد آغاز شد، اما با تأخیرهایی مواجه شد که بعضاً ناشی از عدم آگاهی کامل برخی اعضای دولت از جزئیات و مراحل اجرایی کار بود.»

او همچنین گفت شرکت های واردکننده تا دو ماه فرصت دارند تا شرایط فنی، اهلیت و صلاحیت های مورد نظر وزارت نفت را احراز کنند.



دولت های مختلف جمهوری اسلامی درباره کمبود بنزین برای مصرف داخلی، مانند دیگر کمبودها، انگشت اتهام را به سوی مردم دراز کرده و آنها را به علت «مصرف بالا» مقصر می دانند. به همین دلیل هم تیم اقتصادی دولت های مختلف بجای تمرکز بر بالا بردن ظرفیت تولید، به دنبال کاهش یارانه و افزایش قیمت بنزین هستند تا به این شکل کمبود بنزین را مدیریت کنند!

افزایش قیمت بنزین از ابتدای آغاز به کار دولت پزشکیان و طی هشت ماه گذشته بطور جدی مورد بحث بوده اما هراس جمهوری اسلامی از تکرار اعتراضات آبان ۹۸ که در پی افزایش سه برابری قیمت بنزین آزاد صورت گرفت، سبب شده دولت با احتیاط برای افزایش قیمت بنزین مقدمه چینی کند ولی در آنسو مقامات دولتی مدام چنین نقشه ای را انکار کنند!

حمیدرضا عزیزی فارسینانی عضو کمیسیون انرژی مجلس شورای اسلامی اول اردیبهشت ماه جاری از سهرنخی شدن بنزین خبر داد و اعلام کرد قیمت بنزین آزاد ۲۰ هزار تومان برای هر لیتر در نظر گرفته شده است. وی همچنین گفت در طرح جدید تخصیص یارانه بنزین بر اساس کد ملی بجای کارت سوخت صورت خواهد گرفت. این تغییرات بر اساس طرح اصلاح نظام توزیع سوخت قرار است انجام شود.

حمیدرضا عزیزی فارسینانی درباره «مکانیسم اجرایی» این طرح هم گفت «در این سیستم جدید، هر شهروند ایرانی بر اساس کد ملی خود سهمیه بنزین دریافت می کند. به عنوان مثال، برای هر فرد روزانه یک لیتر بنزین با قیمت یارانه ای ۳۰۰۰ تومانی در نظر گرفته می شود که در ماه به ۳۰ لیتر می رسد.»

وی توضیح داد که «برای مثال در این مکانیسم، برای یک خانواده چهارنفره با یک خودرو، سقف ماهانه ۱۲۰ لیتر بنزین با قیمت یارانه ای در نظر گرفته می شود. مصرف بیشتر از این مقدار به صورت پلکانی محاسبه خواهد شد؛ ۱۲۰ تا ۲۰۰ لیتر با قیمت ۱۰۰۰۰ تومان و مقادیر بالاتر با قیمت آزاد ۲۰۰۰۰ تومان.»

● منصور شکراللهی عضو کمیسیون انرژی مجلس شورای اسلامی روز دوشنبه ۱۵ اردیبهشت ۱۴۰۴ اعلام کرده «دولت و مجلس هنوز در حوزه بنزین به جمع بندی نرسیده اند.» وی اما با وجود عدم «جمع بندی» مدعی شده «قیمت بنزین تغییری نخواهد کرد!»

● سخنگوی دولت در پاسخ به این پرسش که «آیا قصدی برای تغییر نرخ بنزین در امسال وجود دارد؟» گفته «تأکید می کنم بدون کار کارشناسی و بدون آمادگی مردم، کاری انجام نخواهیم داد.»

یک نماینده مجلس شورای اسلامی می گوید تصمیم نهایی دولت و مجلس در زمینه بنزین به زودی اعلام خواهد شد. سخنگوی دولت پزشکیان هم بدون اشاره به اینکه قیمت بنزین افزایش نخواهد یافت، گفته «بدون کار کارشناسی و بدون آمادگی مردم، کاری انجام نخواهیم داد.»

منصور شکراللهی عضو کمیسیون انرژی مجلس شورای اسلامی روز دوشنبه ۱۵ اردیبهشت ۱۴۰۴ اعلام کرده «دولت و مجلس هنوز در حوزه بنزین به جمع بندی نرسیده اند.» وی اما با وجود عدم «جمع بندی» مدعی شده «قیمت بنزین تغییری نخواهد کرد!»

این نماینده مجلس شورای اسلامی توضیح داده که «طرحی در کمیسیون انرژی مجلس مطرح شد مبنی بر اینکه بنزین به حساب کارت بانکی واریز شود و کسانی هم که خودرو ندارند از سهمیه سوخت برخوردار باشند در این خصوص هنوز دولت و مجلس به جمع بندی نهایی نرسیده اند، باید ببینیم در ادامه چه اتفاقی می افتد.»

وی با اشاره به کمبود شدید بنزین گفته «ما ناترازی سوخت داریم و باید به شکلی این ناترازی حل شود، اکنون در حوزه بنزین یارانه و سوبسید داده می شود، بنابراین این روند مصرف به شکلی مدبرانه باید حل و فصل شود تا ضمن رعایت عدالت در توزیع، مصرف نیز کنترل شود.»

همزمان فاطمه مهاجرانی سخنگوی دولت نیز در گفتگو با خبرگزاری «ایلنا» در پاسخ به این پرسش که «آیا قصدی برای تغییر نرخ بنزین در امسال وجود دارد؟» گفته «تأکید می کنم بدون کار کارشناسی و بدون آمادگی مردم، کاری انجام نخواهیم داد.»

کمبود تولید بنزین در ایران به علت عدم سرمایه گذاری در بخش نفت و پتروشیمی سبب شده نه تنها ایران با وجود پتانسیل بالا بازارهای صادراتی را از دست بدهد بلکه در تأمین بنزین مورد نیاز کشور نیز دچار مشکل شود. این بحران نه تنها طی سال های گذشته مدیریت نشده بلکه تشدید هم شده است. در همین رابطه مهراں مرادعلی از کارشناسان مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی اعلام کرده که «اگر فشارافزایی پارس جنوبی به موقع صورت نگیرد، تولید بنزین در پالایشگاه ستاره خلیج فارس به مشکل برخورد خواهد کرد.» این کارشناس انرژی هشدار داده که «صرف برنامه ریزی برای فشارافزایی نمی تواند ما را به هدف برساند بلکه در کنار برنامه ریزی باید تلاش نیز صورت گیرد.»

او گفته «در وهله نخست مسئولان باید مجوزات لازم را برای این منظور اخذ می کردند و بعد اقدام به عقد قرارداد می شد در صورتیکه هم اکنون قرارداد فشارافزایی منعقد شده اما مجوزات لازم هنوز اخذ نشده و این مسئله منجر به طولانی شدن پروسه فشارافزایی خواهد شد.»

مهاجرت ایرانیان؛ دغدغه جمهوری اسلامی نیست اما ابزار درگیری بین‌جناحی است!



در سال ۲۰۲۰ عدد یک میلیون و ۸۷۰ هزار نفر را نشان می‌دهد که حاکی از دو برابر شدن جمعیت مهاجران طی کمتر از ۳۰ سال است.

آمارها همچنین نشان می‌دهد که سهم مهاجران ایرانی نسبت به کل جمعیت کشور در سال ۱۹۹۰ تنها ۱/۴۵ درصد بوده و سهم مهاجران ایرانی از جمعیت کل کشور در سال ۲۰۲۰ به عدد ۲/۲۳ رسیده است.

بر اساس آخرین آماري که توسط آمارفکت و بر مبنای وبسایت آماری بانک جهانی ارائه شده، آمار تعداد ایرانیان مهاجر بر اساس منابع بین‌المللی نشان می‌دهد طی سال ۲۰۱۷ تا ۲۰۲۰ کشور امارات با داشتن ۴۵۴ هزار مهاجر ایرانی، بیشترین تعداد ایرانیان مهاجر را در کشور خود جای داده است، و کشور بلژیک با حدود ۱۲ هزار نفر در رتبه بیستم قرار دارد. بر اساس آخرین داده‌های موجود در سال ۲۰۲۴ و قبل‌تر، تعداد دانشجویان ایرانی در ۱۰ مقصد اصلی به رقم ۱۱۰ هزار نفر رسیده و این رقم در مقایسه با تراز ۶۰ هزار نفر دانشجوی ایرانی ساکن خارج در سال ۲۰۲۰، رشد ۸۲ درصدی را نشان می‌دهد.

همچنین بر اساس گزارش بنیاد ملی علوم آمریکا (NSF)، ایران یکی از ۱۰ کشور اصلی صادرکننده دانشجو در مقاطع دکتری و پسادکتری به ایالات متحده است. حدود ۱۰ هزار دانشجوی ایرانی در دانشگاه‌های آمریکا مشغول به تحصیل هستند.

اگر چه طی سالهای گذشته ایالات متحده، کانادا و اروپا از جمله مهمترین مقاصد تحصیلی برای دانشجویان ایرانی به شمار می‌رفت اما طی سالهای گذشته و به علت مشکلات اقتصادی مردم و ترکیه اخیراً به مقصد اصلی دانشجویان ایرانی تبدیل شده و در سال ۲۰۲۴ میزبان حدود ۳۰ هزار نفر دانشجوی ایرانی بود که این رقم رشد ۱۵۸ درصدی را نسبت به سال ۲۰۲۰ نشان می‌دهد. کشورهای کانادا، آلمان ←

تحصیل‌کرده باید برای این مملکت کاری کنم، نه اینکه درس بخوانم و بروم.»

محمدرضا عارف معاون اول پزشکیان نیز در سخنانی در «همایش ملی جایزه البرز» با اشاره به اینکه «بخشی از مهاجرت جوانان به دلیل عدم امکان کار در کشور اتفاق می‌افتد» گفته «باید زمینه حفظ جوانان و مهاجرت معکوس و استفاده از دانشمندان جوان را ایجاد کنیم.»

روزنامه کیهان چاپ تهران اما در مطلبی مدعی شده که مهاجرت نخبگان از ایران «کم» شده است: «آقای پزشکیان روز گذشته یکی از ادعاهای همیشگی خود را تکرار کرده و گفته است ما الان بچه‌هایی تربیت می‌کنیم که فکشان به خارج است. هنر این نیست که نخبه تربیت کنیم و به آمریکا بفرستیم.»

کیهان تهران در ادامه مدعی شده که بر اساس آمار سالنامه مهاجرتی ایران در سال ۱۴۰۱ نیز روند بازگشت دانشجویان ایرانی به کشور از سال ۹۳ تسریع شده است.

این روزنامه که به «ارگان بیت رهبری» مشهور است همچنین نوشته که «شاید بهتر باشد ایشان تغییراتی در اطرافیان خود دهد تا اینچنین با آمار مجعول و سیاه از وضعیت کشور ذهن رئیس‌جمهور را مخدوش نکنند.»

اینهمه در حالیست که نه مقامات دولت که گاهی ژست نگران از آمار مهاجرت نخبگان و دیگر شهروندان را می‌گیرند، و نه امثال حسین شریعتمداری مدیرمسئول روزنامه کیهان چاپ تهران دغدغه مهاجرت منابع انسانی از کشور را ندارند و هیچ‌چیز در هیچ‌جایی تا کنون اقدامات موثری برای کاهش نرخ مهاجرت از کشور انجام نداده‌اند.

قابل توجه اینکه برخلاف آنچه کیهان تهران اعلام کرده شمار مهاجران ایرانی طی سال‌های گذشته دو برابر شده است. جمعیت مهاجران ایرانی در جهان در سال ۱۹۹۰ تنها ۸۲۰ هزار نفر بوده است. آمار جمعیت مهاجران ایرانی

● مسعود پزشکیان گفته «چرا نخبه‌ها را طوری تربیت می‌کنیم که می‌خواهند به خارج بروند؟ این چه آموزشی است که ۹۰ درصد می‌خواهند مهاجرت کنند؟ این آب و خاک برای ماست.»

● روزنامه کیهان تهران مدعی شده که بر اساس آمار سالنامه مهاجرتی ایران در سال ۱۴۰۱ نیز روند بازگشت دانشجویان ایرانی به کشور از سال ۹۳ تسریع شده است.

● سهم مهاجران ایرانی نسبت به کل جمعیت کشور در سال ۱۹۹۰ تنها ۱/۴۵ درصد بوده و سهم مهاجران ایرانی از جمعیت کل کشور در سال ۲۰۲۰ به عدد ۲/۲۳ رسیده است.

● بر اساس آمار سازمان نظام پزشکی ایران، در ۸ ماه نخست سال گذشته، ۴ هزار و ۵۰۰ نفر دیگر از اعضای کادر درمان برای مهاجرت اقدام کرده‌اند.

طی روزهای گذشته اظهار نظر مسعود پزشکیان درباره مهاجرت جوانان از ایران و بیان این پرسش که «چرا نخبه‌ها را طوری تربیت می‌کنیم که می‌خواهند به خارج بروند؟» با واکنش روزنامه کیهان تهران روبرو شده است.

مسعود پزشکیان با تأکید بر مشارکت مردم در مدرسه‌سازی گفت: «کافی است مردم پای کار بیایند. همه مردم آماده هستند برای فرزندان خود کاری کنند.»

او افزوده که «باید مطمئن باشند به فکر بچه‌ها آنان هستیم. اگر برای مملکت دلسوز هستیم، باید طوری بچه‌ها را تربیت کنیم که از لحاظ علم و عمل توان بالایی داشته باشند.»

رئیس دولت جمهوری اسلامی درباره مهاجرت نخبگان گفت: «چرا نخبه‌ها را طوری تربیت می‌کنیم که می‌خواهند به خارج بروند؟ این چه آموزشی است که ۹۰ درصد می‌خواهند مهاجرت کنند؟ این آب و خاک برای ماست. من

دولت مدعی نامشخص بودن مبدأ ارسال پیامک «حجاب» به زنان شد



پیامک‌ها نقش مستقیم نداشته باشد، به علت نقش وزارت ارتباطات در ارسال پیامک‌ها حتماً از ساز و کار ارسال این پیامک‌ها مطلع است و می‌باید بتواند بطور شفاف پیگیری کند.

با اینهمه زهرا بهروز آذر معاون پزشک‌ها در امور زنان و خانواده در گفتگو با خبرگزاری «ایلنا» مدعی شده که «ما در حال حاضر در پی آن هستیم تا بدانیم دقیقاً کدام نهاد این کار را انجام می‌دهد و من هنوز پاسخی ندارم.»

او گفته «دنبال این هستیم که مشخص شود مبدأ این پیامک‌ها کجاست و با چه هدفی ارسال می‌شوند و ذیل کدام قانون است. چون هنوز این اطلاعات دقیق جمع‌آوری نشده، من نمی‌توانم گزارش دهم.»

وی همچنین افزوده «یک نکته‌ای را می‌توانم به شما بگویم؛ من در جلسات مختلفی در این ۹ ماه شرکت کردم و تقریباً می‌توانم به جرأت بگویم که در هیچکدام از نهادهای مسئول نگاهی وجود ندارد که بخواهد کرامت زنان را حفظ نکند یا دنبال ایجاد تنش باشد، یا به دنبال دوقطبی‌سازی باشد.»

زهرا بهروز آذر همچنین ادعا کرده که «تقریباً همه مجموعه مسئولان و کسانی که دغدغه‌مند این حوزه هستند، قائل به این هستند که باید با رعایت این ملاک‌ها، فرهنگ‌سازی کرد. اما راجع به اینکه برای حل این مسئله چه راهکاری باید اتخاذ شود و چقدر ایجابی و چقدر سلبی باشد و نظر مردم چطور تامین شود که همه شهروندان از این قانون احساس رضایت داشته باشند، اختلاف نظرهایی وجود دارد.»

معاون مسعود پزشک‌ها با تأکید بر اینکه «در شرایط حاضر بیشتر از همه چیز در ایران امروز احتیاج به وحدت داریم» گفته «نیاز داریم که مردم ایران همه کنار هم باشند، همه

همدیگر را دوست داشته باشند و بتوانیم از ظرفیت

● زهرا بهروز آذر معاون پزشک‌ها در امور زنان و خانواده در گفتگو با خبرگزاری «ایلنا» مدعی شده که «ما در حال حاضر در پی آن هستیم تا بدانیم دقیقاً کدام نهاد این کار را انجام می‌دهد و من هنوز پاسخی ندارم.»

● فاطمه مهاجرانی سخنگوی دولت نیز مدعی بی‌اطلاعی از نهاد ارسال‌کننده پیامک به زنان شده و گفته بود «بی‌اطلاع هستم اما پیگیری خواهیم کرد!»

● دولت به عنوان نهاد اجرایی در جمهوری اسلامی حتی اگر در ارسال این پیامک‌ها نقش مستقیم نداشته باشد، به علت نقش وزارت ارتباطات در ارسال پیامک‌ها حتماً از ساز و کار ارسال این پیامک‌ها مطلع است.

● ارسال پیامک به زنان اما بخشی از اقداماتی است که در قانون معروف به «حجاب و عفاف» پیش‌بینی شده اما حالا دولت و حتی برخی نمایندگان مجلس درباره این اقدام اظهار بی‌اطلاعی می‌کنند.

● روابط عمومی ستاد امر به معروف کشور در گفتگو با روزنامه اینترنتی «فراز» گفته «اجازه دهید به زودی در این مورد اطلاع‌رسانی می‌شود. فعلاً ما از هرگونه اظهار نظری منع شده‌ایم.»

با گذشت چند ماه از ارسال پیامک به زنان برای رعایت حجاب اجباری در استان‌های مختلف، معاون مسعود پزشک‌ها در امور زنان و خانواده گفته «مبدأ پیامک‌های ارسالی تذکر حجاب هنوز نامعلوم است» و «در تلاشیم دریابیم پیامک‌ها با چه هدفی و ذیل کدام قانون ارسال می‌شود؟!»

دولت پزشک‌ها همچنان در تلاش است تا مسئولیتی در مورد ارسال پیامک به زنانی که از پوشش اختیاری استفاده می‌کنند به گردن نگیرد. این در حالیست که دولت به عنوان نهاد اجرایی در جمهوری اسلامی حتی اگر در ارسال این

و ایتالیا و آمریکا در جایگاه‌های بعدی قرار دارند. مقایسه داده‌های آماری آخرین سال موجود با سال پایه ۲۰۲۰ میلادی نشان می‌دهد میزان رشد تعداد دانشجویان ایرانی در سه کشور ایتالیا (۲۱۱ درصد)، ترکیه (۱۵۸ درصد) و استرالیا (۱۰۳ درصد) و بعد از آنها، نرخ رشد تعداد دانشجویان ایرانی در سه کشور انگلیس (۹۸ درصد)، کانادا (۷۹ درصد) و روسیه (۷۵ درصد) قابل توجه است.

بر اساس آمار سازمان نظام پزشکی ایران در ۸ ماه نخست سال گذشته، ۴ هزار و ۵۰۰ نفر دیگر از اعضای کادر درمان برای مهاجرت اقدام کرده‌اند. هفت هزار پزشک، پرستار و عضو کادر درمان کشور نیز در سال ۱۴۰۲ برای مهاجرت اقدام کرده‌اند. همچنین تنها طی چهار سال گذشته بیش از ۲۶ هزار پزشک و کادر درمان کشور را ترک کرده‌اند.

رسول صادقی، عضو هیئت علمی دانشگاه تهران دی‌ماه گذشته در «همایش مهاجرت نخبگان علمی در ایران امروز، چالش‌ها و راهکارها» تعداد ایرانیان مهاجر را پنج میلیون نفر اعلام کرد: «آمار دقیقی از ایرانیان مهاجرت کرده نداریم، اما حدود پنج میلیون نفر برآورد می‌شوند. عوامل زیادی در روند فرایند مهاجرت از کشور موثر بوده که عدم بهره‌برداری مناسب از سرمایه‌های انسانی، ناامیدی، نبود چشم‌انداز بهبود، بحران‌های اقتصادی، نفوذ اینترنت و شبکه‌های اجتماعی، افزایش قارچ گونه موسسات مهاجرتی و افزایش ایرانیان مهاجر که اطرافیان خود را تشویق به مهاجرت می‌کنند، از جمله این عوامل است.»

بر اساس پژوهشی که توسط دو جامعه‌شناس، محمد فاضلی و بهرام صلواتی، با عنوان «گزارش مهاجرت ایرانیان: علل و انگیزه‌ها» انجام شده از میان ۱۲ هزار پرسشنامه توزیع‌شده از ۹ تا ۲۰ تیر ۱۴۰۲، حدود ۱۹ درصد از پاسخ‌دهندگان اعلام کرده‌اند که مهاجرت کرده و در خارج از ایران زندگی می‌کنند. ۸۱ درصد باقی‌مانده در داخل ایران زندگی می‌کنند.

اما در این تحقیق، ۱۶ درصد از افراد اظهار کرده‌اند که اصلاً به مهاجرت فکر نمی‌کنند، در حالی که دقیقاً همان میزان (۱۶ درصد) نیز به مهاجرت فکر و برای آن اقدام کرده‌اند. همچنین، از ۲۱۰۰ نفری که مهاجرت کرده‌اند، تنها ۲۰ درصد قصد بازگشت به ایران را دارند. عمده افرادی که مهاجرت‌شان قطعی شده یا برای مهاجرت اقدام عملی کرده‌اند (بین ۵۰ تا ۶۰ درصد)، در سازمان‌ها و شرکت‌های ایرانی کار می‌کنند. بنابراین، طبیعی است که مهاجرت این افراد فشار زیادی بر تأمین نیروی انسانی در شرکت‌ها و سازمان‌های ایران وارد می‌کند.

از دیگر نکات مهم این پژوهش نیز یکی همین بود که افزایش سن افراد تمایل آن‌ها به مهاجرت را کاهش می‌دهد، در حالی که افزایش تحصیلات و درآمد، انگیزه آنها برای اقدام به مهاجرت را تقویت می‌کند. این گزارش نشان می‌دهد که ارزشمندترین سرمایه‌های انسانی در حال مهاجرت هستند؛ و هر چند که سه متغیر سن، آخرین مدرک تحصیلی و درآمد بر تصمیم به مهاجرت تأثیر دارند، اما این تأثیر بسیار اندک است. همچنان متغیرهایی که ناظر بر نگرش افراد به مسائل کلان اقتصادی و فایده مهاجرت برای زندگی شخصی هستند، اصلی‌ترین عوامل تصمیم به مهاجرت به حساب می‌آیند.

ایرانیان مهاجر که پیش از مهاجرت در شرکت‌ها و سازمان‌های ایرانی کار می‌کردند، نسبت به کسانی که هنوز در ایران مشغول به کارند احساس عدالت توزیعی بیشتری داشته‌اند. همچنین، میانگین احساس عدالت توزیعی در میان مهاجرانی که از ابتدای سال ۱۳۹۷ به بعد از کشور مهاجرت کرده‌اند، به‌طور معناداری کمتر از کسانی است که پیش از سال ۱۳۹۷ مهاجرت کرده‌اند.

پیش و پس از اعتراضات جنبش ملی ۱۴۰۱ که زنان روسری خود را آتش زدند و با پوشش اختیاری به خیابان‌ها آمدند از سوی قوه قضاییه جمهوری اسلامی تدوین شد. این طرح با تصویب هیئت دولت ابراهیم رئیسی وارد مجلس شورای اسلامی شد.

لایحه حجاب و عفاف حدود یک سال و نیم میان مجلس شورای اسلامی و شورای نگهبان در رفت و آمد بود و در نهایت در تاریخ ۲۳ مهرماه سال گذشته سخنگوی شورای نگهبان از تصویب آن در این شورا خبر داد. با اینهمه بیش از دو ماه دولت مسعود پزشکیان این قانون را ابلاغ نکرد و در نهایت اعلام شد شورای امنیت ملی اجرای این قانون را تا اطلاع بعدی متوقف کرده است.

«قانون حجاب و عفاف» حتی برای دخترچه‌ها از ۹ سالگی جرم‌انگاری کرده و شهروندان را مجازات‌های نقدی و ممنوع‌الخروجی و... روبرو می‌کند. در چنین شرایطی به نظر می‌رسد مقامات دولت پزشکیان تلاش دارند در ابلاغ و اجرای آن نقش ایفا نکنند و هزینه‌های اجتماعی و اعتراضی آن را نپذیرند.

با اینهمه بخشی از این قانون با مصوبه‌ای از سوی مجلس شورای اسلامی به صورت آزمایشی در حال اجرا است و البته دولت مسعود پزشکیان در برابر آن بی‌تفاوت بوده است! دولت اصلاح‌طلب پزشکیان حالا تلاش دارد که از وضعیت سرکوب زنان نیز به سود خود بهره ببرد. مقامات دولت در حالی که اقدامات سرکوبگرانه علیه زنان را گردن نمی‌گیرند اما مدعی تدوین لایحه جدیدی در رابطه با «حجاب و عفاف» هستند.

فاطمه مهاجرانی سخنگوی دولت دو روز پیش در گفتگو با خبرنگاری «ایلنا» به صورت خیلی مختصر گفته بود «لایحه جدید نوشته خواهد شد و در حال انجام است».

حاکمیت نیست؟ چه فایده‌ای دارد و چه هزینه‌هایی؟ قرار است چه اتفاقی بیفتد؟

«تابناک» افزوده «در شرایطی که کشورمان با وجود



همه مشکلات و ناملایمات، درگیر مذاکرات حساس، مهم و تاریخی با آمریکا است، این چنگ انداختن به وحدت ملی و صدای واحد ایرانی چه معنایی دارد؟»

عثمان سالاری عضو کمیسیون حقوقی قضایی مجلس شورای اسلامی نیز مدعی شده که «من نمی‌دانم که این پیامک‌ها توسط چه مرجعی ارسال می‌شود، من قانونگذار هستم و سعی می‌کنم کار خودم را درست انجام دهم».

طرح «حمایت از خانواده از طریق ترویج فرهنگ عفاف و حجاب» معروف به طرح «حجاب و عفاف» دو سال و نیم

همه مردم استفاده کنیم. تلاش همه دغدغه‌مندان در دولت بر این است که به راهکاری موثر برسند که بتواند رضایت همه طرفین را جلب کند و منجر به ایجاد دوقطبی و یا تنش در جامعه نشود.

پیش از زهرا بهروز آذر، فاطمه مهاجرانی سخنگوی دولت نیز مدعی بی‌اطلاعی از نهاد ارسال‌کننده پیامک به زنان شده و گفته بود «بی‌اطلاع هستم اما پیگیری خواهیم کرد!» ارسال پیامک‌ها به زنان دارای پوشش اختیاری از شهر اصفهان و قم آغاز شده اما طی هفته‌های گذشته به دیگر شهرها از جمله تهران، تبریز و شیراز رسیده است. بر اساس گزارش‌ها زنان در شهر تهران نیز پیامک‌هایی با موضوع رعایت حجاب اسلامی دریافت کرده‌اند. این پیامک‌ها ظاهراً از سوی «ستاد امر به معروف و نهی از منکر استان تهران» ارسال شده است.

روابط عمومی ستاد امر به معروف کشور در گفتگو با روزنامه اینترنتی «فراز» گفته «اجازه دهید به زودی در این مورد اطلاع‌رسانی می‌شود. فعلاً ما از هرگونه اظهار نظری منع شده‌ایم».

دفتر دبیر و معاونت اجتماعی ستاد امر به معروف استان فارس اما در گفتگو با روزنامه اینترنتی «فراز» با صراحت مسئولیت این اقدام را پذیرفته و گفته «حتماً در یک جلسه با حضور دستگاه‌های مرتبط از جمله نیروی انتظامی، این تصمیم اتخاذ شده ولی لزومی ندارد که چند و چون عمومی شود».

موضوع ارسال پیامک به زنانی که از پوشش اختیاری استفاده می‌کنند مانند بسیاری از اقدامات یا حوادث دیگری است که زیر سایه جمهوری اسلامی رخ داده اما هیچ نهاد و جناحی آن را گردن نگرفت؛ یکی از برجسته‌ترین این اتفاقات مسموم‌سازی سازمانیافته دانش‌آموزان بود که مدتی

پس از اعتراضات جنبش ملی ۱۴۰۱ با پرتاب مواد انفجاری مسموم‌کننده به دبیرستان‌های دخترانه، و در مواردی پسرانه، آغاز و برای ماه‌ها ادامه داشت.

ارسال پیامک به زنان اما بخشی از اقداماتی است که در قانون معروف به «حجاب و عفاف» پیش‌بینی شده بود اما حالا دولت و حتی برخی نمایندگان مجلس درباره این اقدام اظهار بی‌اطلاعی می‌کنند.

فرید موسوی نماینده مجلس شورای اسلامی در واکنش ارسال پیامک حجاب به شهروندان گفته «این پیامک‌ها در شرایطی به مردم ارسال شده است که برای پرداخت اجاره‌خانه، هزینه درمان و شهریه مدرسه فرزندانش اضطراب دارند. این اتفاقات بیش از تقویت نظم اجتماعی، حس بی‌پناهی و بی‌عدالتی را تشدید می‌کند».

این نماینده مجلس شورای اسلامی با تأکید بر اینکه «بیش از تقویت نظم اجتماعی، حس بی‌پناهی و بی‌عدالتی را تشدید می‌کند» گفته «هنوز مشخص نیست که دقیقاً کدام مرجع و با چه مجوزی به اطلاعات مردم دسترسی دارد و چنین اظهارهایی را صادر می‌کند. کسانی که متولی ارسال چنین پیامک‌هایی بودند، باید توان درک این موضوع ساده را داشته باشند که وقتی شهروندی نمی‌داند از چه مرجعی اخطار گرفته و چه فرآیندی در انتظار اوست، نه تنها تویخ نشده، بلکه رها شده است. رها در میانه تصمیماتی سلیقه‌ای، جزیره‌ای و وحدت‌شکنانه».

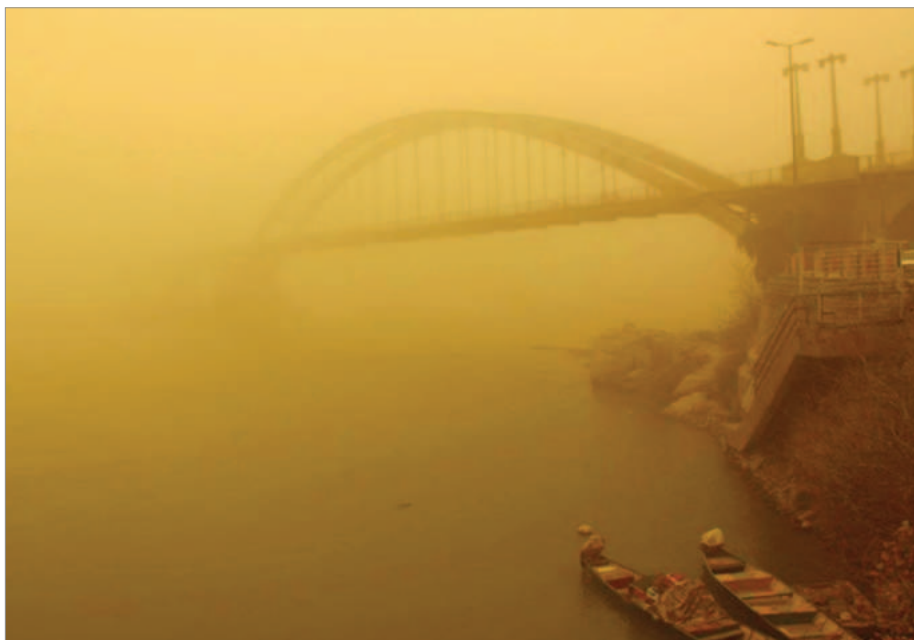
وبسایت «تابناک» نزدیک به سردار پاسدار محسن رضایی نیز در یک مطلب نوشته «چه شده است که دقیقاً در این روزهای حساس که باید صدای واحدی از اتحاد ایرانیان به جهان مخابره شود، ستاد امر به معروف و نهی از منکر به میدان آمده و در «تیراژ میلیونی» پیامک حجاب ارسال می‌کند؟ آیا این اقدام عدول از توافق نانوشته قبلی در

آنچه برای دیکتاتور اهمیت دارد و آنچه ندارد!



© کیهان لندن / کارتون‌های بهنام محمدی

توفان گرد و غبار در ایران؛ مدارس شش استان تعطیل شد



● مدارس در شش استان خوزستان، کرمانشاه، زنجان، کردستان، لرستان و بوشهر امروز سه‌شنبه ۱۶ اردیبهشت‌ماه تعطیل شدند.

● توفان گرد و غبار در خوزستان هوای شش شهر در این استان را امروز در وضعیت قهوه‌ای و خطرناک قرار داده است. روز گذشته نیز هوای هشت شهر این استان در وضعیت خطرناک قرار داشت.

● اداره کل مدیریت بحران استانداری کرمانشاه نیز شب گذشته با صدور اطلاعیه‌ای نسبت به نفوذ غبار از عراق به غرب کشور و کاهش کیفیت هوا هشدار داد.

آلودگی هوا در پی توفان گرد و غبار بار دیگر شرایط استان‌های غربی و جنوب غربی ایران را بحرانی کرده و مدارس در شش استان تعطیل شدند. وزارت بهداشت نیز از شهروندان ساکن استان‌های درگیر با توفان گرد و غبار خواسته از تردد‌های غیرضروری و فعالیت ورزشی در فضای باز خودداری کرده و آب فراوان بنوشند و مواد غذایی حاوی آنتی‌اکسیدان مصرف کنند.

در روزهای گذشته توفان گرد و غبار در مناطق غرب و جنوب غرب ایران شدت یافته است. مدارس در شش استان خوزستان، کرمانشاه، زنجان، کردستان، لرستان و بوشهر امروز سه‌شنبه ۱۶ اردیبهشت‌ماه تعطیل شدند. همچنین در این استان‌ها برخی ادارات با کاهش ساعت کاری روبرو شده‌اند. ساعتی پیش رسانه‌های داخلی گزارش دادند که وضعیت گرد و غبار در شهرستان مرزی مهران در جنوب ایلام به مرحله خطرناک ورود و هم اکنون دید افقی در این شهرستان به ۳۰ متر رسیده است.

همچنین بر اساس گزارش‌ها توفان گرد و غبار در خوزستان هوای شش شهر در این استان را در وضعیت قهوه‌ای و خطرناک قرار داده است. روز گذشته نیز هوای هشت شهر این استان در وضعیت خطرناک قرار داشت.

آلودگی هوای اهواز امروز سه‌شنبه ۱۶ اردیبهشت‌ماه در همه ایستگاه‌ها در وضعیت قهوه‌ای و خطرناک برای همه گروه‌های سنی قرار دارد. حمیدیه، دانشکده بهبهان، آغاچاری و دزفول نیز در وضعیت بنفش و بسیار ناسالم برای همه گروه‌های سنی هستند. با اعلام سامانه پایش کیفی هوای کشور، بر اساس اندازه‌گیری ذرات معلق با اندازه ۲.۵ میکرون، آلودگی هوا در ایستگاه آبادان ۴۱۸ میکروگرم، در ایستگاه پتروشیمی ماهشهر ۴۱۶ میکروگرم، در ایستگاه خرمشهر ۴۵۰ میکروگرم، در ایستگاه ماهشهر ۳۹۰ میکروگرم و در ایستگاه هویزه ۴۸۲ میکروگرم است که این شهرها در وضعیت قهوه‌ای و خطرناک برای همه گروه‌های سنی قرار دارد. هوای ایستگاه‌های امیدیه، اندیمشک، بهبهان، دانشگاه علوم پزشکی دزفول، رامشیر، رامهرمز، شوشتر، گتوند ۲ و هندیجان نیز در وضعیت قرمز و ناسالم برای همه گروه‌های سنی قرار دارد.

اداره کل مدیریت بحران استانداری کرمانشاه نیز شب گذشته با صدور اطلاعیه‌ای نسبت به نفوذ غبار از عراق به غرب کشور و کاهش کیفیت هوا هشدار داد.

این اطلاعیه از شهروندان خواسته در صورت خروج از خانه حتماً از ماسک استاندارد N۹۵ یا ماسک‌های فیلتردار استفاده کرده و در صورت مواجهه با تنگی نفس یا هرگونه ناراحتی قلبی - عروقی سریعاً به نزدیکترین مرکز بهداشتی و درمانی مراجعه کنند.

اداره کل حفاظت محیط زیست استان کرمانشاه اعلام کرد عصر دوشنبه ۱۵ اردیبهشت‌ماه شاخص کیفیت هوا در

دو ایستگاه قصرشیرین و سرپل‌ذهاب به عدد ۵۰۰ یعنی وضعیت بحران و خطرناک رسید.

عباس شاهسونی رئیس گروه سلامت هوا و تغییر اقلیم وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی اعلام کرد: با توجه به اعلام وضعیت نارنجی از سوی سازمان هواشناسی مبنی بر وقوع طوفان گرد و غبار در استان‌های غرب و جنوب‌غرب و همچنین طوفان تندی همراه با گرد و غبار در نواحی مرکزی و استان تهران، هموطنان به ویژه گروه‌های حساس از تردد غیرضروری در فضای باز خودداری کنند.

رئیس گروه سلامت هوا و تغییر اقلیم وزارت بهداشت تأکید کرده سالمندان، بیماران قلبی و عروقی، بیماران تنفسی، مبتلایان به آسم و دیابت، افراد دارای ضعف سیستم ایمنی، زنان باردار و کودکان در صورت نیاز به حضور در فضای باز، حتماً از ماسک‌های استاندارد استفاده کرده و در صورت بروز علائم تنفسی یا تشدید بیماری، به مراکز درمانی مراجعه کنند. عباس شاهسونی افزود: «بیماران تنفسی و قلبی لازم است داروها و اسپری‌های مورد نیاز خود را همراه داشته باشند، همچنین در زمان بروز گرد و غبار، باید در و پنجره منازل بسته باشد و هنگام رانندگی نیز توصیه می‌شود سیستم گردش هوای داخلی خودرو فعال شود تا از ورود هوای آلوده به داخل کابین جلوگیری شود.»

او همچنین از عموم شهروندان خواسته از انجام فعالیت‌های ورزشی در فضای باز همزمان با آلودگی هوا و گرد و غبار خودداری کنند و تأکید کرده «در این شرایط افراد باید نوشیدن آب به میزان کافی را جدی گرفته و از مواد غذایی حاوی آنتی‌اکسیدان به‌ویژه سبزیجات و میوه‌های تازه استفاده کنند.» پژمان بختیاری‌نیا معاون بهداشت دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور اهواز سه روز پیش اعلام کرد بطور متوسط در اهواز، سالانه یک هزار مورد مرگ منتسب به آلودگی هوا رخ می‌دهد.

معاون بهداشت دانشگاه علوم پزشکی جندی‌شاپور افزود که «۲۰ درصد مرگ و میرها در اهواز منتسب به آلودگی هوا با آلاینده با اندازه ۲/۵ میکرون است.»

میثم معزی معاون درمان دانشگاه علوم پزشکی جندی

شاپور اهواز نیز روز گذشته اعلام کرد در ۷۲ ساعت گذشته، بیش از ۲۰۰۰ نفر به دلیل مشکلات قلبی و تنفسی غیرعفونی در پی آلودگی هوا به مراکز درمانی استان مراجعه کردند. وی افزود: ۱۰ درصد از مراجعه‌کنندگان یعنی بیش از ۲۰۰ نفر در بیمارستان‌ها بستری و دیگر بیماران صورت سرپایی درمان شده‌اند. محسن موسوی‌زاده نماینده اهواز در مجلس شورای اسلامی امروز سه‌شنبه ۱۶ اردیبهشت‌ماه نسبت به وخامت بحران گرد و غبار در خوزستان هشدار داد و از بی‌توجهی دولت، وزارت امور خارجه و سازمان محیط زیست انتقاد کرد. این نماینده مجلس شورای اسلامی گفته «نه تنها عملیات تثبیت کانون‌های داخلی ریزگردها کند و محدود است، بلکه خشک شدن هورالعظیم و تغییر ترکیب خدادادی طبیعت خوزستان نیز به این بحران دامن زده است.»

او افزوده «در روزهای اخیر سیلی از بیماران تنفسی به بیمارستان‌های اهواز مراجعه کرده‌اند در حالی که با گرانی و کمبود داروهای تنفسی روبه‌رو هستیم. این وضعیت غیرقابل قبول است.»

خبرگزاری «تسنیم» نیز گزارش داده در سال‌های اخیر، افزایش ریزگردها در استان کرمانشاه به ویژه در فصل‌های خشک، نگرانی‌های زیادی را برای ساکنان و مسئولان بوجود آورده است. این پدیده نه تنها بر کیفیت هوا تأثیر می‌گذارد، بلکه می‌تواند به بروز بیماری‌های تنفسی و دیگر مشکلات بهداشتی منجر شود. همچنین، ریزگردها می‌توانند بر کشاورزی و منابع آب تأثیر منفی بگذارند و به کاهش تولیدات کشاورزی و افزایش هزینه‌های درمانی منجر شوند. جدا از شش استان خوزستان، کرمانشاه، کردستان، زنجان، لرستان و بوشهر که در حال حاضر کانون توفان گرد و غبار هستند، سازمان هواشناسی برای کیفیت هوای سه‌شنبه در برخی استان‌های دیگر، از جمله ایلام، چهارمحال و بختیاری، بوشهر و اصفهان هم هشدارهای زرد یا نارنجی صادر کرده است. شهرام احمدی مدیر کل حفاظت محیط زیست همدان اعلام کرده «گرد و غبار موجب بروز شرایط ناسالم برای گروه‌های حساس در شهر همدان و ناسالم برای همه گروه‌ها در سه شهر کبودآهنگ، نهاوند و اسدآباد شد.»

افزایش نارضایتی مردم به علت قطع مکرر برق؛ کاهش ساعات ادارات و تعطیلی پنجشنبه‌ها



● در نیمه بهار و در شرایطی که هنوز در بخش زیادی از استان‌های کشور دمای هوا به حدی افزایش نیافته که شهروندان از وسایل خنک‌کننده استفاده کنند، ناتوانی جمهوری اسلامی در تولید برق مورد نیاز کشور سبب جیره‌بندی گسترده برق شده است.

● تولیدکنندگان و صنعتگران، به ویژه در کارگاه‌های کوچک تصمیم به پاره‌وقت کردن فعالیت و یا خاموشی خطوط تولید تا گذشتن از دوره جیره‌بندی برق گرفته‌اند؛ تصمیمی که جدا از خسارت سنگین اقتصادی، موجی از اخراج کارگران را نیز در پی دارد.

● مهدی مسائلی دبیر سندیکای صنعت برق روز گذشته گفت «باید قبول کنیم امسال تابستان سختی داریم و مردم باید خود را برای این شرایط آماده و تمهیدات لازم را ببانندیشند من توصیه می‌کنم برای این شرایط، بادبز و آفتابه تهیه کنند.»

● دولت همچنین ساعت کار ادارات را به شش صبح تا یک بعد از ظهر تغییر داده است. همچنین روزهای پنجشنبه تا پایان تابستان تعطیل اعلام شدند.

● مسعود دانشمند عضو اتاق بازرگانی ایران: این جلسه‌هایی که مدیران برق کشور و مدیران شهر تهران و امثالهم با هم برگزار می‌کنند چه فایده‌ای دارد؟ این طرح جدید دولت برای کاهش ساعت کاری کارمندان در بهترین حالت ۵ تا ۶ درصد مصرف را کاهش می‌دهد.

بحران کمبود برق در نیمه اردیبهشت‌ماه وارد مراحل جدید و جدی شده و قطع برق بخش خانگی، صنعتی و کشاورزی سبب بروز اعتراضاتی از سوی شهروندان شده است. در این میان، دولت ساعات آغاز به کار ادارات را بدون توجه به عواقب آن، به شش صبح تغییر داده است!

در نیمه بهار و در شرایطی که هنوز در بخش زیادی از استان‌های کشور دمای هوا به حدی افزایش نیافته که شهروندان از وسایل خنک‌کننده استفاده کنند، ناتوانی جمهوری اسلامی در تولید برق مورد نیاز کشور سبب جیره‌بندی گسترده برق شده است.

در روزهای گذشته شهروندان در شهرهای مختلف از جمله شهر ری و بهبهان در اعتراض به قطع مکرر برق و مشکلات ناشی از آن تجمع کردند. ویدئوهای زیادی در شبکه‌های اجتماعی از ناوایانی منتشر شده که به علت قطع برق نتوانسته‌اند تنور را به کار ببانندازند و خمیر آماده شده از بین رفته است. کسبه نیز از کساد بیش از پیش بازار به علت قطع برق و اختلال در روند فعالیت کسب و کارشان خبر می‌دهند.

جیره‌بندی برق پس از تعطیلات نوروز آغاز شد. در ابتدا اعلام شده بود بخش خانگی یک تا دو ساعت قطع برق خواهد داشت اما در روزهای گذشته قطع برق به چهار ساعت در روز افزایش یافته و شهروندان در برخی مناطق خبر از قطع دو نوبت برق در طی یک شبانه‌روز می‌دهند. در بخش صنعت نیز قطع برق ۷ تا ۱۲ ساعته در طول روز خسارت‌هایی گسترده رقم زده و موجی از اخراج نیروی کار را در پی داشته است.

بسیاری از کشاورزان می‌گویند در فصل کاشت و رشد محصولات، قطع برق چاه‌های آب امکان آبیاری را از آنها گرفته و مزارع در حال خشک شدن هستند.

خردسال شده است. کارمندان می‌گویند برای اینکه ساعت ۶ صبح سر کار حاضر باشند باید کودکان خود را ساعت ۵ صبح به مهدکودک و مدرسه ببرند در حالیکه مهدکودک‌ها و مدارس در آن ساعت تعطیل هستند!

همچنین از دیروز مقامات استانی یکی پس از دیگری روزهای پنجشنبه را تعطیل اعلام کردند. پس از اعلام تعطیلی روزهای پنجشنبه از سوی مقامات استانی در استان‌های البرز، قم، لرستان، سمنان، کرمان، یزد، مرکزی، قزوین، کردستان، کرمانشاه و مازندران با ادعای «مدیریت مصرف انرژی»، هیئت دولت تعطیلی روزهای پنجشنبه در همه کشور را تصویب کرد.

بر اساس مصوبه دولت که از سوی محمدرضا عارف معاون اول پزشکین ابلاغ شده ساعت کاری کلیه اداره‌ها، موسسه‌های عمومی دولتی و غیردولتی، بانک‌ها، بیمه‌ها و شهرداری‌ها از روز شنبه بیستم اردیبهشت تا ۳۱ شهریورماه از ساعت ۶ شروع می‌شود و ساعت ۱۳ نیز پایان می‌یابد. دولت همچنین اعلام کرده که روزهای پنجشنبه در سراسر ایران نیز تا پایان تابستان تعطیل خواهند بود.

کارشناسان معتقدند وضعیت با گرم‌تر شدن هوا بحرانی‌تر خواهد شد. برخی مقامات نیز شرایطی دشوارتر برای مردم را زمره می‌کنند.

مهدی مسائلی دبیر سندیکای صنعت برق روز گذشته درباره کسری برق اعلام کرد که «اکنون باید بپذیریم این فاجعه به زودی قابل ترمیم نیست، زخم سطحی نیست که با یک چسب ترمیم شود به جراحی عمیق نیاز داریم و آثار جراحی هم بزودی از بین نمی‌رود.»

او افزوده «باید قبول کنیم امسال تابستان سختی داریم و مردم باید خود را برای این شرایط آماده و تمهیدات لازم را ببانندیشند من توصیه می‌کنم برای این شرایط، بادبز و آفتابه تهیه کنند.»

مهدی مسائلی تأکید کرده که «باید باور کنیم کسری برق داریم که می‌تواند ناشی از کمبود تولید، عدم توسعه شبکه، افزایش مصرف و یا به دلیل وجود مصرف‌کنندگان ناشناخته باشد، در هر حال آنچه مسلم است برق کم داریم و

تولیدکنندگان و صنعتگران، به ویژه در کارگاه‌های کوچک تصمیم به پاره وقت کردن فعالیت و یا خاموشی خطوط تولید تا گذشتن از دوره جیره‌بندی برق گرفته‌اند؛ تصمیمی که جدا از خسارت سنگین اقتصادی، موجی از اخراج کارگران را نیز در پی دارد.

آمارهای حکومتی رقم کمبود برق را رقمی حدود ۲۵ هزار مگاوات عنوان کرده‌اند و دولت تصمیم دارد ۵ الی ۶ هزار مگاوات از کسری برق را با افزایش تولید در نیروگاه‌های حرارتی تأمین کند. حتی اگر دولت بتواند تولید را ۵ هزار مگاوات افزایش بدهد، باز هم ۲۰ هزار مگاوات کسری برق وجود خواهد داشت.

در چنین شرایطی به نظر می‌رسد دولت به جای واردات برق یا افزایش تولید تصمیم دارد با تشدید محدودیت‌ها کسری شدید برق را پشت سر بگذارد.

عباس علی‌آبادی وزیر نیرو گفته دولت پیش‌بینی بحران کمبود برق در اردیبهشت‌ماه را نداشته و افزوده «خطاهای رخ داده در قطعی‌های طولانی مدت، تا پایان هفته اصلاح شده و قطعی‌های برق خانگی حداکثر دو ساعت خواهد بود. مردم گزارش خاموشی بیش از ۲ ساعت را به ادارات برق بدهند تا سریعاً رسیدگی شود.»

وزیر نیرو همچنین افزوده که «نیاز مصرف در اردیبهشت ۱۴۰۳ در این زمان، ۴۶ هزار مگاوات بود، این رقم در حال حاضر ۵۷ هزار مگاوات است، با افزایش ۹/۹ درصدی تولید برق حرارتی و با رشد تولید تجدیدپذیرها و رشد واردات برق، میزان تأمین برق را به ۴۷ هزار و ۵۰۰ مگاوات رساندیم که در مقایسه با تأمین ۴۱ هزار و ۳۰۰ مگاواتی زمان مشابه سال قبل رشد داشته است.»

فاطمه مهاجرانی سخنگوی دولت هم با تأکید بر اینکه قطع برق ادامه دار خواهد بود وعده افزایش تولید را مطرح، و تأکید کرده این هدفگذاری در کوتاه‌مدت میسر نخواهد بود.

دولت همچنین ساعت کار ادارات را به شش صبح تا یک بعد از ظهر تغییر داده است. این تصمیم سبب دردسری جدید برای اقشار کارمند، به ویژه زوج‌های دارای فرزند

آتش‌سوزی‌های مشکوک در مجاور نیروگاه برق کرج؛ منابع حکومتی: «کارتن‌سازی بود!»



آتش‌سوزی در نیروگاه «منتظر قائم» جاده فردیس کرج

«کارتن‌سازی نظرآباد» بود که به ۱۲ واحد دیگر سرایت کرد. اما خبرگزاری ایرنا ادعا کرد آتش‌سوزی مربوط به انبارهای ضایعات و دیپوی زباله‌ها بود.

این در حالیست که برخی منابع گزارش دادند انفجار داخل محوطه نیروگاه و نزدیک کارخانه صنعتی «نور» است. مجاور نیروگاه «قائم منتظر» چند کارگاه و شرکت وابسته به نیروهای مسلح از جمله سپاه پاسداران فعال‌اند. مقام‌های استان البرز وقوع آتش‌سوزی در نیروگاه «منتظر قائم» در فردیس را رد کردند اما گفته‌اند دو آتش‌سوزی در نظرآباد و فردیس مهار شد!

مهدی مهرور مدیرکل مدیریت بحران استانداری البرز، نیز به خبرگزاری صداوسیما حکومت گفت دو «آتش‌سوزی جزئی» در سطح استان مهار شدند.

به گفته مدیرعامل آتش‌نشانی فردیس، آتش‌سوزی در این شهرستان «در جنب نیروگاه منتظر قائم» رخ داد. حسین آشوری به ایسنا و صداوسیما دولتی گفت که حریق در «یک کانکس در مجاورت سکوی زباله» رخ داد و پس از گسترش آن به مساحتی حدود دو هزار متر به دلیل وزش باد، ۹ دستگاه ماشین سنگین دیگر به محل اعزام شدند.

پس از وقوع این آتش‌سوزی‌ها برق مناطق وسیعی از کرج و غرب تهران قطع شد. اینهمه در حالیست که به ویژه پس از چند رشته آتش‌سوزی در تهران و اصفهان و انفجار مرگبار بندرعباس مردم نگران در مناطق آتش‌سوزی تا پاسی از شب را در خیابان گذراندند.

به نظر می‌رسد صداوسیما جمهوری اسلامی فقط گزارش آتش‌سوزی در کارگاه‌های اطراف نظرآباد را پوشش داده و درباره آتش‌سوزی نیروگاه «منتظر قائم» فردیس کرج و واحدهای صنعتی آن سکوت کرده است.

● گزارش‌های اولیه حاکی از آن بود که پیش از آغاز آتش‌سوزی، صدای انفجار در منطقه شنیده شد. برخی شهروندان گفتند صدای پرواز جت‌های جنگنده و شلیک ضدهوایی را نیز شنیدند. ساعاتی پیش از این وقایع، زمین‌لرزه‌ای به بزرگی چهار ریشتر در همان منطقه به ثبت رسید که موجب نگرانی و وحشت ساکنان شد.

● درباره محل آتش‌سوزی یا آتش‌سوزی‌ها، روایت‌های متناقض مطرح شده است. خبرنگار اعزامی صداوسیما جمهوری اسلامی مدعی شد آتش‌سوزی در کارخانه «کارتن‌سازی نظرآباد» بود که به ۱۲ واحد دیگر سرایت کرد. اما خبرگزاری ایرنا ادعا کرد آتش‌سوزی مربوط به انبارهای ضایعات و دیپوی زباله‌ها بود.

● برخی منابع گزارش دادند انفجار داخل محوطه نیروگاه و نزدیک کارخانه صنعتی «نور» است. مجاور نیروگاه «قائم منتظر» چند کارگاه و شرکت وابسته به نیروهای مسلح از جمله سپاه پاسداران فعال‌اند.

شامگاه شنبه ۱۳ اردیبهشت ۱۴۰۴، منابع محلی در کرج ویدیوهایی از آتش‌سوزی در نیروگاه «منتظر قائم» واقع در منطقه فردیس منتشر کردند.

گزارش‌های اولیه حاکی از آن بود که پیش از آغاز آتش‌سوزی، صدای انفجار در منطقه شنیده شد. برخی شهروندان گفتند صدای پرواز جت‌های جنگنده و شلیک ضدهوایی را نیز شنیدند. ساعاتی پیش از این وقایع، زمین‌لرزه‌ای به بزرگی چهار ریشتر در همان منطقه به ثبت رسید که موجب نگرانی و وحشت ساکنان شد.

درباره محل آتش‌سوزی یا آتش‌سوزی‌ها، روایت‌های متناقض مطرح شده است. خبرنگار اعزامی صداوسیما جمهوری اسلامی مدعی شد آتش‌سوزی در کارخانه

راهی جز کم مصرف کردن نیست.»

در حالیکه پیشتر برخی مقامات جمهوری اسلامی مدعی شده بودند بلافاصله پس از توافق با ایالات متحده مشکل کمبود برق قابل حل است، مهدی مسائلی گفته «حتی اگر مذاکرات به نتیجه برسد مشکل برق در کوتاه‌مدت حل نخواهد شد زیرا باید مشکل گاز، گازوئیل و آب و مهم‌تر اینکه مشکل نقدینگی حل شود.»

مسعود دانشمند فعال اقتصادی و عضو اتاق بازرگانی ایران در گفتگو با وبسایت «فرارو» اعلام کرده که «این جلسه‌هایی که مدیران برق کشور و مدیران شهر تهران و امثالهم با هم برگزار می‌کنند چه فایده‌ای دارد؟ این طرح جدید دولت برای کاهش ساعت کاری کارمندان در بهترین حالت ۵ تا ۶ درصد مصرف را کاهش می‌دهد.»

مسعود دانشمند افزوده «آن تصمیم‌گیری که برای ساخت آپارتمان‌های بلندمرتبه مجوز می‌دهند چرا فکری به حال وضعیت مصرف آب، برق و سایر انرژی‌ها نمی‌کنند؟ نمی‌شود که ظاهر شهر را مدرن جلوه دهیم و مدام برج و مجتمع‌های چند ده واحدی بسازیم اما در نهایت وقتی به مرحله بهره برداری و استفاده می‌رسیم، مثل عهد قاجار باشیم.»

عضو اتاق بازرگانی ایران تأکید کرده که «بطور طبیعی سالانه حدود ۷ تا ۸ درصد، رشد مصرف برق داریم. اما متأسفانه مسئولان به این وضعیت رشد، توجه کافی نشان نداده‌اند. درواقع در هیچ سالی نبوده که این ۷/۸ درصد را در بخش تولید رسماً افزایش دهیم. امسال افزون بر این مشکل، با مشکل نیروگاه‌های برق آبی مواجه‌ایم و این نیروگاه‌ها عملاً در دسترس نیستند. یعنی سطح آبی که پشت سدهای ما از جمله سد کرج است، پایین‌تر از سطح مورد نیاز نیروگاه‌ها است. بنابراین ما از نعمت نیروگاه‌های برق آبی نیز محرومیم.»

مسعود دانشمند تأکید کرده که «اکنون بهترین کار این است که با اعطای تسهیلات گسترده، نیروگاه‌های خورشیدی را توسعه دهیم. تمام شهرهای آفتاب خیز، از یزد تا اصفهان و کرمان، این امکان را دارند که میزبان نیروگاه‌های خورشیدی شوند.»

فرزین سوادکوهی کارشناس حوزه انرژی درباره شروع قطع مداوم برق در فصل بهار گفته «این مشکل ریشه در عدم توسعه و توسعه‌نیافتگی دهه‌های گذشته دارد.»

این کارشناس حوزه انرژی توضیح داده که «در تمام سال‌های گذشته و در همه دولت‌ها، تلاش بر این بوده است که قطعی [قطع برق] در بخش خانگی به وجود نیاید و برق صنایع را قطع می‌کردند، چون می‌دانستند اگر در بخش خانگی برق قطع شود تاوان اجتماعی دارد و واکنش‌های مشکل‌ساز ایجاد می‌کند؛ اما اکنون به نوعی کارد به استخوان رسیده که چاره‌ای ندارند زودتر بخش خانگی را وارد چرخه بی‌برقی کنند.»

فرزین سوادکوهی افزوده «واژه ناترازی مدت‌هاست که ورد زبان مسئولان مختلف شده است و از آن برای بیان مشکلات برق استفاده می‌شود، اما به نظر من با ناترازی مدیریتی مواجه شدیم که در همه‌ی حوزه‌های انرژی هم به آن دچار هستیم.»

او همچنین از تبعیض در خاموشی‌ها انتقاد کرده و گفته «در استان‌های جنوبی که اتفاقاً بیش از هر جای دیگر در فصل گرما به برق نیاز دارند، ساعات خاموشی بیشتر از پایتخت و استان‌های شمالی است. بی‌عدالتی از همینجا شروع شده و بعد که به تهران رسیده، خاموشی‌ها از مناطق جنوب تهران آغاز شده است که این رفتار عدالت اجتماعی را مخدوش می‌کند.»

قادر؛ (روایت‌های یک مددکار اجتماعی در آلمان؛ سرگذشت پناهجویانی که از جمهوری اسلامی فرار کرده‌اند)



مادر فرزند کمانگر با عکس پسرش

در مجموع چهار بار با قادر صحبت کردم و با سرگذشت‌اش آشنا شدم. دبیرستان را در شهر خودش در استان کردستان به پایان رسانده و برای ادامه تحصیل در دانشگاه به تهران رفته بود. چند بار در تجمعات اعتراضی دانشجویان شرکت کرده بود و به همین دلیل حراست دانشگاه احضارش کرده بود. به او اتهام همکاری با احزاب گرد زده بودند ولی او جواب داده بود که عضو هیچ گروه و حزبی نیست و اعتراض‌اش فقط صنفی بوده است.

اعدام فرزند کمانگر

بعد از پایان دانشگاه، قادر در شهر محل سکونت‌اش یک آموزشگاه زبان انگلیسی راه انداخت. همه چیز خوب پیش می‌رفت. تا اینکه در اردیبهشت سال ۱۳۸۹ فرزند کمانگر معلم مدرسه به همراه علی حیدریان، فرهاد وکیلی، شیرین علم‌هولی و مهدی اسلامیان در زندان اوین به دار آویخته شدند. قادر با تأثر گفت:

– فرزند معلم دبستان در روستاهای کردستان بود. از داخل زندان نامه‌هاش رو به بیرون می‌فرستاد و در تماس با بیرون از زندان، شعرها یا نوشته‌هاش رو می‌خواند، صدایش ضبط کرده و در اینترنت منتشر می‌کردند...
– بله، خبر دارم. بعضی نوشته‌ها و پیام‌های صوتیش رو هم شنیدم.

چشمان قادر پر از اشک شد و با صدائی گرفته ادامه داد:
– هنوز هم از خودم می‌پرسم آخه چرا؟ چرا اعدامش کردند؟ چه کرده بود؟ چه گفته بود؟ هر کسی نوشته‌های فرزند رو خوانده یا صدایش رو شنیده باشه می‌فهمه چقدر عاشق بچه‌ها و درس و زندگی بود. اهل خشونت نبود... حتی جسدش رو به خانواده‌ش ندادند... از چی می‌ترسند؟... مگه نمیگن ما برحقیم و مردمی هستیم؟! اگه اینطوره خوب چرا از مرده‌اش هم می‌ترسند؟ جسدش ←

– من «قادر» هستم، خیلی ممنون که تشریف آوردین برای من وقت می‌گذارین.
خواهش کردم که راحت باشد و گفتم که ترجیح می‌دهم هرچه خودمانی‌تر با هم صحبت کنیم.

تواضع چشمگیر

در همان آشنائی اولیه، ادب و تواضع برجسته‌ترین خصیصه‌ای بود که در رفتار قادر چشم را می‌گرفت. به او گفتم برایم مهم است با من راحت حرف بزنند تا هر سوالی می‌خواهم بدون محدودیت از او بپرسم. از مژگان خواهش کردم اتاق دیگری در اختیار ما بگذارد تا با هم راحت صحبت کنیم. مژگان گفت:
– میدونستم که لازمه تنها صحبت کنیم. بچه‌ها خونه نیست و میتونین توی اتاق بغلی صحبت کنیم.

به اتاق بغلی رفتیم. به قادر توضیح دادم که مصاحبه با اداره پناهندگی مهمترین قسمت از مراحل پناهندگی است و آماده شدن برای مصاحبه تعیین‌کننده است. پاسخ داد:
– مقالات شما در مورد پناهندگی و خوندن و متوجهم که چرا مصاحبه پناهندگی مهمه.

به او گفتم که ممکن است سوالات زیادی بپرسم. اما نه از سر کنجاوی، بلکه برای اینکه بتوانم جزئیات را از زاویه دید اداره امور پناهندگی و بازپرس مشاهده کنم. اینطور می‌توانم ارزیابی کنم شانس او چقدر است و نقطه قوت یا نقاط ضعف پرونده‌ی او در کجاست. از قادر خواهش کردم صادقانه به سوالها جواب بدهد وهرجا مایل به پاسخ نبود خیلی راحت مطرح کند. در پایان هم تأکید کردم که کمک به او را داوطلبانه و بدون هیچ چشمداشت انجام می‌دهم و اگر برای پیشرفت کار ملاقات دیگری هم ضروری بود، خواهم گفت.

● قادر بعد از پایان دانشگاه در شهر محل سکونت‌اش یک آموزشگاه زبان انگلیسی راه انداخت. همه چیز خوب پیش می‌رفت. تا اینکه در اردیبهشت سال ۱۳۸۹ فرزند کمانگر معلم مدرسه به همراه علی حیدریان، فرهاد وکیلی، شیرین علم‌هولی و مهدی اسلامیان در زندان اوین به دار آویخته شدند.

● خیلی‌ها از جمله قادر به علت پخش اعلامیه اعتصاب مناطق کردنشین در ارتباط با اعدام فرزند کمانگر دستگیر کردند و...

آنچه در این مجموعه می‌خوانید، از سرنوشت‌های واقعی الهام گرفته شده و به منظور حفظ حریم خصوصی، نام‌ها و جزئیات قابل شناسایی، تغییر یافته‌اند.

حنیف حیدرنژاد (قهرمان)

«قادر»

در سوپرمارکت مشغول خرید بودم که خافی از پشت سر صدایم زد. برگشتم و به او نگاه کردم. بجا نیاوردم. پرسیدم:
– شما؟

– مژگان هستم...

– مژگان...؟

دقیق‌تر به خطوط چهره‌اش نگاه کردم:
– آها... بله... مژگان... چطورین؟ ببخشین که اول نشناختم...

– شاید به خاطر عینکمه. قبلا عینک نمی‌زدم... موهای سرم هم که خیلی کوتاه شده و رنگ کردم...

– آره، واقعا عجب دنیائی!... چند سالی میشه که همدیگه رو ندیدم، پنج سال، شش سال...

– نه، الان نه سال میشه، شاید هم ده سال...

– نه سال؟ چقدر سریع می‌گذره...

اینجوری سر صحبت باز شد تا اینکه با هم به صف صندوق سوپرمارکت رسیدیم.

بعد از خروج از فروشگاه، مژگان با همان چرخ خرید به طرف ماشین‌اش رفت و پرسید:

– می‌خواین برسوختون خونه؟

– ممنون، بارم سنگین نیست... بهتره کمی هم پیاده برم، برام خوبه...

به طرفم آمد و گفت:

– عجب تصادفی که امروز شما رو دیدم... یکی از فامیل‌هامون تازه از ایران اومده. می‌خواه درخواست پناهندگی بده، امیدوار بودم قبل از مصاحبه‌اش شما رو پیدا کنم.

با مژگان قرار گذاشتم که دو روز بعد به خانه‌اش بروم. روز موعود بعد از پایان کار به خانه مژگان رفتم. در را باز کرد و به داخل خانه راهنمائی‌ام کرد. وارد اتاق نشیمن که شدم، مرد جوانی حدوداً ۳۰ ساله، از جا بلند شد و مؤدبانه سلام کرد. حلقه‌هایی از موهای فرفری‌اش روی پیشانی و چشم‌هایش را پوشانده بود. هروقت حلقه موئی را کنار می‌زد جای یک شکستگی یا بریدگی روی پیشانی نمایان می‌شد. نسبت به قد متوسط مردان ایرانی کمی کوتاه‌تر به نظر می‌رسید، بازوان ورزیده و قامت ورزشکاری داشت. با هم دست دادیم و خودم را معرفی کردم. باز مؤدبانه گفت:

➡ رو به خانواده‌اش ندادند؛ حتی نگفتند کجا خاکش کردند. دایه سلطنه، مادر فرزاد چقدر فریاد زد... جگر آدم خون میشه وقتی صحبت‌های این مادر رو میشنوه... قطره‌های اشک از چشم قادر سرازیر بود. صدایش پر از بغض بود و اندوه. گفتم اگر مایل است کمی استراحت بدهیم تا آبی به سر و صورتش برزند. تشکر کرد و به دستشویی رفت. وقتی برگشت چشم‌هایش سرخ بود. با صدای گرفته ادامه داد:

- معذرت می‌خواهم ناراحت‌تون کردم.

- راست میگید. هرکسی صدای فرزاد و صحبت‌هایش را شنیده باشه می‌فهمه چقدر انسان شریفی بود. حیف که این رژیم جنایتکار چنین فرزندی رو از ایران میگیزه. واقعا فرزاد می‌تونست معلم برجسته‌ای برای انساندوستی باشه.

قادر تعریف کرد: بعد از اعدام فرزاد، زندگی من عوض شد. دیگه خواب و خوراک نداشتم. کار معنیش رو از دست داده بود. از خودم می‌پرسیدم کار میکنی برای چی؟ وقتی اینهمه بی‌عدالتی رو میبینی چرا ساکتی؟ وقتی اعلام شد که قراره در اعتراض به اعدام فرزاد و یارانش در شهرهای گردنشین اعتصاب عمومی برگزار بشه به خودم گفتم که حالا تو هم اگه میتونی کاری بکن! اینطوری بود که با چند نفر دیگه اعلامیه‌های مربوط به اعتصاب عمومی رو چاپ کردیم و پخش کردیم. این کمترین کاری بود که می‌شد کرد. همه چیز خودجوش بود، ما گروه خاصی نبودیم و با حزب یا سازمانی هم ارتباط نداشتیم.

آن شب صحبت‌ها را در همینجا تمام کردیم. در جلسه بعدی قادر آنچه را در پی آمد شرح داد:

- انصافا مردم شهرهای گردنشین سنگ تمام گذاشتند. با وجود همه خطرها، اعتصاب عمومی در سطح وسیعی برگزار شد. رژیم فهمید تا کجا منفور مردم است و مردم هم دیدند که تنها نیستند. روحیه گرفته بودند. بعد از اون اعتصاب بود که نیروهای سپاه و اطلاعات خیلی‌ها رو در شهر و روستاهای شهرهای گردنشین دستگیر کردند. منو هم اطلاعات سپاه دستگیر کرد. از این شهر به اون شهر می‌فرستادند. هر کسی یه چیزی می‌گفت. فحش و دشنام می‌دادند و با پوتین به ساق پاهام می‌زدند. دو روز اول چیزی برای خوردن ندادند. هربار از نو بازجویی می‌کردند. من همه چیز رو منکر می‌شدم. حتی می‌گفتم از تو عکس داریم که در گُردستان عراق بودی و میدونیم رابط دموکرات و کومله هستی! خودت حرف بزنی بهتره تا ما مجبوریت کنیم. می‌گفتم به روح مادر بزرگم هیچوقت در گُردستان عراق نبودم. ولی هنوز جمله‌م تمام نشده، از چپ و راست به سر و صورتم می‌کوبیدند.

«چاله سرویس»

قادر یک بار دیگر به بالکن رفت و سیگار کشید. وقتی برگشت حرف‌هایش را از سر گرفت:

- نمیدونم شما هیچوقت زندان بودین یا بازداشت شدین؟ وقتی چشمات بسته‌ست و نمیدونی از کجا می‌خوری خیلی ناجوره. اصلا آمادگی نداری. در اون اتاقی که بودم دو نفر از چپ و راست سوال پیچم می‌کردند. یکی از یکی بدتر... اصلا رحم و انسانیت حالشون نبود و مهم نبود که مشت و لگدشون به کجا می‌خوره. وقتی می‌گفتم بابا من همه این سوال‌ها رو جواب دادم، با لگد می‌کوبیدند توی شکم و پهلو، یا با مشت به سر و صورتم می‌زدند و می‌گفتند حرف‌هایی که زدی قبول نیست، از نو باید تعریف کنی... دهنم پر از خون شده بود. از همون موقع گوش چپم آسیب دید و الان از این طرف

خوب نمی‌شنوم.

قادر لیوان آبی را که روی میز بود پر کرد. به من تعارف کرد و لیوان را تا نصفه سر کشید. قطره‌های اشک را که از گونه‌هایش پائین می‌آمدند با دستمال کاغذی پاک کرد و پرسید: اشکال نداره پنجره رو کمی باز کنم؟ پرسیدم آیا می‌خواهد که ادامه گفتگو را برای جلسه دیگر بگذاریم. با صدای بغض آلود گفت:

- نه، بذارین همین امشب همه چیز رو بریزم بیرون...

قادر برافروخته شده بود و چشم‌هایش دوباره از اشک پر بود. کنار پنجره رفت و چند دقیقه‌ای آنجا ایستاد. چند بار نفس‌های عمیق کشید. عاقبت پنجره را بست و به طرف من برگشت و حرفش را از سر گرفت:

- بعد از دو بار جابجائی، به سپاه بیچار منتقلم کردند. در این جابجائی‌ها چشم‌بند داشتم، اما بعدا فهمیدم اونجا، اطلاعات سپاه بیچار بوده. از همه جا بدتر بود. بیشتر از کتک‌هایی که می‌خوردم صدای فریاد بقیه آدم‌هایی که شکنجه می‌شدند و نمی‌دیدم عذابم می‌داد. می‌گفتم بابا مگه شما مسلمان نیستین؟ مگه من چکار کردم؟ بازجوها به من می‌خندیدند و می‌گفتند که حالا توی سگ‌پدر می‌خواهی به ما درس اسلام و مسلمونی بدی؟!

قادر با همان صدای بغض آلود به آرامی ادامه داد:

- اون شب اونقدر منو زدند که روی همون صندلی که نشسته بودم از حال رفتم... حساب روز و ساعت از دستم در رفته بود...

حس می‌کردم ادامه صحبت برای قادر سخت شده. دهانش خشک شده بود و تَند تَند آب می‌خورد. باز به دستشویی رفت و یکبار دیگر برای کشیدن سیگار روی بالکن رفت. وقتی برگشت به او گفتم گرچه فردا تعطیل رسمی است و من سر کار نمی‌روم و می‌توانیم تا دیروقت به صحبت ادامه دهیم، اما فکر می‌کنم برای او بهتر باشد که دیگر ادامه ندهیم. تشکر کرد و گفت اگر امشب همه چیز را تعریف نکنی نمی‌تواند نفس بکشد. از من خواهش کرد کمی صبر و تحمل داشته باشم؛ و چنین ادامه داد:

- اون شب، توی اون سلول تاریک که بودم وقتی بیدار شدم غیدونستم که روزه یا شب. تمام بدنم درد می‌کرد و باید می‌رفتم دستشویی. چند بار با یا به در آهنی سلول کوبیدم و گفتم نیاز به توالت دارم. کسی جواب نداد. مثانه‌ام پُر بود و خیلی به من فشار می‌آورد. کمی بعد، یکمرتبه در سلول باز شد و دو نفر وارد شدند و با فحش و بد و بیراه دستم رو بستند و چشم‌بند به چشمهام زدن و کِشان کِشان بردنم. از ساختمان که خارج شدیم توی فضای باز هوای تازه رو نفس کشیدم. حال عجیبی بود. هوای تازه... از زیر چشم‌بند می‌دیدم که هوا تاریکه. دُور و بَر همه جا ساکت بود. هرچی می‌گفتم نیاز به توالت دارم، می‌گفتند داریم همونجا می‌بریمت. بالاخره وارد اتاقی شدیم که بوی روغن و گازوئیل می‌داد. با همون پاهای لخت و چشم‌های بسته از چند تا پله منو بردند پائین... زیر پاهام لیز بود و شونه‌هام به اینطرف و اونطرف می‌خورد. یکدفعه چشم‌بندم رو برداشتند. داخل یک چاله سرویس بودم؛ اونجا یک تعمیرگاه بود. از بالا، نور شدیدی توی صورتم می‌خورد. صورت‌ها رو نمی‌دیدم. چهار پنج نفر بالای چاله سرویس ایستاده بودند. می‌گفتم حالا مسلمونی یادت میدیم... بگو لعنت بر عُمَر... نمی‌فهمیدم چه خبره و چی شده و منظورشون چیه. پشت سر هم فحش می‌دادند و می‌گفتند: سگ‌پدر، به ما می‌خواهی درس اسلام و مسلمونی یاد بدی؟ بگو لعنت بر عُمَر!... هی همین رو تکرار می‌کردند. هرچه به خدا و

پیغمبر قسمشون می‌دادم، به من می‌خندیدند و می‌گفتند ببند اون دهن کثیف رو. اسم حضرت محمد رو نیار! و باز تکرار که بگو لعنت بر عُمَر... بعد یکی از اونها گفت: باید دهنش رو پر کرد، اینطوری آدم غیسه... همونطور که سَرَم بالا بود و اونها رو نگاه می‌کردم از بالا روی سر و صورتم ادار می‌کردند و بلند بلند می‌خندیدند و می‌گفتند: میگی لعنت بر عُمَر یا نه...؟!

قادر سکوت کرد. تیک تیک ساعت دیواری تنها صدائی بود که شنیده می‌شد. در حالی که اشک می‌ریخت سکوتش را شکست:

- تمام هیکل‌م بوی ادرار می‌داد، خودم هم خودم رو خیس کردم. گریه می‌کردم و فقط قسمشون می‌دادم که ولم کنند.

رفتم کنار قادر و بغل‌اش کردم. یکمرتبه بغض‌اش ترکید و با صدای بلند هق هق گریه را سر داد. آرام که شد باقی سرگذشت‌اش را گفت. یازده روز بعد از دستگیری، او را به شهر خودش بُرده بودند و در یک دادگاه فرمایشی و با تعیین وثیقه بالا آزاد کرده بودند. گفت:

- بعد از آزادی دیگه اون آدم سابق نبودم. سر شده بودم، ساکت و گوشه‌گیر. شاید هدفشون از اونهمه شکنجه و تحقیر همین بود. دیگه نمیتونستم ایران بمونم؛ به همین خاطر از کشور خارج شدم.

حال قادر آنقدر بد بود که ترجیح دادم آتشب در خانه تنهایش نگذارم. روز بعد به پارکی در همان نزدیکی رفتیم، یکی دو ساعت قدم زدیم و برگشتیم.

دو نوبت دیگر دیدار داشتیم. در صحبت‌های بعدی با او تمرکز را روی روند مصاحبه در اداره امور پناهندگی گذاشتم و نقاط ضعف و قوتش را تذکر دادم. از او خواهش کردم اگرچه در مصاحبه‌ای که خواهد داشت، گفتی دوباره‌ی همه‌ی چیزهایی که به من گفت برایش بسیار سخت خواهد بود، اما مهم است که بدون آنکه خودش را سانسور کند، با همان احساسی که با من حرف زد، با بازپرس حرف بزند و اگر گریه‌اش گرفت، خودش را کنترل نکند.

چند هفته بعد نوبت مصاحبه پناهندگی قادر رسید. به خوبی خودش را آماده کرده بود. وقتی پروتکل مصاحبه را خواندم به او گفتم که شانس خیلی بالائی برای قبولی‌اش می‌بینم. توضیح دادم که می‌توان از نوع سوال‌های انجام شده، نوع فرمول‌بندی جملات در پروتکل و نیز به خاطر سئوال‌هایی که می‌شده از او پرسید اما نپرسیده بودند؛ پس نتیجه گرفت که شانس قبولی بسیار بالاست.

بیست روز بعد از مصاحبه، جواب قبولی قادر آمد. از موارد بسیار نادری بود که اداره امور پناهندگی با این سرعت به پرونده رسیدگی و جواب مثبت داده بود. در آن زمان بطور متوسط ۹ تا ۱۲ ماه طول می‌کشید تا جواب مصاحبه اعلام شود.

قادر استعداد خوبی در یادگیری زبان داشت. خیلی باهوش بود و توانست به سرعت زبان آلمانی را یاد بگیرد. در فاصله کمتر از دو سال از زمان قبولی پناهندگی، پذیرش یک دوره آموزش فنی- حرفه‌ای را به دست آورد. به روان درمانگر مراجعه می‌کرد، ورزش می‌کرد و در مدت کوتاهی، به سرعت پله‌های موفقیت را یکی بعد از دیگری بالا رفت. آخرین باری که قادر را دیدم در یک شرکت بزرگ و معتبر مشغول گذراندن دوره کارآموزی بود و شانس خیلی خوبی برای استخدام در همانجا داشت.

* گفته‌های رد و بدل شده بیش از آن است که در این سرگذشت‌ها آمده.

تشکیل ۹۰ هزار پرونده کیفری در اعتراضات ۱۴۰۱

غلامحسین محسنی اژه‌ای رئیس قوه قضاییه جمهوری اسلامی روز سه‌شنبه ۱۶ اردیبهشت ۱۴۰۴ از تشکیل پرونده قضایی برای ۹۰ هزار شهروند در اعتراضات جنبش ملی ۱۴۰۱ خبر داد.

وی در دیدار با جمعی از مسئولان وزارت آموزش و پرورش گفته، در میان این افراد شماری دانش‌آموز، آموزگار و دانشجو حضور داشتند.

غلامحسین محسنی اژه‌ای مدعی شده که «اگر برای همه این افراد حکم محکومیت صادر می‌شد منجر به سوء استفاده دشمن می‌شد.»

او افزوده «از ظرفیت حوزه‌های علمیه، بسیج، دانشگاهیان و معلمان استفاده شد و طی گفتگوهایی که از طریق کارگروه‌ها با متهمان شد زمینه درخواست عفو بسیاری فراهم شد.

«شاهزاده رضا پهلوی:

مردم ایران دیگر تحمل ندارند و آماده‌ی در پیش گرفتن مسیر صلح بدون این رژیم جنایتکار هستند

پس از اعلام این خبر در «تلگراف» که منابع بریتانیایی به این روزنامه گفته‌اند دست‌کم یکی از افرادی که اخیراً در ارتباط با یک حمله تروریستی بزرگ در این کشور دستگیر شده، «ارتباطات نزدیک» و «بسیار خوبی» با جمهوری اسلامی دارد، شاهزاده رضا پهلوی officialrezapahlavi@ در رسانه‌های اجتماعی خود با اشاره به این موضوع نوشت: «دستگیری مأموران جمهوری اسلامی در بریتانیا، در آستانه‌ی یک حمله تروریستی دیگر، تأکیدی بر ضرورت اعلام سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به عنوان یک سازمان تروریستی است.

این رژیم بار دیگر ثابت کرد که رفتار خود را تغییر نخواهد

خسارت ۲۰ میلیارد دلاری ایران از پذیرفتن لوایح FATF

حسین سلیمی رئیس هیات مدیره انجمن سرمایه‌گذاری‌های مشترک ایرانی و خارجی اعلام کرده ایران به این دلیل که عضو اف‌ای‌تی‌اف نیست سالانه ۲۰ میلیارد دلار خسارت متحمل می‌شود. حسین سلیمی با اشاره به اینکه دولت و بخش خصوصی از وام‌های بین‌المللی که نهادهای اقتصادی جهانی در اختیار کشورها قرار می‌دهند محروم شده‌اند، گفته «این وام‌ها بسیار ارزان‌قیمت هستند و بهره پایینی دارند که فرصت رشد اقتصادی را برای کشورها فراهم می‌آورد. نمونه کشوری که توانسته استفاده مطلوبی از وام‌های بین‌المللی داشته باشد ترکیه است که گردش مالی آن ۳۰۰ میلیارد تا ۴۰۰ میلیارد در سال است.»

حبیب‌الله سیاری:

با تجهیزات فعلی نمی‌توانیم مقابل تهدیدات آینده بایستیم

حبیب‌الله سیاری رئیس ستاد و معاون هماهنگ‌کننده ارتش جمهوری اسلامی ایران یکشنبه ۱۴ اردیبهشت ۱۴۰۴ در یک سخنرانی هشدار داد: «باید خودمان را برای آینده آماده کنیم؛ با وضعیت فعلی و تجهیزات کنونی نمی‌توانیم در برابر تهدیدات آینده ایستادگی کنیم؛ نمی‌توانیم برنامه‌ها و تاکتیک‌های دفاع مقدس را بطور کامل در آینده به کار ببریم.» فرسودگی تجهیزات نظامی و دور ماندن از تکنولوژی‌های روز، نیروهای مسلح جمهوری اسلامی را به شدت آسیب‌پذیر کرده، هرچند که فرماندهان آنها مدعی‌اند در اوج آمادگی قرار دارند!

ریزش ۶۲ هزار واحدی بورس ایران

بورس ایران امروز شنبه ۱۳ اردیبهشت‌ماه ۱۴۰۴ با ریزش عمیق روبرو شد و اکثر نمادها قرمز شدند. شاخص کل بورس و اوراق بهادار با ریزش ۶۲ هزار واحد به رقم سه میلیون و ۱۱۶



ریزش ۶۲ هزار واحدی بورس ایران



شاهزاده رضا پهلوی:
مردم ایران دیگر تحمل ندارند و آماده‌ی در پیش گرفتن مسیر صلح بدون این رژیم جنایتکار هستند

اسرائیل هزاران نیروی ذخیره ارتش را فراخواند

به گزارش «وای‌نت»، ارتش اسرائیل چند هزار نیروی ذخیره خود را فراخوانده تا جایگزین نیروهای مستقر در مرز لبنان و کرانه باختری شوند. هدف از این اقدام، آزادسازی نیروها برای انجام حملات گسترده‌تر در نوار غزه عنوان شده است. منابع خبری گزارش دادند یک تهاجم احتمالی که ممکن است طی روزهای آینده آغاز شود، با هدف افزایش فشار بر حماس برای آزادی گروگان‌ها طراحی شده است.

در همین ارتباط بنیامین نتانیاهو نخست‌وزیر اسرائیل سفر خود را به جمهوری آذربایجان به تعویق انداخته است.

رضایی: ایران برای مقابله با اسرائیل «سلاح‌های ویژه» دارد!

سخنگوی کمیسیون امنیت ملی مجلس شورای اسلامی ادعا کرده است «جمهوری اسلامی علاوه بر اینکه دارای سلاح‌های ویژه‌ای برای مقابله با تهدیدهای رژیم صهیونیستی است، اشراف کاملی هم بر نقاط حیاتی و مراکز حساس سرزمین‌های اشغالی دارد.» ابراهیم رضایی ۱۳ اردیبهشت ۱۴۰۴ درباره احتمال حمله اسرائیل به تأسیسات اتمی در ایران به «دفاع‌پرس» گفت: «به نظر من نتانیاهو حرفی بی‌پایه‌ای زده چرا که رژیم صهیونیستی پیشتر در ماجرای وعده صادق ۱ و ۲ نشان داد که فاقد جرأت و توان اقدام عملی علیه ایران است.» او تهدید کرده است «اگر در سطح عالی کشور برای پاسخ اراده شود، نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران در کوتاه‌ترین زمان ممکن، پاسخی سخت، قاطع و جبران‌ناپذیر به رژیم صهیونیستی خواهند داد.»

حمایت جمهوری اسلامی از حملات موشکی حوثی‌ها علیه اسرائیل

مسئولان جمهوری اسلامی بلافاصله پس از حملات موشکی حوثی‌های یمن به اسرائیل، دیوارنگاره‌ای در میدان «فلسطین»



(میدان کاخ) با عبارت «همه اهداف در دسترس است؛ فعلاً موشک‌های یمنی!» نصب کرده‌اند تا ثابت کنند که از این حملات و بی‌ثباتی در منطقه و حوثی‌های تروریست که از آخرین گروه‌های نیابتی رژیم به شمار می‌روند که هنوز مشغول موشک‌پرانی هستند، حمایت می‌کنند. «آهنگ «فعلاً» با «موشک‌های یمنی» که جمهوری اسلامی تأمین می‌کند تا بعد رؤیا-کابوس موشکی و اتمی خودش به واقعیت تبدیل شود!

هزار واحد رسید. شاخص هم‌وزن بورس نیز با ریزش ۱۰ هزار و ۸۷۵ واحدی در ارتفاع ۹۳۳ هزار و ۷۲۳ واحدی قرار گرفت. شاخص کل هم‌وزن بورس نسبت به روز کاری گذشته ۱/۱۵ درصد کاهش یافت. تحلیلگران بازار سرمایه معتقدند ریزش شدید بازار بورس به علت لغو دور چهارم مذاکرات جمهوری اسلامی و دولت دونالد ترامپ است. این گفتگو قرار بود شنبه ۱۳ اردیبهشت در شهر رم پایتخت ایتالیا برگزار شود.

ایران با سخت‌ترین خشکسالی در ۵۰ سال اخیر روبروست

مدیرعامل شرکت آب و فاضلاب استان تهران می‌گوید، «خشکسالی‌ها به ویژه در دو سال اخیر سخت‌ترین خشکسالی ۵۰ سال اخیر محسوب می‌شود.» به گزارش ایلنا محسن اردکانی یکشنبه ۱۴ اردیبهشت ۱۴۰۴ عنوان کرد، «میانگین بارش‌های استان تهران در دوره درازمدت سالانه ۲۸۰ میلی‌متر به ثبت رسیده اما در پنج سال اخیر میزان بارندگی‌های سالانه تهران کمتر از این میزان و حتی به ۱۹۰ میلی‌متر رسیده و در سال آبی جاری نیز تا کنون تنها ۱۴۰ میلی‌متر بارندگی در استان تهران رخ داده است.»

آتش‌سوزی در سایت بازیافت زباله کیش

رئیس اداره آتش‌نشانی کیش اعلام کرد که روز چهارشنبه ۱۷ اردیبهشت ۱۴۰۴ بخش ورودی محوطه سایت بازیافت زباله در جزیره کیش دچار آتش‌سوزی و به دلیل وزش باد شدید حریق گسترده‌تر شد. علت این آتش‌سوزی اعلام نشده است.

ایران در یک قدمی خاموشی سراسری (black-out)

کمبود شدید برق طی روزهای گذشته وضعیتی بحرانی در کشور ایجاد کرده. جیره‌بندی برق بخش‌هایی به چهار ساعت در روز و گاهی دو نوبت در یک شبانه‌روز افزایش یافته و بخش صنعت و کشاورزی با قطع ۷ تا ۱۲ ساعته برق روبرو هستند.

مهدی عرب صادق کارشناس و تحلیلگر انرژی در شبکه «ایکس» هشدار داده: «شوربختانه وزارت نیرو راه حل ناترازی برق نیست و خود بخشی از مشکل شده است! در صورت تداوم سیاست‌های وزیر فعلی نیرو و سکوت مجلس [شورای اسلامی] و عدم اقدام رئیس‌جمهور، امسال خاموشی سراسری (black-out) بسیار قریب‌الوقوع است و این یک آبروریزی بزرگ برای صنعت برق در کشور است!»



ایران در یک قدمی خاموشی سراسری (black-out)

فرونشست‌های پایتخت مترو و بیمارستان‌های قدیمی را می‌بلعد؟

مهدی چمران رئیس شورای اسلامی شهر تهران، نسبت به تأثیرات فرونشست زمین بر ایمنی زیرساخت‌های شهری هشدار داد و گفت: «تونل‌های مترو امن هستند اما تا حدی می‌توانند در برابر فرونشست مقاومت کنند. فرونشست زمین در کشور وجود دارد و روی تونل‌ها اثرگذار است و به همین دلیل ما نگران هست.» وی همچنین به وضعیت خطرناک ایمنی در برخی بیمارستان‌های قدیمی اشاره کرده و گفته است: «بعضی از این بیمارستان‌ها از نظر ایمنی مشکل دارند. پیشنهاد شده این بیمارستان‌ها تعطیل یا جابجا شوند تا امکان بازسازی و بهبود ایمنی فراهم شود.»

اینترنت بی‌کیفیت و سانسور شده «گران» شد

روزنامه «هم‌میهن» از افزایش بی‌سروصدای قیمت اینترنت در ایران خبر داده و نوشته بررسی قیمت بسته‌های اینترنتی بلندمدت اپراتورهای تلفن همراه نشان می‌دهد که هزینه هر گیگابایت اینترنت همراه، با احتساب مالیات بر ارزش افزوده، به ۷ هزار و ۷۰۰ تومان رسیده است.

این در حالیست که پیش از افزایش نرخ اینترنت در دی‌ماه ۱۴۰۲، قیمت هر گیگابایت در بسته‌های بلندمدت حدود ۲ هزار تومان بود. بر اساس این گزارش، قیمت اینترنت همراه با افزایش بیش از سه برابری روبرو شده؛ افزایشی که بدون اطلاع‌رسانی شفاف و عمومی، به تدریج در قبض کاربران نمایان شده است!

پیش‌بینی بانک جهانی از افزایش تورم در اقتصاد ایران

جدیدترین برآورد بانک جهانی از تورم در اقتصاد ایران نشان می‌دهد شاخص تورم در سال جدید خورشیدی و تا دو سال آینده روندی افزایشی خواهد داشت و به بیش از ۴۰ درصد خواهد رسید.



پیش‌بینی بانک جهانی از افزایش تورم در اقتصاد ایران

درصد خواهد رسید. افزایش تورم سبب کاهش شدید قدرت خرید خانوار و عمیق‌تر شدن بحران‌های معیشتی مردم خواهد شد. بانک جهانی علت اصلی افزایش تورم در اقتصاد ایران را افزایش نرخ ارز و کسری بودجه دولت دانسته است. بانک جهانی توضیح داده «دولت وقتی با کسری بودجه مواجه می‌شود به قرض گرفتن از نظام بانکی روی آورده و این امر منجر به افزایش نقدینگی و تورم در اقتصاد می‌شود.»

تقلب در بازار برنج؛

برنج پاکستانی در بسته‌بندی برنج ایرانی!

رضا کنگری رئیس اتحادیه بنکداران مواد غذایی از روند تقلب در بازار برنج کشور توسط مافیاهای فعال در این حوزه خبر داده و گفته «شرکت‌های بزرگ قیمت برنج ایرانی را از ۱۰۰ هزار تومان تا ۱۹۰ هزار تومان بالا بردند. برنج پاکستانی که با ارز دولتی آمده و باید ۴۳ هزار تومان به مردم بفروشد را در کیسه برنج ایرانی می‌ریزند و به مردم می‌فروشند.»

رشوه به زنان برای رعایت حجاب اجباری!

محمدعلی موحدی کرمانی رئیس مجلس خبرگان رهبری فکر می‌کند اگر زنانی را که زیر بار حجاب اجباری نمی‌روند، بتوان تطمیع کرد، آنوقت آنها از این تحمیل استقبال خواهند کرد! او می‌گوید: «در خصوص مسئله حجاب قوانینی تصویب کنیم که برای افراد محجبه امتیاز قائل شود، از جمله تخفیف مالیاتی و بخشودگی جرائمی مانند جرائم رانندگی تعلق بگیرد، این امتیاز باعث می‌شود افراد به سمت حجاب تشویق شوند!» او نگفت برای زنانی که اصلاً بیکار هستند چه خواهد کرد تا اول کار کنند و بعد مالیات بدهند و بعد شاید با تخفیف مالیاتی تطمیع شوند! همچنین برای زنانی که اصلاً اتومبیل ندارند، چگونه ماشین می‌خرد و بعد آنها را به ارتکاب جرائم رانندگی تشویق می‌کند، تا بعد آنها نیز شاید تطمیع شده و حجاب اجباری را رعایت کنند! آیا غیر از این است که چنین فسیلهایی فقط می‌توانند با سرکوب و کشتار بر یک کشور حکومت کنند؟

۲۲۸۱ اتومبیل در انفجار «بندر رجایی» آسیب دیدند؛ ۷۰ درصد بیمه بدنه نداشتند!

مجید تقی‌لو معاون اتکایی بیمه مرکزی اعلام کرده «۲۲۸۱ دستگاه خودرو در محوطه بندر رجایی خسارت دیده‌اند که از این تعداد ۱۵۹۶ دستگاه خودرو متاسفانه بیمه بدنه ندارند.» وی با اشاره به اینکه ۷۰ درصد از اتومبیل‌های



۲۲۸۱ اتومبیل در انفجار «بندر رجایی» آسیب دیدند؛ ۷۰ درصد بیمه بدنه نداشتند!

آسیب‌دیده در این انفجار بیمه بدنه نداشته‌اند گفته فقط ۶۸۵ دستگاه اتومبیلی که بیمه بدنه داشتند خسارت دریافت می‌کنند. تقی‌لو افزوده «ممکن است که در محوطه بندر کامیونی در معرض موج انفجار و حریق قرار گرفته و راننده آن کامیون هم جان باخته یا مجروح شده است و طبیعتاً برای چنین مواردی فعلاً فردی برای پیگیری پرونده بیمه و دریافت خسارت مراجعه نمی‌کند.»

